

محمود متوسلی:

اگر به فکر رشد و توسعه هستید
ابتدا باید تغییر در باورها
محقق شود



عباس ولی:

مسلمان بودن اکثریت جمعیت ترکیه،
در جهت گیری اتحادیه اروپا نسبت
به این کشور تاثیرگذار است



پرویز کلینی:

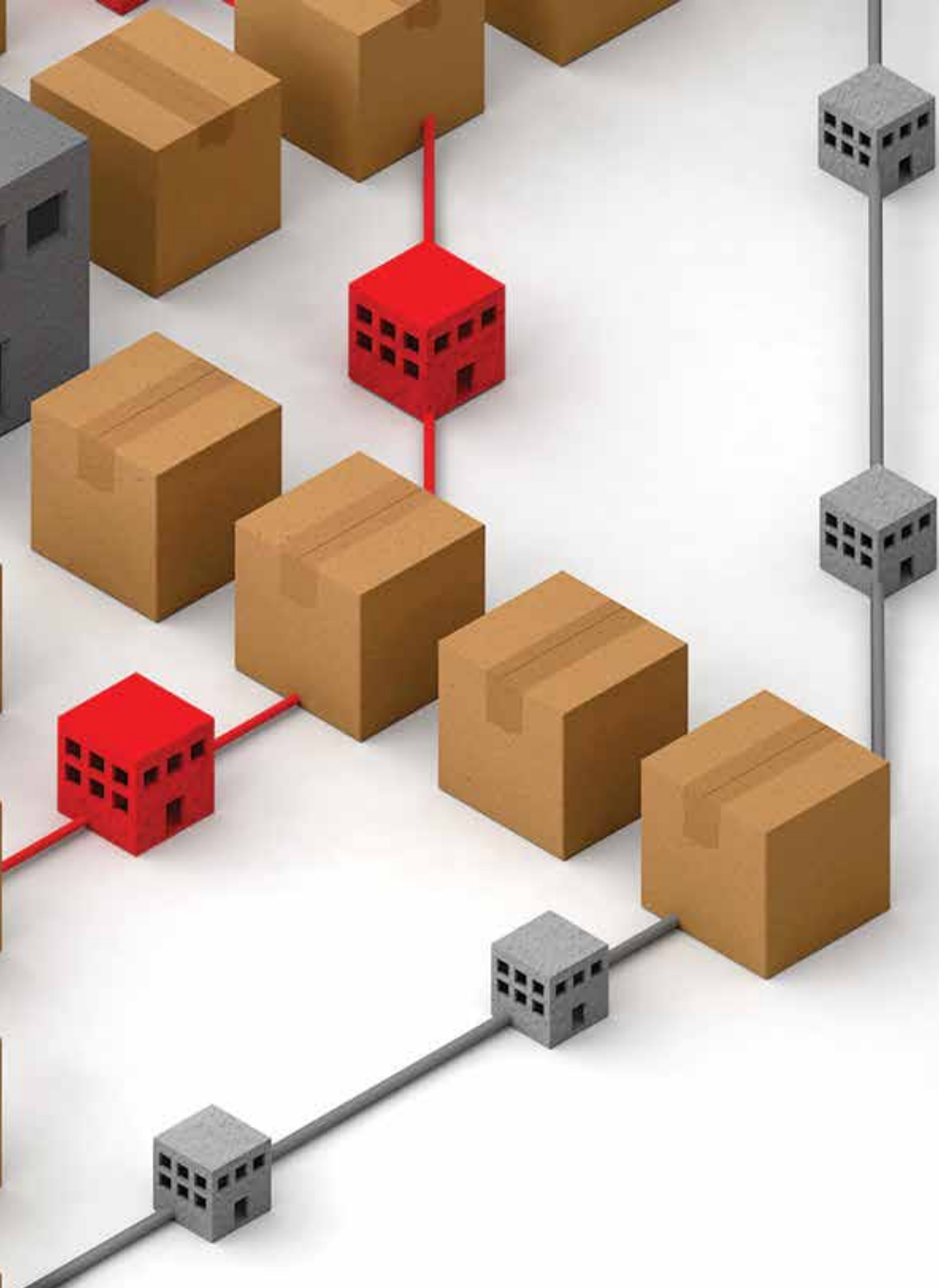
سیاست گذاری صریح و شفاف
و مبارزه گسترده با فساد:
دو گام اساسی رشد و توسعه اقتصادی



کارایی ماهنامه اقتصادی ۳۵

در حسرت زمان از دست رفته از دریاچه تا کویر ارومیه

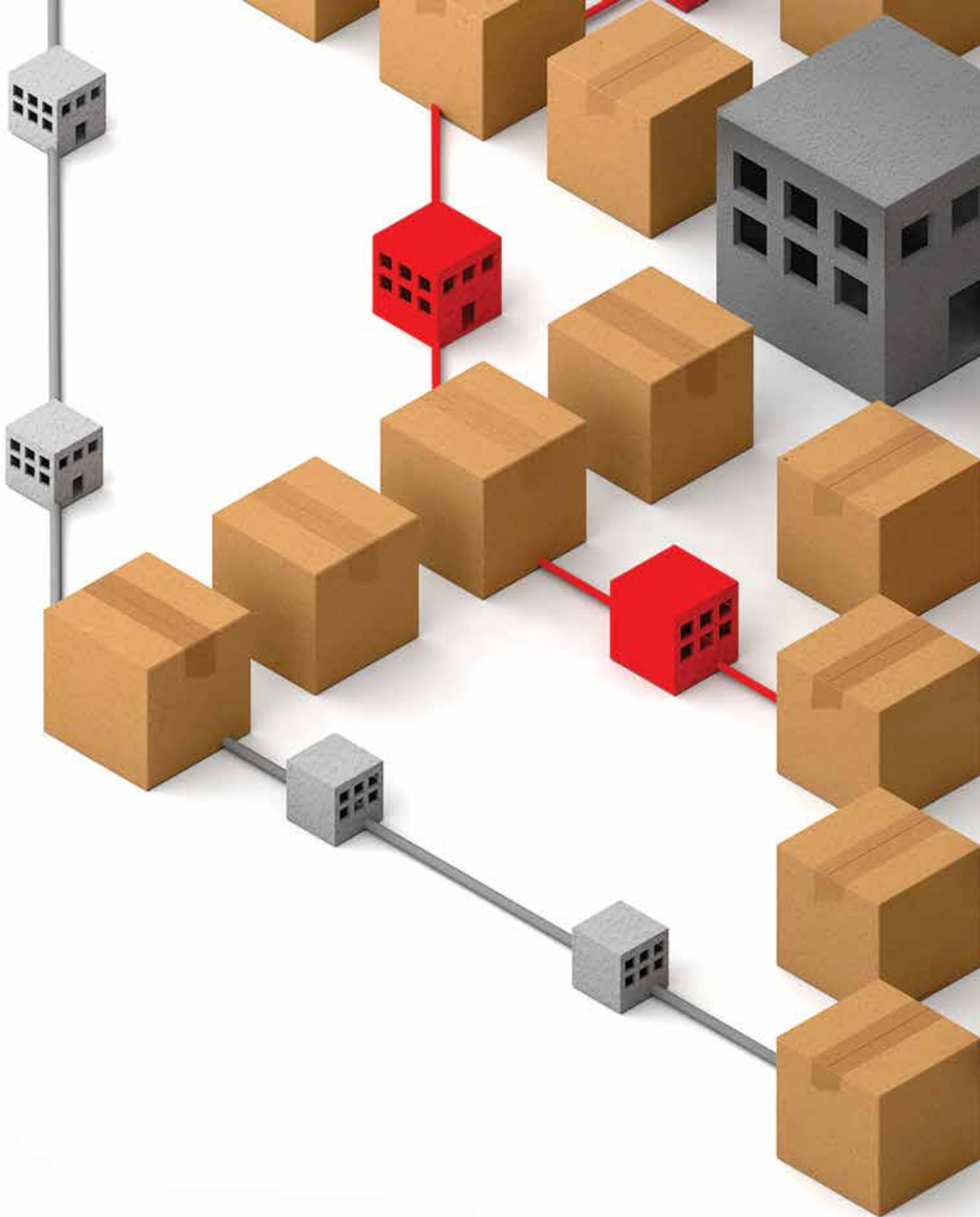




از امروز تا همیشه

راهکار تخصصی پخش مویرگی همکاران سیستم

- ◆ مدیریت یکپارچه شعب
- ◆ اعمال در لحظه سیاست‌های فروش و پروموشن
- ◆ سفارش‌گیری، توزیع و وصول آنلاین با موبایل سرویس
- ◆ داشبوردهای مدیریتی





Metropol
Eğitim Kurumları
Metropol Educational Institutions



سازمان مدیریت صنعتی
نماینده‌گی آذربایجان شرقی

نماینده‌گی انحصاری موسسه آموزشی و انتشاراتی
متروپل ترکیه در تبریز

دوره های آموزشی آمادگی آزمون های:

YÖS

SAT

2018

TÖMER

ALES

اردبیل

۰۴۵-۳۳۷۴۹۳۱۴

تبریز

۰۴۱-۳۳۳۷۹۹۵۵-۸





سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گمی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

کارگاه آموزشی مسئولیت شغلی

The control Theory manager

محتوای دوره:

- مسئولیت شغلی چیست؟
- آیا شغل فقط برای پول است؟
- افکار منفی درباره شغل چه آسیبی به ما می زند؟
- در برابر بی مسئولیتی چه واکنشی باید نشان داد؟
- مسئولیت پذیری شغلی چه تاثیری در زندگی و جامعه دارد؟
- تفاوت کشورهای پیشرفته و عقب مانده در مسئولیت شغلی چیست؟

مدت دوره: ۲۰ ساعت

شهریه دوره: ۲,۳۰۰,۰۰۰ ریال

زنجان

۰۲۴-۳۳۴۴۰۹۸۷

اردبیل

۰۴۵-۳۳۷۴۹۳۱۴

ارومیه

۰۴۴-۳۳۴۶۶۱۵۰

تبریز

۰۴۱-۳۳۳۷۹۹۵۵-۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه اقتصادی کارایی

گزیده بیانات مقام معظم رهبری



یکی از ارکان اقتدار کشور، اقتدار اقتصادی است و در اقتدار اقتصادی، یکی از عناصر تشکیل دهنده عمده عبارت است از قدرت پول ملی؛ یعنی پول ملی بایستی قدرت خرید داشته باشد و برای شهروندان، برای دارندگان آن پول، ثروت ایجاد کند. اگر چنانچه ما بر اساس سیاست‌های اجرایی غلط، تصمیم‌گیری‌های نادرست، بی‌مبالاتی‌های گوناگون، به وضعی رسیدیم که پول ملی همین‌طور روزبه‌روز تنزل کرد و پایین رفت، این عقب‌رفت است، این پس‌رفت است. باید این را مشخص کنیم و بر اساس این، مطالبه تنظیم کنیم، مطالبه تعریف کنیم. این مطالبه می‌تواند مثلا از دولت باشد، می‌تواند از مجلس باشد.

یا یکی از چیزهایی که از اول در انقلاب مطرح بوده است، مساله عدالت است. عدالت یعنی کم کردن فاصله بین فقیر و غنی در کشور و مبارزه با فقر در کشور و تقسیم درست ثروت در کشور. این غیر از تفکرات مارکسیستی است؛ این غیر از تساوی و برابری‌ای است که سوسیالیست‌ها یا کمونیست‌ها بیان می‌کنند؛ این نظر اسلام است؛ منابع اسلامی و مدارک اسلامی همه تأیید و تأکید می‌کنند بر این معنا.



۱۱

۱۰

سرمقاله

۸ چرا ششم شدیم؟

یادداشت

۹ پیرغلامان دربار اباعبدالله الحسین (ع)

پرونده از دریاچه ارومیه تا کویر ارومیه

۱۱ بررسی پیامدهای احتمالی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و سلامت خشک شدن دریاچه ارومیه
گزارش میزگرد کارایی با حضور کارشناسان

۲۲ بررسی و تحلیل تامین و بهره‌برداری بهینه از منابع آبی استان آذربایجان شرقی

۲۵ معیشت جایگزین و کشاورزی اقلیم هوشمند، راهبردهای سازگاری با بحران دریاچه ارومیه

۳۶ حوضه دریاچه ارومیه: آب، تهدیدها، چالش‌ها و راه‌کارها

۲۹ خشک شدن دریاچه ارومیه جزو بحران‌های دست‌ساز بشر است

۳۰ استحصال نمک از دریاچه ارومیه بدون توجه به مسائل زیست محیطی؛ نعل کشی از اسب مرده!

پرونده چالش‌های شهری

۳۳ چالش درآمد پایدار برای شهرها

۳۴ چالش شکاف طبقاتی در شهر

۳۵ چالش عدم بهره‌گیری موثر از ظرفیت‌های نخبگان در شهر

۳۶ چالش حمل و نقل عمومی و مدیریت ترافیک در شهر

۳۷ چالش فساد اداری و سیستم ناکارآمد انتصابات

۳۸ چالش علم‌گریزی در شهر

۳۹ چالش رانت جویی و توزیع رانت

۴۰ چالش بافت‌های فرسوده شهری

۴۲ تاملی در باب مفهوم شورا و مدیریت شهری



۴۴

۴۰

ماهنامه کارایی . سال نهم . دوره جدید .
شماره ۳۵ . مهر ۱۳۹۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

توفیق رسولی مجارشین

سر دبیر:

محمد حسن خیرآور

دبیر تحریریه:

الناز علیزاده اشرفی

دبیر اجرایی:

پری مقدس

شورای سیاستگذاری:

دکتر محمدباقر

بهشتی، دکتر فرخ مسجدی، دکتر داود

بهبودی، غلامعلی حیدرنیا فتح آبادی،

حمیده علیزاده اشرفی، احد عابدینی بیرنگ،

جواد جهانگیر

تحریریه:

دکتر علیرضا بافنده زنده، دکتر

صمد عالی، دکتر فرزاد ستاری اردبیلی،

دکتر اسماعیل مردانی گیوی، محسن افسر

قره باغ، امیرکریم زادشرفی

همکاران این شماره:

شهرزاد تهامی نسب،

فهییم مطوری، اصغر فیضی پور، سپیده

جلالی، غلامرضا سبحانی، محمدسعید

کرم زاده، مهدیه محمدپور ترکایش، آصف

حاجی زاده، داود حمیدی رزی، جواد رنجبر

درخشی لر، حبیب الله آقامحمدی، رحیم

زایزکعبه، بهنازالسادات واعظ مدنی، پرویز

کلینی، محمد مسافری، حامد سبزیچی،

طاهره ملکی، آناهیتا جباری، سجاد رستمی،

فاضل نادری، حامد احمدزاده، حجت

محمدی ترکمانی، ابودر سلامی بیرامی،

عارف نریمانی، اکرم اکبری، فائزه درخشانی،

مرتضی کرمی

با سپاس از همکاری:

امیر صادقی اقدم،

جواد یعقوبی، حسن ولی لو، فاطمه حامد

نعما، مرضیه بلوکی، بهروز نجفی

دفتر مرکزی:

تبریز، خیابان سعدی، ۸ متری

شهید ستاری، بن بست اول، سمت چپ،

پلاک ۷، کدپستی ۵۱۷۳۹۵۳۸۳۹

دفتر نشریه:

تبریز، کوی پرواز، خیابان شهید

بابایی، کوچه شبنم ششم، پلاک ۳۲

تلفن: ۰۴۱-۳۳۳۳۳۶۰

دفتر تهران:

خیابان خالد اسلامبولی

(خیابان وزراء)، نبش خیابان سی و یکم، پلاک

۱۵۱، تلفن ۰۲۱-۸۸۷۷۲۲۷۹

تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۴۱۴۷۲

چاپ:

امید نشر و چاپ ایرانیان

تلفن: ۰۲۱-۵۵۲۷۵۷۷۰

وب سایت کارایی:

www.karayionline.com

پست الکترونیک:

karayi.magazine@gmail.com

کانال رسمی کارایی در تلگرام:

Telegram.me/karayi

صفحه رسمی کارایی در اینستاگرام:

Karayi.magazine

۱- کارایی آمادگی دارد تا پذیرای نقطه نظرات

همه صاحب نظران باشد.

۲- مطالب منتشر شده لزوماً بیانگر دیدگاه‌های

این نشریه نمی باشد.

۳- کارایی در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی

با نظر صاحبان اثر آزاد است.



روز صادرات

۴۴ بازل فروپاشیده صادرات در ایران

اقتصاد

۶۱ پنج راه برون رفت از وضعیت فعلی اقتصاد

تاریخ و اقتصاد

۴۸ کشتی‌های یک دریاچه

نگاهی کوتاه به کشتیرانی دریاچه ارومیه در عصر قاجار

گزارش

۹۹ نگرشی دیگر به خلاقیت و توسعه اقتصادی

گزارش سخنرانی دکتر محمود متوسلی، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

کسب و کار

۵۲ کارآفرینی اجتماعی؛ هدف یا مسیر؟

سیاست

۵۳ مسلمان بودن اکثریت جمعیت ترکیه، در جهت گیری اتحادیه اروپا نسبت به این کشور تاثیرگذار است

گفت‌وگوی کارایی با عباس ولی استاد علوم سیاسی

گردشگری

۵۵ نقش رسانه‌ها در تبلیغ رویداد گردشگری تبریز ۲۰۱۸

جمعه

۵۷ تحصیل زنان، روزنی به سمت خانه نشینی یا پنجره ای رو به «مشارکت اجتماعی»؟

صفحات سبز

۵۸ مدیریت سبز پسماند نذورات ماه محرم و صفر

منطقه آزاد تجاری صنعتی ارس

۶۰ مناطق آزاد به فکر جذب منابع از فاینانس ۲۵ میلیارد دلاری باشند



چرا ششم شدیم؟

زمانی که در مورد شهر تبریز صحبت می‌کنیم بدون اغراق در مورد شهری صحبت می‌کنیم که تاریخ از دادن اطلاعاتی دقیق و جامع در مورد آن ناتوان است. اگر از اساطیری که شهر تبریز را «جنت عدن» و محل زندگی حضرت آدم و حوا (ع) می‌شمارد بگذریم، این شهر در تاریخ مدون جهان، جایگاه بسیار رفیعی داشته و پایتخت سلسله‌ها و امپراطوری‌های بزرگی بوده است. شاید هیچ شهری پایتخت کشوری به وسعت امپراطوری ایلخانان که شهر تبریز مرکز و پایتخت آن بوده، نبوده است. در مقاطعی از زمان، شکوه و رونق شهر تبریز به حدی بوده که پنجمین شهر بزرگ جهان و هم‌ردیف با شهر استانبول بوده است. اگر نگاهی به تاریخ معاصر داشته باشیم، نیز قبل از انتخاب شهر تهران به پایتختی، شهر تبریز بزرگ‌ترین شهر ایران محسوب می‌شده است و در زمان قاجار نیز علاوه بر ولیعهدنشینی، تبریز شهر دوم ایران بوده است.

متأسفانه بعد از حوادث انقلاب مشروطه و پایداری مردم تبریز در برابر استبداد و تصرف شهر تهران توسط مجاهدان آذربایجان و مشخص شدن نقش این شهر در تاثیرگذاری بر تاریخ و سرنوشت حکومت‌ها و در زمان پهلوی، به زوال فرهنگ و زبان آذربایجان اهتمام ورزیده شد و نقش و جایگاه شهر تبریز از یک شهر بازرگانی و تجاری که نبض اقتصاد ایران در آن می‌تپید و مبداء ورود کالاها و اجناس از اروپا و روسیه محسوب می‌شد، به شهری صنعتی آن هم صنعت از نوع مونتاژ تغییر یافت. این تبدیل نقش شهر تبریز از شهری بازرگانی و تجاری به شهری صنعتی باعث تنزل جایگاه شهر تبریز شد و تاثیرات ملی و منطقه‌ای این شهر را به شدت تحت الشعاع قرار داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که نقش مردم تبریز در به ثمر رسیدن آن بسیار شاخص و ممتاز بود، نیز متأسفانه سیر افت و نزول این شهر از جایگاه دومی شروع شده و در چهار دهه گذشته همواره ادامه یافته تا هم اکنون که رتبه این شهر به رتبه ششم تنزل یافته است.

اگر به دنبال دلایل این مهم باشیم، می‌توانیم به تحولاتی که پس از پیروزی انقلاب روی داد اشاره کنیم. شروع جنگ تحمیلی و مهاجرت، ورود مهاجرین افغانی به کشور باعث به هم خوردن وضعیت جمعیتی شهرهای مهم ایران مانند اصفهان و مشهد شد. به هر روی سیاست‌های دولت‌ها در رشد و ترقی یا افت و زوال شهرها تأثیری غیرقابل انکار دارد. سیاستی که از زمان رضاشاه آغاز گردید و تنزل جایگاه شهرهای آذربایجان در مقابل شهرهای ایران مرکزی را در پی داشت، پس از پیروزی انقلاب نیز به گونه‌ای دیگر به دلیل وقوع جنگ و تغییر محور توسعه کشور از غرب و شمال غربی به محور مرکزی ایران سبب شد تا روند تنزل جایگاهی شهر تبریز ادامه یابد.

از طرف دیگر قدرت چانه زنی این شهر در ارکان دولت نیز در

سال‌های اخیر جایگاه مناسب و در خور شان این شهر نبوده است. به عنوان مثال در کابینه دولت‌های مختلف، هیچ وزیری از آذربایجان و شهر تبریز نبوده است. یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی این شهر غالباً همواره مسائل جناحی را مدنظر قرار داده و تلاش خود را صرف پیشرفت و آبادانی این منطقه نکرده‌اند. این روند در خصوص اعضای شورای شهر تبریز نیز به چشم می‌خورد. این در حالی است که تبریز بنیان‌گذار شورای شهر در ایران بوده است. البته در این مورد نقش مردم تبریز نیز در این تنزل جایگاه قابل توجه است.

اینکه در آینده می‌توانیم به جایگاه از دست رفته خود برگردیم یا نه، واقعا به مشارکت مردم بستگی دارد. متأسفانه در سال‌های گذشته بدون توجه به توان‌های محیطی و آمایش سرزمین شهرهای ایران مرکزی به شکل لجام گسیخت‌های شکل یافته‌اند. وقوع خشکسالی‌های اخیر قوام و بقای بسیاری از این شهرها را تهدید جدی می‌کند و این مخاطرات طبیعی توجه مجدد مسئولین را به مناطق آذربایجان سبب خواهد شد؛ به طوری که به عنوان مثال انتقال پایتخت از تهران به تبریز نیز مورد توجه بوده است.

موقع و مقرر شهر تبریز به گونه‌ای است که هیچ شهر دیگری نمی‌تواند با این مزیت نسبی تبریز برابری کند. فرمایش مقام معظم رهبری در این خصوص که آذربایجان سر ایران است، این مفهوم را در خود نهفته دارد. وجود افراد کارداران در تصمیم‌سازی‌های مهم قابل توجه است. محدوده سیاسی شهر تبریز به گونه‌ای ترسیم شده که برخی از شهرهای پیرامونی آن مانند باسمنج یا سردرود از محدوده قانونی آن خارج شده و در جمعیت شهر تبریز لحاظ نمی‌گردند، این در حالی است که برخی از شهرهای رقیب تبریز محدوده قانونی خود را چنان تعریف کرده‌اند که شهرهای اقماری را نیز شامل شده و امکانات و جمعیت آن‌ها نیز در شمار شهر اصلی قرار می‌گیرد و به لحاظ سرشماری جمعیت می‌توانند فاصله خود را با تبریز جبران کرده و حتی فراتر روند.

می‌توان امیدوار بود که با بذل توجه بیشتر دولت‌ها نسبت به این منطقه و با وجود توان و ظرفیت‌های محیطی و با انتخاب استانداران لایق و کارداران و نمایندگان هوشیار و زیرک و با انتخاب شایسته و به جای اعضای شورای شهر، فرصت‌های از دست رفته جبران و تبریز به جایگاه واقعی خود بازگردد.

خلیل ولی‌زاده کامران
عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

پیرغلامان در بار اباعبدالله الحسین (ع)

السلام عليك يا اباعبدالله



اصغر فیضی پور

مدرس دانشگاه

از جمله مهم‌ترین و زیباترین آموزه‌های اسلامی که مورد سفارش و تأکید فراوان قرآن و اهل بیت (ع) بوده است، موضوع اخلاص و خداپاوری در زندگی است. یک انسان موحد و خداپرست که خود را پیرو راستین دین اسلام می‌داند، لازم است در زندگی، هدفی جز رضایت و تقرب به سوی حضرت معبود نداشته باشد و کارهای خود را برای حضرت احدیت خالص نماید. رعایت این شاخص دینی موجب می‌شود که انسان هیچ‌گاه پای خود را از حدود الهی فراتر نگذارد و خود را کاملاً تسلیم محض باری تعالی نماید. خداوند متعال در قرآن کریم سخن از انبیاء راستین خود آورده که به درستی این مطلب را در زندگی خود رعایت کرده‌اند. « قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَخْيَابِي وَمَمَاتِي لِيَلَهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ [انعام/۱۶۲] بگو: «نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.»

با بررسی و تحقیق در سیره و روش زندگی مبارک سرور و سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام)، به خوبی می‌توان این شاخص ارزشمند دینی را مشاهده کرد.

حال به تاسی از سرور و سالار شهیدان و ناخدای کشتی نجات امام حسین علیه‌السلام، پیرغلامان حضرتش در ترویج و تبلیغ فرهنگ و شاخص‌های ارزشمند دینی به ویژه فرهنگ غنی عاشورا نقش مهمی داشته و راویان و حافظان اصیل فرهنگ محرم و صفر بوده‌اند که بدون حضور این بزرگواران حق مطلب در این خصوص آن گونه که باید ادا نمی‌شد. می‌توان گفت که شناخت مکتب قرآن و عترت پیامبر اکرم (ص) و حضور میلیونی مردم، همراه با این شور و شوق مثال‌زدنی در عزاداری‌ها حاصل تلاش‌های پیرغلامان حسینی در تبلیغ فرهنگ عاشورا بوده است.

پیرغلامان حسینی که روایت‌ها و فرهنگ عاشورایی را از گذشته به نسل ما و آیندگان منتقل می‌نمایند، گنجینه پرهمری از ولایت در سینه‌شان ذخیره شده که محصول عمری خدمت در آستان همایونی و مقدس حضرت سیدالشهدا (ع) است. از این روی لازم است این گنجینه از سینه‌های آنان استخراج شده و به صورت مکتوب و مستند درآید.

زندگی‌نامه و روش و منش پیرغلامان امام حسین (ع) تأثیر مستقیمی بر رفتار و گفتار و منش نسل جوان دارد. این منش به جوانان کمک می‌کند تا در انتخاب راه زندگی خود از مولا و مقتدای این

پیرغلامان و پیشکسوتان حسینی آگاهانه تاسی کنند و در مسیر دین ثابت قدم باشند و پیام ارزشی عاشورا به نسل‌های آینده انتقال دهند.

همان‌گونه که تجلیل و تقدیر از سایر بزرگان و نخبگان علمی و هنرمندان در جشنواره‌ها و همایش‌ها یک راهبرد تلقی می‌شود، باید از پیرغلامان حسینی که در راستای اشاعه فرهنگ عاشورایی و به عنوان مبلغین دین نبوی تلاش می‌کنند نیز تقدیر شود.

پیرغلامان حسینی که عمر گرانیامیه و پرپرکت خویش را در مکتب قرآن و عترت سپری نموده‌اند، فعالیت‌های چشمگیری در چندین دهه اخیر داشته که از مصادیق مکتبی آن می‌توان به مدیریت هیئت‌های حسینی و مداحی و به تبع آن، تربیت نسل جدید و جوانان و شیفتگان حضرتش اشاره نمود.

آنچه مسلم است اینکه پیرغلامان حسینی را بزرگانی همچون ایشان بایستی به جامعه تبیین و معرفی نمایند و این حقیر این چند سطر را همچون برگ سبزی از باب من لم یشرک المخلوق به رشته تحریر درآوردم، باشد که مورد قبول حضرتش قرار گیرد.

شخصیت ارزشمند و قابل احترام پیرغلامان حسینی موجب شده تا ایشان همچون سایر بزرگان، محبوب القلوب مردم از تمامی سلیقه‌ها و عموم عاشقان حسینی باشند.

همانگونه که در همه امور خود همواره دست به دامان اهل بیت عصمت و طهارت هستیم، بهتر این است که در وصف این بزرگواران نیز از بیانات گهربار حضرات معصومین بهره مند شویم. بنا بر مطلبی که ابن شعبه شعرانی در کتاب تحف العقول عن آل الرسول آورده که امام هادی علیه‌السلام می‌فرماید: «الدُّنْيَا سَوْقٌ رِيحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ حَسِيرٌ آخِرُونَ». دنیا مثل بازار می‌ماند؛ در این بازار هر چیزی هست، شما هم حق انتخاب دارید. راه و متاع ماندگاری که پیرغلامان بزرگوار در این دنیا برای خود انتخاب نموده‌اند، همانا ملحق شدن به سفینه نجات مولا و اربابمان حضرت سیدالشهدا (ع) است.

چه زیباست کلام پروردگار عالمیان که در قرآن کریم می‌فرماید: «ما جَعَلَ اللَّهُ لِرِجَالٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ». یعنی برای هر مردی بیش از یک دل قرار ندادیم؛ منظور از دل در اینجا روح و جان است؛ یعنی ما برای هر کسی یک جان و دل بیشتر ندادیم و در یک دل هم تنها یک دلبر جای می‌گیرد. جادارد که از خود بیرسیم دلبر اصلی ما کیست که با همان محشور خواهیم شد؟

حقیقتاً که پیرغلامان حسینی؛ مه‌ری شرافتمند (امیری حسین و نعم الامیر) بر روی دل و سینه دارند و در روز قیامت نیز در کنار حوض کوثر هم‌نشین قرآن و حضرات اهل بیت عصمت طهارت (ع) خواهند بود.

یکی دیگر از محسنات اخلاقی پیرغلامان حسینی

که برگرفته از تربیت مکتبی ایشان می‌باشد، عدم گرفتاری در امورات دنیوی است. لذا، بنا به فرمایش اربابمان امام حسین علیه‌السلام ((النَّاسُ عَبِيدٌ الدُّنْيَا وَ الدُّنْيَا لِعَبْدٍ لَعَلَّ عَلَى الْاَسْتِزْمَةِ))، باید مواظب بود که نوکر دنیا نباشیم. این که می‌گویند هر کسی از پل صراط بگذرد، خندان باشد، بدین معنی است که ما نباید فدای دنیا باشیم و باید مواظب باشیم زرو زیورهای دنیا ما را به خود مشغول و عاضق خود نکند. چرا که امام و سرور دو گیتی، حسین ابن علی (ع) خود، عاشق و فدایی خدا می‌شود و سیر این مسیر تکامل است که خداوند ایشان را در طی این طریق موفق و عزیز هردو جهان قرار می‌دهد.

این عزیزان عزت‌پیشه و پیرغلامان حسینی به زعم این حقیر صاحب دو اجر و پاداش الهی هستند؛ یکی خادم دربار همایونی آقا اباعبدالله الحسین (ع) بودن و دیگری با کسوت مبلغین این مکتب و خاندان کریمه در خدمت عموم مریدان و عاشقان حسینی بودن. حال با توجه به فرمایش رییس مکتب جعفری امام صادق علیه‌السلام ((مسمع)) که از سوگواران و گریه‌کنندگان در عزای امام حسین (ع) بود:

... رَحِمَ اللَّهُ دُمْعَتَكَ، أَمَا إِنَّكَ مِنَ الَّذِينَ يُعْدُونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا وَالَّذِينَ يَفْرَحُونَ لِفَرْحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا، أَمَا إِنَّكَ سَتَرِي عِنْدَ مَوْتِكَ حُضُورَ آبَائِي لَكَ ((خداوند، اشک تو را مورد رحمت قرار دهد. آگاه باش، تو از آنانی که از دلسوختگان ما به شمار می‌آیند، و از آنانی که با شادی ما شادی می‌شوند و با اندوه ما غمگین می‌گردند. آگاه باش! تو هنگام مرگ، شاهد حضور پدرانم بر بالین خویش خواهی بود))

ارزش گریه‌هایی که در سوگ اباعبدالله حسین افشانده می‌شود، بیش از پیش نمایان می‌شود. این چنین برمی‌آید که مکتب حسینی یک مکتب تمام عیار و دربرگیرنده کلیه شئون اخلاقی و انسانی و اعتقادی است که با شرط رعایت حدود الهی، متضمن سعادت دنیوی و اخروی انسان است. مکتبی که از جمله محورها و کانون‌های آن را می‌توان اخلاص، خدا محوری، صبر، بردباری و شجاعت نام برد. الحق اغلب مریدان و رهروان راستین حضرتش به این خصایص نورانی ملبس‌اند که پیرغلامان حسینی از سرآمدان این انسان‌های وارسته‌اند.

خصوصیات و ویژگی‌های پیرغلامان دربار همایونی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را به هیچ وجه نمی‌توان نه در این نوشتار و نه در هزاران صفحه دیگر جمع کرد. این نوشتار تنها فرصتی بود که به چند ویژگی بارز آن عاشقان بزرگوار و باصفای اهل بیت (ع) در زندگی نورانی‌شان اشاره کنیم. مع الوصف طول عمر پرپرکت و توام با سلامتی برای همه سرنشینان کشتی نجات حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به‌ویژه پیرغلامان حسینی آرزوی قلبی ماست.

التماس دعا

یازدهم محرم ۱۴۳۸

از دریاچه ارومیه تا کویر ارومیه

با توجه به شدت گرفتن مشکلات زیست‌محیطی که عمده‌ترین نمود آن، مشکل کمبود آب در کشور و خشک‌شدن دریاچه‌ها و تالاب‌هاست، و با توجه به اینکه این مشکل، اخیراً از سوی عالی‌ترین مقامات و دست‌اندرکاران کشور به عنوان یک «ابر چالش» نام‌گرفت، ماهنامه کارایی پرونده‌ای در این خصوص تهیه نموده است که در آن موضوع خشک‌شدن دریاچه ارومیه مورد تأکید بیش‌تری قرار گرفته است. در همین راستا، در پرونده پیش‌رو، مخاطبان محترم همچنین می‌توانند مشروح میزگرد «بررسی پیامدهای احتمالی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و سلامت خشک‌شدن دریاچه ارومیه» که با حضور اساتید و مدرسان دانشگاهی برگزار شد، را نیز مورد مطالعه و تدقیق قرار دهند.



بررسی پیامدهای احتمالی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و سلامت خشک شدن دریاچه ارومیه



میزگردی تحت عنوان «بررسی پیامدهای احتمالی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و سلامت خشک شدن دریاچه ارومیه» با هدف شناسایی علل و عوامل تغییر یافتن وضعیت دریاچه ارومیه در سال‌های اخیر و همچنین به منظور شناسایی آثار و تبعات این امر از منظرهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و سلامت، در دفتر ماهنامه کارایی برگزار گردید که مشروح آن به حضور مخاطبان محترم تقدیم می‌گردد.

با حضور:

محمدباقر بهشتی (عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز)

آصف حاجی‌زاده (مدرس دانشگاه)

محمدتقی ستاری (عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز)

مهدی ضرغامی (عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز و عضو اتاق گفتمان آب)

احمد فاخری فرد (عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز و نماینده دانشگاه تبریز در ستاد احیای دریاچه ارومیه)

محمد مسافری (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز)

بهناز السادات واعظ مدنی (کارشناس ارشد محیط زیست)

خلیل ولی‌زاده کامران (عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز)



کارایی: با توجه به اینکه ۹۲ درصد آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود، به نظر شما استراتژی توسعه کشاورزی و خودکفایی محصولات کشاورزی در چنین شرایطی می‌تواند یکی از عوامل اصلی بحران آب در ایران و به ویژه خشک شدن دریاچه ارومیه باشد؟ آیا بهتر نبود به جای توسعه کشاورزی استراتژی توسعه صنعتی دنبال می‌شد؟

بهشتی: به نظر بنده اشکال اساسی که در رابطه با چرایی مسائلی از جنس مسائل دریاچه ارومیه، که بعد از انقلاب بر ما وارد است، بی‌توجهی به مدیریت علمی است چراکه افزایش تولیدات بر مبنای تفکر کشاورزی سنتی غیرعلمی مد نظر بوده است. کل تولیدات حوزه دریاچه ارومیه قبل از انقلاب دو میلیون تن بوده و در حال حاضر به هشت میلیون تن رسیده است. مقایسه این دو رقم ظاهراً نشانگر تغییر مثبت است؛ اما افزایش چهار برابری تولید به چه معنا است؟ با توجه به نیاز دو میلیون تن تولید، به دو میلیارد متر مکعب آب، بنابراین هشت میلیون تن بین ۷ تا ۸ میلیارد متر مکعب آب نیاز دارد. کل نزولات حوضه دریاچه ارومیه سالانه بین ۳ تا ۴ میلیارد متر مکعب است. لذا بقیه آب موردنیاز از موجودی آب زیرزمینی تامین شده است. از این روی، برای رسیدن به مقصود افزایش تولید، بخشی از منابع ارزشمند از دست رفته است. به جای کشت محصولات از جمله سبج و بادام، به کشت محصولات پربابی همچون سیب، گندم، سیب‌زمینی و پیاز که نیاز آبی بالایی دارند توجه شده است. این مساله در واقع نیاز آبی منطقه را بیش از چهار برابر افزایش داده است. شاید دلیل اصلی خشک شدن دریاچه ارومیه نیز همین مساله باشد. در برنامه دوم توسعه که بازه زمانی سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ را شامل می‌شود، کشاورزی به عنوان محور توسعه کشور مطرح شده است. البته باید به کشاورزی توجه بیشتری معطوف شود، اما رشد تولیدات کشاورزی در آن بازه زمانی کمتر از دوره‌های قبل بوده است. لذا یکی از دلایل بحران، مدیریت غیرعلمی کشاورزی است. دلیل دوم این بود که در اوایل انقلاب تنها راه ارتباطی آذربایجان شرقی با آذربایجان غربی گردنه قوشچی بود؛ قوشچی از ساعت ۴ به بعد به دست گروهک‌ها، سپرده می‌شد،

و پس از طلوع آفتاب به جمهوری اسلامی بازگردانده می‌شد. بنابراین از نظر ارتباطی، رابطه بین ارومیه و سایر مناطق ایران به شدت آسیب‌پذیر بود. برای حل روابط آذربایجان شرقی با آذربایجان غربی، بخصوص با توجه به قرار گرفتن در دوره جنگ، و بهره‌گیری از تجربه ساخت پل شناور در جزیره مجنون، شهید کلاتری، مدیر کل راه و ترابری آذربایجان غربی که شهید بهشتی ایشان را در سمت وزارت راه منصوب کردند، شروع به احداث پل میان‌گذر روی دریاچه ارومیه نمود. طول پل ۱۲ کیلومتر است، و تاجایی که می‌داند حدود ۹ کیلومتر متعلق به استان آذربایجان غربی است، حدود ۳ کیلومتر هم به آذربایجان شرقی تعلق دارد. زمانی که بنده در سازمان برنامه و بودجه فعالیت می‌کردم، موضوع راه‌سازی مطرح شد. آن زمان در مورد مطالعه در خصوص این موضوع سؤالاتی طرح شد. اما مساله این بود که تفکر کلی حاکم بر آن دوره این بود که نیازی به مطالعه وجود ندارد و راه‌سازی مطالعه نمی‌خواهد. چون این پروژه در جزیره مجنون هم ۲۱ روزه پیاده شده بود. آن زمان ژاپنی‌ها گفته بودند که نیابستی دریا را تقسیم کرد، بلکه اقدام به احداث پل گردد و جهت مشارکت در ساخت پل اعلام آمادگی کردند. تنها پس از ۱۰ سال دست‌اندرکاران پذیرفتند که بایستی مطالعه صورت پذیرد. به نظر من اشکال اساسی دوم که به رقم خوردن وضع فعلی انجامیده است، بر هم زدن اکوسیستم دریاچه ارومیه از طریق راه‌سازی است. مساله سوم، برپایی و ایجاد تاسیسات گردشگری اضافه در آن منطقه است. مساله چهارم این است که تمام مسئولان اعم از نمایندگان، استانداران، معاونت‌ها، مدیرکل‌ها و کلیه کارشناسان به نوعی تباخی کردند تا آب به دریاچه ارومیه نرسد؛ به طوری که سی و چهار سد در حوضه دریاچه ارومیه احداث شد. که این سدها در واقع مانع تامین سهم دریاچه ارومیه از نزولات می‌شد. ترکیب این تفکرات تخریبی باعث ایجاد این بحران شده است. کارشناسان علت را خشک‌سالی اعلام می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد این امر صرفاً یک بهانه و عاملی برای پوشش‌گذاری روی ضعف تمام مدیران و نمایندگان و کارشناسان است. بنابراین با این مجموعه تفکراتی که اشاره شد، اگر دریاچه ارومیه خشک نشود، باید شک کرد، چرا که ما همه در راه خشکانیدن این دریاچه بسیج شده‌ایم. ما

باید از راهی که رفته‌ایم، روی برگردانیم و در راه درست قدم برداریم. خوشبختانه از نظر کارشناسان این دریاچه قابل احیاء است و اگر اقدام اساسی صورت بگیرد و صرفاً به حرف اکتفاء نشود، احیای دریاچه ارومیه دست‌یافتنی خواهد بود.

کارایی: اثرات اقتصادی احتمالی خشک شدن دریاچه ارومیه در درازمدت بر اقتصاد مردم آذربایجان را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

بهشتی: در محدوده دریاچه ارومیه ۷ الی ۸ میلیون نفر جمعیت زندگی می‌کنند، اگر مساله دریاچه ارومیه مرتفع نگردد، کل زندگی این جمعیت از جمله از لحاظ اقتصادی در معرض خطر خواهد بود.

کارایی: با توجه به اینکه در سال اخیر تراز آب دریاچه نسبت به قبل کم شده و سرعت خشک شدن آن شدت گرفته، آیا به نظر شما این امر بیانگر شکست طرح‌ها و مطالعات ستاد احیاء است؟

فاخری‌فرد: اینکه رفته‌رفته تراز دریاچه پایین‌تر می‌آید، لزوماً مربوط به قصور ستاد احیاء نیست. واقعیت این است که ستاد احیاء یک ارگان مجری نیست، بلکه یک ارگان برنامه‌ریزی است. یعنی ما تقریباً از آبان ۱۳۹۲ که اولین جلسات ستاد احیاء تشکیل یافت، از حدود پانصد کارشناس داخلی و خارجی بهره‌مند شدیم و کارگروه‌ها شکل یافتند. ببینید جهاد کشاورزی، سازمان آب منطقه‌ای و محیط زیست ارگان‌های مجری هستند. ما دو ارگان سازمان آب و جهاد کشاورزی را در احیاء مهم‌تر از محیط زیست قلمداد می‌کنیم. تاکنون ۲۷ مصوبه داشته‌ایم. اگر نگاهی به این مصوبه‌ها بیندازید، می‌بینید که اساسی هستند، یعنی در صورت اجرای هر کدام از این مصوبات مطمئناً اثرات مثبت آن را در دریاچه شاهد خواهیم بود.

کارایی: لطفاً به چند مورد از این مصوبه‌های شاخص اشاره بفرمایید.

فاخری‌فرد: انسدادچاه‌های غیرمجاز و سامان‌دهی



بهشتی:

اگر دریاچه ارومیه خشک نشود، باید شک کرد. چرا که ما همه در راه خشکانیدن این دریاچه بسیج شده‌ایم. ما باید از راهی که رفته‌ایم، روی برگردانیم و در راه درست قدم برداریم. خوشبختانه از نظر کارشناسان این دریاچه قابل احیاء است و اگر اقدام اساسی صورت بگیرد و صرفاً به حرف اکتفاء نشود، احیای دریاچه ارومیه دست‌یافتنی خواهد بود.



فاخری فرد:

اولین شعار ستاد احیاء دریاچه «فرهنگ‌سازی» بود. متأسفانه تحقق امر فرهنگ‌سازی با دست خالی ممکن نیست. باید قبول کنیم شکم خالی فرهنگ نمی‌فهمد. ما خیلی سعی کردیم وضعیت موجود و بحرانی که با آن مواجه هستیم را تشریح کنیم.

زیرزمینی گرفته‌شود که این نتیجه حاصل نشد. اولین شعار ستاد احیاء «فرهنگ‌سازی» بود. متأسفانه تحقق امر فرهنگ‌سازی با دست خالی ممکن نیست. باید قبول کنیم شکم خالی فرهنگ نمی‌فهمد. ما خیلی سعی کردیم وضعیت موجود و بحرانی که با آن مواجه هستیم را تشریح کنیم. به استفاده از روش‌ها و ابزار مختلفی به انتقال این موضوع پرداختیم. برای فرهنگ‌سازی در این زمینه، بسته‌های پیشنهادی با پشتوانه ضرورت دارد. اگر ما آب را به روی ایشان بندیم و حق استفاده از چاه را ندهیم، باید جایگزینی برای آن داشته باشیم. چرا که زندگی آن‌ها به آب وابسته است، بنابراین باید مشاغل جایگزین تعریف گردد. واقعیت این است که ستاد احیاء پیش‌بینی‌های لازم در این موارد داشته است اما به اجرا نمی‌رسد. ببینید در روستای قره‌چیق شهرستان بناب به عنوان پایلوت انتخاب شده است، این روش تا حدودی به خوبی پاسخ داده است. در مدیریت دقیق کشاورزی به خوبی پیش‌رفته است. به ویژه کشت نشایی پیاز، کشت‌های ارقام زودرس پیاز و سیب‌زمینی مانع چهار وعده آبیاری شده است و ما شاهد این اتفاق بودیم. اینطور نیست که بگوییم همه دست روی دست گذاشته‌اند و هیچ کاری نمی‌کنند. اما واقعیت این است این مساله دارای پیچیدگی‌های بسیاری است، البته راه‌حل‌هایی هم برای برون‌رفت از این مشکل وجود دارد، اما الزاماتی برای اجرایی کردن این راه‌حل‌ها و اثربخشی آن‌ها باید فراهم شود. باید عرض کنم اجباراً تا دو میلیارد متر مکعب از سدها آب وارد دریاچه شده است.

کارایی: با این تفاسیر، اساسی‌ترین نقد به این عملکرد چیست که با وجود باز کردن این سدها و لایروبی رودخانه‌ها، اما باز هم آمار نشان می‌دهند که آب به سطح دریاچه نرسیده است؟

فاخری فرد: ثابت ماندن هوا در حدود ۳۷ درجه منجر به افزایش شدید تبخیر شده است. اکنون آبی که ما به دریاچه می‌رسانیم، قیراطی است. چون سفره‌های آب یا آب‌خوان‌ها انقدر خالی هستند که هر مقدار آبی که هدایت می‌شود، در مسیر جذب می‌شود و آن اندازه که باید به دریاچه نمی‌رسد. لذا آن میزان آبی هم که به دریاچه تزریق می‌شود، قیراطی است. بالاخره دمای هوا و برداشت‌های غیرمجاز بالا عملاً جلوی اثربخشی آن‌را می‌گیرد.

کارایی: به عنوان استاد منابع آب، نظرتان در مورد انتقادهای وارده به ستاد احیاء چیست؟ چه پیشنهادی برای بهبود ساختار این ستاد دارید؟

فاخری فرد: بنده به عملکرد ستاد احیاء انتقاد دارم چرا که برخی هزینه‌ها بیهوده خرج شده است. اختصاص منابع مادی بدون توجه به ساختارها و بدون ایجاد هیچ ساختار بنیادینی صورت می‌گیرد؛ از جمله در موضوع فرهنگ‌سازی. آموزش و اطلاع‌رسانی با روش‌ها و ابزارهای مختلفی از قبیل چاپ پوستر، برگزاری نمایش‌ها، چاپ کتاب، سخنرانی از جمله در مساجد روستاها انجام شده است. اما مساله اینجاست که شاید این روش‌ها آنچنان کارآمد نباشند. به عنوان مثال، بعد از اتمام جلسه سخنرانی در روستای قره‌چیق در بناب، حاضرین که بیشتر آن‌ها بانوان بودند می‌گفتند ما تمام حرف‌های شما را می‌دانیم، حتی در برخی موارد از شما هم بیشتر می‌دانیم، ما

رودخانه‌ها، لایروبی رودخانه‌ها، تعیین حقایقه‌ها، باروری ابرها و انتقال حوضه‌به‌حوضه از مصوبات ستاد احیاء هستند. البته برخی انتقادات به این مصوبات وارد است که نمی‌شود آن‌را کتمان کرد. اما واقعیت این است که ستاد احیاء هر آنچه از لحاظ سخت‌افزاری از دست آن برمی‌آید انجام می‌دهد که شامل لایروبی رودخانه‌ها می‌شود. با وجود انتقاداتی که به خصوص از سوی سازمان محیط زیست وارد است، واقعیت این است رودخانه‌هایی که اصلاً قادر به آب‌رسانی نبودند، با این کار به دریاچه آب رساندند. با معضل دیگری مواجه شدیم، آن اینکه آب به بالادستی‌ها رساندیم؛ پایین‌دستی‌ها به دشت‌ها رساندند. در حال حاضر هم جنگ و گریز بین سازمان آب و کشاورزان برقرار است. کشاورزان با بیل‌های خود از رودخانه کانال زده‌اند و از طرف دیگر، سازمان آب با بیل‌های مکانیکی خود این کانال‌های باز شده را می‌بست. در حال حاضر هم شاهد این جنگ و گریز هستیم. یعنی ما کامل نتوانستیم آب را به دریاچه برسانیم. با وجود این موانع باز هم تا حدودی در این امر موفق بودیم. دریاچه‌ای که ۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون متر مکعب حقایقه آن بود به ۷۰۰ میلیون متر مکعب کاهش پیدا کرده بود. ایستگاه‌هایی تا ۵ کیلومتری دریاچه و ایستگاه‌های در فاصله ۳۰ کیلومتری دریاچه ارومیه داشتیم؛ بر اساس محاسبات تئوریک میزان آبی که به دریاچه می‌رسد تا ۷۰۰ میلیون متر مکعب تخمین زده شده است. که البته به اعتقاد من می‌بایست کمتر از این باشد. مابقی در سیلاب بزرگ یا در قسمتی از دریاچه که ما buffer zone می‌نامیم، پخش و تبخیر می‌شد. البته در مورد نحوه تشکیل buffer zone و علت آن، دکتر بهشتی به درستی به مساله احداث میان‌گذر اشاره کردند. این میان‌گذر اثراتی از جمله خشکیدن دریاچه و قطع تبادلات آبی را در پی داشت که در نهایت منجر به افزایش تبخیر و همچنین رسوبات شیمیایی شد. البته بزرگ‌ترین تأثیر آن تبدیل بخشی از دریاچه به buffer zone یعنی به نم‌زار بود؛ چراکه هیچ‌گونه تبادل آبی برقرار نمی‌شد و میزان تبخیر نیز افزایش یافته بود. برای اینکه قسمت جنوبی دریاچه کم‌عمق است، و میزان تبخیر در قسمت کم‌عمق بیشتر است. سمت دیگر دریاچه عمیق و توده آب زیاد است. در سال‌های پیشین، زمانی که گرما موجب تبخیر می‌شد، جریان‌های عمیق با کاهش دما اجازه این تبخیر را به قسمت‌های کم‌عمق نمی‌داد اما این جریان در حال حاضر قطع شده است. ستاد احیاء تا آنجا که ممکن بود و با اعمال برخی نظارت‌ها توانست از طریق اجرای لایروبی، تا دو و نیم میلیارد متر مکعب آب به دریاچه ارومیه برساند. لایروبی از سال ۱۳۹۳ آغاز شد و سال ۱۳۹۴ به پایان رسید. در این اثنا تا جایی که امکان داشت آب به دریاچه رسید؛ اما همان‌طور که گفتم یک سری معضلات اجتماعی مانع از این شد که این مصوبه به نحو احسن اجرا شود. به عنوان مثال، با وجود اینکه لایروبی صورت گرفته است، اما تصاویر پایش و مراجعه حضوری هفتگی ما نشان داد که حدود پنجاه پمپ در آن جا به کار گرفته شده است. پس پمپ‌های غیرمجاز شبانه از جمله موانع بر سر راه اثربخشی برنامه‌های ستاد احیاء است. وجود گشت کنترل نیز جزء مصوبات است ولی هیچ‌گاه نتوانست آنطور که باید کارا باشد؛ چرا که کار و زندگی مردم به آب وابسته بود و به همین جهت به یک تذکر کوچک اکتفاء می‌کردند و بنابراین این گشت‌های نظارتی کارایی لازم را نداشتند. به عنوان مثال قرار بود از طریق این نظارت‌ها جلوی برداشت‌های غیرمجاز سطحی و



در این حوضه از حدود ۳۰۰ الی ۳۵۰ میلی‌متر به طور میانگین، به ۲۷۰ میلی‌متر کاهش یافته است. اما باید توجه داشته باشیم که در تمام بیست سال گذشته با خشک‌سالی روبرو نبودیم، بلکه در برخی سال‌ها هم شاهد ترسالی بوده‌ایم و در همان ترسالی هم تراز آب دریاچه ارومیه افزایشی نداشته است.

از نظر من مقایسه این موضوع با دریاچه وان کار اشتباهی به نظر می‌رسد. دریاچه وان وضعیت متفاوتی دارد. دریاچه‌ای است تکتونیک و به طور متوسط ۱۷۰ متر عمق دارد و عمیق‌ترین نقطه آن ۴۵۰ متر است. در حالی که عمیق‌ترین قسمت دریاچه ارومیه ۱۷ متر بوده است. وان دریاچه‌ای عمیق و کم‌عرض است، در حالی که دریاچه ارومیه کم‌عمق و مسطح است. همانطور که عرض کردم ما ۲۷۰ میلی‌متر بارندگی داریم، آنجا بارندگی ۴۵۰ میلی‌متر است. علاوه بر آن، در منطقه ما ۷۳ مورد سد روی حوضه دریاچه ارومیه احداث شده است. در حالی که دریاچه وان فقط ۳ سد خاکی دارد و به اصطلاح آب‌بند می‌گویند. بنابراین از نظر من، اگر ما در یک تصویر ماهواره‌ای به مقایسه دریاچه وان در کنار دریاچه ارومیه بپردازیم کار درستی نخواهد بود. درست است که از نظر جغرافیایی هم‌عرض هستند اما حوضه‌های آبریز متفاوت و ۴۵۰ میلی‌متر بارندگی سالانه از جمله مواردی است که دریاچه وان را متمایز کرده است. بنابراین دریاچه وان یا دریاچه سوان در ارمنستان وضعیت متفاوت‌تری دارند. لذا در رابطه با سوال دوم باید عرض کنم که از لحاظ علمی مقایسه این دو دریاچه مقایسه درستی نخواهد بود.

بر این اساس، طرح تغییر اقلیم نیز منتفی است. تغییر در بارندگی نیز انقدر معنادار نیست که فرضاً بگوییم از ۳۰۰ میلی‌متر به صفر رسیده است. بلکه تنها در برخی سال‌ها کاهش تا میزان ۲۷۰ میلی‌متر بوده است. بنابراین اگر نموداری ترسیم می‌شد و بارندگی و تراز آب دریاچه در آن به نمایش می‌آمد، در صورت هم‌جهت بودن حرکت این دو، نقش بارندگی در خشکی دریاچه مورد تأیید قرار می‌گرفت؛ در حالی که این روند وجود ندارد و حتی با افزایش بارندگی هم تراز آبی کاهش یافته است. لذا با رد مباحث اقلیمی در موضوع خشکی دریاچه ارومیه، تأثیر مباحث مدیریتی و فرهنگی پررنگ‌تر جلوه می‌کند. واقعیت این است که هنوز موضوع بحران آب باور نشده است. هنوز کشاورزان ما مساله کمبود آب را نپذیرفته‌اند. چاه‌ها را عمیق‌تر می‌کنند و به برداشت‌های غیرمجاز ادامه می‌دهند.

در ستاد احیای دریاچه ارومیه فعالیت کرده‌ام. دانشگاه صنعتی شریف به عنوان مجری اصلی موضوعی است که فکر می‌کنم ایشان فراموش کردند به آن اشاره کنند. یعنی تمام بودجه‌ها و امکانات تحویل این دانشگاه می‌شود و آن‌ها هم مطابق میل خود اقدامات خاصی انجام می‌دهند که اثربخشی لازم را در احیای دریاچه ندارد. در این میان، نقش کوچکی در بحث نظارتی برای دانشگاه تبریز و دانشگاه ارومیه قائل شده‌اند. بنابراین نقد بزرگی به خود این ساختار وارد است که چرا اصلاً این قرارداد با دانشگاه شریف منعقد شده است؟ ظاهراً دست ما از این مسائل کوتاه است.

واقعیت این است تاکنون علت خشک شدن دریاچه ارومیه مشخص نشده است. دکتر بهشتی به تولید محصولات با نیاز بالای آب اشاره کردند. به عنوان مثال، در حوضه زرنهرود یا سیمینرود که بیشتر آب دریاچه از آن‌ها تأمین می‌شده است، گندم و جو کشت می‌شده است. زمان رشد این محصولات نیز با باران‌های فصلی آن منطقه همراه بوده است و در نتیجه خیلی به آب جهت آبیاری نیاز نبوده است. اما در حال حاضر در آن منطقه چغندر قند کشت می‌شود که نیاز بالایی به آب دارد. تغییر کشت باعث برداشت آب از رودخانه جهت آبیاری این محصولات شده است. یا احداث میان‌گذر و سد‌ها از جمله دلایل خشکی دریاچه برشمرده شده است. تا جایی که من اطلاع دارم، ۳۴ دلیل برای خشکی دریاچه ارومیه ذکر شده است. مباحث زمین‌شناسی، تکتونیک، سازه‌ای و امثالهم در این دلایل آمده است. به زعم بنده نمی‌توان از هیچ‌کدام از این ۳۴ مورد به عنوان دلیل اصلی خشکی دریاچه نام برد، بلکه باید سهمی برای هر کدام در این پدیده قائل شد. به عبارتی باید پژوهشی در راستای تعیین وزن تأثیر هر کدام از این عوامل انجام شود. فرضاً مشخص شود راه‌اندازی میان‌گذر چند درصد در این خشکی سهمیه بوده است. سهم تغییر اقلیم یا تغییر کشت تا چه میزان بوده است؟ برای این سوالات پاسخ دقیق و جامعی در دست نیست. بعد از تعیین میزان تأثیر هر کدام از دلایل مذکور، امکان رفع آن تاحدودی فراهم می‌شود. برای مثال دکتر بهشتی به موضوع خشک‌سالی در قالب بهانه‌مسئولین اشاره کردند.

به کاربردن عبارت تغییر اقلیم در این موضوع درست نیست. چرا که تغییر اقلیم در مباحث جهانی مطرح است و ما با تغییر در اقلیم روبرو نبودیم. شاید تغییر در بارندگی رخ داده است، مثلاً شاید میانگین بارندگی

می‌دانیم آب چه وضعیتی دارد و این مساله را لمس می‌کنیم، اما اگر از آب استفاده نکنیم، پس چه کنیم؟ چه چیزی در قبال عدم استفاده ما از این آب‌ها به ما اختصاص می‌یابد؟ ببینید فرهنگ‌سازی همیشه با یک پکیج پیش خواهد رفت. رابطه بده بستان در موفقیت فرهنگ‌سازی نیاز است. باید به موازات آنچه که گرفته می‌شود، جایگزینی برای آن در نظر گرفته شود. واقعیت این است که آن‌ها برای گذران زندگی خود به آب احتیاج دارند و هر چقدر هم اعلام کنیم آب در خطر است، تأثیری نخواهد داشت. دولت میلیاردها هزینه از جمله برای راه‌اندازی سیستم آبیاری تحت فشار و آبیاری قطره‌ای کرد. با این وجود، مشاهده کردیم در کنار آبیاری قطره‌ای، از آبیاری سطحی نیز بهره گرفته می‌شود؛ چرا که بین درختان نیز محصول کاشته شده بود و به بستان بدل شده بود. یا در رابطه با راه‌اندازی سیستم آبیاری بارانی، میلیاردها هزینه اختصاص یافت و نتیجه‌بخش هم بود. اما در بازدید متوجه شدیم برای آبیاری سایر زمین‌ها هم، همچون زمین‌های چند هکتاری که مدتی حتی یک قطره آب هم به آن‌ها نرسیده بود، از آن بهره گرفته شده است. این مساله عدم هماهنگی ارگان‌ها را نمایان می‌سازد. شرکت آب منطقه‌ای باید مقدار آن را در حد نیاز کاهش می‌داد که در رابطه با آن، موضوع قانون مطرح می‌شود. در حالی که قانون اجازه اعمال هر گونه دخل و تصرف در آب را به سازمان آب در مواقع بحرانی می‌دهد. به شکلی که حتی قوه قضائیه هم نمی‌تواند مانع این اقدامات سازمان آب شود. چرا که هنگام اعلام بحران، آب در مالکیت سازمان آب است. قادر به انجام هر گونه اقدامی می‌باشد.

کارایی: به طور کلی با توجه به صحبت‌های دوستان تا بدین جا، نقش اقلیم در خشکی دریاچه ارومیه کم‌رنگ جلوه کرد. دکتر ولی‌زاده با توجه به مطالعات شما، نقش و اثر تغییر اقلیم در خشک شدن دریاچه ارومیه تا چه حد جدی است؟ گفته می‌شود هیچ کاهششی در تراز آب دریاچه وان در ترکیه که از نظر مسافت نزدیک به دریاچه ارومیه است، اتفاق نیفتاده است. این در حالی است که دریاچه ارومیه رو به خشکی است. به نظر شما این موضوع چگونه قابل ارزیابی است؟

ولی‌زاده کامران: بنده هم مدتی با دکتر فخری در



کارایی: لطفا نظرتان را در رابطه با دریاچه آرال بفرمایید. آیا قابل مقایسه با دریاچه ارومیه است یا خیر؟

ولی زاده کامران: برخی اقدامات بدون هیچ پشتوانه علمی در این زمینه، صورت گرفت و همین موضوع باعث خشکی دریاچه آرال شد. مواردی از جمله افزایش تولیدات کشاورزی، کانال کشی بدون توجه به مباحث اقلیم، تبخیر و نیاز آبی باعث خشکی دریاچه آرال شدند. طوری که هم دریاچه از بین رفت و هم کشاورزان به خواسته خود نرسیدند.

به هر حال اگر زمانی اقدام به رتبه بندی عوامل خشکی دریاچه کنیم، شاید پایین ترین امتیازات به تغییر در بارندگی و امثالهم اختصاص خواهد یافت.

کارایی: به نظر شما نقش دانشگاه تبریز و سایر دانشگاه های منطقه در فرآیند خشک شدن دریاچه ارومیه چیست؟ بالاخره عمده مدیران و کارشناسان شاغل در سازمان ها و نهادهای مرتبط با مدیریت منابع آب، از همین دانشگاهها دانش آموخته شده اند.

ستاری: دوستان خیلی خوب مساله را طرح و به تحلیل آن پرداختند. همانطور که دکتر فاخری فرد و دکتر ولی زاده اشاره کردند، دلایل زیادی برای این بحران آورده می شود. نخبگان آب نیز در رابطه با دلایل مطرحه به یک توافق رسیده اند و قطعا تصمیماتی نیز در ستاد احیاء گرفته شده است. گرچه بنده هم انتقاد دکتر ولی زاده کامران را به جا می دانم که دانشگاه های تبریز و ارومیه به لحاظ نزدیکی فیزیکی به دریاچه ارومیه، بهتر می توانستند تأثیرگذار باشند، اما به هر حال سیاست های کلان این اجازه را نمی دهد. بحران آب صرفا خشکی دریاچه ارومیه نیست، بلکه مساله منطقه ای و کشوری است. بحران آب در کشور مطرح است. موضوعی که به زعم بنده در این جلسه قابل طرح است، موضوع حکمرانی آب است. دکتر بهشتی به خوبی به اجرای بدون مطالعه پروژه ها اشاره کردند و متاسفانه باید عرض کنم این روند معیوب همچنان ادامه دارد. به عنوان مثال، نخبگان علمی معتقد به مدیریت حوضه ای هستند، در حالی که نه تنها حوضه ای مدیریت نمی شود بلکه در یک حوضه می بینید چند اداره به موازات هم و هر کدام منافع استان خود را پیش می برند و در نهایت مدیریت یکپارچه حوضه آبریز، استفاده از پتانسیل

حوضه و آمایش سرزمین صورت نمی پذیرد. لذا یکی از مسائل قابل طرح، مدیریت حوضه است. و یا بخواهیم کلان تر مطرح کنیم، حکمرانی آب. باید در روند تشکیل جلسات، اخذ تصمیمات و اجرای پروژه ها تجدیدنظر کرد. در کل دنیا روال به این شکل است که برای اجرایی کردن پروژه، پس از پیشنهاد پروژه، نخبگان علم مربوطه هم در رابطه با آن اعلام نظر می کنند. تاکنون برای اجرایی کردن کدام پروژه احداث یک سد از نخبگان علمی نظر خواهی شده است؟ سازمان آب بر اساس ملاحظات سیاسی خود اقداماتی انجام داده است. سازمان کشاورزی همچنین، تابحال ارتباط اثربخشی بین مجریان پروژه ها و نخبگان علمی برقرار نشده است. به عبارت دیگر فرآیند تصمیم گیری دموکراتیک نبوده است و به نظر می رسد اعمال تغییرات به سمت پیاده سازی درست این فرآیند ضرورت دارد.

افزافه کردن کتابی با موضوع بحران آب و خشکی دریاچه ارومیه در نظام آموزشی برای آشنایی بیشتر، حداقل کاری است که در زمینه فرهنگ سازی می توان انجام داد. فرضا تعریف حوضه آبریز یک تعریف عمومی است، که حتی افراد تحصیل کرده هم با این تعریف آشنایی ندارند. به عبارتی هیچ گونه شناختی از آب و وضعیت حال حاضر آن و همچنین شکل بهره برداری از آب وجود ندارد. در واقع از فقدان احساس مسئولیت در مقابل منابع آب و محیط زیست رنج می بریم که آموزش می تواند در رسیدن به این مقصود تأثیرگذار باشد. متاسفانه چه در آموزش و پرورش و چه در نظام آموزش عالی اقدام اثربخشی در ارتباط با آن انجام نشده است.

موضوع توسعه و خودکفایی کشاورزی استراتژی غلطی بوده است. زمان آن فرا رسیده که این تفکر غلط تغییر یابد و ما به سمت صنعتی شدن حرکت کنیم. باید ذهنیت خود را در رابطه با خودکفایی تغییر دهیم. هدف از رسیدن به خودکفایی در کشاورزی، کسب استقلال در جهان است تا از آسیب های وابستگی به سایرین جلوگیری شود؛ در حالی که در راه تحقق این امر، با از بین بردن منابع موجود، قبل از متضرر شدن از وابستگی، آسیب های قابل توجهی به خود وارد می کنیم.

کارایی: آقای دکتر ستاری بالاخره صنعتی شدن هم مستلزم آب است.

ستاری: ببینید ۹۲ درصد آب در کشور در بخش

کارایی: دلیل این امر ضعف در بخش صنعت می تواند باشد. چرا که صنعت فعالی نداریم.

بهشتی: ارزش کل تولیدات کشاورزی ۴۰ میلیارد دلار است. یعنی آن میزان آب فقط به ۴۰ میلیارد دلار تولید کشاورزی اختصاص می یابد.

ستاری: جالب است که ۲۰ درصد در بخش کشاورزی اشتغال دارند. حال آنکه با اختصاص فقط ۲ درصد آب در بخش صنعت، تا حد زیادی ارزش افزوده حاصل می شود و این می تواند تأثیراتی بسیار مثبتی بر اقتصاد کشور داشته باشد. اگر زارع به این باور برسد که با توسعه صنعت، دیگر نیازی به کشاورزی نیست، حتما مصرف آب را کنار خواهد گذاشت.

علاوه بر توسعه صنعت و اطمینان بخشیدن به کشاورزان در رابطه با آینده کاری خود، باید توجه خاصی به قیمت آب در کشور داشته باشیم. در حال حاضر آب در کشور ما با قیمت ارزانی عرضه می شود. آب تصفیه شده در اتحادیه اروپا در حدود ۳ دلار و در کانادا ۲ دلار است. یا فرضا در ترکیه هر متر مکعب آب تصفیه شده ۱/۴ دلار عرضه می شود. در حالی که در کشور ما آب با ارزش یک دهم تا یک پانزدهم این رقم به فروش می رسد. به عبارتی عرضه رایگان آب را در پیش گرفته ایم و متاسفانه یکی از پیامدهای این ارزانی، عدم مصرف بهینه آن خواهد بود. لذا به زعم بنده آب باید با قیمت واقعی در اختیار مصرف کننده قرار گیرد.

بدون توجه به پتانسیل اقلیمی یک منطقه، دست به انجام برخی اقدامات در زمینه توسعه کشاورزی می زنیم. مثلا اگر ۵ تن وزن را بار خودروی پراید کنیم، طبیعتا این خودرو گنجایش و توان تحمل این بار را نخواهد داشت. فرضا تاکید روی کشت سیب زمینی و پیاز هم داریم. یا در بخش مرکزی ایران، از آب های موجود در چاه های عمیق به منظور کشت هندوانه برداشت می کنیم. هر کیلو هندوانه حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ لیتر آب مصرف می کند. آیا ما نمی توانستیم نیاز خود را به این محصول از طریق واردات رفع کنیم؟

کارایی: تولید نه صرفا جهت تامین نیاز داخلی،

بلکه به منظور صادرات نیز صورت می‌گیرد.

ستاری: در واقع ما آب کشور را صادر می‌کنیم. اکنون هم قصد ورود و دستیابی به آب‌های فسیلی را داریم. به عبارتی کمر همت برای نابودی حیات خود بسته‌ایم. به زعم بنده تمام این مسائل به موضوع حکمرانی آب برمی‌گردد و گرنه دانشگاہیان مطالعه کرده‌اند و چرایی خشک شدن دریاچه ارومیه خیلی پیچیده نیست.

کارایی: اگر همین امروز به شما این اختیار داده شود تا در رابطه با احیای دریاچه ارومیه تصمیمی اخذ کنید که در عمل کارا و اثر بخش باشد، چه تصمیمی رایج‌تر است؟

ستاری: از نظر بنده ما باید به سمت صنعتی شدن حرکت کنیم و موضوع حکمرانی آب را جدی بگیریم. تغییر نگرش در این مساله ضرورت دارد. البته باید به تصمیم‌سازی هم اشاره کرد. قبل از تصمیم‌گیری باید تصمیم‌سازی درستی صورت پذیرد. (البته تصمیم‌گیرندگان نیازی به ماندن ندارند!)

بهشتی: برداشت من از صحبت‌های دکتر ستاری این است که با صنعتی شدن کشاورزی، مصرف آب کاهش می‌یابد.

کارایی: اما برداشت من این است که دکتر ستاری خواستار جایگزینی صنعت برای کشاورزی هستند.

ستاری: ببینید هر دو موضوع مد نظر من است. بخصوص باید توجه کنیم در منطقه آذربایجان غربی کدام صنایع درآمدا وجود دارند که کشاورزان را امیدوار به ترک کشت محصولات پرآب کند؟

کارایی: چطور می‌شود بحران آب و دریاچه ارومیه را به یک گفت‌وگو عمومی و ملی تبدیل کرد؟

ضرغامی: دیپلماسی محیط زیست، علم بسیار مهمی است و اصولی برای آن مطرح است. ابتدا باید اجازه داده شود ذی‌نفعان باهم صحبت کنند. اقدام بعدی در دیپلماسی محیط زیست تشخیص علایق و نیازمندی‌ها است. به عنوان نمونه یک شرکت آب منطقه‌ای، بر اساس ساختاری که برای آن تعریف شده، علاقه‌مند است مخازن سدها و سفره‌ها پر از آب باشند. سازمان جهاد کشاورزی با تولید کشاورزی سروکار داشته و تاکید جدی روی افزایش تناژ محصولات دارد. سازمان دیگری که در این مساله نقش دارد، سازمان محیط زیست است. این سازمان سعی در محافظت از طبیعت دارد، به این معنی که طبیعت از مداخلات انسانی دور باشد. لذا بایستی این نهادها و سازمان‌های درگیر گرد هم آیند و در دستیابی به منافع عمومی که توسعه پایدار است به توافق برسند و راه‌حلی باید ارائه شود که اهداف ذی‌نفعان به نوعی در آن لحاظ شده باشد. در ادامه، پس از یافتن راه‌حل‌های مشخص، ماموریت دشوار یک سازمان احیای محیط زیست، ظرفیت‌سازی جهت پذیرش این راه‌حل‌ها است و اینکه این روش‌ها در ساختار اجتماعی مورد پذیرش واقع شوند.

دیپلماسی محیط زیست در دنیا در حال حاضر جزء مهم‌ترین موضوعات است. مثلاً در ساخت سد ایلپسو ترکیه روی دجله، سه کشور اتریش، آلمان و سوئیس



ولی‌زاده کامران:

۳۴ دلیل برای خشکی دریاچه ارومیه ذکر شده است. مباحث زمین‌شناسی، تکتونیک، سازه‌ای و امثالهم در این دلایل آمده است. به زعم بنده نمی‌توان از هیچ‌کدام از این ۳۴ مورد به عنوان دلیل اصلی خشکی دریاچه نام برد، بلکه باید سهمی برای هر کدام در این پدیده قائل شد. به عبارتی باید پژوهشی در راستای تعیین وزن تاثیر هر کدام از این عوامل انجام شود. فرضاً مشخص شود راه‌اندازی میان‌گذر چند درصد در این خشکی سهمیم بوده است.



ستاری:

موضوع توسعه و خودکفایی کشاورزی استراتژی غلطی بوده است. زمان آن فرا رسیده که این تفکر غلط تغییر یابد و ما به سمت صنعتی شدن حرکت کنیم. باید ذهنیت خود را در رابطه با خودکفایی تغییر دهیم.

در دهه ۹۰ میلادی سرمایه‌گذاری کردند. ولی چون نهادهای مردمی محیط زیستی در این سه کشور راهپیمایی‌های اعتراضی انجام دادند، این اعتراض مردم باعث کناره‌گیری آن‌ها از کنسرسیوم ساخت سد شده و ترکیه به تنهایی پیگیر آن شد. نمونه بسیار مهم دیگر در رابطه با دیپلماسی محیط زیست، تعهدنامه پاریس است که در آن سران کشورها، البته با حواشی آقای ترامپ، برای کاهش آلودگی گازهای گلخانه‌ای و گرمایش زمین توافقنامه‌ای امضاء کرده‌اند. در این برنامه که از سال ۲۰۲۰ برنامه مالی آن اجرایی می‌شود هزینه‌های فعالیت‌ها به نوعی تسهیم خواهد شد. در ایران نیز دیپلماسی محیط زیست به تازگی شکل گرفته است و باید بهای بیشتری به آن داده شود. خوشبختانه سند سیاست‌های بلندمدت سازمان محیط زیست ابلاغی ۱۳۹۵ مقام معظم رهبری یک بند در حمایت از دیپلماسی محیط زیست دارد.

به طور کلی در دیپلماسی محیط زیست باید اجازه دهیم هم‌افزایی دانش رخ دهد تا منجر به خلق ایده شود. یکی از این نمونه فعالیت‌ها «اتاق گفت‌وگو با آذربایجان» است که به عنوان سازمان مردم‌نهاد از سال ۱۳۹۴ شروع به کار کرده است.

از یافته‌های اتاق گفت‌وگو با آذربایجان می‌باشد:

۱. در حال حاضر در زمینه آب و محیط زیست یک نوع حکمرانی گسسته (Fragmented Governance) حاکم است و برای همین هم افزایش هماهنگی بین نهادهای متولی آب یک ضرورت است. از جهت حکمرانی آب ستاد احیای دریاچه ارومیه (ستاد) مثل یک لایه‌ای است که روی نهادهای گسسته کشیده شده است؛ ولی این لایه باید انقدر قوی باشد که تمام نهادها در سه استان ذی‌نفع حوضه زیر نظر آن فعالیت کنند؛ در حالی که اینطور نیست. به عبارتی ستاد، قادر به حکمرانی و جهت‌بخشی به مسیر عملیات و بودجه‌ریزی این نهادها نیست. ستاد احیاء نیازمند آن قدرت و اختیاری است که سازمان‌ها و نهادهای مربوط در سه استان را زیر نظر داشته باشد. به این نوع قدرت‌مند، شورای اداری حوضه آبریز اطلاق می‌شود که در واقع وظیفه آن صرف برنامه‌ریزی نیست، بلکه قدرت اجرایی و حکمرانی نیز دارد. برای موفقیت طراحی چنین ستادی در مرحله اول نیازمند گفت‌وگو بین این نهادها و سایر ذی‌نفعان هستیم؛ شبیه جلسه‌ای که یک مربی قبل مسابقه ورزشی بین بازیکنان می‌گذارد. به طور خلاصه فقدان عزم و وحدت ملی در زمینه آب مساله‌ای بااهمیت است. چالش مربوط به کمبود آب، صرفاً در رسانه‌ها مطرح می‌شود، در حالی که لازم است نگرانی در خصوص احیای دریاچه ارومیه در رفتار تک تک شهروندان مشهود باشد. این مساله نیازمند شکل‌گیری یک گفت‌وگو است.

۲. امکان تغییر رفتار در میزان آبیاری نسل فعلی کشاورزان در دریاچه ارومیه خیلی سخت می‌باشد. چون تنها ۵ درصد این گروه تحصیلات بالای دیپلم دارند و از این بین فقط ۴ درصد دارای تحصیلات مرتبط کشاورزی هستند. سرمایه‌گذاری باید روی فرزندان این کشاورزان صورت پذیرد. به عبارتی حتی اگر فرزندان این کشاورزان هم قصد ادامه فعالیت کشاورزی داشتند، به موضوعاتی از جمله تولید محصولات مبتنی بر فناوری بیو یا تولید گلخانه‌ای سوق داده شوند.

۳. همچنین یک راهکار، توسعه داروهای کشاورزی با کشت دیم در منطقه است. حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نوع داروی گیاهی در حوضه آبریز وجود دارد که برخی



بررسی دارد و اینکه چقدر موفق بوده‌اند؟ به نظر می‌رسد اعتقاد و باور راسخ در مسئولین و عزم ملی در رابطه با احیای دریاچه ارومیه وجود ندارد. متأسفانه اقدام در حد شرکت در جلسات و ایراد سخنرانی صورت می‌گیرد. در سال ۱۹۳۰ در کالیفرنیا مشکل ریزگردها مطرح شد، در آن دوره اوضاع و احوال مشابه هم اکنون ایران بود. بلافاصله رئیس جمهور وقت ایالات متحده دستور مطالعه صادر کردند و در نهایت اقدامات عملی پیاده شد. به این نتیجه رسیدند که کشاورزی غیراصولی عامل اصلی گرد و غبار است؛ کشاورزی را متوقف و اقدام به پرداخت یارانه به کشاورزان کردند، مناطق حفاظت شده‌ای تعریف و توسعه داده شد و از طریق مدیریت مناسب تبدیل به یک جای سرسبز شده است که امروزه جزء بزرگ‌ترین پارک‌های طبیعی ایالات متحده به شمار می‌آید. دوستان اشاره می‌کنند که زور ما به کشاورزان نمی‌رسد. مشخص است که این برنامه دارای ایراداتی است. آیا اختصاص یارانه به کشاورزان بهتر است یا اجازه دهیم به کشاورزی خود ادامه دهند و سطح کشت را افزایش دهیم؟ لذا برخی تصمیمات اشتباه هستند و عزمی که باید در مرحله اجرا شاهد آن باشیم اصلاً وجود ندارد. به همین جهت عرض من این است آموزش‌های استاد احیاء نیابستی صرفاً محدود به سخنرانی در بین مردم باشد و نیاز به آموزش قوانین و مقررات و در مرحله بعدی اعمال بر خوردهای قانونی در خصوص برداشت‌های بی‌رویه از منابع آب سطحی و زیرزمینی منطقه وجود دارد.

در خصوص اثرات بهداشتی بالاخره اتفاقاتی در منطقه شمالغرب کشور در حال وقوع هستند و بدیهی است که اثرات بهداشتی و سلامتی نیز خواهند داشت. به نظر می‌رسد خیلی نسبت به احیای دریاچه ارومیه خوش‌بین هستیم. در حالی که احتمال بازگرداندن وضعیت این دریاچه به حال روز ۱۳۷۰ غیرممکن و بسیار اندک است. باید این واقعیت را پذیرفت و پیامدهای احتمالی خشکی دریاچه را جدی گرفت. اول اینکه یک اکوسیستم آبی از بین می‌رود و تبدیل به یک اکوسیستم بیابانی می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود درجه حرارت محیط تغییر یابد. از سخنرانی دکتر تجربی (مدیر دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه) استفاده می‌کنم که دقیقاً نشان می‌داد که $albedo$ آبدوی منطقه تفاوت کرده و میزان انعکاس نور از سطح افزایش می‌یابد. در نتیجه درجه حرارت افزایش می‌یابد و UV بالا می‌رود. بنابراین این موارد

محیطی زیستی از جمله تخریب زیست بوم، دریاچه ارومیه تحت شرایطی می‌تواند اصلاح شود. این موضوع به هوشمندی انسان برمی‌گردد که می‌تواند امیدوارکننده باشد. در واقع ساکنین و ذی‌نفعان اقدام به برگزاری جلساتی خواهند کرد و با همفکری هم سعی در بهبود شرایط زندگی و محیط زیست آن خواهند داشت. اگر به نتیجه این همفکری‌ها که برای ایجاد وحدت است بهاء داده شود، آن زمان است که دریاچه ارومیه احیاء خواهد شد. درست است در این جلسه نکات منفی و نگران‌کننده گفته شد، اما در ما ایرانیان این توان و پتانسیل وجود دارد (مثل فتح خرمشهر، مدیریت مسائل هسته‌ای، رشد قوی در والیبال و...) که بتوانیم مسائلی از قبیل دریاچه ارومیه را به خوبی حل کنیم.

پس برگزاری این گونه جلسات و نشست‌ها، در شکل‌گیری گفت‌وگو واقعی اهمیت وافری دارد که از تیم کارایی به علت ترتیب دادن این جلسه کمال تشکر را دارم.

کارایی: آقای دکتر مسافری با توجه به مطالعاتی که جنابعالی و همکاران شما در دانشکده بهداشت محیط در مورد مسائل بهداشتی و زیست‌محیطی داشته‌اید، به نظر شما خشک شدن دریاچه چه تبعات منفی از نظر بهداشت، سلامتی و زیست‌محیطی می‌تواند بر مردم منطقه داشته باشد؟

مسافری: متأسفانه موضوع سلامت در رابطه با پدیده خشک شدن دریاچه ارومیه مورد بی‌توجهی قرار گرفته است و حتی در ستاد احیاء نیز طی چند ماه اخیر نماینده‌ای از دانشگاه علوم پزشکی تبریز اضافه شد. در حالی که چرایی نگرانی در ارتباط با خشکی این دریاچه، به مقوله سلامت برمی‌گردد. حتی توسعه اشتغال برای کسب درآمد نیز به منظور ارتقای سلامت مورد توجه قرار می‌گیرد.

از نظر من دریاچه ارومیه به سان کالبد زخم خورده‌ای است که این زخم عفونی شده و با گذاشتن دستمال نمناک قصد پایین آوردن تب آن را داریم. در حالی که مشکل اصلی سر جای خود باقی است. برخی از برنامه‌هایی که در ستاد، هزینه‌های کلانی به آن اختصاص یافته است به نظر می‌رسد تأثیر چندانی در احیاء دریاچه نخواهند داشت که با بررسی لیست پروژه‌های مصوب مشخص خواهد شد. لذا اثر بخشی این برنامه‌ها و هزینه‌ها در رسیدن به احیاء خود جای

حدود ۲۵۰ هزار تومان برای هر کیلو خشک قیمت دارند.

۴. توسعه صنعت محصولات منتج از نمک دریاچه نیز از جمله مواردی است که باید به آن توجه داشت. رژیم صهیونیستی پنج میلیارد دلار در سال از بحرالمت کسب درآمد می‌کند. اردن که فناوری ضعیف‌تری دارد، یک میلیارد دلار از طریق صنعت فراوری نمک درآمد دارد. برخی علاقه‌مندان دریاچه ارومیه معتقدند نباید به نمک آن دست زد، زیرا ایجاد ریزگرد می‌کند. البته برداشت اصولی یک موضوع علمی است و سازمان زمین‌شناسی هم اخیراً آئین‌نامه نحوه برداشت صحیح نمک از دریاچه را تدوین کرده است.

کارایی: جایگاه دیپلماسی بین‌المللی و منطقه‌ای در حل بحران آب و دریاچه ارومیه چیست؟

ضرغامی: اگر ما بتوانیم دریاچه ارومیه را به یک گفت‌وگو بین‌المللی تبدیل کنیم، مزایایی در پی خواهد داشت. یک اینکه شناخته شدن یک بیماری و شناساندن یک مساله همیشه به درمان بهتر آن کمک می‌کند. بیماری هر چه در مراحل اولیه تشخیص و تحت درمان قرار گیرد، بیشتر می‌توان به بهبود آن امیدوار بود. باید در رابطه با دریاچه ارومیه از تجربیات موفق و همچنین تجربیات شکست‌خورده جهانی استفاده کنیم. در دریاچه شور ایالت یوتا آمریکا برای عبور قطار، (مشابه دریاچه ارومیه) میان‌گذر زده شده و بر اساس نقشه‌های ماهواره‌ای دو طرف دریاچه رنگ متفاوتی دارد که این مشکلاتی هم ایجاد کرده است. لذا باید از این جنس تجربیات بهره‌مند شد.

رویداد تبریز ۲۰۱۸ می‌تواند یک موقعیت برای توسعه ارتباطات بین‌المللی برای محیط زیست منطقه و دریاچه باشد. البته نمی‌توان صرفاً با نصب بنر و پوستر نتیجه مثبتی از این رویداد گرفت؛ چرا که این رویداد محدود به تابلوهای شهری نمی‌شود، بلکه باید رفتارهای سازمانی هم در سطح ۲۰۱۸ جهانی ارتقاء داده شوند.

لذا اگر بتوانیم گام‌های موثری در رابطه با احیای دریاچه برداریم، با توجه به شهرت ایجاد شده قادر به صدور خدمات مهندسی خواهیم شد؛ به این صورت که مهندسین عمران و کشاورزی جویای کار می‌توانند در انجام پروژه‌های بین‌المللی مشارکت داشته باشند. به عنوان نکته نهایی لازم به ذکر است که برابر تئوری محیط زیستی کورتنس روند آلودگی‌های



ضرغامی:

فقدان عزم و وحدت ملی در زمینه آب مساله ای بااهمیت است. چالش مربوط به کمبود آب، صرفا در رسانه ها مطرح می شود، در حالی که لازم است نگرانی در خصوص احیای دریاچه ارومیه در رفتار تک تک شهروندان مشهود باشد. این مساله نیازمند شکل گیری یک گفتمان است.



مسافری:

در خصوص اثرات بهداشتی بالاخره اتفاقاتی در منطقه شمالغرب کشور در حال وقوع هستند و بدیهی است که اثرات بهداشتی و سلامتی نیز خواهند داشت. به نظر می رسد خیلی نسبت به احیای دریاچه ارومیه خوش بین هستیم. در حالی که احتمال بازگرداندن وضعیت این دریاچه به حال و روز ۱۳۷۰ غیرممکن و بسیار اندک است.

یک سری اثرات اولیه خواهند داشت. حتی ممکن است باعث تغییر الگوی برخی بیماری ها شود. قبلا محیط مرطوب به همراه آب بود، ولی اکنون به یک منطقه خشک و بیابانی تبدیل شده و احتمال بروز یک سری بیماری های نوپدید می رود. این اتفاق روی کشاورزی و دامداری تاثیرگذار خواهد بود و در نهایت روی سلامت اثر خواهد گذاشت. اما نگرانی اصلی که از وضعیت امروز دریاچه ارومیه وجود دارد، موضوع گرد و غبار و طوفان های نمکی است. در حال حاضر شواهد مستندی دال بر این اتفاق در دست نیست ولی پتانسیل بروز این خطر وجود دارد. یعنی اگر طوفانی در آن منطقه رخ دهد و گرد و غبار به اطراف منتقل شود، انسان ها با ذرات حاوی نمک و یک سری ترکیبات شیمیایی مواجه خواهند شد. مثلا فلزات سنگین. در عین حال یک سری عوامل میکروبی (از جمله ویروس ها، باکتری ها و قارچ ها) نیز به همراه این ذرات منتقل خواهد شد. دکتر تجریشی اشاره می کرد که در آمریکا طوفان های گرد و غبار باعث مننژیت و بیماری های قارچی شده اند. یا در جاهای دیگر، آنالیزها نشان می دهند که فرضا اگر رسوبات دریاچه آلوده به فلزات سنگین باشد (که احتمال آن نیز زیاد است)، چون بعضا فاضلاب ها هم به آنجا منتقل می شوند، همان ها وارد ریه های ما خواهد شد. لذا باید گفت با این وضعیتی که در منطقه حاکم است، با توجه به تغییرات اکوسیستمی، احتمال پیدایش انواع بیماری های تنفسی، آسم، عفونت های تنفسی، بیماری های قلبی و عروقی نیز وجود دارد.

کارایی: آیا در دنیا مطالعه تطبیقی صورت گرفته است که در چه بستر زمانی شواهد مستندی در رابطه با تاثیرات تغییر اکوسیستم آشکار می شود؟

مسافری: پاسخ این سوال را به راحتی نمی توان داد. بدیهی است که در مواجهه مزمن با آلودگی ها به ویژه آلودگی هوا بروز پیامدهای احتمالی بر اساس میزان مواجهه و وضعیت افراد از نظر سن و تغذیه و ... متفاوت خواهد بود. در خصوص آلودگی هوا و بار بیماری ها و مرگ و میرهای منتسب به آن در تهران و برخی شهرهای دیگر کشور مطالعات انجام گرفته و نتایج آن وجود دارد و بار بیماری تخمین زده شده است. مثلا نتایج تحقیقی نشان می دهد که در سال ۱۳۹۳، بیش از ۵۰۰۰ نفر به دلیل مشکلات تنفسی جان خود را در شهر تهران از دست داده اند. همچنین ارتباط معناداری بین مرگ و میر ناشی از بیماری های مورد مطالعه با آلودگی هوا وجود دارد. لذا اگر خشک شدن دریاچه ارومیه باعث افزایش آلودگی هوا در منطقه شود قطعاً شاهد افزایش بار بیماری های مرتبط خواهیم بود.

کارایی: در واقع آن آلودگی را اندازه گیری می کنند. آیا وسیله و دستگاهی برای سنجش میزان آلاینده های نمک هم وجود دارد؟

مسافری: طبیعتاً بله. همکاران ما گرد و غبار تبریز و دریاچه ارومیه را آنالیز پیشرفته کرده اند و عناصر آن را ریز به ریز درآورده اند. یعنی اقداماتی از این جنس انجام شده است. بنابراین احتمال وقوع تمام این اتفاقات ناخوشایند وجود دارد و گرد و غبار، چه به صورت نمکی و چه به صورت غیرنمکی بزرگترین نگرانی ما به شمار می رود.

فاخری فرد: بله. تاثیرات روی کشت، دام و افراد قابل مشاهده است.

مسافری: این اثرات اولیه گرد و غبار است که مواجهه مستقیم آن را باعث می شود. مواجهه غیرمستقیم زمانی است که این گرد و غبار به اراضی کشاورزی یا منابع آب می رسد و بدین ترتیب وارد محصولات دامی و زنجیره غذایی می شود و تاثیرات غیر مستقیم هم خواهد داشت. بنابراین همه ما باید در ارتباط با آثار و پیامدهای این پدیده نگران باشیم.

کارایی: آیا پیش بینی مهاجرت اجباری شهروندان آن منطقه در آینده عراق آمیز است یا واقعا انتظار وقوع چنین اتفاقی می رود؟ آیا تهدید جدی در راه است؟

مسافری: بله؛ این وضعیت هم قابل تصور است. اما در حال حاضر همکاران دانشگاه علوم پزشکی تبریز در حال مطالعه هستند. مجموعه ای از شاخص های بیماری های واگیر و غیرواگیر وجود دارد. فرضاً موضوع فشار خون. برخی اعلام می کنند به علت وضعیت دریاچه ارومیه، در تبریز فشار خون یک واحد افزایش داشته است. این اعلام، فاقد مستندات علمی است. ما زمانی می توانیم این ادعا را داشته باشیم که فشار خون را در اطراف دریاچه ارومیه و یکی از مناطق دور استان مورد بررسی قرار دهیم و در نهایت بینیم آیا تفاوت معناداری وجود دارد یا خیر. لذا مجموعه علوم پزشکی شاخص هایی در رابطه با بیماری های واگیر و غیر واگیر، مثلا اختلال بینایی، شیوع کم وزنی، هموفیلی، تالاسمی، MS، بیماری های قلبی عروقی، تنفسی، چشمی، دیابت، سرطان، فشار خون، BMI، چربی خون، اختلالات روانپزشکی، افسردگی، اضطراب، تب مالت، سالک و سل را مورد توجه قرار می دهد. آمار تمام این ها باید مورد بررسی قرار گرفته و به مقایسه گذاشته شوند تا مشخص شود آیا دریاچه ارومیه در این رابطه تاثیرگذار بوده است یا خیر. البته پتانسیل این اثرگذاری وجود دارد که اگر بالفعل شود قطعاً شاهد اتفاقات ناخوشایندی خواهیم بود.

دقت داشته باشیم که سلامتی صرفاً سلامتی جسمانی تعریف نمی شود. امروز سلامتی اجتماعی، روانی و معنوی هم مطرح است. این گردهمایی ها و تشکیل جلساتی از این جنس هم نشان از نگرانی روانی در ارتباط با دریاچه ارومیه دارد. لذا این خشکی قطعاً بر سلامتی موثر خواهد بود.

کارایی: بر اساس آمار اعلام شده استان های آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل و زنجان بیشترین مرگ و میر از نظر ابتلا به انواع سرطان ها را دارند. آیا به نظر شما این موضوع می تواند در ارتباط با خشک شدن دریاچه ارومیه ارزیابی شود؟

مسافری: ده عامل در ارتباط با بیماری سرطان مهم هستند؛ افزایش سن، مصرف الکل، مواجهه با مواد سرطان زا، نوع رژیم غذایی، هورمون ها، سرکوب سیستم ایمنی بدن، عوامل عفونی، چاقی، نور خورشید و توتون. بنده به نظرم می رسد از این ده عامل، چهار عامل آن بر اثر دریاچه ارومیه قابل تغییر هستند. مواجهه با مواد سرطان زا در اثر گرد و غبار، رژیم غذایی که به آلودگی محصولات کشاورزی و دامی مربوط می شود، عوامل عفونی هم از طریق گرد و غبار منتقل می شوند و در نهایت نور خورشید یا آلودگی

و موضوع UV. بنابراین بله ممکن است در آینده با خشکی دریاچه ارومیه با این خطرات مواجه شویم و حتی در شدت بروز بیماری‌های سرطانی نیز اثر خواهد گذاشت. فقط باید توجه داشته باشیم که همه این موارد احتمال وقوع دارند و مطمئناً دوستان برای عدم بروز این اتفاقات راهکار خواهند داشت. بنده هیچ وقت ندیدم در راهکارها فرضاً به جای احداث فلان تصفیه‌خانه، تصمیم به اعمال تغییر در برخی قسمت‌های جاده میان گذر بگیرند تا آب به راحتی رد و بدل شود. یا از برداشت بی رویه آب در حوضه آبریز دریاچه ارومیه جلوگیری شود.

واعظ مدنی: کارشناسان محیط زیست، همواره و در همه حال فعالیت‌های بشری را موجب برهم زدن تعادل زیست‌محیطی می‌دانند. چراکه فعالیت‌های بشر در راستای طرح‌های توسعه‌ای، عمرانی و بهره‌برداری بیش از ظرفیت منابع طبیعی بدون انجام مطالعات زیست‌محیطی صورت می‌گیرد. حتی می‌توان به وضوح بیان کرد:

ارزیابی زیست محیطی در اغلب پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای به عنوان حلقه‌ای گمشده بوده که هیچ توجهی به اهمیت و ضرورت اجرای آن نشده است.

«ارزیابی زیست محیطی» به عنوان مکانسیم قانونی بین المللی ملی می‌باشد که تمام آثار زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سلامت و بهداشت، پروژه‌های توسعه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد. انجام ارزیابی زیست محیطی در مراحل طراحی پروژه، اجرای آن و حتی پس از بهره‌برداری، لازم الاجرا می‌باشد.

اگر امروزه دریاچه ارومیه به عنوان یک چالش زیست‌محیطی در قالب یک معضل نمایان است، ریشه آن را باید در چند سال پیش جست‌وجو کرد. خشک شدن دریاچه ارومیه به عنوان یک فاجعه زیست‌محیطی، نه تنها دغدغه منطقه‌ای بلکه دغدغه ملی و جهانی است.

به زعم بنده طرح‌های توسعه‌ای و عمرانی، اصلی‌ترین علت خشکی دریاچه ارومیه است. احداث بزرگراه میان گذر شهید کلاتری، احداث سدها و تغذیه این سدها از رودخانه‌هایی که خود تغذیه‌کننده دریاچه ارومیه می‌باشند؛ به عنوان مهم‌ترین عامل خشک شدن دریاچه ارومیه مطرح می‌شود. که آثار و پیامدهای نامطلوب و جدی حاصل از اجرای این پروژه‌ها؛ یا هیچگونه ارزیابی زیست‌محیطی قبل از شروع عملیات، نداشتند و یا اگر هم داشتند، به نتایج نادرست رسیده‌اند و صرفاً جنبه اقتصادی طرح‌های فوق مورد توجه بوده است.

اگرچه امروزه راهکارهایی در خصوص کنترل ریزگردهایی که از پهنه‌های شوره‌زار و ریزگردهای نمکی متصاعد می‌شوند، ارائه می‌شود که بهره‌گیری از ماده‌ای به نام «کلرید منیزیم» از جمله آن‌هاست. این ماده با جذب ذرات نمکی به همراه رطوبت، تا حدودی می‌تواند مانع پخش و انتشار گرد و غبار نمکی در جو گردد. البته اتخاذ چنین راهکاری مستلزم مطالعات و تحقیقات تخصصی، جامع و دقیق می‌باشد. از طرفی ارتقاء سیستم ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، یک راهکار مهم مدیریتی در حل بحران دریاچه ارومیه است. ارائه طرح و اجرایی کردن هر راهکار مدیریتی باید به همراه ارزیابی زیست‌محیطی باشد. بدین ترتیب که جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی،

فرهنگی و سلامت و بهداشت باهم و در کنار هم مورد بررسی قرار گیرند. چرا که تک بعدی نگریستن، عامل اساسی شکست بسیاری از طرح‌ها و حتی راهکارهای مدیریتی بوده؛ در این میان بهره‌گیری از سیستم مدیریت یکپارچه و تجربیات موفق و کارآمد کشورهای پیشرفته و توسعه یافته، می‌تواند گامی موثر تلقی شود.

حاجی زاده: صحبت خانم واعظ مدنی مقدمه صحبت بنده را شکل می‌دهد. بانگه جزئی و موردی، مشکلات ما حل نخواهند شد. اینکه در یک مقطع زمانی روی یک موضوع متمرکز شویم و به عنوان مثال دغدغه امروز ما دریاچه ارومیه باشد و روزی دیگر، مساله‌ای دیگر. بنده به راهکار صنعتی شدن که در خصوص آن صحبت شد، هم نقد دارم و به نظر من حتی حرکت به سمت صنعتی شدن هم، منجر به نابودی محیط زیست خواهد شد. مجموعه اساتید و صاحب‌نظران از جمله دکتر فرامرزی، رفیع‌پور، دکتر رزاقی، دکتر رشیدی، دکتر شاپور رواسانی، مرحوم دکتر عظیمی آران و فرهاد مومنی مطالعه‌ای پنج ساله در موضوع توسعه داشته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهد که این اساتید نگرش متضاد و متناقضی نسبت به موضوع توسعه دارند که بیشتر مبتنی بر نگرش ساختاری و نهادی بوده است. به جز دکتر عظیمی آران که علی‌رغم تحصیل در انگلیس، نگاه انسانی و انسان محوری نسبت به توسعه داشته‌اند، سایر اساتید، به توسعه به صورت ساختار محور نگاه کرده‌اند. به زعم بنده مشکلات ما از تناقض‌های کارکردی نشات می‌گیرد و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کارکردی درون دولت در تقابل با یکدیگر هستند. به عنوان مثال، توسعه در جامعه ما همان رشد تلقی می‌شود. زمانی بود مسئول آبیاری گزارش خود در خصوص حفر صد چاه در استان را به استانداردهای ارائه می‌کرد، و این گزارش عملکرد باعث افتخار بود. اما الان در مقطعی قرار داریم که افتخار ما مسدود کردن این چاه‌ها است. یا در خصوص تولیدات کشاورزی هم آمار ارائه می‌کنیم که نشان می‌داد محصولات ما تا چهار برابر افزایش داشته است، اما آیا در تولید ثروت هم شاهد این افزایش بوده‌ایم؟

زمانی ژاپن صادرات گندم داشت و مردم این کشور به خاطر انجام ۱۸ ساعت کار، از پا می‌افتادند، و در عین حال درآمد بسیار اندکی نیز داشتند. از همین رو ژاپن به سمت بازار وسایل ارتباط جمعی تغییر جهت داد که در عین حال بازار وسایل ارتباط جمعی به محیط زیست هم آسیب نمی‌رساند. صنعت ما که گفته شد، کم‌ترین میزان آب را مصرف می‌کند، همان ۲ درصد آب را نیز از بین می‌برد و به محیط زیست هم آسیب‌های قابل توجهی می‌رساند. به نظر بنده این از یک مساله فرهنگی ناشی می‌شود.

منظور از فرهنگ این است که ما درک خود نسبت به روابطی که با طبیعت، با خود و با دیگری داریم، را مرور کنیم و اگر قصد تغییر آن را داریم، مطالعه و بررسی دقیق صورت گیرد. اتفاقاً تخریب‌هایی که صورت گرفته است، زاده نگرش ساختاری است. در درون نگرش ساختاری، اراده‌گرایی نهفته است. بخصوص این که این اراده‌گرایی به صورت ناقص از علم مدرن به درون این نگرش ساختاری انتقال پیدا کرده است. گمان می‌کنیم که علم اجازه هر گونه دست‌یازی به طبیعت را می‌دهد و بشر مختار است هر طور که بخواهد محیط زیست را مدیریت کند. در



واعظ مدنی:

به زعم بنده طرح‌های توسعه‌ای و عمرانی، اصلی‌ترین علت خشکی دریاچه ارومیه است. احداث بزرگراه میان گذر شهید کلاتری، احداث سدها و تغذیه این سدها از رودخانه‌هایی که خود تغذیه‌کننده دریاچه ارومیه می‌باشند؛ به عنوان مهم‌ترین عامل خشک شدن دریاچه ارومیه مطرح می‌شود.



حاجی زاده:

فارغ از اینکه چه دولتی بر سر کار است، دولتمردان عمدتاً چشم‌اندازهای متناقضی برای دوره زمامداری خود دارند. این مساله به گونه‌ای است که اگر سخنان وزرای دولت را کنار هم قرار دهیم، این سخنان کاملاً متعارض و متضاد جلوه می‌کنند. از این روی دستیابی به چشم‌انداز واحد ضرورت دارد و این مهم، از طریق درک مشترک قابل حصول است.



با این رتبه و جایگاه، دریاچه ارومیه دچار این وضعیت می‌شود؟ پیام‌هایی در این اتفاق نهفته است. یک اینکه دانشگاه کاملاً مستقل از بخش صنعت فعالیت می‌کند. به عبارت دیگر، دانشگاه منافع خود را مد نظر قرار می‌دهد و صنعت هم به کسب منافع خود می‌اندیشد. دانشگاه و صنعت به یک زبان مشترک دست نیافته‌اند. در این رابطه هر دو نهاد صنعت و دانشگاه مقصر بوده‌اند. دوره تحصیل ما، همواره نگرش سازه‌ای و هیدرولوژیکی بر واحدهای درسی حاکم بود. هیچ‌گاه در کارهای پژوهشی در زمینه توسعه منابع آب و موضوع سدسازی، حقیقه زیست‌محیطی به عنوان یک مولفه در مدل‌های تحقیق آورده نشده است. این نقدی است که به نظام آموزشی عالی وارد است. یا شکی در شایستگی رتبه‌های علمی تک‌تک اساتید دانشگاهی نیست اما تا چه اندازه توانسته‌ایم پروژه‌های مشترک به انجام برسانیم؟ متأسفانه مساله فرهنگ که توسط دوستان مطرح شد، در همه جا شاهد آن هستیم و در دانشگاه نیز به این صورت آشکار می‌شود. آیا واقعا قدرت انجام پروژه‌های مشترک در ما نیست؟ از طرف دیگر متأسفانه زمان و هزینه صرف تدوین پایان‌نامه‌های دانشجویی می‌شود اما خروجی به دردی برای اهل صنعت ندارد. صرفاً مقاله‌ای با انگیزه ارتقای علمی تدوین می‌شود. ما دانشگاهیان تا چه اندازه توانستیم در ایفای نقش خود به عنوان تصمیم‌ساز، موفق عمل کنیم؟ دانشگاهیان همواره تماشاگر تصمیمات و اجرای آن بوده‌اند. دانشگاهیان هیچ‌گاه آنطور که باید در بحث‌ها شرکت نداشته‌اند و تصمیم‌سازی نکرده‌اند. از سوی دیگر، باید به این نکته توجه کنیم که نیروی شاغل در سازمان‌ها و نهادهای مرتبط از جمله سازمان آب از همین دانشگاه‌ها دانش آموخته شده‌اند. لذا روش و فرآیند آموزش نیز باید مورد بازنگری قرار گیرد و چرایی عدم اثربخشی این آموزش‌ها در عمل مورد بررسی قرار گیرد. زمان آن فرا رسیده که واحدهای درسی پیرامون شناخت محیط زیست و آب در برنامه‌ریزی آموزشی لحاظ شود. این برنامه باید هم در وزارت آموزش و پرورش و همچنین در وزارت علوم مورد توجه باشد. باید دانشگاهیان با مفهوم توسعه پایدار آشنایی داشته باشند. در حال حاضر دانشجویان با دانش آموختگان ما هیچ فکر و ایده‌ای در خصوص توسعه پایدار ندارند. موضوع مدیریت حوضه‌ای یا

کارایی: شما چرا فساد سیستمی که ساختاری است را در این میان نادیده می‌گیرید؟

حاجی‌زاده: خیر. به نظرم فساد مساله‌ای ساختاری نیست، بلکه کارکردی است. ما افراد کارشناس و متخصص را کنار گذاشته‌ایم و افراد رانت‌خوار و فرصت‌طلب رابه کار گرفته‌ایم. ببینید ما اگر بخواهیم مورد به مورد به مشکلات بپردازیم، به جایی نخواهیم رسید. همانطور که در سطح شهر هم شاهد هستیم؛ فرضاً مشکل ترافیک را در ناحیه‌ای مرتفع می‌کنند و باعث بروز مشکلات بسیاری در سایر نواحی می‌شوند. در رابطه با موضوع دریاچه و محیط زیست هم به همین شکل است. ما نیازمند درکی درست و متفاوت هستیم که البته در سنت و ذخیره فرهنگی نهفته است. اما متأسفانه ما از این سنت جدا شده‌ایم. یعنی ارتباط کلامی ما با این سنت و فرهنگ قطع شده است. اگر سعی در برقراری مجدد این ارتباط داشته باشیم و این درک مشترک را نسبت به طبیعت و انسان‌ها به عرصه سیاست وارد کنیم (به شرطی که در عرصه سیاست تناقض و تضاد وجود نداشته باشد)، در ایجاد تغییرات موفق خواهیم بود. باید هدف و جهت مسیر به طور شفاف مشخص باشد و امکانات در جهت همین اهداف هدایت شوند. در حال حاضر امکانات و منابع در راستای رسیدن به اهداف به درستی هدایت نمی‌شوند.

بهشتی: منافع خرد و کلان تفاوت دارند. افراد باید منافع شخصی خود را با منافع ملی هماهنگ کنند. اما اگر منافع فردی را معیار قرار دهیم، ممکن است مملکت به خطر افتد. موضوع آب مربوط به منافع ملی است؛ اصلاً هویت مملکت وابسته به آب است.

کارایی: دکتر ستاری به نظر شما چه راه‌کارهایی برای برون‌رفت از مشکل بحران آب در ایران وجود دارد؟

ستاری: من قصد دارم به جایگاه دانشگاه در این مساله بپردازم. فرضاً دانشگاه تبریز در بین پنج دانشگاه برتر ایران قرار گرفته است. گروه منابع آب دانشگاه تبریز در ایران رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. و در دنیا هم بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ قرار گرفته‌ایم. پس چطور می‌شود در کنار این دانشگاه

حالی که این‌گونه نیست و انسان مجوز اعمال هر تغییری در طبیعت را ندارد.

مساله دیگر این است که چرا از این اقدامات فرهنگی، نتیجه نمی‌گیریم؟ در این خصوص می‌بایست به وجود تناقض‌ها اشاره کرد. فارغ از اینکه چه دولتی بر سر کار است، دولتمردان عمدتاً چشم اندازه‌های متناقضی برای دوره زمامداری خود دارند. این مساله به گونه‌ای است که اگر سخنان وزرای دولت را کنار هم قرار دهیم، این سخنان کاملاً متعارض و متضاد جلوه می‌کنند. به عنوان مثال، برنامه‌های وزارت صنایع با برنامه‌های وزارت نیرو در تقابل است و قس علی‌هذا... از این روی دست یابی به چشم‌انداز واحد ضرورت دارد و این مهم، از طریق درک مشترک قابل حصول است. از این روی دست‌یابی به چشم‌انداز واحد ضرورت دارد و این مهم، از طریق درک مشترک قابل حصول است. چرا نمی‌توان با یک کشاورز روستایی به درک مشترک برسیم؟ برای اینکه منابع و امکانات را در راستای فرهنگ‌سازی به کار نمی‌گیریم.

کارایی: اینکه چرا قادر به مفاهیم با روستایی کشاورز نیستیم، چون در عمل افراد در جایگاه‌های مختلف، به دنبال منافع متفاوتی هستند. منافع سایرین با منافع روستایی کشاورز در یک ردیف قرار نگرفته است. چطور انتظار داریم مفاهیم دست‌یافتنی باشد؟ با این شرایط ما اصلاً به درک مشترک هم نخواهیم رسید. منافع رئیس سازمان آب با منافع یک روستایی در قره‌چیق هم سو و هم‌راستا نیست. پس چگونه می‌توان آن روستایی را به اجرای سیاست‌های سازمان آب منطقه‌ای استان اقناع کرد؟ چگونه باید به درک مشترک دست یافت؟

حاجی‌زاده: ابتدا باید از همین روابط درک حاصل شود تا به فرهنگ تبدیل گردد و قابل تعمیم شود. به جای چهار برابر کردن محصولات کشاورزی، می‌توانستیم همان محصولات کشاورزی را با تکنولوژی فرآوری کنیم و ارزش افزوده ۱۰ برابری کسب کنیم. چرا این اتفاق نیفتاده، چون به درک مشترک نرسیده‌ایم. چون در تحلیل روابط مشکل داریم. به طور کلی نگاه ما به موضوع فرهنگ کاملاً ساختاری است.



ارشد بنده به امکان خشکی دریاچه ارومیه تا ۱۸ سال آینده اشاره شده بود. این پژوهش در قفسه کتابخانه دانشگاه خاک خورد تا در عمل شاهد خشکی دریاچه باشیم.

ولی زاده کامران: آیا دولت ترکیه با بارورسازی ابرها باعث کاهش بارندگی در منطقه ما شده است؟ تا جایی که من اطلاع دارم هیچ مستنداتی برای این قضیه در دست نیست. اما بارورسازی ابر حرف ساده‌ای نیست. اصلاً تمام سیستم‌های ابری امکان بارورسازی ندارند. فقط برخی ابرها قابلیت بارور شدن دارند؛ که آن هم تکنولوژی خاص خود را می‌طلبد. اینطور نیست که هر ابری بود ترکیه اقدام به بارورسازی کند و هیچ بارندگی به ما نرسد.

بختی به نام جنگ افزارهای اقلیمی وجود دارد که در دنیا مطرح است. آیا دولتی می‌تواند تغییراتی در یک اقلیم ایجاد کند که یک کشور را با سیل، زلزله یا خشکسالی روبرو کند؟ از لحاظ تئوریک بله می‌شود. یعنی فرضاً ما مسیر توده‌های هوا را تغییر دهیم. اما امکان وقوع آن در عمل، مشخص نیست. آیا دولت آمریکا با سیستم هارپ قادر به انجام این کار است یا خیر؟ مشخص نیست. فرضیه‌های دیگری هم در عدم بارورسازی ابرها مطرح است و آن وجود انعکاس شدید از سطح دریاچه که الان با نمک پوشیده شده و مثل یک آینه عمل می‌کند و ابرها را از تراکم خار می‌کند و با وجود پارازیت ماهواره است که مانع بارورسازی ابر می‌شود. رد یا تایید این فرضیات نیازمند پژوهش است.

کارایی: به نظر می‌رسد اساساً این تحقیق نیازمند حمایت کلان‌ساختاری است.

ولی زاده کامران: بله، نکته دیگر اینکه ما صرفاً به دنبال رساندن آب به دریاچه هستیم. آیا دریاچه فقط سطحی است که با آب پر شده است؟ خیر دریاچه در کنار فون و فلور یا به عبارتی پوشش گیاهی و جانوری معنا پیدا می‌کند. تا جایی که من اطلاع دارم فون و فلور دریاچه ارومیه از بین رفته است. بعضاً پوشش گیاهی و جانوری آن از بین رفته‌اند. این دیدگاه مرگ دریاچه ارومیه را اعلام می‌کند. به عبارتی دریاچه استخر پُر آب نیست. اما ان شاء الله در آینده قابل احیاء باشد، که اگر هم ممکن باشد بسیار زمان‌بر خواهد بود.

فراهم بود. و همچنین دریافت بودجه در تهران توسط دانشگاه شریف بسیار سهل‌تر از شهرستان‌ها صورت می‌گیرد. بالاخره همه این موارد در انتخاب دانشگاه شریف تاثیرگذار بوده است. با این وجود، همچنان این مساله مورد نقد است. در حال حاضر شرایط تا حدودی برای تغییر سیاست فراهم است. به دلیل اینکه دانشگاه‌های منطقه قدرت خود را به نمایش گذاشته‌اند. تا حدودی هم این نتیجه حاصل شده است که مسئولیت و اختیارات پیگیری این موضوع باید به دانشگاه‌های منطقه سپرده شود. دکتر مسافری اشاره کردند برخی هزینه‌ها کارساز نیستند و تأثیری در احیای دریاچه ندارند. از جمله دیوارکشی رودخانه مراغه و مدول دوم تصفیه‌خانه تبریز. اما به نظر من تصفیه‌خانه‌ها امید دریاچه ارومیه هستند. می‌خواهیم فاضلاب‌های شهری را به درجه‌ای از تصفیه برسانیم تا وارد دریاچه ارومیه کنیم. درجه تصفیه به شکلی خواهد بود که شاید به عنوان آب شرب هم قابل استفاده باشد. اگر آب فاضلاب به شکل تصفیه نشده به دریاچه تزریق شود، نمک دریاچه آلوده به باکتری‌ها و ویروس‌ها خواهد شد و شوره نیز نمی‌تواند آن‌ها را از بین برد. پس باید اهمیت زیادی برای تصفیه‌خانه‌ها قائل باشیم، چرا که منجر به تولید آب مطمئن می‌شوند.

مسافری: در حال حاضر ظرفیت تصفیه‌خانه تبریز ۱٫۷ متر مکعب در ثانیه است و ما کار تصفیه را تنها با ۴۰۰ لیتر بر ثانیه پیش می‌بریم. این بدین معنی است که از ظرفیت موجود به خوبی بهره‌مند نمی‌شویم، حالا می‌خواهیم تصفیه‌خانه جدید احداث کنیم که چه بشود؟ آیا اختصاص این هزینه‌ها تأثیر قابل توجهی در احیای دریاچه خواهد داشت؟

فاخری فرد: تصفیه‌خانه صرفاً محدود به تبریز نمی‌شود و در شهرستان‌ها از جمله آذرشهر نیز از تصفیه‌خانه بهره‌مندیم. با کمک موارد اشاره شده امکان تزریق ۶۰۰ میلیون متر مکعب آب به دریاچه وجود دارد.

در رابطه با ورود دانشگاهیان، باید عرض کنم ما به سختی به ارگان‌ها قیولاندم که دانشگاه هم حاضر به ورود به این مساله است. یعنی اگر ما به صورت علمی و عملی حرکت نمی‌کردیم، باز هم دانشگاه در حاشیه می‌ماند. اما واقعیت این است که هنوز هم ارتباط آنطور که باید برقرار نیست. در پایان نامه دوره

حکمرانی آب که مطرح شد باید از دانشگاه‌ها شروع شود. متأسفانه ما نتوانسته‌ایم در این زمینه موفق عمل کنیم.

علاوه بر این موارد، باید اشاره‌ای هم به مسائل جامعه‌شناسی داشته باشیم. جایگاه علم جامعه‌شناسی در مساله خشکی دریاچه ارومیه کجاست؟ خشکسالی به شکل‌های مختلفی تعریف می‌شود؛ هواشناسی، کشاورزی، هیدرولوژیکی و خشکسالی اقتصادی اجتماعی. بازتاب این خشکسالی‌ها از لحاظ علم جامعه‌شناسی به چه صورت است. خشکی دریاچه ارومیه چه پیامدهایی در جامعه خواهد داشت؟ از جمله، کاهش درآمدهای کشاورزی منطقه، باعث مهاجرت کشاورزان به شهرها می‌شود. در ادامه با آسیب‌های اجتماعی بسیاری مواجه خواهیم شد. لذا نگاه به دریاچه ارومیه از منظر مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سلامت ضرورت دارد.

موضوع دیگر، مباحثات بین رشته‌ای است. اینکه به طور جزیره‌ای عمل نکنیم. مساله دریاچه صرفاً با پرداختن گروه آب حل نخواهد شد. بلکه باید کارشناسان در قالب‌های مختلف آب و سلامت، آب و جامعه‌شناسی و امثالهم به بحث بپردازند. تا زمانی که به این درک نرسیده‌ایم، مانند گروه سمفونی است که هر کدام از نوازنده‌ها به شکل دلخواه خود می‌نوازند که در نهایت خروجی گوش‌خراشی خواهد داشت و به هیچ عنوان موزیک دلنشینی از نواختن این ارکستر پدید نخواهد آمد. لذا باید به درک مشترک و زبان مشترک دست بیاوریم که مستلزم نگرش یکپارچه و سیستمی و به صورت همه‌جانبه به مساله آب است.

فاخری فرد: نقدهای متعددی در رابطه با ورود دانشگاه صنعتی شریف به این مساله می‌شود. واقعیت این است که ارتباطات دانشگاه شریف با شرکت‌ها و نهادهای داخلی و خارجی و همچنین دانشگاه‌های بین‌المللی قابل مقایسه با سایر دانشگاه‌ها نیست. بنده و نماینده دانشگاه ارومیه در جلسه‌ای که در تهران حضور داشتیم مطرح کردیم که چرا دانشگاه‌های مادر در خود منطقه آذربایجان نقش اصلی نمی‌توانند در این ستاد داشته باشند. در هفته دو تا سه روز در تهران جلسه برگزار می‌شد. باید توجه داشته باشیم که حضور مسئولان دولتی در این جلسات در تهران نسبت به آذربایجان بیشتر

بررسی و تحلیل تامین و بهره‌برداری بهینه از منابع آبی استان آذربایجان شرقی



حامد سبزیچی

دانشجوی دکتری رشته مهندسی آبیاری و زهکشی

به وضوح می‌توان گفت تامین آب در کشوری همانند ایران با اقلیم خشک و نیمه‌خشک اساسی‌ترین چالش در حفظ و توسعه بخش کشاورزی است. علی‌رغم یک تصور عام در ارتباط با شرایط معتدل آب و هوایی در استان آذربایجان شرقی، این استان با میانگین بارش ۲۹۷ میلی‌متر در سال در کنار توزیع نامناسب زمانی و مکانی آن در زمره مناطق کم‌بارش کشور است. با توجه به محدودیت منابع آب در استان بررسی و استفاده درست از این منابع تنها راه غلبه بر بحران کم‌آبی است. کل پتانسیل‌های تجدیدپذیر در بخش منابع آب استان ۵ میلیارد متر مکعب بوده که ۶۱ درصد آن را منابع سطحی و ۳۹ درصد آن را منابع آب زیرزمینی تشکیل می‌دهد. برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری بهینه از منابع آب نیاز به مدل‌سازی سیستم‌های منابع آب دارد که این کار به منظور شبیه‌سازی و بهینه‌سازی آن سیستم انجام می‌شود. مدل‌های شبیه‌سازی عموماً به دو دسته قطعی (بر مبنای بیان کمی و کیفی آب) و غیرقطعی (ترکیب مدل‌های قطعی با توابع توزیع آماری جهت لحاظ خصوصیات احتمالاتی متغیرهای یک سیستم) تقسیم می‌شوند. بهینه‌سازی سیستم منابع آب نیز به صورت برنامه‌ریزی تک‌هدفه یا چندهدفه و با استفاده از روش‌های نوین بهینه‌سازی مانند الگوریتم ژنتیک انجام می‌گیرد. لیکن در بیان عام بهره‌برداری بهینه از منابع با دو مفهوم اساسی آن یعنی صرفه‌جویی و افزایش بهره‌وری مصرف را قابل ترویج است. در بخش کشاورزی هدف از افزایش بهره‌وری آب، افزایش عملکرد محصول تولیدشده به ازای یک واحد آب مصرف‌شده می‌باشد.

سهام مصرف بخش کشاورزی، شرب و صنعت از کل آب استحصال شده در استان به ترتیب ۸۶/۶، ۱۰/۷ و ۲/۷ درصد می‌باشد. بیان ضرورت بهره‌برداری بهینه آب در بخش کشاورزی به مفهوم سهل‌انگاری در مدیریت مصرف سایر بخش‌ها همچون شرب و صنعت نیست؛ لیکن به دلیل سهم بالای مصرف آب در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها مدیریت مصرف و بهبود بهره‌وری آب در این بخش از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این مقاله ضمن معرفی سیمای کلی منابع تامین آب استان به اهمیت موضوع بهره‌برداری صحیح از منابع آب در بخش کشاورزی و راه کارهای بهبود با رویکرد افزایش بهره‌وری مصرف آب کشاورزی پرداخت خواهد شد.

۱- سیمای کلی منابع آب استان و سهم بخش کشاورزی از آن

نزولات جوی به شکل بارش باران و برف و نیز ذخایر انباشت برف در ارتفاعات استان که حاوی آب معادل ذوب برف می‌باشند، عوامل تغذیه‌کننده منابع آب سطحی و زیرزمینی استان می‌باشند. بزرگ‌ترین بخش

مصرف‌کننده از این منابع در استان، بخش کشاورزی و عمده فعالیت منجر به مصرف آب در این بخش، عملیات آبیاری مزارع است. لذا کاهش مصرف آب در این قسمت موثرتر از صرفه‌جویی در سایر فعالیت‌ها همچون صنایع شیلات، پرورش دام، فرآوری محصولات و غیره خواهد بود.

۱-۱ منابع آب سطحی استان

رودخانه‌های آذربایجان شرقی در سه حوضه آبریز آن در جریان هستند. این سه حوضه شامل حوضه آبریز دریاچه ارومیه، ارس و قزل‌اوزن به ترتیب با اختصاص ۴۷، ۲۸ و ۲۵ درصد از مساحت استان می‌باشند. علاوه بر رودخانه‌ها سایر منابع آب‌های سطحی استان در دریاچه ارومیه، سدها، مخازن و تالاب‌ها جای گرفته است. بر طبق آمار استحصال بالفعل آب‌های سطحی استان از طریق ۱۴۳ سد و بند مخزنی و انحرافی، ۶ ایستگاه پمپاژ و ۲ شبکه آبیاری و زهکشی حدود ۱۵۷۶ میلیون مترمکعب از ظرفیت بالقوه آن یعنی ۳۰۵۰ میلیون مترمکعب می‌باشد. از این میزان حجم حدود ۱۴۶۱ میلیون مترمکعب آن به مصرف بخش کشاورزی استان می‌رسد.

۱-۲ منابع آب زیرزمینی استان

اغلب دشت‌های کشاورزی استان دارای منابع آب زیرزمینی در سفره‌های خود هستند. لیکن به جهت برداشت وسیع از این سفره‌ها در طی سال‌های گذشته، طبق برآورد سازمان آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی سالانه ۴۹ میلیون مترمکعب از این ذخایر کاهش می‌یابد؛ به طوری که بیشترین کاهش مربوط به دشت‌های مرند، شبستر، صوفیان، تسوج و دامنه‌های شمالی سهند است. در کل بخش کشاورزی استان با وسعت ۱/۲۲ میلیون هکتار (۶/۱۲ درصد از کل اراضی قابل کشت کشور) با برداشت ۸۴ درصدی از منابع آب زیرزمینی (حدود ۱۴۲۸ میلیون مترمکعب) توسط چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق، قنات‌ها و چشمه‌ها بیشترین سهم مصرف از این منابع را داراست.

۲- تعیین مقادیر بهره‌وری و بهبود آن در بخش کشاورزی

با توجه به آمار ارائه شده از وضعیت منابع آب استان آذربایجان شرقی و شناسایی بخش کشاورزی به عنوان عمده‌ترین مصرف‌کننده آب، لزوم بهره‌برداری صحیح از منابع آب در این بخش بدیهی است. اگر بهره‌وری آب کشاورزی را به عنوان یکی از شاخص‌های مهم در سنجش میزان موفقیت در بهره‌برداری صحیح از منابع آب در دشت‌های استان لحاظ کنیم، با اطلاع از توزیع مکانی مقادیر بهره‌وری و تحلیل آن‌ها می‌توان به سوالات مهمی در این زمینه پاسخ داد. از جمله این که در حال حاضر در کدام یک از دشت‌های استان بخش کشاورزی از جنبه بهره‌وری آب دارای صرفه بیشتری است؟ بیشترین میزان بهره‌وری در هر یک از دشت‌ها مربوط به کدام محصول می‌باشد؟ چه الگوی کشتی را برای هر یک از دشت‌های استان از منظر بهره‌وری آب می‌توان پیشنهاد نمود؟ میزان قابلیت بهبود بهره‌وری آب در هر یک از دشت‌های استان چقدر می‌تواند باشد؟ هم‌چنین با اطلاع از وضعیت فعلی بهره‌وری آب در نقاط مختلف استان می‌توان به بررسی اولویت‌بندی راه کارهای افزایش بهره‌وری آب در هر یک از دشت‌های

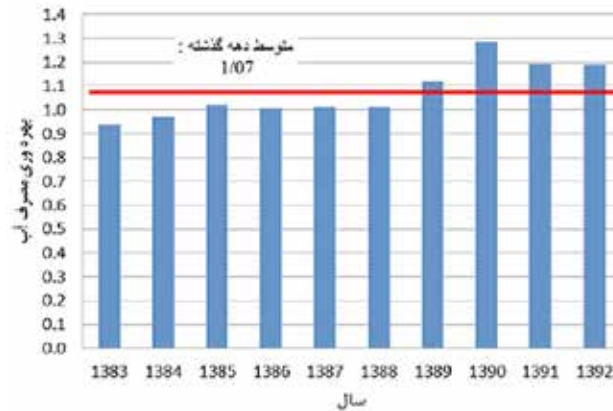
استان پرداخت.

۱-۲ روش‌های تعیین میزان بهره‌وری آب کشاورزی طبق تعریف بهره‌وری مصرف آب عبارت است از مقدار محصول تولید شده به ازای واحد حجم آب مصرفی که حسب کیلوگرم بر مترمکعب بیان می‌شود؛ بنابراین برآورد میزان بهره‌وری وابسته به دو دسته آمار مربوط به مقادیر محصول تولیدی و حجم آب مصرفی در دشت‌های استان خواهد بود. از این میان آمار مربوط به حجم آب مصرفی به جهت وجود انواع منابع خطا در اندازه‌گیری آن از دقت کمتری برخوردار است. با این حال یکی از راه‌های تعیین مقادیر بهره‌وری، مراجعه به همین آمار عمدتاً سازمانی است. طبق آمار موسسه تحقیقات فنی و مهندسی کشاورزی متوسط بهره‌وری آب کشاورزی کشور در طی ۱۰ سال گذشته روند صعودی داشته و هم‌اکنون ۱/۰۷ کیلوگرم بر مترمکعب است. علت روند مثبت در بهبود این شاخص اثر بخشی فعالیت‌های انجام شده تاکنون در هر دو بخش افزایش تولید و کاهش حجم آب مصرفی عنوان گردیده است. نمودار شماره ۱ روند تغییرات بهره‌وری آب کشاورزی را طی دهه اخیر نشان می‌دهد.

یکی دیگر از روش‌های بدست آوردن مقادیر بهره‌وری آب، انجام یک سلسله مطالعات میدانی در سطح دشت‌های کشاورزی استان خواهد بود؛ که در این راستا با کشت ارقام الگوی کشت در مزارع پایلوت یا داخل دستگاه لایسیمتری می‌توان به تحلیل مقادیر بهره‌وری آب به صورت مطالعه موردی در هر یک از دشت‌های استان پرداخت. انجام آزمایشات میدانی در این زمینه معمولاً زمان‌بر و همراه با هزینه نیروی انسانی و تجهیزات است. در شبکه‌های آبیاری تحت فشار با توجه به داشتن اطلاعات دقیق از میزان برداشت آب توسط ایستگاه پمپاژ و اطلاع از میزان راندمان‌های انتقال، توزیع و کاربرد آب در شبکه می‌توان به ازای محصول تولید شده از وسعت اراضی تحت پوشش شبکه میزان بهره‌وری آب کشاورزی را تعیین نمود.

از روش‌های دیگر برآورد توزیع مکانی بهره‌وری آب کشاورزی در یک سطح وسیع استفاده از تکنیک‌های سنجش از دور می‌باشد. در این روش با استفاده از تصاویر سنجنده‌های ماهواره‌ای در طیف‌های مختلف، توزیع مکانی میزان آبی که به مصرف گیاه رسیده است، در کنار مقدار ماده خشک تولیدی با دقت قابل قبولی برآورد می‌گردد. توسعه تکنیک‌های سنجش از دور در این زمینه به عنوان بهترین روش برای برآورد توزیع مکانی و زمانی مقادیر بهره‌وری آب در سطوح وسیع و در شرایط عدم وجود آمار مطمئن شناخته شده‌اند. سنجش از دور امکان پیش‌مداوم تبخیر-تعرق حقیقی گیاهان را در مقیاس وسیع مهبی می‌کند که با روش‌های نقطه‌ای این امر ممکن نیست. با توجه به وسعت ناحیه‌ای که می‌تواند با این تکنیک‌ها مورد مطالعه و رصد قرار گیرد، این روش اطلاعات ارزشمندی جهت مدیریت مصرف آب کشاورزی در سطح استان در اختیار برنامه‌ریزان بخش آب قرار خواهد داد. در این راستا طرح‌های تحقیقاتی مرتبط برای استان در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تبریز تعریف گردیده است که از آن جمله رشید نیقی و همکاران در سال ۱۳۹۳ با مطالعه موردی استان

رشد تغییرات بهره‌وری مصرف آب کشاورزی کشور طی دهه اخیر



نمودار شماره ۱: روند تغییرات بهره‌وری آب کشاورزی طی دهه اخیر

رویکرد بهبود عملکرد سیستم‌های آبیاری بوده است. لیکن در این میان توجه به یک نکته حائز اهمیت است که شبکه‌های احداث شده و در حال بهره‌برداری هم اکنون با مشکلاتی چون پایین بودن میزان راندمان کمتر از حد انتظار، استهلاک شدید، عدم توجه به تعمیر و نگهداری و بی‌نظمی در رعایت الگوی کشت مواجه هستند. ارزیابی فنی شبکه آبیاری تحت فشار دشت گردیان با وسعت ناخالص ۲۰۰۰ هکتار واقع در شهرستان جلفان نشان از پایین بودن نمایه‌های مربوط به میزان یکنواختی توزیع آب در سطح مزارع داشت. این توزیع نامناسب موجب افت عملکرد محصول و پایین آمدن میزان بهره‌وری آب کشاورزی می‌باشد. عامل اصلی افت راندمان آبیاری در این شبکه اعمال تغییرات غیراصولی و مغایر با مبانی طراحی بود که به صورت افزودن تعداد قطره چکان‌ها در سیستم آبیاری قطره‌ای و تعداد لترال‌های در حال کار در سیستم آبیاری بارانی توسط بهره‌برداران منطقه به شبکه اعمال گردیده بود. لذا وجود سیستم نظارت، پایش و کنترل قوی که با برخورداری از حمایت قانونی بتواند ضوابط بهره‌برداری و نگهداری از سیستم‌های آبیاری را عملی نماید به عنوان امری ضروری پیشنهاد گردید.

۲-۲- بهبود نمایه‌های عملکرد در سیستم‌های آبیاری سنتی

در کنار روند توسعه سیستم‌های آبیاری تحت فشار به عنوان جایگزین روش‌های سنتی که عموماً مشمول طی زمان و صرف هزینه‌های سنگین می‌باشد، می‌بایست نمایه‌های عملکرد در سیستم‌های فعلی موجود تا حد امکان بهبود یابد؛ چرا که طبق آمار موجود تنها ۲۰ درصد از اراضی آبی کشور تحت پوشش شبکه‌های مدرن آبیاری و زهکشی است (۱۷۷۵ میلیون هکتار)؛ و در حال حاضر ۱۷۴۵ میلیون هکتار از اراضی کشور مجهز به سیستم‌های تحت فشار می‌باشد؛ یعنی همچنان ۸۵ درصد اراضی آبی کشور با روش سطحی و عمدتاً از نوع سنتی آبیاری می‌شود. در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ شمسی راندمان آبیاری به ترتیب ۲۹/۷، ۳۶/۱ و ۴۳/۸ درصد عنوان گردیده است؛ یعنی هر ساله با توسعه سیستم‌های تحت فشار، یک درصد رشد راندمان آبیاری در کشور را شاهد بوده‌ایم. لیکن این میزان از راندمان آبیاری (۴۳/۸ درصد) در شرایط بحران آب همچنان نسبت به متوسط آن برای کشورهای توسعه‌یافته به میزان ۶۵ درصد، رقم پایینی محسوب می‌شود. لذا می‌بایست به دنبال کاهش تلفات آبیاری در بخش انتقال و توزیع سیستم‌های سنتی باشیم. طبق آمار موسسه فنی و کشاورزی استان آذربایجان شرقی از نظر راندمان کاربرد آب با متوسط ۴۰ درصدی در سیستم‌های آبیاری سطحی نسبت به سایر استان‌ها در رتبه پایین‌تری قرار دارد (نمودار شماره ۲)؛ که با توجه به تلفات انتقال راندمان کل حتی از این میزان نیز پایین‌تر است. لذا لزوم سامان بخشی به سیستم‌های سنتی آبیاری در استان ضروری‌تر از سایر مناطق است. تدابیری که در این راستا می‌توان متصور بود عبارت هستند از پوشش کانال‌های خاکی انتقال آب، استفاده از سیستم آبیاری کم فشار جهت کاهش تلفات آب از منبع برداشت تا ابتدای جویچه، کرت یا نوار آبیاری در مزرعه، استفاده از روش‌هایی که تلفات نفوذ عمقی را کاهش دهد، مانند آبیاری موجی، استفاده از روش‌هایی که تلفات رواناب انتهایی را کاهش دهد، مانند آبیاری به روش کاهش دبی (کات بک) و یا استفاده مجدد از رواناب انتهایی و در نهایت هندسی‌سازی به همراه تسطیح و نیز در صورت لزوم جمعیت قطعات مالکیت (قطعات نقشه کاداستر) جهت تبدیل این قطعات از فرم بد شکل عموماً دارای سیستم

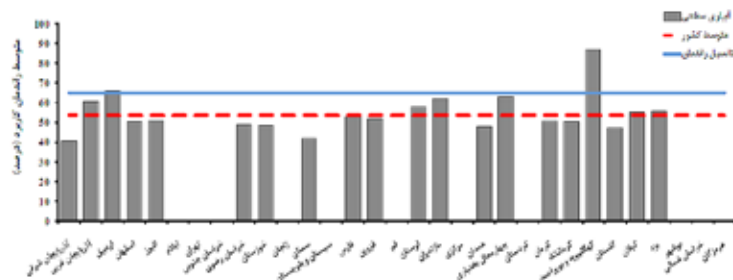
نمایه‌های مهم در ارزیابی عملکرد یک سامانه آبیاری عبارت هستند از راندمان آبیاری، راندمان انتقال، راندمان کاربرد آب، ضرایب یکنواختی توزیع آب و کفایت آبیاری. بهبود در هر یک از نمایه‌های فوق در نهایت منجر به بهبود بهره‌وری آب در کشاورزی خواهد شد. جایگزینی روش‌های سنتی مرسوم با سیستم‌های آبیاری تحت فشار با توجه به بالا بودن شاخص‌های عملکرد در این سامانه‌ها می‌تواند یکی از راه‌کارهای افزایش بهره‌وری آب کشاورزی در استان باشد. چرا که متوسط راندمان کاربرد آب در سیستم‌های تحت فشار و سطحی به ترتیب حدود ۶۶/۶ و ۵۲/۶ درصد می‌باشد. در راستای توسعه سیستم‌های تحت فشار در استان آذربایجان شرقی در سال‌های گذشته تسهیلات ویژه‌ای در قالب طرح‌های خرده مالکی توسط جهاد کشاورزی استان به بهره‌برداران اعطاء گردیده است. در این طرح‌ها ۱۵ درصد از کل هزینه سیستم آبیاری با عنوان هزینه خودیاری بر عهده بهره‌برداران بوده است و در طی این برنامه تا سال ۱۳۹۱ طبق اعلام جهاد کشاورزی استان حدود ۷۰۰۰ هکتار از اراضی تحت پوشش شبکه‌های آبیاری نوین قرار گرفته است. در قالب توسعه شبکه‌های فرعی آبیاری تحت فشار تاکنون طرح‌های شاخصی چون شبکه آبیاری تحت فشار گردیان، ستارخان و بخش‌هایی از طرح گلفرج اجرا شده‌اند. هم‌اکنون نیز اعتبارات گسترده‌ای در قالب طرح جامع شبکه‌های آبیاری فرعی و زهکشی رودخانه‌های مرزی کشور به استان‌های هم‌جوار با رودخانه‌های مرزی تخصیص داده شده است که در استان آذربایجان شرقی علاوه بر دشت گلفرج، در حال حاضر شبکه آبیاری تحت فشار دشت یکانات در اولویت مراحل مطالعاتی و اجرایی است. فعالیت‌های اخیر در راستای احداث سیستم‌های آبیاری نوین در کشور گام بلندی در جهت افزایش بهره‌وری آب کشاورزی با

آذربایجان شرقی به تخمین مکانی زمانی توده گیاهی و تخریب و تعرق با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای پرداختند. هم‌اکنون نیز طرح تحقیقاتی ارزیابی و بررسی بهره‌وری آب در کشت گندم در شرایط اقلیمی متفاوت با استفاده از سنجش از دور برای استان آذربایجان شرقی در قالب پایان‌نامه دکتری در گروه مهندسی آب دانشگاه تبریز در حال انجام می‌باشد. همچنین تحقیقاتی در سایر مراکز علمی کشور برای مناطقی از استان صورت پذیرفته که از جمله آن‌ها رستمی و رانینی در سال ۱۳۹۴ به برآورد تخریب-تعرق واقعی در دشت ستارخان اهر با استفاده از تصاویر سنجنده مادیس پرداختند.

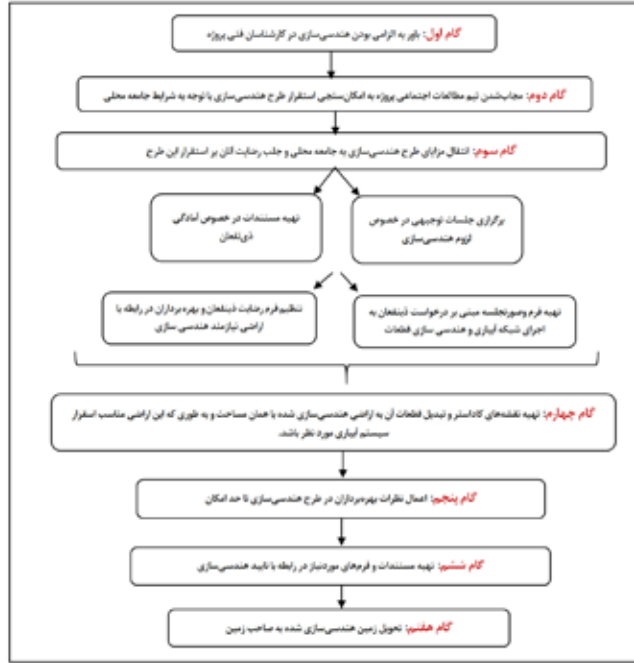
۲-۲- راه‌کارهای افزایش بهره‌وری آب کشاورزی

بدیهی است برای افزایش میزان بهره‌وری آب کشاورزی می‌بایست تولید به ازای مصرف آب را افزایش داد یا آنکه با ثابت نگه‌داشتن میزان تولید، آب کمتری را مصرف نمود. البته می‌توان در ازای قبول میزانی از افت محصول مقدار قابل توجهی از آب مصرفی را کاهش داد. هر چند تمرکز بر افزایش محصول تولید شده به ازای آب مصرفی با راه‌کارهای مختلف در این زمینه از جمله تغییر الگوی کشت و جایگزینی آن با محصولات کم‌مصرف، استفاده از ارقام مقاوم به شوری، استفاده از نهاده‌های مناسب در کشاورزی، عملیات خاک‌ورزی و بهبود بستر رشد گیاه و غیره بسیار ضروری است؛ اما در شرایط بحران کم‌آبی این فعالیت‌ها می‌بایست در کنار توجه اساسی به راه‌کارهای کاهش تلفات آبیاری انجام گیرد. بنابراین افزایش راندمان آبیاری و بهبود نمایه‌های عملکرد سامانه‌های آبیاری در جهت افزایش بهره‌وری آب کشاورزی می‌بایست در قالب طرح‌های ملی و استانی در اولویت کاری برنامه‌ریزان و مدیران بخش آب قرار داشته باشد.

۲-۲- جایگزینی روش‌های سنتی با سیستم‌های نوین آبیاری



نمودار شماره ۲. متوسط راندمان کاربرد آب در استان‌های مختلف کشور در آبیاری سطحی



مؤدار شماره ۳. متدولوژی فرآیند هندسی سازی

نسبت به کم آبی مقاوم تر هستند در حال پیگیری است. بر اساس گزارش موسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی در سال ۱۳۸۸ آمار بهره‌وری آب کشاورزی در استان به تفکیک محصولات اصلی در حال کشت به شرح جدول شماره ۱ می‌باشد.

۲-۴- توانمندسازی و ارتقای دانش کشاورزی بهره‌برداران و لزوم شناخت نیازهای جامعه محلی

تمامی راه کارهای ارائه شده در بحث افزایش بهره‌وری آب زمانی عملی خواهد شد که دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان هر دو به درک متقابل از آنچه به عنوان الزامات کارشناسی و نیاز جامعه محلی مطرح است رسیده باشند. این امر در گرو تعامل بیشتر کارشناسان با بهره‌برداران محلی طی برگزاری جلسات ترویجی جهت ارتقای دانش بهره‌برداران نسبت به شناخت ابعاد بحران کم‌آبی و راه کارهای مقابله با آن از یک طرف و از طرف دیگر، دریافت نقطه نظرات بهره‌برداران جهت تحلیل و بررسی نیاز جامعه آن‌ها جهت ارائه راه کارهای منطبق بر ویژگی‌های محلی میسر خواهد بود. ایجاد این اطمینان در کشاورزان که در ازای در اختیار نهادن زمین و معیشت خود جهت استقرار راه کارهای کارشناسان، نیازهای اساسی و ویژگی‌های جوامع خود همواره مورد توجه است از ضروریات موفقیت طرح‌های ارتقای بهره‌وری آب کشاورزی است.

۳- نتیجه‌گیری

بر اساس موضوعات مطرح شده مهم‌ترین نتایج به طور خلاصه عبارت خواهد بود از:

- ارتقای بهره‌وری آب در بخش کشاورزی با بیشترین سهم از مصرف آب مهم‌ترین راه کار در مواجهه با بحران کم‌آبی در استان آذربایجان شرقی به عنوان یکی از استان‌های کم‌آب کشور است.

- اطلاع دقیق از توزیع مکانی و زمانی مقادیر بهره‌وری در دشت‌های کشاورزی استان جهت بررسی میزان قابلیت بهبود بهره‌وری در این دشت‌ها ضروری است.

- ادامه طرح‌های جایگزینی روش‌های آبیاری تحت فشار به جای روش‌های سنتی مرسوم به جهت بهبود نمایه‌های عملکرد سیستم آبیاری همچنان توصیه می‌گردد.

- برقراری سیستم نظارت، پایش و کنترل به‌هنگام شبکه‌های آبیاری شامل قوانین و ضوابط منضم دستورالعمل‌های بهره‌برداری و نگهداری جهت موفقیت این طرح‌ها پس از احداث ضروری است.

- با توجه به وسعت اراضی تحت پوشش سیستم‌های آبیاری سنتی در استان ارتقای نمایه‌های عملکرد این سیستم‌ها با کمک متخصصین علم آبیاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

- هندسی‌سازی، تجمیع و تسطیح اراضی جهت مطابق‌سازی آن‌ها با الزامات فنی در طراحی سیستم‌های آبیاری در کنار بسترسازی اجتماعی برای پذیرش این امر به عنوان پیش‌نیاز احداث شبکه‌های آبیاری تحت فشار و یا بهبود سیستم‌های آبیاری سطحی مطرح است.

- به دلیل مواجهه با بحران کم‌آبی و افت کیفیت منابع آبی از نظر شوری، لزوم تغییر الگوی کشت استان به الگوی کشت متناسب با شرایط حاکم فعلی ضروری است.

- تمامی راه کارهای پیشنهادی مستلزم همکاری بهره‌برداران با متخصصین و برنامه‌ریزان امر است که با ارتقای دانش کشاورزی بهره‌برداران و اختصاص وزن موثر به نقطه نظرات و نیاز جوامع آن‌ها در کنار الزامات فنی طرح میسر است.

اقتصادی خانوارها و امور دامپروری در آن منطقه باشد؛ یعنی علاوه بر ارتقای شاخص فیزیکی بهره‌وری آب که به صورت تولید محصول بیشتر به ازای حجم آب قابل دسترس مطرح است، می‌بایست در الگوی کشت پیشنهادی به ارزش اقتصادی گیاه نیز توجه شود که در مفهوم شاخص بهره‌وری اقتصادی آب به صورت سود خالص دریافتی به ازای حجم آب قابل دسترس گنجانده می‌شود.

با توجه به کاهش تراز سطح آب و روند شورش آن در چاه‌های کشاورزی در ۷ شهرستان حاشیه دریاچه ارومیه با استفاده از ارقام مقاوم به شوری و کم‌آبی می‌توان از طرفی با میزان آب موجود از کاهش سطوح کشاورزی جلوگیری کرد و از طرفی دیگر، با بهره‌گیری از فرآیندهایی چون ترکیب کلاس‌های مختلف آب آبیاری از نظر شوری حجم آب قابل استفاده را افزایش داد. طبق اظهارات معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی در سال ۱۳۹۲ استان آذربایجان شرقی یکی از سنت‌های استانی است که در طرح آزمایشی الگوی کشت قرار گرفته بود و تا آن سال ۲۰۰ هکتار از اراضی آن زیر پوشش الگوی کشت پیشنهادی قرار گرفت. از طرفی طبق اظهارات کارشناسان مرکز تحقیقات کشاورزی استان با توجه به مشکل کم‌آبی و افت کیفیت منابع آبی، هم‌اکنون تمایل باغداران منطقه به سمت کشت پسته به عنوان یک محصول مقاوم به شوری مشهود است. همچنین در بخش زراعت نیز فعالیت‌های ترویجی جهت تغییر الگوی کشت به سمت گیاهانی همچون زعفران، کلزا و گلرنگ که

آبیاری سنتی ناکارآمد به یک سری قطعات مربعی و مستطیلی شکل با شیب مناسب که بتوان یک سیستم آبیاری سطحی از نوع جویچه‌ای، نواری یا کرتی با طول محاسبه شده بر اساس ضوابط طراحی در آن‌ها برقرار نمود، فرآیند هندسی سازی اراضی در آبیاری تحت فشار نیز موجب انتظام آرایش شبکه توزیع می‌گردد که نمونه عملی آن در وسعت ۳۳۰۰ هکتار اراضی پایاب سد قیقاچ در استان آذربایجان غربی با فرآیند مشروح در نمودار شماره ۳ در حال اجرا می‌باشد. با چنین تدابیری راندمان کاربرد و توزیع در سیستم آبیاری سطحی به ترتیب تا ۵۲/۶ و ۷۰/۱ قابل ارتقاء خواهد بود.

۲-۳- تدوین الگوی کشت مناسب برای هر یک از دشت‌های کشاورزی

پس از آنکه بتوانیم مقدار حق‌آبه برداشت شده از منابع آبی موجود را با کمترین تلفات انتقال به ابتدای مزرعه برسانیم و آن را با توزیع مناسب و کمترین هدررفت در بخش نفوذ عمقی، رواناب و تبخیر در اختیار عمق خاک زراعی و یا عمق ریشه ناحیه ریشه قرار دهیم، نوبت به آن خواهد رسید که با این میزان آب در دسترس چگونه بیشترین میزان محصول را تولید کنیم. این امر با انتخاب یک الگوی کشت متناسب با شرایط اقلیمی و خاک هر منطقه میسر خواهد بود. این الگوی کشت می‌بایست از طرفی شامل گونه‌های کم‌مصرف با نیاز آبی متناسب با مجموع حجم آب قابل دسترس باشد و از طرفی دیگر، با لحاظ مسائلی چون تناسب اراضی، محصولات استراتژیک، بازار فروش، امکانات کشاورزی منطقه، توان تولید علوفه برای دام و غیره پاسخگوی نیازهای

محدود	مجموع سطح زیر کشت (هکتار)	میانگین وزن بهبودی آب کشاورزی (کتلوگرام بر متر مکعب)
گندم	۷۷۶۶۹	۰/۳۱۲
جو	۳۰۰۸۵	۰/۳۹۵
یونجه	۶۷۵۶۵	۰/۲۲۹
سیب‌زمینی	۵۶۳۶	۱/۱۷
گوجه‌فرنگی	۲۸۰۲	۱/۷۹
شیراز	۳۴۹۰	۰/۲۶۹
لوبیا	۲۵۰۳	۰/۱۲۵
پیاز	۲۲۰۴	۰/۲۰۱

جدول شماره ۱. بهره‌وری آب کشاورزی در استان به تفکیک محصولات

معیشت جایگزین و کشاورزی اقلیم هوشمند راهبردهای سازگاری با بحران دریاچه ارومیه



کشاورزی است. از جمله اثرات جدی شوری رami توان کاهش حاصلخیزی اراضی کشاورزی، کاهش دوره زراعت، کاهش کیفیت محصولات کشاورزی و فرسایش ساختار خاک دانست. به علاوه، نمک‌های کلردار برای هلو و دیگر میوه‌های هسته‌دار نیز مضر است. به طور کلی، مشکل شوری زمانی که اقتصاد ملی بر پایه کشاورزی استوار است، یک مساله جدی به‌شمار آمده و ضررهای اقتصادی غیرقابل جبرانی به همراه دارد. هم‌چنین، کاهش آب دریاچه، منجر به کاهش تعداد گردشگران ورودی به منطقه شده و درآمدهای اقتصادی مردم ساکن در نزدیکی دریاچه را کاهش داده است؛ بنابراین، به‌علت بحران ایجاد شده می‌توان کوچ مردم روستاها و شهرهای اطراف دریاچه ارومیه را به سایر مناطق کشور انتظار داشت.

در مجموع از عوارض و پیامدهای بیان شده می‌توان چنین برداشت کرد که بحران آبی دریاچه ارومیه دارای آثار سوء فراوانی بر معیشت روستاییان حاشیه آن می‌باشد. چراکه، یکی از منابع اصلی تامین غذای خانوار روستایی، روش خودمصرفی تولیدات زراعی، باغی و دامی است که این روش، در اثر بحران دریاچه ارومیه دچار اختلال در عملکرد خود شده است. به‌علاوه، شرایط نامناسب جوامع روستایی و عشایری، میزان آسیب‌پذیری آن‌ها را در برابر چنین بحران‌هایی افزایش خواهد داد. این حقیقت نیز به‌صورت گسترده‌ای مورد پذیرش متخصصان و پژوهشگران دانشگاهی قرار گرفته است که خانوارهای فقیر به‌علت دسترسی کمتر به سرمایه‌ها و توانایی پایین‌تر جهت پاسخ به ریسک‌ها آسیب‌پذیرتر هستند و با وجود فقر گسترده حاکم بر جوامع روستایی، این جوامع در خط مقدم تهدیدهای مربوط به کمبود آب و خشکسالی قرار دارند.

باتوجه به موارد مطرح شده می‌توان به دو راه‌کار جهت سازگاری با بحران دریاچه اشاره نمود: راه‌کار اول مربوط به خانوارهایی است که خشکی دریاچه ارومیه از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی آنان را آسیب‌پذیرتر نموده و ادامه

سال‌های اخیر به دلیل رخ دادن خشکسالی‌های مداوم از یک‌سو و اضافه برداشت از منابع آب‌های سطحی برای توسعه بخش‌های کشاورزی، صنعتی، عمرانی و بالاخره اجرای پروژه‌های سدسازی بر روی رودخانه‌های واقع در حوضه آبریز از سوی دیگر، به شدت کاهش سطح تراز آب داشته و قسمت اعظم وسعت آن به شوره‌زار تبدیل شده است. وقوع این پدیده، افزایش بیش از حد شوری آب دریاچه را به‌همراه داشته و حیات این اکوسیستم حیاتی و مهم کشور را با تهدید جدی مواجه نموده است. به‌طوری‌که با گذر زمان و کاهش حجم آب دریاچه ارومیه با سرعت چشم‌گیری بر وسعت شوره‌زارها افزوده شده است.

به اعتقاد کارشناسان، مشکل کم‌آبی و شوری دریاچه ارومیه نه تنها عوارض جبران‌ناپذیری برای بیشتر استان‌های کشور، بلکه برای کشورهای منطقه به‌دنبال دارد. از جمله پیامدهای شورشیدن و خشک شدن دریاچه ارومیه می‌توان به تاثیر بر منابع آب، کاهش سریع سطح آب‌های زیرزمینی در دشت‌های منطقه و برهم خوردن تعادل کمی و کیفی آب‌های زیرزمینی منطقه، حرکت ذرات معلق در هوا به شهرها، روستاها و اراضی اطراف، افزایش نمک و مواد شیمیایی معلق در هوا، تغییر زمان‌بندی فصل‌ها، بروز انواع بیماری‌ها در انسان، حیوانات و گیاهان، بیماری‌های تنفسی، افزایش انواع سرطان‌ها، سقط جنین، شیوع بیماری‌های چشمی اشاره نمود.

بروز بحران دریاچه ارومیه خسارت‌های سنگینی را نیز برای بخش کشاورزی به دنبال خواهد داشت. به‌گونه‌ای که با شوره‌زارهای ایجاد شده در اطراف دریاچه ارومیه ذرات نمکی قرار گرفته در معرض هوا، می‌توانند توسط باد جابه‌جا شوند، بر روی اراضی حاصلخیز رسوب کرده و زمین‌های کشاورزی را از عرصه تولید خارج کنند. هم‌چنین، جابه‌جایی این نمک‌ها توسط باد و رسوب آن‌ها در آب‌های سطحی و نفوذ به آب‌های زیرزمینی منجر به شورشیدن آب‌آبیاری می‌شود. شوری، یکی از شدیدترین عوامل مخرب زیست‌محیطی در عدم بهره‌وری مناسب محصولات



تاهره ملکی

دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه تبریز

ایران، دومین کشور بزرگ خاورمیانه به حساب می‌آید و از لحاظ آب و هوایی از اقلیم متغیری برخوردار است و دمای آن از ۲۰- درجه تا ۵۰+ درجه در کل کشور متغیر است. میانگین بارندگی سالانه در کشور حدود ۲۴۰ میلی‌متر است. این میزان کمتر از یک‌سوم متوسط جهانی است؛ این در حالی است که میانگین تخیر در ایران سه برابر متوسط جهانی آن است.

در شرایطی که متوسط سرانه آب در سطح جهان ۸۰۰۰ مترمکعب در سال است، در کشور ما در دهه گذشته ۲۱۶۰ مترمکعب بوده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۰ به سطح ۱۳۰۰ مترمکعب کاهش یابد. بر همین اساس فائو (سازمان خواربار و کشاورزی) در سال ۲۰۱۲ اعلام نموده که سرانه منابع آبی تجدیدپذیر برای هر فرد ایرانی در طول دوره ۲۰۱۲-۱۹۶۲ حدود ۷۰ درصد کاهش داشته است. شاخص‌های معتبر زیادی نیز مانند شاخص فالکن مارک، شاخص سازمان ملل و شاخص موسسه بین‌المللی مدیریت آب و وقوع بحران آب در ایران را نشان می‌دهند. به‌طوری‌که بر اساس شاخص نخست، وضعیت منابع آب ایران در آستانه قرار گرفتن در بحران آبی و بر اساس دو شاخص دیگر، منابع آب ایران در وضعیت بحران آبی شدید قرار دارد. این بدان معناست که طی سال‌های آینده تامین آب به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های بسیاری از استان‌ها، شهرها و مناطق مختلف کشور تبدیل خواهد شد. دریاچه ارومیه یکی از مناطق ایران است که در طی

حوضه دریاچه ارومیه: آب، تهدیدها، چالش‌ها و راه‌کارها



آناهیتا جباری

دانش‌آموخته دکتری آبیاری و زهکشی

اقلیمی و گرمایش جهانی، تغییر در الگوهای بارشی، افزایش دما، بالا آمدن سطح دریاها همه در حال رخداد است اما آنچه که به نظر می‌رسد تهدید مهمی به شمار می‌آید کاهش مقدار آب‌های قابل استحصال در بسیاری از نقاط جهان است.

آب در ایران

به گزارش مرکز آمار بانک جهانی، مقدار سرانه منابع آب شیرین در ایران از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳، روندی کاهشی داشته و جمعیت کشور از رقمی حدود ۶۶ میلیون نفر به رقمی در حدود ۷۴/۸ میلیون نفر رسیده است. درصد دسترسی افراد در شهر و روستا به منابع مطمئن آب و برخورداری از سیستم دفع فاضلاب، رشدی ۱۰ درصدی در این سال‌ها نشان می‌دهد و امروزه دسترسی به این منابع را ۱۰۰ درصد برای همه افراد گزارش می‌نماید. در کنار افزایش سریع جمعیت طی دهه‌های اخیر و افزایش آب مورد نیاز برای توسعه همه‌جانبه جوامع، الگوی مصرف نیز به شدت تغییر یافته است؛ اما مهم‌ترین بخش مصرف‌کننده آب در ایران و در جهان بخش کشاورزی می‌باشد که بیش از ۹۰ درصد آب قابل استحصال در این بخش مورد استفاده قرار می‌گیرد. سفره‌های آب‌های زیرزمینی و رودخانه‌ها تامین‌کننده آب مورد نیاز مزارع بوده و شبکه‌های سنتی و صنعتی کشاورزی همواره بر مبنای وجود و دسترسی به یکی از این عوامل احداث می‌شود. از قدیم‌الایام نیز توسعه شهرها در کنار منابع آبی، به خصوص رودخانه‌ها صورت پذیرفته است. بخش کشاورزی خود به‌تنهایی حدود ۱۸ درصد از اشتغال ایران را به خود اختصاص داده است. وقتی سخن از کمبود آب می‌شود در وهله اول تنها مشکل در سه بخش کشاورزی، صنعت و شرب به ذهن می‌رسد، در حالی که کمبود آب خشکی سرزمین، فرسایش خاک‌ها، وقوع ریزگردها و بحران‌هایی را سبب می‌شود که بزرگتر از بحران بی‌آبی نیز هستند.

یکی از فاکتورهای مهم که باید مورد توجه قرار گیرد میزان کل آبی است که بر اساس شاخص‌های سازمان ملل می‌توانیم استفاده کنیم. این میزان آب برای کشور ما ایران حدود ۴۰ میلیارد متر مکعب است؛ یعنی رقمی در این حدود و نه بیش‌تر مجاز به برداشت و مصرف از منابع آبی ایران در هر سال هستیم. در حالی که بر اساس گزارشات رقمی حدود هشتاد میلیارد متر مکعب آب استفاده می‌کنیم. مطلب جالب توجهی که دیده می‌شود این است که سطح زیر کشت در ایران همواره رقمی حدود ۱۲ میلیون هکتار بوده است اما افزایش مصرف آب در بخش کشاورزی کشور را دچار بحران ساخته است. نقشه زیر (شکل ۱) بر اساس محاسبات مدل سازی هیدرولوژیک برخی از معروف‌ترین مدل‌ها به دست آمده است. این نقشه میزان تغییرات پیش‌بینی شده آورد رودخانه‌ها را در تمام جهان در بازه سال‌های ۲۰۴۱ تا ۲۰۶۰ ارائه می‌کند.

خشکی، کم‌آبی و توزیع نامناسب آب بر اساس نیاز مکانی و زمانی، در کشور ما ایران واقعیتی اقلیمی است. مهم است که مدیریت آب از شیوه سنتی خود فاصله گرفته و از موضوعی حاشیه‌ای در دولت‌ها به نقطه مرکزی جامعه انتقال یابد. چرا که آب امروزه نقشی استراتژیک در حیات یک ملت ایفا می‌کند. با انتقال این توجه به مرکز جامعه، نقش فعالیت‌های مردمی در کاهش بحران پررنگ‌تر شده و اهمیت موضوع را بیش از پیش به خصوص برای قشری که بیش از همه، با آب سروکار دارند روشن می‌سازد، یعنی کشاورزان. در این نوشتار کوتاه به بررسی مختصر شرایط آب در ایران و حوضه ارومیه، فجایع و محدودیت‌ها، به خصوص در حوضه دریاچه ارومیه که منطقه مورد نظر می‌باشد، نقش بخش‌های مختلف در ایجاد و حتی اصلاح و ترمیم شرایط و در نهایت راه‌کارها، می‌پردازیم. نقل است که نقاشی بزرگ سال‌ها شاگردی اختیار کرد. پس از سال‌ها تمرین و ممارست در فن نقاشی شاگرد نقاش تابلویی بی‌اندازه زیبا خلق کرد و آن را در مرکز شهر برای نمایش گذاشت و بابت اصلاح خود در تابلویی دیگر از مردم خواهش کرد که هر کس ایرادی در اثر وی می‌بیند محل را علامت‌گذاری کند! پس از یک روز مرکز شهر رفت تا نقاشی خود و ایرادات آن را بباید، ولی در کمال تعجب تابلویی پر از علامت‌گذاری دید! با شرمساری و کمی هم ناامیدی سراغ استاد خود رفت و ماجرا را بازگو کرد و از بی‌استعدادی خود شاک شد! استاد به وی گفت هیچ تصمیمی در مورد عملکرد خود نگیرد و آزمایش را یک بار دیگر با یک تفاوت کوچک اجرا کند. قرار بر این شد که این بار رنگ و قلم در کنار تابلو باشد و هر فردی ایرادی از تابلوی می‌گیرد آن را اصلاح هم بکند! پس از یک روز تابلو بدون هیچ علامتی و بدون هیچ ایراد گرفتنی در جای خود بود! همان تابلو به داستان همان نقاش!

ایراد گرفتن و بیان فجایع و انتظار برای ظهور راه‌حل‌های فضایی و گاه دور از دسترس، امری بدیهی و ساده بوده که متأسفانه به واسطه افزایش تنش‌های ناشی از کم‌آبی و ورود افراد غیرمتخصص به همه حیطه‌های تخصصی مهندسی آب، این روزها بیش از پیش دیده می‌شود. اگر بتوانیم علامتی که حاکی از ایراد پای تابلوی نقاشی می‌گذاریم را اصلاح هم بکنیم می‌توان گفت عمل مفیدی انجام شده است. در شرایط حاضر جهان و با توسعه روند تغییرات

اشتغال در بخش کشاورزی را نسبت به سایر خانوارها دشوار و حتی غیرممکن ساخته است. جهت افزایش تاب‌آوری این دسته از خانوارها راهبرد معیشت جایگزین پیشنهاد می‌شود. روی آوردن به معیشت جایگزین در منطقه، مستلزم شناخت پتانسیل‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی هر منطقه است. در واقع بایستی برای هر ناحیه و هر منطقه بر اساس خصوصیات و ویژگی‌های مختص آن اجتماع محلی اقدام نمود تا در نهایت پایداری معیشت را برای خانوارهای ساکن منطقه رقم زد. تنوع بخشی به منابع معیشتی خانوار روستایی سبب درگیر شدن اعضای خانوار در فعالیت‌های اقتصادی جایگزین، تولید کالا و ارائه خدمات بیشتر و در نهایت، سبب کاهش نابرابری اقتصادی میان خانوارها خواهد شد. هم‌چنین، تنوع در منابع معیشتی می‌تواند منجر به کاهش آسیب‌پذیری خانوار کشاورز در برابر مشکلات مربوط به بحران آب شده و مانند یک عامل محافظتی، راهبردهای گسترده‌ای را جهت سازگاری با بحران‌های زیست‌محیطی برای آنان فراهم می‌کند.

راه‌کار دوم، روی آوردن به کشاورزی اقلیم-هوشمند است که لازمه آن سازگار نمودن خانوارهای کشاورز نسبت به فناوری، ابزار و مقیاس‌های این نوع کشاورزی است. کشاورزی اقلیم-هوشمند را اولین بار فائو در کنفرانس «کشاورزی، امنیت غذایی و تغییرات اقلیم» که در سال ۲۰۱۰ در لاهه برگزار گردید، مطرح نمود و آن را به‌عنوان محوری مهم در جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار قلمداد نمود که هر سه جنبه اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی توسعه پایدار را در برمی‌گیرد. این راه‌کار، هم به نحوه مواجهه با تغییرات زیست‌محیطی می‌پردازد و هم دستیابی به امنیت غذایی را مد نظر دارد و دارای چند هدف اساسی است که این اهداف با توسعه پایدار، اقتصاد سبز و حفاظت از منابع طبیعی هم‌خوانی دارد. در واقع کشاورزی اقلیم-هوشمند، رهیافتی نوین است که دانش و سیاست را به یک‌دیگر مرتبط نموده و در تلاش است تا تکنیک‌ها، شیوه‌ها و شرایطی را برای سرمایه‌گذاری فراهم کند که بر اساس آن بخش کشاورزی بتواند به تغییرات زیست‌محیطی و تقاضای روزافزون جهانی برای غذا پاسخ مناسبی بدهد. کشاورزی اقلیم-هوشمند به دنبال کاهش آسیب‌پذیری و بهبود توان سازگاری سیستم‌های کشاورزی در برابر استرس‌هایی است که از طریق تغییرات زیست‌محیطی به آن وارد می‌شود.

به‌طور کلی، رهیافت کشاورزی اقلیم-هوشمند، به تامین امنیت غذایی خانوار کشاورز همراه با کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از طریق مدیریت استفاده از اراضی می‌پردازد. روی آوردن به کشاورزی اقلیم-هوشمند سبب کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌گردد. به ویژه اینکه کشور ما، یازدهمین کشور تولیدکننده گاز دی‌اکسیدکربن در جهان نیز می‌باشد و باید در زمینه انتشار گازهای گلخانه‌ای برنامه‌ریزی و اقدام نماید. بنابر مطالب ارائه شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر چند جلوگیری کامل از پیامدهای سوء بحران دریاچه ارومیه در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بسیار دشوار می‌نماید، لیکن در این زمینه می‌توان با تدوین و اجرای برنامه‌های منسجم و اتخاذ راه‌کارهایی سازگار با شرایط منطقه تا حد زیادی پیامدها و آثار آن را کاهش داد.

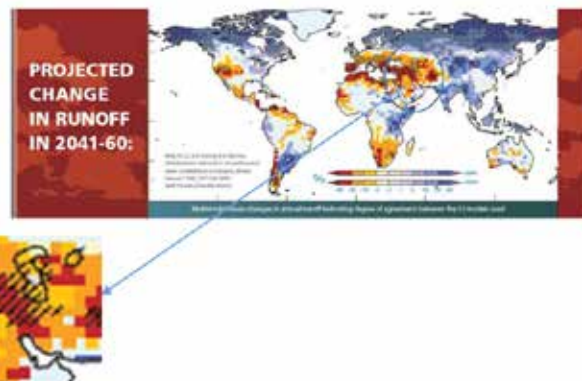
به خصوص در بخش شرب نیز مورد بازیابی و کاهش قرار گیرد اما اصلی‌ترین بخش مصرف‌کننده آب که می‌تواند با تغییرات جزئی کمک شایانی به کاهش مصرف آب نماید، بخش کشاورزی است. کاهش مصرف آب خود به تنهایی می‌تواند روند احیای منابع آب‌های سطحی و زیرسطحی را سبب شود. آنچه که در تحقیقات اخیر نیز به وضوح مشخص شده است این است که افزایش سطح زیر کشت به حدی نبوده است که بتواند کاهش ۹۰ درصدی آب دریاچه ارومیه را تا شهریور ۹۴ رقم بزند. افزایش سطحی حدوداً ۳۰ درصدی در این حوضه در مطالعات اخیر گزارش شده است که اغلب در بخش‌های جنوبی حوضه یعنی زیر حوضه‌های مربوط به رودخانه‌های زربنه رود و سیمینه رود رخ داده است؛ اما آنچه که واضح است نمی‌توان افت ۸ متری تراز آب دریاچه ارومیه را تنها منوط به این افزایش سطح زیر کشت دانست. برای توضیح مساله و بیان علت اتفاق به نمودار (۱) توجه نمایید.

این نمودار تغییرات سطح زیر کشت محصولات را به طور نمونه برای منطقه ارومیه نشان می‌دهد. سال آبی ۷۰-۶۹ مجموع سطح زیر کشت کل محصولات باغی و زراعی حدود ۱۴۸ هزار هکتار و سال ۹۴-۹۳ این رقم به حدود ۱۱۹ هزار هکتار می‌رسد. کاهش سطح زیرکشت اما افزایش مصرف آب این مساله در پروژه استنفورد ۲۰۴۰ برای کل ایران اعلام شد و در واقع نیاز به یک تابع خوب برای تعریف سطح زیر کشت و الگوی کشت، امروز بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

اتفاقی که رخ داده بیشتر تغییر الگوی کشت در جهت نامناسب بوده که بدون در نظر گرفتن بودجه آبی حوضه دریاچه ارومیه، گیاهانی کشت شده که تا این حد منابع آبی منطقه را تحت فشار قرار داده است؛ اما با این حال و با وجود آزادی در سال‌های اخیر در برداشت از منابع آب منطقه، پیشرفت چشم‌گیری در بخش کشاورزی حوضه نیز به چشم نمی‌خورد. ارزش پایین اقتصادی آب همواره باقی است و تولیدات غالب منطقه نیز از نظر میزان و کیفیت از متوسط‌های جهانی فاصله زیادی دارند.

راه کار: تعریف دوباره الگوی روش انتخاب الگوی کشت

همیشه نیاز نیست برای حل یک معضل به دنبال راه کارهای دور از دسترس و گران قیمت بود. گاهی تنها توجه به این مطلب که چه چیز باعث شده به موقعیت بحران برسیم می‌تواند به راحتی راه کار را در اختیار قرار دهد. یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید در مدیریت منابع آب یک حوضه مورد توجه قرار گیرد، ارائه سناریوهای مناسب الگوی کشت برای حوضه‌های آبریز است. با توجه به بودجه آبی یک حوضه آبریز می‌توان الگوی کشت مناسب حوضه را ارائه داد. در اینجا فارغ از محاسبات معمول و سراسر است نیازهای آبی گیاهان مختلف و ارائه الگوی کشت‌های تکراری اساساً این سوال را مطرح می‌کنیم که بعد از آگاهی از مقدار آب موجود در آینده و با توجه به گذشته حوضه، اصولاً ارائه الگوی کشت باید بر چه اساسی صورت پذیرد؟ آیا تنها محاسبات معمول مقدار نیاز آبی کافی بوده و الگوی کشت مناسب را در حوضه‌های در حال تجربه بحران، می‌توان بر اساس سناریوی مشهور «هر چه آب مورد نیاز گیاه کمتر، آن گیاه بهتر» انتخاب نمود؟ و یا باید بر اساس شواهد موجود هر منطقه به ارزیابی عمیق‌تری پرداخت؟ اغلب مشکلات



شکل (۱): پیش‌بینی تغییرات رواناب در بازه سال‌های ۲۰۴۱ تا ۲۰۶۰ در ایران و جهان

۸ متر آب مواجه بوده است. شهریور ماه ۱۳۹۴ دریاچه ارومیه به بدترین شرایط خود رسید و بخش جنوبی دریاچه به کلی خشک شد. در حال حاضر بیش از ۸۵ درصد از منابع آب‌های تجدیدپذیر در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرند در حالی که نهایتاً باید این درصد طبق شاخص‌های سازمان ملل حدود ۴۰ باشد. این میزان در حوضه آبریز دریاچه ارومیه برابر ۷۰ درصد می‌باشد؛ یعنی در این حوضه ۷۰ درصد از کل آب‌های تجدیدپذیر استفاده می‌شوند. طبق محاسبات کل منابع آب موجود در حوضه برای برنامه‌ریزی و مصرف حدود ۳۱۶۰ میلیون متر مکعب می‌باشد، در حالی که کل مصرف آب حوضه آبریز دریاچه ارومیه در حال حاضر حدود ۴۸۲۵ میلیون متر مکعب است که ۴۲۹۱ میلیون متر مکعب از آن را مصارف کشاورزی تشکیل می‌دهد؛ یعنی رقمی حدود ۹۰ درصد از کل آب مصرفی در این حوضه صرف فعالیت‌های کشاورزی می‌شود.

مشکل از کجاست؟!

در چنین شرایطی و با وجود محدودیت شدید منابع آبی در استان و با توجه به نیاز بزرگ بخش کشاورزی، ارزش آب ارائه‌تتها با قیمت اقتصادی آب محاسبه شده توسط جهاد کشاورزی و وزارت نیرو که با توجه به قیمت اکولوژیک آب نیز باید مورد محاسبه قرار داد. قیمت اکولوژیک آب با توجه به نقش آن در حفظ محیط زیست به خصوص محیط زیست مناطق در حال تجربه بحران باید مورد محاسبه مجدد قرار بگیرد. مهم‌ترین بخش مصرف‌کننده آب در کشور و به خصوص در حوضه بخش کشاورزی می‌باشد، علی‌رغم این که جهت تامین بعدهای روانی و فرهنگی باید مصرف آب

رنگ‌های خانواده آبی در این نقشه نشان‌دهنده افزایش میزان آورد رودخانه‌ها در آن منطقه خاص و رنگ‌های گرم نشان‌دهنده کاهش دبی هستند. با استخراج و بزرگ‌نمایی نقشه ایران در شکل متوجه وخامت اوضاع ایران و بالاخص حوضه دریاچه ارومیه می‌شویم. رنگ‌های قرمز تا ۴۰ درصد و بیشتر کاهش در میزان آورد رودخانه‌ها را نشان می‌دهند.

آب در حوضه دریاچه ارومیه

اغلب نقاط کشور با کاهش شدید رواناب رودخانه‌ها در سال‌های آتی مواجه خواهند بود، ولی بنا بر جامعه هدف خاص این نوشتار دریاچه ارومیه را مدنظر قرار دادیم. دریاچه ارومیه دومین دریاچه فوق اشباع شور در سراسر جهان می‌باشد. این دریاچه در حوضه‌ای بسته و مابین $27^{\circ}04'$ و $28^{\circ}17'$ درجه عرض شمالی و 50° تا 46° درجه طول شرقی در شمال‌غربی ایران قرار دارد. بیشینه مساحت تاریخی آن ۵۷۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. طی کنوانسیون رامسر در سال ۱۹۷۱ دریاچه ارومیه به عنوان تالابی با اهمیت بین‌المللی اعلام شد. علاوه بر آن به دلیل اهمیت اکولوژیکی آن، دریاچه ارومیه به عنوان پارک ملی و ذخیره زیست‌کره بین‌المللی معرفی شد. دریاچه ارومیه در منطقه‌ای نیمه خشک واقع شده است، با میانگین درجه حرارت سالانه $11/2$ درجه سانتیگراد و میانگین بارش و آهنگ تبخیر به ترتیب برابر ۳۴۱ و ۱۲۰۰ میلی‌متر در سال. تنوع زیستی محیط آبی دریاچه ارومیه به دلیل شوری بالای آن محدود شده است. تنها گونه جانوری آرتمیای دریاچه ارومیه بوده و تنها گونه گیاهی فیتو پلانکتون می‌باشد. دریاچه ارومیه طی بیست سال اخیر با افت تقریبی



نمودار (۱): تغییرات سطح زیر کشت محصولات باغی و زراعی در ارومیه (هکتار)

این مساله روندی که باعث شد رقم اراضی تحت کشت غلات و محصولات زراعی کاهش یابد و افزایش حدوداً ۳۰ درصدی در سطح زیر کشت مناطق باغی رخ دهد مورد بررسی قرار گیرد. کشاورز برای تامین خانواده خود مجبور است گیاه گران تر ولو پر مصرف تر را کشت نماید؛ اما در صورت معرفی گیاهان حتی گران قیمت تر از محصولات باغی که اغلب نیاز آبی به شدت کمتری نیز دارند، می توان روی پایداری درازمدت تصمیمات حساب بیشتری باز کرد. معرفی گونه های کم مصرف ولی گران قیمت گیاهان دارویی و عطری و یا حتی گیاهانی مانند جاتروفا که امروزه به عنوان سوخت موتورهای جت نیز مورد استفاده قرار می گیرند، می تواند راه حل بهتری باشد. کشت محصولات ارزان آببر مانند هندوانه، صیفی جات و امثالهم شاید در کوتاه مدت خودکفایی به شمار آید، اما در بلندمدت می تواند آثار منفی بر جای بگذارد که هم اکنون نیز قابل مشاهده است.

ارزش پایین آب در ایران به دلیل کشت محصولات ارزان قیمت، آن هم در مناطق بحرانی، ناشی از در نظر نگرفتن حداکثرسازی سود محیط زیستی در تصمیم گیری هاست. برای مثال طبق آمار سال ۱۳۸۵ هجری شمسی حدود ۵۵ درصد سطح زیر کشت آبی استان آذربایجان غربی به کشت چهار محصول گندم (۳۹/۵ درصد)، جو (۴/۱ درصد)، چغندر قند (۹/۱ درصد) و گوجه فرنگی (۱/۸ درصد) اختصاص داشته است که با احتساب ارزش این محصولات طبق محاسبات کمیته اقتصادی، ارزش اقتصادی آبی در مصارف کشاورزی در استان آذربایجان غربی حدود ۱۴۸۷ ریال بر متر مکعب است! این رقم در استان آذربایجان شرقی به عدد ۱۸۳۶ ریال بر متر مکعب می رسد، اما تا رسیدن این عدد به سطح قابل قبول آن راه زیادی باقی است. در نظر نگرفتن سود محیط زیست باعث این افت قیمت شدید می شود. حتی برای گیاهانی که نتوان شرایط اقلیمی را با تغییرات محدود مساعد نمود، می توان با افزایش گلخانه های مدرن، علاوه بر کاهش مصرف آب، به افزایش سطح اقتصادی زندگی کشاورز نیز کمک کرد. سیستم های آبیاری که مصرف گلخانه های پیشرفته تا حدود زیادی مصرف آب را کاهش داده و تقریباً هیچ محدودیتی برای انتخاب نوع کشت باقی نمی گذارد؛ بنابراین با تعریف سیستم های جدید و تصمیم گیری های چندجانبه گرانگانه باید تعریف جدیدی از خودکفایی کشاورزی ارائه شود. خودکفایی کشاورزی به معنای تولید هزاران تن سیب درختی و صادر کردن آن به قیمتی بسیار پایین به کشورهای دیگر نیست. خودکفایی کشاورزی یعنی کاشت گران ترین ها و کم مصرف ترین ها، صادرات آن ها و وارد نمودن گیاهان ارزان قیمت، یا به عبارتی واردات آب به کشور.

(۲) می توان چهار بخش متفاوت یک تصمیم گیری اقتصادی را مشاهده کرد. با انطباق این تئوری مشهور بر مساله الگوی کشت به توضیح این مورد پرداخته می شود. در اغلب تصمیم گیری های مدیریتی، به خصوص برای ارائه الگوی کشت مناسب در حوضه ها تنهادر بخش خیلی مشهورتر نمودار یعنی فعالیت هایی با حداکثر سود و یا فعالیت های غیرانتفاعی مدنظر قرار می گیرند. هر دوی این تئوری ها در تصمیم گیری های هیدرولوژیک با شکست مواجه خواهند بود. برای مثال اگر قرار است برای ارائه الگوی کشت بهینه برای حوضه در حال بحرانی مانند دریاچه ارومیه راه حلی ارائه شود، یا راه حلی ارائه می شود که کاملاً غیرانتفاعی بوده، کشاورز سود خود را باید کمتر کند، یا کمتر کشت کند تا انتفاع آن به دریاچه برسد و یا کشاورز با حداکثر توان به کشت می پردازد و دریاچه به حال خود رها می گردد. در هر دوی این سناریوها پس از مدتی تعادل به هم ریخته و مجبور به تعویض تصمیم خواهیم بود. به عبارتی می توان گفت این راه حل پایدار نیستند.

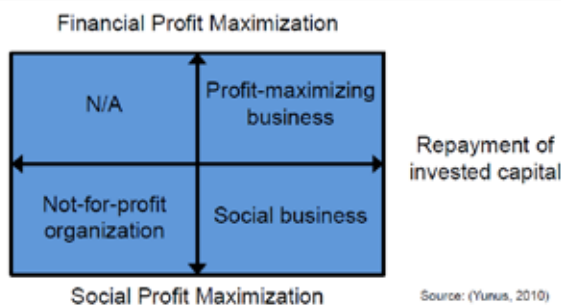
اما در راه حل بهتر، تحت عنوان Social Business که در مورد حوضه دریاچه ارومیه می توان آن را به Environmental Business تغییر نام داد، می توان گفت با اهداف تجاری روی دریاچه مواجهیم، از طرفی آب ورودی به دریاچه منبع در آمد بخش عظیمی از مردم ساکن در حاشیه آن است (برای مثال فقط ۵۵ درصد از ساکنان روستاهای اطراف حوضه ارومیه به طور مستقیم از کشاورزی ارتزاق می کنند)، از طرفی خود دریاچه نیز به آورد آبراهه های اطراف خود به شدت محتاج است؛ بنابراین با توصیف پروژه های تک بعدی نمی توان راه به جایی برد. بهترین راه، ارائه مدلی بر مبنای تجارت زیست محیطی است؛ یعنی مدلی که بتواند با در نظر گرفتن سود محیط زیست، در اینجا یعنی رساندن آب حداکثری به دریاچه ارومیه، سود حداکثری جوامع انسانی را نیز تامین کند. برای تامین کردن سود حداکثری جوامع انسانی اولین راه حل ارائه یارانه های خرید و یا خرید تضمینی محصولات است که البته تا حدی می تواند راه گشا باشد اما راه حل منطقی همیشگی نیست.

برای قرار گرفتن در منطقه تجارت زیست محیطی باید به روشی عمل شود که نه به ضرر جوامع انسانی باشد و نه به ضرر اکوسیستم منطقه. بدین منظور پیشنهاد می شود الگوی کشتی معرفی شود که بر خلاف نظر اغلب پروژه ها، تنها مصرف کننده آب کمتر و در نتیجه مهیا کننده آب بیشتر برای دریاچه ارومیه باشد، بلکه الگوی کشتی معرفی شود که در عین کم مصرف بودن باعث افزایش سطح در آمد اقتصادی کشاورز شود. نمی توان به صورت درازمدت کشاورزان یک منطقه را مجبور به تبعیت از الگویی نمود که از نظر اقتصادی به ضرر آن ها تمام می شود. در این راستا، باید برای درک

تصمیم گیری های پس از مدل سازی در باب ارائه الگوهای کشت، ناشی از تک بعدی نگری تصمیم گیران می باشد. بدین معنا که در ارائه الگوی کشت (یا هر تصمیم مشابه دیگر) یا کاملاً به نفع مادیات و پیشرفت جوامع انسانی تصمیم گیری شده و از محیط زیست به کل غفلت می شود که در نهایت پس از چند صباحی، اثرات منفی ناشی از زاندایده انگاری محیط زیست، دامن نوع بشر را نیز می گیرد و جهت سوددهی تغییر می یابد و یا تنها شرایط محیط زیست لحاظ می شود و سود و زیان جوامع انسانی ساکن در همان اکوسیستم در نظر گرفته نشده و در نهایت با اجبارهای فراوان نیز قوانین رعایت نمی شوند، چرا که اگر سود و زیان انسان های یک اکوسیستم نیز در نظر گرفته نشود، انسان به عنوان موجودی که کمتر تحت فشار باقی می ماند، سعی می کند به نحوی قوانین را دور بزند. در هر دوی این موارد تصمیم گیری به هدف عالی خود نخواهد رسید؛ بنابراین وقت آن رسیده که ارائه الگوی کشت را از نرم افزارهای محاسبه نیاز آبی بیرون آورده و به مساله ای نیازمند دید خوب مهندسی تبدیل کنیم، مساله ای که نیازمند چندجانبه نگری مهندسی بوده و نباید مانند گذشته راه حل های تک بعدی برای آن ارائه داد.

در مثال مناسبی از حوضه دریاچه ارومیه، می توان سطح زیر کشت را بررسی نمود. بنا بر تحقیقات اخیر، از سال ۱۹۷۶ تا سال ۲۰۱۳ حدود ۳۰ درصد افزایش سطح زیر کشت در کل حوضه دریاچه ارومیه مشاهده می شود، اما در تحقیق دیگری که به تازگی تحت عنوان Stanford ۲۰۴۰، با همکاری دکتر کاوه مدنی منتشر شد معلوم شد متوسط سطح زیر کشت در کل ایران همواره حول و حوش عددی برابر ۱۲ میلیون هکتار بوده است. در برخی سال های مرطوب تر با افزایش بسیار جزئی و به همین نسبت در سال های خشک نیز با کاهش جزئی مواجه شده است؛ اما شرایط منابع آب کشور روز به روز بارون ریز و به تضعیف بیشتر منابع پیش رو است. در این مقایسات آنچه که از قلم افتاده نحوه مدیریت تک بعدی ای بوده است که باعث شده با ثبات تقریبی سطح زیر کشت در اغلب مناطق کشور و با افزایش نه چندان چشمگیر آن در برخی مناطق دیگر، استفاده از آب های قابل استحصال به شرایط امروز خود برسد. مدیریت های صفر یا صدی که با در نظر نگرفتن جنبه های مشترک المنافع طرح ها، طرح هایی با کمترین طول عمر و حتی مخرب ترین نتایج ارائه داده اند. در این راستا به نظر محقق بایستی با در نظر گرفتن شواهد کامل اکوسیستم، اعم از گذشته های دور سایت مطالعه و حال حاضر آن و گذشته نزدیک تر آن، مسائل اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی را نیز وارد پروتکل های تصمیم گیری نمود.

از آنجایی که در دنیای حاضر، قدرت اقتصادی، از نظر انسان ها نیروی محرکه مسائل فرهنگی و اجتماعی نیز به شمار می رود، می توان با تکیه بر الگوریتم های خوب اقتصادی تصمیم گیری ها را قابل اجراتر ساخت. در چنین شرایطی محاسبات مربوط به مساله ای چندوجهی مانند الگوی کشت نیز محاسبات ساده سابق را بر نمی تابد؛ بنابراین می توان گفت مهم ترین هدف نوشتار حاضر ترجیح تصمیم گیری های تک بعدی به چند بعدی است؛ بنابراین صرف دانستن بودجه آبی در یک کفه ترازو و نیاز آبی گیاه در کفه دیگر و چند عملیات محاسباتی ساده نمی توان الگوی کشت پایداری ارائه نمود. در چنین شرایطی ناگزیریم تا با پناه بردن به تئوری های مدیریتی و اقتصادی مساله زیست محیطی را در آن قالب پیاده سازی نموده و با دید چندجانبه به حل مشکل بپردازیم. در شکل



شکل (۲): فواید اقتصادی از برهم کش سود اقتصادی و بازگشت سرمایه



خشک شدن دریاچه ارومیه جزو بحران‌های دست‌ساز بشر است

دارد. در طول تاریخ هم چنین اتفاقاتی می‌افتد و انسان در سایه خلاقیت خود توانسته است برای مسائل راه خلاصی بیابد. آبیاری قطره‌ای، تحول در تکنولوژی شیرآلات، استفاده از تمیزکننده‌های دی‌اکسید کربن به جای آب، یا کشت نشایی به جای بذری از جمله مصادیق نشان‌دهنده قدرت خلاقیت در انسان هستند و می‌تواند در سایه این خلاقیت موجود، مشکلات را از پیش رو بردارد. سومین دلیل امید به وجود راه‌حل، این است که آب یک ماده تجدیدپذیر است. ما نباید این نگرانی را داشته باشیم که روزی آب تمام خواهد شد. چون آب در طبیعت ذاتاً تجدیدپذیر است و از بین نخواهد رفت. بلکه از شکلی به شکل و حالت دیگر تبدیل می‌شود. وگرنه حجم ثابتی در هستی و کره خاکی دارد.

سه مولفه اصلی در تحلیل بحران آب، دخیل هستند و ایفای نقش می‌کنند. تقاضای مردم، عمل سیاست‌مداران و در نهایت، اندیشه متخصصین. اگر مردم تقاضای حل مشکلات این‌گونه را داشته باشند، قطعاً این انگیزه در سیاست‌مداران و متخصصین امر ایجاد خواهد شد که به فکر راه‌حل بروند. پس از این مشکلات باشند. پس هر قدر تقاضای حل مسأله خشکی دریاچه ارومیه از سوی مردم و جامعه تقویت شود و در واقع به یک مطالبه جدی تبدیل شود، قطعاً سیاست‌مدار مجبور است که راه‌حلی برای آن بیابد. برای یافتن راه‌حل هم از متخصصین امر بهره‌مند خواهد شد. یعنی سیاست‌مدار به متخصصین امر فشار خواهند آورد که بالاخره راهی بیابند.

البته در این میان فرهنگ‌سازی نیز واجد اهمیت بسیار است و البته شکل و نحوه فرهنگ‌سازی خود، متغیر مهم دیگری است. تبلیغ به شیوه مستقیم معمولاً آن اندازه تأثیرگذار نیست. هر اندازه تبلیغ به شیوه غیرمستقیم انجام شود، به همان اندازه تأثیرگذاری بالایی خواهد داشت. اگر فرهنگ‌سازی در قالب یک امر اجتماعی مطرح گردد، قطعاً از میزان تأثیرگذاری بالایی برخوردار خواهد بود. بنابراین، نباید این فرهنگ‌سازی، انجام یک وظیفه دولتی را در ذهن مخاطب تداعی کند و لازم است این فعالیت به عنوان یک امر اختیاری، عاطفی و غیرموظف غیردولتی دنبال کرد.

نمی‌شوند و آثار آن نیز محدود به یک زمان خاص نمی‌شود. مثلاً در نظر بگیرید انفجار بمب اتمی در هیروشیما و ناکازاکی، اکنون با گذشت بیش از ۵۰ سال هنوز هم آسیب‌های ژنتیکی خود را نشان می‌دهد. و آخرین ویژگی مورد نظر برای این دو تقسیم‌بندی، قابل محاسبه بودن تبعات این بحران‌ها است. بحران‌های ماقبل مدرن تبعات قابل محاسبه‌ای دارد؛ به عبارتی پیامدهای این بحران‌ها قابل محاسبه هستند. در حالی که بحران‌های دوران مدرن معمولاً قابلیت محاسبه ندارند. در واقعیت از آثار ممکن و محل بروز این آثار آگاه نیستیم.

در همین چارچوب نظری، بحران خشکی دریاچه ارومیه نیز قابل طرح است. به طور خلاصه این طور می‌توان گفت بحران دریاچه ارومیه، در واقع از نوع بحران‌های دوران مدرن است که انسان‌ساخته، فرامحلی و فرازمانی هستند و معمولاً تبعات غیرقابل محاسبه دارند. در این قسمت، انسان‌ساخته بودن این بحران مورد تأکید است. این طور نیست که بحران آب دریاچه ارومیه از قبل هم وجود داشته باشد. بلکه با قرار گرفتن در دنیای مدرن، این چنین بحران‌هایی خود را به نمایش گذاشتند. زاینده‌رود اصفهان، برخی تالاب‌های مازندران و حتی دریاچه هامون در سیستان و بلوچستان نیز به همین وضعیت دچار هستند. پس در واقع این مسأله از آثار و تبعات دنیای مدرن است. در اینجا به جای پرداختن به آثار منفی و تخریبی این بحران‌ها، روی راه‌حل‌ها بحث می‌شود.

به اعتقاد نگارنده برای این بحران‌ها راه‌حل وجود دارد و سه دلیل برای این خوش‌بینی وجود دارد. اول اینکه چون این بحران‌ها به دنیای مدرن مربوط می‌شوند و انسان‌ساخته هستند، پس راه‌حل نیز در همین انسان‌ها نهفته است. به عبارتی، چون انسان‌ها باعث ایجاد این بحران‌ها شده‌اند، همان انسان‌ها هم اگر بخواهند می‌توانند راه‌حل بیابند و در جهت رفع مسأله برآیند. وجود قدرت خلاقیت و تغییر در انسان نیز دلیل دوم امیدواری به وجود راه‌حل است. انسان موجودی نیست که این بحران‌ها و خطراتی که در مقابل او ظاهر می‌شوند، دست بسته بماند و هیچ کاری نکند. انسان خلاقیت



رحیم زابریجه

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه

بحران‌ها را به لحاظ جامعه‌شناختی معمولاً به دو دسته می‌توان تقسیم کرد. به عبارتی بحران‌ها از لحاظ زمانی به دو دسته قابل تقسیم هستند. بحران‌های مربوط به دنیای ماقبل مدرن و بحران‌های دوران مدرن. این بحران‌ها با بیان برخی ویژگی‌ها از هم قابل تمایز هستند. در دنیای ماقبل مدرن، بحران‌ها یا خطراتی که وجود دارند به شدت طبیعت‌ساخته هستند. به عبارتی، طبیعت عامل اصلی حادث شدن این گونه بحران‌ها هستند. فرضاً بروز سیل یک رخداد طبیعی است. در حالی که ماهیت بحران‌ها در دنیای مدرن این است که بیشتر انسان‌ساخته هستند تا طبیعت‌ساخته. به عنوان مثال یکی از دلایلی که در رابطه با حادث شدن سیل در دنیای مدرن، تبیین می‌گردد، جنگل‌زدایی توسط انسان‌ها است و انسان‌ها در واقع با از بین بردن پوشش جنگلی، باعث بروز سیل می‌شوند. از ویژگی‌های دیگر می‌توان گفت در دنیای ماقبل مدرن این بحران‌ها حالت محلی دارند. بدین معنی که بحران‌های ماقبل مدرن تنها در منطقه‌ای که حادث می‌شوند، آثار مخربی به جا می‌گذارند. در حالی که در دنیای مدرن، در بیشتر موارد محلی نیستند. بلکه اصطلاحاً می‌گوییم فرامحلی هستند. یعنی می‌توانند از آن مکان خاص عدول کنند و فراتر روند. مثلاً فرض کنید بیماری ایدز یک بحران زیست‌شناختی است که می‌تواند فراتر رود و در قاره‌های مختلف آثار خود را نمایان سازد. ویژگی سوم بحران‌های دوران ماقبل مدرن این است که در یک زمان خاصی اتفاق می‌افتند و آن زمان خاص را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. در حالی که بحران‌های مربوط به دنیای مدرن به این شکل نیستند. بلکه اصطلاحاً فرازمانی هستند. فرازمانی بدین معنی که صرفاً در یک زمان خاص حادث



استحصال نمک از دریاچه ارومیه بدون توجه به مسائل زیست محیطی نعل کشی از اسب مرده!



محمد مسافری

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه تا آنجا ادامه یافت که طی چند روز اخیر دریاچه کاملاً به خشکی گرایید و مشخص گردید که اقدامات انجام شده حداقل تا به امروز فاقد اثر بخشی لازم بوده است. شاید بکارگیری عبارت «دریاچه» من بعد مضحکانه به نظر برسد؛ چرا که دیگر دریاچه‌ای وجود ندارد و بهتر است به جای «دریاچه ارومیه» از «نم‌زار ارومیه» استفاده شود.

تبدیل دریاچه به نم‌زار، لکه سیاهی بر پیشانی محیط زیست ایران است که به دلیل اهمال کاری، عدم نظارت مناسب زیست‌محیطی بر پروژه‌های عمرانی و اعمال قانون به وقت لزوم و همچنین نداشتن درک درست از آینده در طی سه دهه اخیر به تدریج اتفاق افتاده است. البته باید اذعان نمود که همه ما در این فاجعه زیست‌محیطی سهیم هستیم و شاید مهم‌تر از همه وزارت نیرو و جهاد کشاورزی نقش موثرتری را داشته باشند. هدف این نوشتار مقصرشناسی خشک شدن دریاچه ارومیه نیست. بلکه این نوشتار می‌خواهد از فاجعه‌های دیگر تصویرسازی نماید. آن زمان که عده‌ای می‌گویند خوب حالا که دریاچه ارومیه خشک شده و نمی‌شود کاری کرد، حداقل از نم‌های دریاچه استفاده به عمل آوریم و نفع اقتصادی حاصل آید. هم باعث اشتغال است، هم باعث تأمین نیازهای اولیه یکی از کارخانه‌های منطقه و هم احتمالاً

از طوفان نمکی ممانعت به عمل می‌آید. اینجاست که تاسف آدمی دو چندان می‌شود و یاد ضرب‌المثل «نعل کشی از اسب مرده» می‌افتیم. دریاچه را خشکانده‌ایم و حالا پیکره او را با برداشت نمک، آن هم به شیوه‌ای کاملاً غیرزیست‌محیطی مجروح و تخریب می‌کنیم. برداشت نمک از دریاچه ارومیه به نوعی معدن‌کاری سطحی محسوب می‌شود. سوال اینجاست که آیا پیمانکاران مربوطه مجوز زیست‌محیطی دریافت نموده‌اند؟ اگر مجوز زیست‌محیطی صادر شده است، بر چه مبنایی صادر شده است؟ آیا مطالعه اثرات زیست‌محیطی در این خصوص به عمل آمده است؟

بر اساس بررسی‌ها و مشاهدات میدانی اخیر نویسنده که در قالب پایان‌نامه یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط در دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام گردید، برداشت نمک از دریاچه ارومیه در منطقه آغ‌گنبد به شدت باعث تخریب محیط طبیعی دریاچه ارومیه شده که حاصل آن تشدید اثرات سوء احتمالی در آینده خواهد بود.

در پروسه برداشت نمک ابتدا نمک رسوب‌یافته در کف دریاچه که به دلیل تبخیر آب کاملاً در دسترس است، توسط لودر به ضخامت تا یک متر کنده شده و به صورت توده‌های دراز نمکی یا نمک‌ریزه‌هایی با ارتفاع بیش از سه متر انباشت می‌شود تا آب خود را از دست دهد. این نمک‌ها پس از آبدهی و خشک شدن، در تریلی‌های ۱۸ چرخ بارگیری شده و به مقصد کارخانه‌ای واقع در مراغه انتقال می‌یابد. علاوه بر این، برخی بومیان منطقه، نمک‌ها را جمع‌آوری نموده و به صورت گرانول یا آسیاب‌شده در قالب بسته‌بندی‌های پنج کیلویی یا کوچک‌تر یا به صورت فله‌ای به فروش می‌رسانند.

در هر حال با نگاهی اولیه اثرات بهداشتی و زیست‌محیطی این فعالیت‌ها به صورت تیتروار به صورت زیر قابل بیان می‌باشد:

- برداشت نمک توسط لودرها باعث از بین رفتن توپوگرافی و شیب طبیعی رسوبات دریاچه شده و منجر به ایجاد برکه‌های عمیق در کف دریاچه می‌شود. بدیهی است که وجود این برکه‌ها می‌تواند باعث به هم خوردن حرکت طبیعی روان‌آب‌های سطحی در دریاچه شده و به خشک شدن بیشتر دریاچه کمک نماید.

- رفت و آمد تریلی‌های سنگین در سطح دریاچه و فعالیت لودرها باعث فشرده شدن سطح موجود شده و قاعدتاً در نفوذپذیری، ظرفیت نگهداری آب و میزان تبخیر از سطح دریاچه تأثیر فراوانی خواهد گذاشت.

- فعالیت کارگران و رانندگان در کارگاه‌های استحصال نمک همراه با دفع هر گونه آشغال در محیط دریاچه از روغن سوخته گرفته تا پوست هندوانه و فاضلاب بهداشتی و ... است. این موضوع منجر به آلودگی بیشتر اکوسیستم دریاچه خواهد شد.

- برداشت عمیق نمک منجر به کنده شدن لجن‌های کف دریاچه شده و باعث آزاد شدن گازهای مدفون و سایر مواد پرتوزای احتمالی در محیط می‌گردد. حفر کانال عمیق به طول بیش از ۲۰۰ متر در کارگاه استحصال نمک در برگزیده فاضلاب بدبو که آب نمک‌های استحصال شده در آن زهکشی می‌شود همراه با بوهای حاصل از لجن‌های کف دریاچه باعث آلودگی بیشتر می‌گردد.

- احتمال می‌رود حیواناتی که در داخل دریاچه رفت و آمد می‌نمایند، در داخل برکه‌های خالی یا کانال فاضلاب ذکر شده افتاده و از بین بروند.

- نمک‌های برداشت شده از دریاچه از نظر آلودگی به فلزات سنگین در حال حاضر تحت

انباشت شده‌اند و بر هم زدن ساختار طبیعی آن‌ها و سودجویی اقتصادی در برداشت نمک جهت تامین نیازهای ماده خام صنایع به هیچ وجه از نظر زیست‌محیطی قابل قبول نبوده و لازم است ضمن توقف این فعالیت، موضوع از نظر آثار و پیامدهای مثبت و منفی زیست‌محیطی و بهداشتی مورد ارزیابی کامل واقع گردد.

بایستی مورد توجه قرار گیرد. علی‌رغم اخطار وزارت بهداشت در این خصوص نمک‌فروشی همچنان به عنوان سوغاتی از دریاچه ارومیه که مثلاً دارای خاصیت درمانی است ادامه دارد. در پایان خاطر نشان می‌شود که تخریب لایه‌های نمک که به صورت طبیعی در طول سالیان متمادی رسوب کرده و بر روی هم

آنالیز پیشرفته دستگاهی می‌باشند. این نمک‌ها در کنار جاده منتهی به پل میان‌گذر به فروش می‌رسند. افراد مختلف ممکن است این نمک‌ها را به صورت مستقیم در غذا استفاده نموده یا در فرآوری مواد غذایی از جمله پنیر یا خیارشور یا سایر موارد استفاده نمایند. بدیهی است که چنین استفاده‌ای کاملاً غیربهداشتی بوده و



جاده نمکی احداث شده در وسط دریاچه



منطقه آغ‌گنبد و جاده رفت و آمد کامیون‌های نمک



برکه برداشت نمک



ساختار طبیعی و پولک مانند نمک‌های رسوب‌یافته



تاسیسات پیمانکاران برداشت نمک



کانال فاضلاب محوطه استحصال نمک



رفت و آمد کامیون‌ها و فشردگی سطح دریاچه



پسماندهای رهاشده در کف دریاچه

چالش‌های شهری

ماهنامه کارایی هم‌زمان با انتخاب اعضای جدید شورای پنجم شهر تبریز، میزگردی با حضور این اعضا تشکیل داد. طی این میزگرد اعضای جدید شورا هر کدام به طرح دیدگاه‌ها، نظرات و برنامه‌های خود پرداختند. در ادامه و با هدف موشکافی بیشتر مسائل مربوط به اداره امور شهری، با برخی از اعضای شوراهای شهر تهران و اصفهان نیز مصاحبه‌هایی صورت گرفت و در نهایت، پرونده‌ای تحت عنوان «احیای حق‌سالاری شهری» تهیه و تدوین و در شماره ۳۲ ماهنامه به چاپ رسید. حاصل این پرونده استحصالی عمده‌ترین چالش‌های پیش روی شهرها و شهروندان به عنوان ساکنین اصلی شهر بود. این چالش‌ها پیش‌تر به صورت اینفوگرافی تهیه و در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. اما در این شماره نیز به طور مشخص به تعدادی از مهم‌ترین موارد مربوطه پرداخته شده است. آنچه در پی می‌آید نگاهی دقیق‌تر و تفصیلی‌تر به ۸ چالش عمده شهر است.



چالش درآمد پایدار برای شهرها



داود حمیدی رزی
دانشجوی دکتری توسعه اقتصادی

تامین مالی شهرداری‌ها یکی از مسائل مهم در مدیریت شهری است و در کشور ما همواره مورد بحث و محل چالش بوده است. ملموس‌ترین آثار نبود استراتژی مناسب تامین مالی شهرداری‌ها در کشور ما در سال‌های اخیر مشاهده شد. در سال‌های اخیر با رکود بخش مسکن و کارهای عمرانی شهری، درآمد شهرداری‌ها که اغلب ناشی از تراکم‌فروشی و صدور پروانه‌های ساختمانی بود، به شدت کاهش یافت. پیامدهای این رکود به قدری ملموس بود که برخی از شهرداری‌ها حتی قادر به پرداخت حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان خود نیز نشدند و مشاهده گردید که در برخی موارد کارگران خواستار فروش ماشین‌آلات شهری برای پرداخت مطالبات خود شدند. با عنایت به موارد مذکور، سوالات بسیاری مطرح می‌شود؛ اینکه آیا فلسفه و مبانی نظری شهرداری‌ها و سازمان‌های (حکومت‌های) محلی در ایران غیرکارآمد و غیرعلمی است؟ آیا قوانین و مقررات در سطح سازمان، درست اجرا نمی‌شود و علت این مشکلات وجود مدیران شهری ناکارآمد در مجموعه شهرداری‌ها و مدیریت شهری است؟ بارها در کنفرانس‌ها و همایش‌های مختلف شهری مشاهده می‌شود که تقریباً تمامی مدیران شهری اعم از شوراهای، شهرداران، معاونت‌های شهری و نخبگان دانشگاهی مدیریت شهری از نبود نظام تامین مالی پایدار برای شهرداری‌های کشور انتقاد می‌کنند! حال سوال این است که اگر قرار باشد چنین نظام و الگوی تامین مالی طراحی شود، مگر غیر از همین مدیران چه کسی چنین وظیفه‌ای دارد؟ حقیقت آن است این مدیران باید چنین الگویی را طراحی و اجرا کنند و فرافکنی در این مساله منجر به اتلاف منابع و زمان می‌شود. از سوی دیگر، یکی از مسائل مهمی که در سیستم مدیریتی کشور قابل مشاهده است، این موضوع است که در کشور ما مدیران به اندازه کافی و منطقی از اختیار و قدرت تصمیم‌گیری کافی برخوردار نیستند و این قدرت و اختیار توسط قوانین و مقررات، تبصره‌ها و بخش‌نامه‌های متعدد محدود می‌شود و در نهایت این عامل منجر به سلب خلاقیت از مدیران شده و باعث می‌شود مدیران خود را در چرخه‌های باطل بروکراتیک گم کنند.

مشکل معیوب بودن نظام و الگوی تامین مالی شهرداری‌ها در کشور ما بدون شک یک مساله سیستمی است و تجزیه و تحلیل موردی آن چالشی را برطرف نمی‌کند. حقیقت آن است که شهرها منبع صرفه‌های ناشی از مقیاس، محلی‌شدن و تراکم هستند. هم‌چنین شهرها در تدارک زیرساخت‌ها و خدمات، کارا عمل کرده و با جذب نیروی کار فرهیخته و ماهر باعث تخصصی‌سازی در امور می‌شوند.

از سوی دیگر، روند روبه‌رشد شهرگرایی در ایران تفاوت‌هایی عمده با بقیه دنیا دارد. در حالت کلی و جهانی، شهرنشینی یکی از شاخص‌های توسعه بوده و اساساً جریان حرکت تکاملی فرهنگ و تمدن، انسان را به سوی شهرنشینی سوق می‌دهد؛ اما روند شهرنشینی در ایران متأثر از: الف) تشدید شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی، ب) متفاوت بودن امکانات و سرمایه‌گذاری‌ها (و ج) سیاست ایجاد قطب‌های صنعتی است؛ بنابراین نحوه برخورد حکمرانان محلی در ایران با پدیده شهرگرایی باید متفاوت از بقیه دنیا باشد. هم‌چنین ماهیت شهرداری در ایران با دیگر کشورهای جهان متفاوت است؛ «بدین ترتیب که تاکنون شهرداری‌ها نه به عنوان یک سازمان کاملاً محلی، از استقلال عمل لازم برخوردار بوده‌اند و نه به عنوان یک تشکیلات دولتی، از حمایت‌های مالی دولت بهره برده‌اند که این خود، منشاء چالش‌های بسیاری برای شهرداری‌ها شده و به نظر می‌رسد برای رفع این چالش‌ها، نیاز به بازنگری نهادی دیده می‌شود».

در حالت کلی، منابع مالی شهرداری‌های جهان را از دیدگاه نوع منابع درآمدی می‌توان در چهار گروه دسته‌بندی نمود که عبارت هستند از: ۱) مالیات‌های محلی، ۲) بهای خدمات، ۳) نقل و انتقال‌های دولتی و ۵) استقراض از بانک‌ها و دولت. بررسی‌های انجام‌گرفته نشان می‌دهد که نقش و سهم هر یک از گروه‌های فوق بستگی به سیستم حکومتی کشور و کیفیت حکمرانی‌ها دارد. در کشورهایی که به نوعی ماهیت سوسیالیستی یا حکومت مقتدر مرکزی دارند، معمولاً گروه نقل و انتقال‌های دولتی رقم عمده را در منابع مربوطه تشکیل می‌دهد، اما در کشورهای دارای حکومت غیرمتمرکز، بیشترین اتکالی شهرداری‌ها بر مالیات‌های محلی، بهای خدمات تنظیم شده است و سهم منابع مربوط به نقل و انتقال‌های دولتی بسیار محدود است. اصولاً شهرداری‌های کشورهای پیشرفته با توجه به این که به صورت علمی منابع درآمدی خود را تعریف کرده‌اند و به صورت مدیریت واحد شهری اداره می‌شوند، به ندرت با معضل و مشکل کمبود منابع مالی مواجه هستند. ضمن این که به دلیل عملکرد شفاف شهرداری‌ها در مدیریت هزینه، مشارکت شهروندان در پرداخت‌های قانونی بالا می‌باشد. علاوه بر آن انتخاب شهرداران برای مستقیم مردم، شهرداران منتخب را صرفاً وام‌دار مردم کرده و از تاثیرپذیری سایر عوامل تا حدود زیادی مصون می‌باشند. در این شرایط شهرداران به برنامه‌ریزی بلندمدت مبادرت ورزیده و با مشارکت و همکاری شهروندان برای رسیدن به اهداف طراحی شده اقدام می‌نمایند. حال سوال این است که در میان انواع درآمدهای شهرداری‌ها، درآمدهای پایدار چه ویژگی‌های دارند؟ حداقل ۵ ویژگی زیر را می‌توان ملاک پایدار بودن درآمد در نظر گرفت، ۱) منبع آن از بین رفتنی نباشد یا با از بین رفتن آن جایگزینی داشته باشد، ۲) به طور پیوسته قابل وصول باشد، ۳) در دوره‌های مالی مختلف نوسان شدید نداشته باشد (برای مثال با نوسان قیمت نفت در کشورهای نفتی)، ۴) همراه با افزایش هزینه‌ها افزایش یابد و ۵) موجب آسیب‌رساندن به توسعه شهری نشود (به عبارتی دیگر،

آثار خارجی منفی نداشته باشد یا آثار خارجی منفی آن حداقل باشد). حال اگر بر درآمدهای حاصل از فروش تراکم، تخلفات ساختمانی و جرائم ماده صد توجه کنیم به راحتی متوجه خواهیم شد که این درآمدها هیچ کدام از ویژگی‌های درآمدهای پایدار را ندارند. این درآمدهای ناپایدار پیامدهای منفی بسیاری را برای شهر به ارمغان آورده‌اند. عدم استمرار برنامه‌های توسعه شهری، گسترش نامطلوب کالبد شهری، معطل ماندن منابع شهری که می‌توانست در خدمت تولید و اشتغال قرار گیرد، از جمله این پیامدهای منفی وابستگی به درآمدهای ناپایدار است.

ایجاد جریان درآمدهای پایدار برای شهرداری‌ها نتیجه یک عملکرد سیستم چرخشی پویای اقتصادی در شهرها است که هم از لحاظ نهادی، فرانهادی و هم از لحاظ ستادی، کارآمد و منطبق با اصول علمی و منطقی است. پرواضح است که ایجاد نهاد شوراهای بدون تجزیه و تحلیل سیستمی و ایجاد ردیف‌های پایدار درآمدهای برای آن‌ها صورت گرفت و هم‌اکنون نیز شوراهای شهرداری‌ها را ملزم به پرداخت برخی هزینه‌ها می‌کنند که خارج از قدرت و توانایی شهرداری‌هاست. بر طبق مطالعات تجربی و پژوهش‌های علمی برخی از مهم‌ترین کانال‌های ایجاد جریان مالی پایدار برای شهرداری‌ها عبارت هستند از: ۱) مشارکت با بخش خصوصی در احداث پروژه‌های مدیریت و توسعه شهری و حمل‌ونقل عمومی، ۲) احداث اجاره مجتمع‌های تفریحی، توریستی و ورزشی، ۳) اقدامات نهادی برای اخذ درصدی از سود سالیانه شرکت‌های بیمه، ۴) معافیت شهرداری‌ها و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آن از پرداخت مالیات، ۵) برقراری عوارض بیهینه برای کسب‌وکارهای جدید اینترنتی و آنلاین، ۶) بازیافت زباله‌های شهری و برقراری سیستم‌های تولید همزمان شهری به همراه تکمیل زنجیره ارزش افزوده در این بخش، ۷) اصلاح الگوی مصرف نهاده‌ها در بخش مدیریت شهری.

«برای مثال در ایران نیز بایستی همانند کشورهای توسعه‌یافته، هر واحد ساختمانی چه مسکونی و چه با کاربری‌های دیگر به مقدار زمینی که اشغال می‌کند عوارض پرداخت کند. هم‌چنین برای مالکانی که بیشتر از یک ملک دارند عوارض به صورت تصاعدی بالا بروند، به نحوی که از سوداگری جلوگیری کند و برای مالک، مقرون به صرفه نباشد که ملک را نگه دارد. یکی از مشکلات در کلان‌شهرها به خصوص تهران، عدم توازن در الگوی مالکیت است. اجرای این طرح نیازمند ایجاد نظام شفاف اطلاعاتی به منظور دریافت عوارض از خانه‌های خالی و مالیات بر ارزش زمین است. مالیات بر ارزش زمین منجر به عدالت اجتماعی می‌شود چرا که کسانی که قیمت زمین آن‌ها بیشتر است مبلغ بیشتری باید پرداخت کنند. هر که زمین برای ارزان‌تر است، کمتر پرداخت کند. در این صورت برای کسی توجیه اقتصادی ندارد که خانه خود را خالی نگه دارد؛ چون در هر صورت باید عوارض آن را پرداخت کند. در نتیجه مبلغ قابل توجهی نصیب شهرداری می‌گردد که علاوه بر تامین هزینه‌های عمرانی و جاری خود در قسمت‌های توسعه‌نیافته شهر، کیفیت خدمات شهری را بالا ببرد».



چالش شکاف طبقاتی در شهر

اهالی این مناطق با کمک افراد خیر تامین می‌شود چندان که به گفته رئیس کمیته امداد، پرویز فتاح اگر حمایت‌های افراد خیر را از زندگی آنان کم کنیم، ضریب محرومیت آنان دیگر قابل اندازه‌گیری نمی‌شود!

بخش قابل توجهی از این مسائل، به شکاف طبقاتی شهر و روستا برمی‌گردد. شکاف طبقاتی بین شهرها و روستاها، خود را در تخصیص ناعادلانه منابع، پایین بودن درآمد، کمبود امکانات رفاهی، بهداشتی، درمانی، تفریحی و آموزشی در روستاها نشان می‌دهد. با این وضعیت نباید انتظار داشت که روستائیان به شهرها مهاجرت نکنند و روستاها آباد بمانند. ادامه این روند از یک سو منجر به کاهش تولید در بخش کشاورزی و دامداری در روستاها می‌شود و از سوی دیگر، منجر به بحران هویت، افزایش حاشیه‌نشینی، فقر، ناامنی و انواع آسیب‌های اجتماعی در شهرها می‌شود.

از شکاف بین روستاها و شهرها که بگذریم، شکاف طبقاتی در خود شهرها غوغا می‌کند. حاشیه‌نشینی یک نمونه آشکار است. بعضی از آمارها حاشیه‌نشینی را تا مرز ۲۰ میلیون نفر ذکر کرده‌اند. برای پی بردن به عمق فاجعه باید بدانیم که حاشیه‌نشینی یعنی فقر، یعنی بیکاری، یعنی محرومیت از خدمات درمانی و بهداشتی، یعنی محرومیت از تحصیل؛ یعنی زندگی وسط انواع آسیب‌های اجتماعی مثل طلاق، اعتیاد و امثالهم.

نمونه دیگر، زندگی دست‌فروش‌هاست. آمار دقیقی از تعداد دست‌فروشان در دست نیست. با این حال طبق نتایج یکی از پژوهش‌ها، بسیاری از آنان ساعت‌های متوالی را برای درآمد روزانه متوسط ۴۵ هزار تومان کار می‌کنند و همچنان زیر خط فقر به سر می‌برند. رسمیت‌نیافتن شغل آن‌ها باعث می‌شود ۴۱ درصد آنان از پوشش هیچ بیمه‌ای برخوردار نباشند و فقط ۲۵ درصد آنان از پوشش بیمه تامین اجتماعی برخوردار باشند. بر

خانوار دهک دهمی (بالترین دهک) بیش از ۱۰۸ میلیون تومان در سال هزینه می‌کنند! این امر نشان می‌دهد که از نظر میزان هزینه بین این دهک‌ها فاصله بیش از ۱۴۰۰ درصدی وجود دارد! این همان فاصله نامعمول و نامعقولی است که هیچ توجیه قابل دفاعی نمی‌تواند داشته باشد. البته این آمار فقط مربوط به بخش اقتصادی مساله است و بخش‌های فرهنگی و اجتماعی نیز برای خود آمار غم‌انگیز جداگانه دارد که بیان آن‌ها فرصت دیگر می‌طلبد.

معمولاً وقتی از شکاف طبقاتی صحبت می‌شود ذهن‌ها به سمت طبقات شهری می‌رود. گویا شکاف طبقاتی یک امر درون‌شهری است. در صورتی که چنین نیست. شکاف بین طبقات شهری و طبقات روستایی، یکی از آن مسائلی است که کمتر به آن توجه می‌شود. در حالی که نباید چنین باشد. همان قدر که شکاف طبقاتی در دورن شهرها می‌تواند آسیب‌زا باشد، شکاف بین شهرها و روستاها نیز می‌تواند آسیب‌زا باشد، هم برای شهرها و هم برای روستاها.

طی نیم قرن اخیر مدام از تعداد روستاها و جمعیت روستانشین کاسته شده است. روستاها یک‌به‌یک خالی شده و جمعیت آن‌ها به شهرها مهاجرت کرده‌اند. در ۵۰ سال گذشته ۳۴ هزار روستا و آبادی در کشور تخلیه شده است. طبق آماري که مرکز آمار ایران ارائه داده است، نسبت روستانشینی جمعیت در سال ۱۳۹۵ به ۲۵.۹ درصد رسیده است که منفی ۲۰.۷ درصد نسبت به سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. شرایط بعضی از روستاها به قدری درناک است که به گفته مسئولین در بعضی از روستاها خانه‌ها حتی آب برای خوردن و رفع حاجت روزانه و استحمام ندارند و اعضای آن دچار انواع بیماری‌های پوستی شده‌اند. همچنین در حالی که بیشترین ضریب محرومیت ۹ است، بسیاری از خانوارهای روستایی در ضرایب محرومیت ۶، ۷، ۸، ۹ قرار دارند. نیازهای



حبیب‌الله آقامحمدی

پژوهشگر علوم اجتماعی

یکی از محوری‌ترین شعارهای انقلاب ۵۷ عدالت بود. شعار عدالت هم در مطالبات مردم نقش محوری داشت و هم در سخنان رهبران سیاسی. این شعار در شکل‌گیری انقلاب ۵۷ به قدری مهم و اساسی بود که اگر از دایره مفاهیم انقلاب حذف کنیم، از انقلاب چیزی باقی نمی‌ماند. قانون اساسی نیز یکی از وظایف قوه مجریه و قوه مقننه را «گسترش عدالت» و «تحقق بخشیدن به عدالت» مشخص کرده است. با این حال، ما هنوز به این آرمان مقدس (عدالت) دست نیافته‌ایم. برای این مساله علت‌های گوناگونی می‌توان برشمرد. شکاف طبقاتی یکی از مهم‌ترین آن‌هاست.

منظور از شکاف طبقاتی نابرابری صرف نیست. نابرابری در بعضی شرایط شاید توجیه مخصوص به خود را داشته باشد؛ اما شکاف طبقاتی چنین نیست. شکاف طبقاتی هیچ توجیه معقولی ندارد. وقتی می‌گوییم در یک جامعه شکاف طبقاتی وجود دارد منظور این است که در آن جامعه افراد از نظر ثروت، درآمد، منزلت، حقوق، فرصت، امتیاز و پاداش فاصله‌های نامعمول و نامعقول با هم دارند. به عنوان نمونه، طبق آماري که از سوی بانک مرکزی در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است، بین هزینه‌های دودهک بالا و پایین بیش از ۱۵ برابر فاصله وجود دارد! هم‌چنین جمع کل هزینه‌های ناخالص به طور متوسط در یک خانوار دهک اول (پایین‌ترین دهک) به‌طور سالانه حدود ۷ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان است، در حالی که یک



چالش عدم بهره‌گیری موثر از ظرفیت‌های نخبگان در شهر



سجاد رستمی

پژوهشگر اقتصادی

صاحب‌نظران می‌توانند باعث اعتدالی شهر شود. در نظر اصحاب مکتب شیکاگو از جمله رابرت پارک، ارنست برگس و رودریگ مکنزی شهر همانند یک اندام زنده اجتماعی محل اسکان طبیعی انسان متمدن می‌باشد. شهر مرکز فرصت و محیطی برای ارائه توانایی‌های بالقوه انسانی است. مشارکت مردمی در اداره امور شهری به عنوان عنصر مهم مدیریتی در جهان امروز مطرح است؛ زیرا مسائل و پیچیدگی‌های شهری به ویژه کلان‌شهرها به حدی است که هیچ مدیر تیزبین و مقتداری هم نمی‌تواند به تنهایی آن را تحت کنترل درآورد. در این میان شورای شهر به مثابه پارلمان شهری است و وقتی این اسم خاص به زبان می‌آید سیاست‌گذاری، تالیف و تصویب قوانین، تداعی می‌شود. همدلی در مدیریت شهری، موجب توسعه همه‌جانبه شهر می‌شود و برای تحقق اهداف و آرمان‌های توسعه شهری، باید این همدلی را میان دستگاه‌های خدمت‌رسان و افراد نخبه تقویت کرد. سیاست‌گذاری را با کمی ارفاق، برنامه‌ریزی در شورای شهر به ما این را می‌گوید که باید با استفاده از اطلاعات موجود، بررسی نقاط ضعف و قدرت، فرصت‌ها و آسیب‌ها، نیازسنجی و آینده‌پژوهی، استفاده از تجارب و تظر صاحب‌نظران، افقی برای توسعه شهر ترسیم و البته راه‌های دستیابی و رسیدن به آن را طبق واقعیت‌ها پیش‌بینی کرد؛ که این پیش‌بینی اگر از سوی نخبگان و با استفاده از ظرفیت نخبگان شهری باشد دارای ضریب موفقیت بالایی در اجرا و تحقق هدف می‌شود. البته این استفاده از ظرفیت‌ها باید به دور از شعارزدگی، خودکامگی و بر محور امور تخصصی و استفاده از نظرات کارشناسی باشد. در آخر، هدف اگر پیشرفت جامعه باشد نه پیشرفت خود و اعتدالی جمع و جامعه شهری باشد به دور از باندبازی و رانت‌خواری، لزوم تعریف برنامه‌های کاربردی و سیاست‌گذاری‌های مدون در کارگروه‌های تخصصی به کمک قشر نخبه شهر و آگاهان شهری می‌تواند در جهت پیشرفت هر چه بهتر شهر موثر باشد.

در عصر حاضر پیشرفت و آبادانی یک جامعه نیازمند همدلی و مشارکت تمام اقشار به ویژه قشر نخبه به منظور استفاده و بهره‌گیری از تخصص و تجربه آن‌ها در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. داشتن ارتباط دو سویه بین افراد نخبه و مسئولین ذی‌ربط در سطوح مختلف مدیریتی و تصمیم‌گیری یکی از ارکان مهم مدیریت درست به حساب می‌آید. استفاده از نظریات و مشاوره‌های نخبگان، این سرمایه‌های ارزشمند در اداره امور موجب اعتدال، آبادانی، افزایش حس مشارکت، تقویت نقاط قوت و از بین رفتن نقاط ضعف در جامعه می‌شود. با این اوصاف لزوم تشکیل کارگروه‌ها و اتاق‌های فکر تخصصی در راستای بهره‌گیری و استفاده از ظرفیت نخبگان موجود به دور از شعارزدگی می‌تواند در پیشبرد هر چه بهتر امور و دستیابی به آرمان‌های اصلی جامعه مهم باشد. اداره امور و گرفتن تصمیمات مهم مدیریتی تنها با استفاده از ظرفیت‌ها و نظرات علمی در کنار بخش اجرایی می‌تواند باعث دستیابی به ایده‌ال موفق در سطوح مختلف شود. عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های نخبه در اداره امور و خودکامگی، داشتن حس قدرت و برتری (بدترین آفت مدیریت مناسب) و عدم توجه به نظریات دیگر افراد جامعه به خصوص افراد صاحب‌نظر در زمینه‌های مختلف فکری و یا استفاده از افراد کم‌توان در منصب‌های مشاوره‌ای و مدیریتی به عنوان یک آفت بزرگ باعث تنزل و جدایی از مسیر اصلی می‌شود. حال در این منظر، پرداختن به امور شهری در کنار استفاده از

این نمونه‌ها (حاشیه‌نشینان و دست‌فروشان) اضافه کنید کارتن‌خواب‌ها، گورخواب‌ها، زباله‌گردها، کودکان خیابانی و... را. شکاف طبقاتی در شهرها غوغا می‌کند.

شکاف طبقاتی در شهرها، با خود نابرابری‌های زیادی به همراه می‌آورد؛ از نابرابری در درآمد، اشتغال، مسکن و تحصیل گرفته تا دسترسی به خدمات و امکانات بهداشتی، درمانی و تفریحی را نیز شامل می‌شود و حتی میزان و کیفیت مشارکت‌های اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد.

از نظر جوئل شارون جامعه‌شناس آمریکایی، زمانی که نظام نابرابری (بخوانید شکاف طبقاتی) ایجاد گردید تغییر آن دشوار می‌شود. بدیهی است که چنین نظام‌هایی با گذشت زمان تغییر زیادی نمی‌کنند. به عقیده او پنج عامل موجب به وجود آمدن چنین وضعیتی می‌شوند: ۱. کوشش‌های قدرتمندان ۲. نهادهای اجتماعی ۳. فرهنگ ۴. اجتماعی شدن ۵. ابزارهای زور.

شکاف طبقاتی در طول زمان استمرار می‌یابد. تلاش‌های کسانی که در رأس جامعه هستند چه در اقتصاد، چه در حکومت، چه در آموزش و پرورش، چه در نظام حقوق جزایی، چه در رسانه‌ها به دائمی کردن آن کمک می‌کنند. نهادهای جامعه و شیوه‌های بنیادی انجام کارها در جامعه، در جهت حفظ نابرابری موجود عمل می‌کنند. اجتماعی شدن افراد در فرهنگی که نابرابری را توجیه می‌کند نیز این وضعیت را استمرار می‌بخشد. علاوه بر همه این‌ها، استفاده از ابزارهای زور و سرکوب نیز برای دائمی کردن نابرابری کمک می‌رساند.

باید در رویکردهای خود تجدیدنظر اساسی کنیم. باید برنامه‌های توسعه با محوریت عدالت تدوین و اجرا شوند. تجربه این چند دهه باید به مسئولین آموخته باشد که توسعه منهای عدالت یعنی شکاف طبقاتی؛ یعنی آسیب‌های اجتماعی متعدد، باید این را با جان و دل پذیرفت که یکی از شاخص‌های توسعه پایدار، تحقق عدالت اجتماعی و کاهش شکاف طبقاتی و رفع هرگونه تبعیض‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.

یکی دیگر از نکاتی که باید به آن توجه داشت این است که مسائلی از قبیل عدالت اجتماعی و کاهش شکاف طبقاتی، چیزی نیست که به آینده حواله داده شود. پهن شدن سفره عدالت، آن هم در آینده، به درد کسانی که امروز در محرومیت و نیازمندی به سر می‌برند، نمی‌خورد. اینکه مثلاً بگوییم ما در حال عبور از یک جامعه توسعه‌نیافته به یک جامعه توسعه‌یافته هستیم و وقتی توسعه پیدا کردیم و درآمد سرانه افزایش پیدا کرد، شکاف طبقاتی حل خواهد شد، اینگونه تحلیل‌ها پذیرفتنی نیست. اقشار فقیر، محروم، درمانده و گرسنه امروز نیازمند عدالت هستند!

سخن پایان اینکه، بعضی از نابرابری‌ها احتمالاً اجتناب‌ناپذیر باشد. البته ادعای اینکه نابرابری اجتناب‌ناپذیر است به این معنا نیست که باید فقر و محرومیت را بپذیرفت. بلکه پرسش برای همه انسان‌ها باید این باشد که چه میزان از نابرابری در جامعه یا در سازمان باید تحمل شود؟ چه میزان از نابرابری ضروری؟ سودمند؟ دموکراتیک؟ انسانی؟ و اخلاقی است؟ پاسخ به این سوالات هر چه باشد، یک نکته مسلم است و آن اینکه نابرابری نباید به شکاف (فاصله‌های نامعقول و نامعمول) تبدیل شود.



چالش حمل و نقل عمومی و مدیریت ترافیک در شهر

فاصل نادری مدیر عامل سازمان مدیریت حمل و نقل بار
حامد احمدزاده رئیس اداره فنی و مهندسی سازمان مدیریت حمل و نقل بار

درصد از کل سفرها می‌باشد. از این رو تنظیم جریان تردد خودروها در شهر، علی‌الخصوص در محدوده مرکزی شهرها و جلوگیری از هرگونه راه‌بندان و اولویت به حمل و نقل عمومی در سطح شهر، یکی از مسائل عمده در مدیریت حمل و نقل شهری به حساب می‌آید که برای حل آن راه کارهای مختلفی پیشنهاد می‌شود. یکی از روش‌های حل این مساله که هم‌اینک در بسیاری از شهرهای بزرگ، خصوصا پایتخت‌های جهان به کار گرفته می‌شود، بدون هیچ محدودیتی به تردد وسایط نقلیه حمل و نقل عمومی و با اعمال محدودیت‌های رفت و آمد وسایط نقلیه شخصی به مراکز شهر و یا معابر پر رفت و آمد است؛ که با اجرای چنین طرح‌هایی، عملا باعث کاهش مصرف سوخت، درآمدزایی، افزایش بهره‌وری عمومی، بهبود شرایط زیست محیطی می‌شود.

اهمیت حمل و نقل عمومی در یک سیستم شهری جایجایی آسان، ایمن، راحت و اقتصادی حرف اول را می‌زند و با رشد اقتصادی شهرها نیاز به جایجایی انسان و کالا افزون‌تر می‌شود. تا دهه ۷۰ میلادی حمل و نقل عمومی نیاز جوامع کوچک را برطرف می‌کرد؛ اما امروزه برای برطرف کردن مشکلات محیط زیست

به وجود می‌آورده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به افزایش تردد خودروها در مناطق مرکزی، کمبود فضای مناسب توقفگاهی در این مناطق، افزایش مصرف سوخت خودروها به دلیل راه‌بندان‌های طولانی و در نهایت آلودگی هوا و تهدید سلامت جسمی و روحی شهروندان اشاره نمود.

در سال‌های اخیر به دلیل نیاز به صرفه‌جویی در انرژی و ذخیره آن، کاهش آلودگی هوا و احیای دوباره توسعه پایدار شهری موجب توجه بیشتر به استفاده از حمل و نقل عمومی شده است و لزوم بذل توجه بیش از پیش به این مد را طلب می‌کند. حمل و نقل عمومی دارای اشکال گوناگونی نظیر سیستم ریلی شامل مترو، قطار سبک شهری (LRT)، تراموا، اتوبوس، تاکسی و مینی‌بوس می‌باشد. اتوبوس به عنوان پیکره اصلی سیستم‌های حمل و نقل در اکثر شهرهای دنیا و در تمامی شهرهای ایران مطرح می‌باشد. این سیستم برای بخش عمده‌ای از ساکنین شهر می‌تواند پاسخگوی بخش اعظمی از نیازهای مردم باشد. در شهر تبریز در طول سال ۱۳۹۳، حدود ۱۵۵ میلیون و ۵۵۹ هزار و ۵۰۰ نفر و روزانه حدود ۴۷۹ هزار نفر توسط ناوگان اتوبوس عمومی شهر تبریز جابجا شده‌اند. سهم این مد از جایجایی مردم فقط ۲۲

نیاز به حمل و نقل، به تاریخ تمدن برمی‌گردد. اولین یا ابتدایی‌ترین تسهیلات حمل و نقل، گذرگاه‌هایی بودند که از طریق بازکردن مسیر، در جنگل‌ها ساخته شدند و نیز برای عبور حیوانات اهلی راه‌ها عریض‌تر و بهتر گردیدند. با اختراع چرخ و استفاده از آن راه‌سازی پیشرفت کرد. اولین اصول راه‌سازی مدرن به وسیله تلفورد ماکادام (Telford Macadam) و تری ساجیوت (Tri Saguet) توسعه یافت. این افراد روش‌های سنتی راه را بهبود بخشیدند.

در سال ۱۸۸۵ میلادی با اختراع موتور درون‌سوز بنزینی به وسیله دیملر (Dimler) و بنز (Benz)، چهره کلی حمل و نقل دگرگون گردید. در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰، طرح هندسی و سازه‌ای راه اهمیت ویژه‌ای یافت و تحقیقات زیادی در این زمینه صورت گرفت و مهندسی راه به عنوان یکی از مواد درسی در دانشگاه‌ها مطرح گردید. با رشد شهرنشینی و پیدایش شهرهای بزرگ و به جهت کاهش مسافت و دسترسی بهتر، اغلب مراکز دولتی و اقتصادی عموماً در مراکز شهرها مستقر شده‌اند. صرف‌نظر از اینکه دلیل فوق صحیح است یا نه، در حال حاضر چنین ساختاری وجود دارد و تبعات آن مشکلات عدیده‌ای را در حوزه مدیریت امور شهری

چالش فساد اداری و سیستم ناکارآمد انتصابات

الناز علیزاده اشرافی

تجربیه کاری

از نظر فساد مالی و اداری در بین ۱۷۴ کشور جهان در رتبه ۱۳۱ قرار دارد. در عین حال و با وجود گزارش‌های ملی و بین‌المللی در این خصوص، به نظر می‌رسد هنوز اجماعی بر سر ابعاد و گستردگی فساد در ساختار شهرداری و سازمان‌های وابسته به آن وجود ندارد. به طوری که به گفته دادستان کل ایران در یک مصاحبه تلویزیونی در خصوص پرونده املاک شهرداری که به دادسرای تهران ارجاع شده بود، بررسی‌های اولیه قوه قضاییه حاکی از آن است که «فساد سازمان‌یافته» در شهرداری وجود نداشته و مقرر شده است تا به تخلفات رسیدگی شود.

در فاصله اندکی از این مصاحبه تلویزیونی، نمایندگان مجلس هم تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد شهرداری تهران در واگذاری املاک و پروژه‌ها به اشخاص حقیقی و حقوقی را رد کردند؛ و رای به «رد تحقیق و تفحص از عملکرد شهرداری تهران در واگذاری املاک و پروژه‌های مشارکتی به اشخاص حقیقی و حقوقی» دادند که توسط کمیسیون عمران تهیه شده بود. این گزارش با ۱۳۲ رای موافق، ۹۰ رای مخالف و ۵ رای ممتنع به تصویب رسید و در نتیجه، تحقیق و تفحص از شهرداری در دستور کار مجلس قرار نخواهد گرفت. اگر چه در پی این امر، برخی از نمایندگان مجلس که در بدو امر تقاضای تحقیق و تفحص از شهرداری تهران را داشتند، سوالاتی در سه حوزه فروش تراکم، فروش املاک و تغییر کاربری‌ها از شهردار تهران داشتند و به گفته آنان، از پاسخ‌های شهردار قانع نشده‌اند.

به هر حال و با تمام این تفاسیر به نظر می‌رسد موضوع فساد و عدم شفافیت در سازوکار شهرداری‌ها و شوراهای شهری یکی از عمده‌ترین چالش‌های پیش‌رو در این مجموعه است.

با توجه به اهمیت این موضوع و با توجه به اهمیتی که حصول شفافیت در زندگی تک‌تک شهروندان دارد، لازم است این مساله مورد توجه جدی‌تر قرار گیرد. از طرفی با توجه به اینکه این مساله هم همانند سایر مسائل اجتماعی واجد پیچیدگی‌های فراوان و متغیرهای بسیاری است، از این روی لازم است در بدو امر مهم‌ترین عوامل و متغیرهای دخیل مورد شناسایی قرار گیرد و دست کم تلاش گردد تا در کوتاه‌ترین زمان در دسترس، نسبت به حل و فصل این موانع و مشکلات اقدامات مقتضی به عمل آید.

تازمانی که شهروندان نسبت به سازوکار مدیریت امور شهر و داستان‌های پشت پرده آن در وضعیت بی‌خبری و انفعال قرار داشته باشند، امید به اصلاح امور نمی‌رود و رفع دشواری و ناکارآمدی‌ها و کاستی تنها در سایه مشارکت عمومی و کمک به شفاف‌تر شدن فرآیند امور مدیریت شهری برای شهروندان حاصل خواهد شد؛ چرا که شهروندان در صف مقدم آسیب‌هایی هستند که از محل وجود فساد و ناکارآمدی و غیرشفاف بودن رویه‌ها و فرآیندها به آن‌ها وارد می‌شود.

گزارش تحقیق و تفحص مجلس از استانداری‌های تهران، فارس و آذربایجان غربی در فاصله سال‌های ۸۷ تا ۹۱، یکی از گزارش‌هایی است که در ارتباط با استانداری‌ها و شهرداری‌ها، توسط مجلس تهیه شده است. براساس این گزارش که در آن زمان در صحن علنی قرائت شد، «ابعاد تخلفات و انحرافات موجود بسیار زیاد» است و «اکثر استان‌ها» دچار مشکل سوءاستفاده و سوءمدیریت هستند. گزارش مذکور همچنین به «نارضایتی مردم از سوءاستفاده و سوءمدیریت استانداران، فرمانداران، بخشداران و شهرداران» اشاره می‌کند و در نهایت این نتیجه‌گیری حاصل شده است که «اکثر استان‌ها» دچار این مشکلات هستند و از قوه قضاییه و دولت خواسته‌اند که «با افرادی که از موقعیت شغلی خود به جای خدمت، سوءاستفاده می‌نمایند برخورد جدی نمایند».

براساس اعلام کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس ایران، «این گزارش محصول ۷۰۰۰ نفر ساعت کاری برای بررسی میدانی، استفاده از نظرات سازمان‌های نظارتی، بررسی ۲۰۰۰ برگ مستندات متقن و چهارصد برگ گزارش» بوده که در نتیجه آن «میلیاردها تومان از اموال عمومی و اراضی و املاک به بیت‌المال مسترد گردیده است و از میلیاردها تخلف و سوءاستفاده پیشگیری شده است».

در قسمت دیگری از گزارش همچنین این مساله که «ابعاد تخلفات و انحرافات موجود بسیار بیشتر» است و فقط «گوشه‌ای از عملکرد و نواقص موجود به عنوان نمونه» ارائه شده، قید گردیده است.

در این گزارش به این مساله اشاره شده است که «فساد در مجموعه‌هایی همچون شهرداری‌ها» که نتیجه «عملکرد ضعیف و گاهی همراه با سوءاستفاده مقامات مربوطه» بوده در محورهای زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

- ساخت و سازهای غیرمجاز و بدون استحکام،
- انتصابات سلیقه‌ای افراد فاقد صلاحیت لازم جهت تصدی مشاغل مدیریتی و استخدام‌های غیرقانونی،
- پرداخت میلیاردها توسط شوراهای شهر و شهرداری‌های استان تهران برخلاف ضوابط و مقررات بابت پاداش آخر سال برای مجموعه مدیران استان و شهرستان،
- کثرت ارتباط مالی فرمانداری‌ها با شوراهای بخش و شهر
- تشکیل غیرقانونی «تعداد زیادی کمیسیون و کمیته و شورا» در شهرداری‌ها
- دریافت‌های غیرقانونی شهرداری‌ها از شهروندان و عدم پایبندی به قوانین و مقررات. تمام این‌ها در حالی روی می‌دهد که بر اساس گزارش سال ۲۰۱۶ شفافیت بین‌الملل، ایران

و ازدحام ترافیک باز هم یکی از بهترین گزینه‌ها می‌باشد. ازدحام ماشین‌ها باعث آلودگی محیط زیست و ناراحتی ساکنان شهر گردیده است. در سال ۱۹۷۰ از هر هزار نفر ۱۸۴ نفر و در سال ۱۹۹۷ از هر هزار نفر ۴۵۱ نفر صاحب وسیله نقلیه شخصی بوده‌اند که این نشان از افزایش استفاده از وسایل نقلیه شخصی دارد. ازدحام وسایل نقلیه باعث بروز عارضه‌های زیر می‌گردد:

(۱) طولانی‌تر شدن زمان سفر وسایل نقلیه شخصی

و عمومی

(۲) آلودگی (هوا، صوتی)

(۳) به خطر افتادن ایمنی ترافیک

(۴) کاهش فضاهای شهری برای پارکینگ و خیابان‌ها

تنها تعریض و افزایش ظرفیت خیابان‌ها جوابگوی مشکلات نمی‌باشد. یکی از راه‌حل‌های مشکلات ترافیک درون‌شهری استفاده از حمل‌ونقل عمومی با کیفیت و سرویس‌دهی بالاست. حتی از لحاظ فضای خالی شهری، وسیله نقلیه شخصی فضاهای بیشتری را اشغال می‌کند. هر وسیله نقلیه شخصی نیازمند ۷ مترمربع فضای خالی برای هر سفرکننده است اما اتوبوس تنها ۱/۲ مترمربع فضا به ازای هر نفر نیاز دارد. تجهیز یک شهر به سیستم حمل‌ونقل عمومی پرفریت، ایمن، راحت و کارا باعث متحد شدن اجزای یک جامعه برای حل مشکلات ترافیکی و محیط‌زیستی می‌گردد.

با توجه به افزایش سالانه تقاضای مسافر در شهر تبریز و رشد جمعیت آن، حمل‌ونقل عمومی به هر قیمتی در این شهر بایستی تقویت گردد. دلایل عدم استفاده مردم بر اساس نظرسنجی انجام‌گرفته، زمان انتظار زیاد، عدم نظارت و کنترل مناسب بر فعالیت اتوبوس‌ها، عدم توزیع مناسب خطوط به مسیر، عدم ایجاد امکانات مناسب در بعضی ایستگاه‌ها می‌باشد.

مردم بایستی به سمت استفاده از حمل‌ونقل عمومی تشویق شوند تا از فواید زیست‌محیطی و اجتماعی آن بهره‌مند و نیز از هدر رفتن سرمایه‌های ملی جلوگیری به عمل آید. این فواید در کارا بودن حمل‌ونقل، حمایت از محیط‌زیست، ایمنی بهبود حرکت و رفع نیازمندی افراد فقیر و کم‌درآمد است.

اما راه‌کارهای زیر جهت توسعه حمل‌ونقل عمومی (اتوبوس) و استقبال مردم پیشنهاد می‌شود:

(۱) استفاده از خطوط ویژه؛

(۲) ارائه برنامه زمان‌بندی در هر ایستگاه برای جلوگیری از اتلاف وقت؛

(۳) افزایش کارایی اتوبوس‌ها و لزوم استفاده بهینه از تمام ناوگان‌ها و افزایش سرعت اتوبوس‌ها؛ (۴) ساختن ورودی‌های مخصوص اتوبوس در پایانه‌ها؛

(۵) لزوم تقویت ناوگان بخش خصوصی و افزایش ساعات کار آن‌ها به خاطر عملکرد قوی‌تر در جابجایی مسافر؛

(۶) نظارت دقیق بر عملکرد ناوگان بخش دولتی؛

(۷) مکان‌یابی بهینه ایستگاه‌های اتوبوس در شهر تبریز و کوتاه‌تر کردن مسیرها و

(۸) لزوم راه‌اندازی هر چه سریع‌تر قطار سبک شهری و مترو.



چالش علم‌گریزی در شهر

▲ جواد رنجبر درخشی‌لر

تحلیل‌گر اقتصادی

چالش برتری «تعهد» یا «تخصص» سال‌ها چالش ملی ما بوده است. در چهار دهه گذشته همواره این پرسش به صورت‌های مختلف مطرح شده و پاسخ‌های متفاوتی گرفته است. بررسی سیر پاسخ‌ها نشان می‌دهد که به تدریج کفه تخصص هر روز سنگین‌تر می‌شود؛ اما در واقعیت رابطه پیچیده‌ای میان تعهد و تخصص وجود دارد. انسان متعهد بدون دانش و تخصص دست به اقدام نمی‌زند و اظهار نظر نمی‌کند. از سوی دیگر، هر انسان متخصصی در چه‌ای از تعهد را هم داراست؛ بنابراین برای تحلیل اهمیت دانش و تخصص نمی‌توان آثار اخلاقی و قانونی آن را نادیده گرفت و در بررسی تعهدات اخلاقی نیز نمی‌توان دانش را بی‌اثر دانست. بر این اساس می‌توان صدها پرسش درباره تأثیر علم‌گرایی و علم‌گریزی در فرآیندها و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مطرح کرد. در بطن این بررسی‌ها به تأثیر متقابل علم و اخلاق و تعهد نیز به طور طبیعی پرداخته می‌شود. پرسش این یادداشت این است: علم‌گرایی یا علم‌گریزی چه تأثیری در سرنوشت شهرهای ما دارد؟ واضح است که سرنوشت شهرها در رابطه پیچیده‌ای تعیین می‌شود که در آن سازمان شهرداری‌ها، نهادهای مردمی، شهروندان، رسانه‌ها و دولت‌ها قرار دارند؛ بنابراین بررسی علم‌گریزی یا علم‌گرایی باید در همه این بخش‌ها انجام شود تا تأثیر آن به طور دقیق‌تری بررسی شود.

منظور از علم‌گرایی توجه متعهدانه به دانسته‌های منظمی است که درباره یک موضوع مشخص از راه روش‌شناسی شناخت همان موضوع به دست آمده است. علم‌گرایی در یک شهر توجه به مجموعه دانسته‌های بشری در رشته‌های علمی مرتبط با شهر است. در اینجا پرسش دیگری مطرح می‌شود: علم اداره شهر چیست؟ یک شهر با مهندسی عمران ساخته می‌شود یا مدیریت شهری؟ میزان اهمیت سایر علوم همانند جغرافیا، علم سیاست، جامعه‌شناسی، پزشکی و روان‌شناسی در اداره شهر چه قدر است؟ برای پاسخ به این پرسش باید ذات زندگی شهری را که همان اجتماعی بودن آن است در نظر بگیریم. شهر

جایی است برای زندگی همه؛ بنابراین مجموعه‌ای است از همه مسائل بشری. شهر ظرفی است که انسان برای زندگی خود ساخته و در طول زمان این ظرف را به مقتضای دانسته‌های خود دگرگون کرده است. رابطه متقابل و نزدیکی میان شهر و دانش وجود دارد. دانش در شهر آفریده می‌شود و شهر با دانش جدید دگرگون می‌شود. شهر مدرن با شهر سنتی پیش از آن بر این مبنا تفاوت دارد. در شهر مدرن ساختمان و خیابان و باشگاه‌های محلی و صنفی و فرهنگی و اجتماعی و رستوران‌ها و کافه‌ها و پارک‌ها مبانی شناختی مدرن دارند و متناسب با دستاوردهای عقلی و تجربی بشر ساخته می‌شوند. با این دید دانش شهری صرفاً اطلاعات آکادمیک مربوط به توسعه شهرها و شهرسازی نیست، بلکه تمام علوم بشری به نوعی با شهر پیوند دارند. از این روست که در جهان امروز شهرها را شوراهای اداره می‌کنند و نه یک شخص؛ اما نمودهای مشخص علم‌گرایی در شهر چیست؟

۱- دانشمندان بودن اعضای شورای شهر: دانشمندان در اینجا به معنای متخصص درجه اول بودن در یک رشته علمی است. برای علم‌گرایی در یک شهر هر کدام از اعضای شورای آن شهر باید به یک رشته علمی مرتبط باشند به صورت آکادمیک مسلط باشند. ۲- دانشمندان بودن شهردار: شورای دانشمندان به طور طبیعی به یک شهردار دانشمند اعتماد می‌کند و او را انتخاب می‌کند. شهردار یک شهر علم‌گرا نیز باید به یک رشته علمی به صورت آکادمیک مسلط باشد. تسلط آکادمیک به یک رشته علمی به معنای عدم ضرورت دیگر دانسته‌ها نیست. شهردار و اعضای شورای شهر علاوه بر رشته تخصصی خود باید اطلاعات کافی و درستی درباره هنرها، تحولات فکری بشر، فلسفه، ادبیات و روندهای جهانی هم داشته باشند. در این صورت تمام ارکان شهرداری از میان افراد علم‌گرا انتخاب خواهند شد.

۳- ساختار علمی شهرداری: مهم‌ترین بعد علم‌گرایی در یک شهر ساختار علمی شهرداری است. ساختار علمی به طور خلاصه یعنی تمام برنامه‌ریزی‌ها، تعیین اهداف، رویه‌ها و گزینش افراد و روش‌ها مبنای علمی داشته باشد. معنای سلبی ساختار علمی سیاست‌زده نبودن، رانتی نبودن و فاسد نبودن شهرداری است.

۴- وجود پژوهشکده و کتابخانه و مطالعات مستمر شهری: بعد بیرونی و ظاهری علم‌گرایی در یک شهر وجود یک پژوهشکده فعال است. چنین نهادی به عنوان یک اتاق فکر تمام برنامه‌ها و روش‌ها را با دقت علمی می‌سنجد و شهرداری را از آزمون و خطاهای مستمر بازمی‌دارد. پژوهشکده باید مرکز انباشت تجربه‌های شهر هم باشد و تمام اقدامات مثبت و منفی و موفق یا شکست خورده پیشین را به صورت طبقه‌بندی شده در اختیار داشته باشد.

۵- ارزیابی‌های عالمانه: یکی از مهم‌ترین ابعاد علم‌گرایی در شهرها ارزیابی‌های عالمانه امور شهری است. شاید به نظر برسد که ارزیابی در چهار بعد دیگر علم‌گرایی گفته شده و نیازی به یک عنوان مجزا برای آن نیست؛ اما اهمیت ارزیابی‌های عالمانه چنان است که باید به صورت مستقل بیان شود. به طور دقیق منظور از ارزیابی‌های عالمانه تفوق علم بر همه جنبه‌های دیگر مدیریت شهری است. شهرهای بزرگ امروز به دلیل وسعت و جمعیت زیاد و پیچیدگی امور مربوط دارای صدها مساله مهم مزمن و جدید به صورت توأمان هستند؛ یعنی در حالی که هر شهر صدها مساله کهنه و قدیمی دارد، هر روز ممکن است مساله جدیدی هم بروز پیدا کند. همه این مسائل کهنه و نو به ارزیابی‌های عالمانه نیاز دارند. اقدامات شتاب‌زده، سیاسی، امنیتی و یا اقداماتی که به جای راه‌حل به توجیه یا از بین بردن مساله می‌پردازند عاری از ارزیابی‌های عالمانه هستند.

فقدان این پنج بعد علم‌گرایی تبعات سهمگینی در شهرها دارد. پنج مورد از این تبعات به این شرح است:

۱- فقدان علم‌گرایی در یک مجموعه و به ویژه در شهرها که مسایل بسیار سیال و پیچیده هستند بلافاصله به رواج تفکر سلیقه‌ای می‌انجامد. تفکر سلیقه‌ای هیچ مبنای روشنی ندارد و با عوض شدن افراد و یا حتی با گذشت عمر یک فرد و اضافه شدن به تجربه‌های او عوض می‌شود. سلیقه انسان بیشتر ذوقی است و پس از مدتی بادل زندگی همراه می‌شود. حاکم شدن سلیقه به عدم انباشت تجربه در شهرها نیز می‌انجامد. عمر سلیقه‌ها بسیار کوتاه است؛ بنابراین به سرعت عوض می‌شود و امکان ثبات و تجربه‌اندوزی وجود ندارد.

۲- فقدان علم‌گرایی به فقدان برنامه‌های منسجم

چالش رانت جویی و توزیع رانت



دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری
حجت محمدی ترکمانی

از دیگر دام‌های رانت اطلاعاتی هستند؛ اما بهترین ابزار برای مقابله با رانت اطلاعاتی، علاوه بر رعایت مراتب اطلاع‌رسانی، گردش شفاف اطلاعات می‌باشد.

رانت سیاسی؛ برخی از اندیشمندان معتقدند رانت سیاسی زمانی ظهور و بروز پیدا می‌کند که صاحبان پست‌های سیاسی و مدیریتی وارد فعالیت‌های اقتصادی شوند. این ورود می‌تواند مستقیم یا با واسطه باشد؛ که طی آن مدیر یا مقام مسئول با سوءاستفاده از منصب خود به کسب درآمد می‌پردازد. این نوع از رانت نیز می‌تواند سلامت مدیریت شهری را تهدید نماید. در توجیه و تبیین این نوع رانت به نقش مردم و سیستم پاسخگویی مدیران و مسئولان در سیستم‌های سیاسی تاکید می‌شود. اگر پاسخگویی شفاف در مقابل مردم وجود داشته باشد، انتصاب‌ها بر اساس شایستگی‌ها خواهد بود و شایسته‌سالاری حاکم می‌شود. اگر نه، که سیستم جایگاه خویشاوندسالاری و باندبازی عده‌ای محدود می‌شود و راه بر هرگونه ابتکار و حضور نخبگان بسته می‌شود.

رانت آموزشی؛ توسعه دوره‌های آموزشی با کیفیتی نازل و صرفاً با هدف اعطای مدرک و نه سواد و دانش نمونه‌ای مهم از رانت آموزشی است. وجود مراکز آموزشی ذیل مدیریت شهری و با هدف ارتقای مدرک کارکنان در راستای بهره‌مندی بیشتر از حقوق و مزایا، گاهی بروز این نوع رانت را تحقق می‌بخشد و طی آن ورود هر گونه نیروی متخصص به داخل مجموعه مدیریت شهری متوقف می‌شود و نتیجه این امر سلب پویایی سازمان خواهد بود.

در سطوح تصمیم‌گیری کلان نظام اسلامی، تصمیمات مهمی مبنی بر برخورد و مقابله با فساد و تبعیض-که یکی از نتایج رانت و رانت‌خواری می‌باشد- اتخاذ شده است اما در اجرا، آن گونه که انتظار می‌رود بدان پرداخته نشده است. نمونه آن پیام ۸ ماده‌ای مقام معظم رهبری مبنی بر مبارزه با مفساد اقتصادی می‌باشد که در سال ۱۳۸۰ صادر شده است.

در داخل مجموعه مدیریت شهری، شورای اسلامی بنا بر رسالت قانونی خود وظیفه نظارت بر بخش‌های اجرایی سازمان را برعهده دارد و لازم است با اتکاء به آرای مردم، نظارتی همه‌جانبه علی‌الخصوص بر درگاه‌های رانت و رانت‌جویی داشته باشد تا مدیریت شهری و ذیل آن شهرداری به عنوان بازوی اجرایی آن که یک نهاد عمومی (نه خصوصی و نه دولتی) است، بیش از پیش در چرخه رانت و رانت‌خواری درگیر نشود.

رانت در لغت به معنای اجاره گرفتن از چیزی است. رانت به درآمدی اطلاق می‌شود که خارج از فعالیت‌های مولد اقتصادی به دست آمده باشد. این درآمدها اغلب از محل دسترسی به امتیازات ویژه که عموم مردم از دسترسی بدان محروم هستند، حاصل می‌شوند و چون در مدت زمان محدود ثروت زیادی را به همراه دارد، اغلب، افراد در پی دستیابی به آن برمی‌آیند؛ اما رانت‌خواران افراد معدودی هستند که با دسترسی به امتیازاتی که دیگران از آن محروم هستند، نظیر قدرت سیاسی، وابستگی به افراد بانفوذ، دسترسی به مجوزهای خاص و منابع اطلاعاتی در پی کسب ثروت از این طریق اقدام می‌کنند.

در اولین نگاه، رانت ناقض صریح عدالت در جنبه‌های گوناگون آن است. از دیگر آثار و پیامدهای رانت می‌توان به ایجاد فساد، تنش‌های سیاسی، تبعیض و فقر و امثالهم اشاره کرد. در جامعه‌ای که رانت و رانت‌خواری رواج داشته باشد، راه بر هرگونه نوآوری و کارآفرینی مسدود می‌شود و افراد غالباً قوه استعداد خود را در پی کسب رانت صرف می‌کنند.

به طور ویژه، در شهرها و در مسائل مرتبط با مدیریت شهری انواع مختلفی از رانت را شاهد هستیم. مجموعه مدیریت شهری در صورت داشتن عزمی راسخ جهت خدمت‌رسانی به عموم مردم، می‌بایست به مبارزه و مقابله با آن‌ها بپردازد تا درگیر چرخه رانت و رانت‌خواری نشوند. در زیر اشاره گذرا به چندی از آن‌ها می‌شود:

اولین و مهم‌ترین رانت در مدیریت شهری را می‌توان رانت اطلاعاتی دانست؛ برای مثال طرح‌های توسعه شهری که آینده شهر را ترسیم می‌کند، اگر با هوشیاری مجموعه مدیریت شهری همراه نباشد، محتمل مناسب برای بروز رانت و رانت‌جویی و رانت‌خواری است. اطلاع از تغییرات در تراکم‌های مجاز کاربری‌های مختلف، سرمایه‌گذاری‌های عمرانی، جهات توسعه شهر و زمین‌هایی که زیر ساخت‌وساز خواهند رفت، نمونه‌هایی از رانت‌های اطلاعاتی موجود در مسائل شهری است. سیستم برگزاری مناقصات و مزایده‌های مختلف نیز

هم منجر می‌شود. افراد فاقد دانش، تلقی روشنی از برنامه‌ریزی و زمان و مراحل توسعه و پیش‌نیازها ندارند؛ بنابراین به امور شهری به عنوان پدیده‌هایی مجزا می‌نگرند، هر پدیده که نمود بیشتری داشت و بیشتر مورد توجه رسانه‌ها یا شهروندان قرار گرفت بیشتر مورد دیدن مدیران فاقد برنامه‌ریزی هم قرار می‌گیرد؛ بنابراین برای برنامه‌ریزی‌های دقیق و درازمدت باید ابتدا به علم مجهز شد.

۳- فقدان علم‌گرایی به دلیل دو آسیب عمیق و پایدار بالا (تفکر سلیقه‌ای و فقدان برنامه) ضربه‌های اساسی به توسعه شهرها می‌زند. این آسیب‌ها چنان عمیق و جدی و پایدار است که جنبه‌های جهانی همگانی یافته است. در جهان امروز مساله ترافیک، حمل‌ونقل، آلودگی آب و هوا، آلودگی‌های صوتی در شهرهای عقب‌مانده، حاشیه‌نشینی، شکاف‌های طبقاتی و تبعیض‌های شدید و غیره مسایل همگانی شهرهاست. این آسیب‌ها در شهرهایی که رویکرد علمی ندارند پایدارتر و بحرانی‌تر است. راه چاره همه این مسائل، علم است. روش‌های علمی پاسخ‌روشنی به این بحران‌ها می‌دهد؛ اما رویکرد غیرعلمی و سیاست‌زده یا سلیقه‌ای به آن پاسخ‌ها توجه نمی‌کند.

۴- علم‌گریزی به صورت دقیق و سیستمی به فساد و رانت‌خواری می‌انجامد. ممکن است در نگاه نخست چنین رابطه‌ای بین علم و فساد غیرقابل تصور باشد؛ اما در واقع یکی از مهم‌ترین ریشه‌های فساد، علم‌گریزی است. در یک شهر علم‌گرا مجموعه عوامل در خدمت هدف‌های مشخص و برنامه‌ریزی‌های دقیق هستند. همچنین علم مبنایی برای شفافیت ایجاد می‌کند. وقتی همه می‌دانند که از چه روش‌هایی استفاده خواهند کرد و به سوی کدام هدف خواهند رفت، همه چیز شفاف می‌شود. از سوی دیگر، علم‌گرایی در حالت‌های پیشرفته‌تر خود به اجماع می‌انجامد. در حالت اجماع علمی، مدیران شهر و شهروندان اصول کار و برنامه‌های کلان و راه‌های رسیدن به آن‌ها را می‌دانند. تجربه انباشته شهر و مکتوب بودن همه برنامه‌ها و روش‌ها و گزارش‌ها و دو نکته دیگر در سد کردن راه فساد توسط علم‌گرایی است.

۵- در شهرهای علم‌گرا منافع شهر به دسته و گروه ویژه‌ای تعلق ندارد. به دلیل عدم وجود تفکر سلیقه‌ای، وجود برنامه‌های درازمدت، وجود برنامه‌های توسعه و اقدامات توسعه‌ای مستمر و ملموس و به حداقل رسیدن فساد و رانت (موارد بالا) شهر به محل رشد و آرامش همه گروه‌ها و طبقات تبدیل می‌شود. احساس تعلق شهروندان به شهر، مشارکت آنان را بالا می‌برد. شهروندان شهر را در واقعیت و نه در شعار، خانه خود می‌دانند و تمام استعداد و مهارت‌های خود را برای بهبود شرایط زندگی در شهر به کار می‌گیرند. از سوی دیگر، به دلیل همان دلایل چهارگانه بالا مدیران شهری زمینه مساعد و همواری برای جلب مشارکت شهروندان دارند. در یک شهر علم‌گرا شهروندان را به راحتی می‌توان به مشکلات شهری یا خلاءها متوجه کرد و از توانایی آنان بهره برد. در حالی که در یک شهر علم‌گریز شهروندان نه تنها به مشکلات توجه نمی‌کنند، بلکه همواره با چشم بدبینی به مدیران شهری می‌نگرند. در این شرایط اقدامات مثبت نیز دیده نمی‌شود یا با دلایل واقعی یا واهی مختلف به نفع گروه یا فرد خاصی توجیه می‌شود. در کنار این عوامل بنیادین در یک شهر علم‌گرا نظرسنجی‌های علمی هم رایج است. این نوع نظرسنجی‌ها می‌تواند دیدگاه‌های مردم را به روشنی منعکس کند. در حالی که در یک شهر علم‌گریز آنچه مدیران شهری یا گروه‌های فشار می‌خواهند، به عنوان خواسته شهروندان مطرح و پی‌گیری می‌شود. همین افتراق، به فاصله گرفتن شهروندان از شهر منجر می‌شود در نهایت مشکلات یک‌به‌یک بروز می‌یابند. بنابراین علمی شدن یک شهر، پایه توسعه آن و علم‌گریزی، پایه بسیاری از مشکلات شهرهاست.

چالش بافت‌های فرسوده شهری



ابودر سلامی بیرامی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

بافت فرسوده

بافت فرسوده شهری نقطه آغازین رشد شهر و بیان‌گر فرهنگ هم‌زیستی مردمان یک مجتمع در ابتدای سکونت آن‌ها در یک مکان خاص است. بافت‌های فرسوده شهری، محلات فرسوده‌ای در فضای شهری می‌باشند که مسائل و پیچیدگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و شیوه زندگی خاص خود را دارد. این محلات و بافت‌ها از یک سودارای ریشه‌های سکونتی ارزشمند با غنای فرهنگی، اجتماعی و معماری است و از طرف دیگر به جهت فرسودگی شدید، نبود دسترسی مناسب به خدمات شهری و بهداشتی، وجود مشکلات اجتماعی و امنیتی و آسیب‌پذیری در برابر زلزله، سیل و آتش‌سوزی و نیز عدم تطابق با زندگی امروز شهری و شهرسازی مدرن دارای مشکلات رونمایی و زیرساختی هستند. وجود چنین مکان‌هایی در سطح شهر سبب می‌گردد تا ما با پدیده فرسودگی شهری یا پرمردگی شهری مواجه شویم. مراد از فرسودگی شهری همانا تنزل شرایط اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بافت شهر است. فرسودگی شهری ابعاد مختلفی را دارا می‌باشد اما مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌هستند از:

• فرسودگی کالبدی- سازه‌ای: این فرسودگی از افت کیفیت بناهای موجود در واحدهای همسایگی

ناشی می‌شود و مهم‌ترین علل آن را می‌توان عدم نگهداری بنا یا نگهداری نامطلوب و نامناسب فضا دانست.

• فرسودگی کارکردی: این فرسودگی ناشی از زوال کارکردی در مناطق شهری است و بدین معنی است که مناطق در طول زمان نقش خود را در فضای شهری از دست می‌دهند.

• فرسودگی نسبی یا اقتصادی: این فرسودگی زمانی اتفاق می‌افتد که مردم سرمایه و توانایی خرید خود را خارج از محدوده بافت سرمایه‌گذاری نمایند؛ زیرا هزینه سرمایه‌گذاری در محلات تاریخی و فرسوده بیشتر از نقاط دیگر است. عوامل ایجاد فرسودگی شهری در شکل زیر نشان داده شده است.

ویژگی‌های بافت فرسوده شهری

بافت‌های فرسوده موجود در شهر دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌های عمومی می‌باشند که این ویژگی‌ها شامل عمر ابنیه، نوع مصالح به کاررفته در ساختمان‌ها، وضعیت خدمات و زیرساخت‌های شهری، دانه‌بندی ریز و تعداد طبقات است. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران سه ویژگی زیر را مبنای شناخت بافت‌های فرسوده شهری قرار داده است:

- نفوذناپذیری: این ویژگی بیان‌گر دسترسی‌های نامناسب و یا حتی عدم وجود دسترسی و کمبود معابر با عرض مناسب جهت حرکت سواره است.
- ناپایداری: این شاخص نیز بر نبود سیستم سازه‌ای مناسب و عدم رعایت موازین فنی در احداث ساختمان‌ها و عدم انطباق آن با مفاد آیین‌نامه ۲۸۰۰ دارد.
- ریزدانی: این ویژگی بیان‌گر وجود قطعات

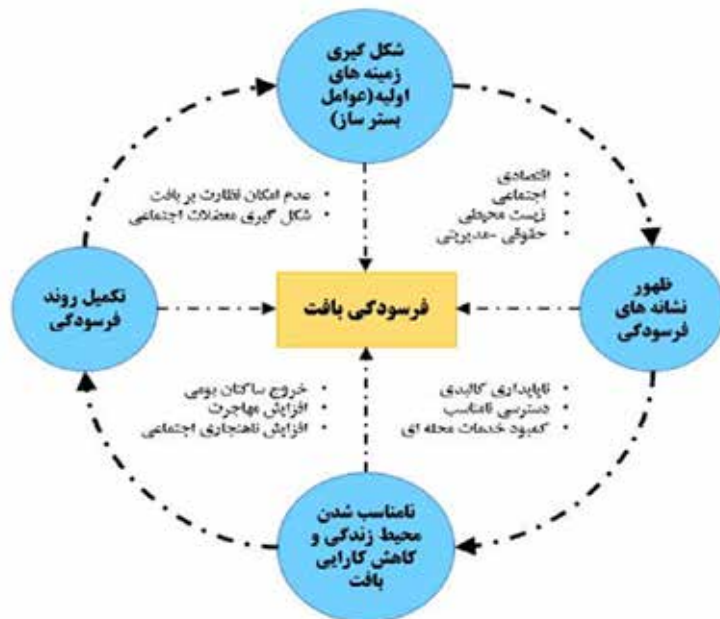
مسکونی فراوان در یک مساحت اندک است که منجر به فشردگی بافت و تراکم مازاد جمعیت در واحد سطح شده است.

بافت فرسوده شهری در کلان‌شهر تبریز و ضرورت توجه به آن

تمامی عناصر سازنده فضای شهری اعم از طبیعی و انسان‌ساخت و حتی خود انسان به عنوان عامل پویای جغرافیایی و سازنده فضای شهری، با گذر زمان دچار تغییر و تحولات می‌گردد. هر کشوری که به نوعی قدم در راه توسعه گذاشته است، به نوعی مشکل ناکارآمدی فضای شهری را تجربه کرده است. از لندن به عنوان مهد صنعتی شدن گرفته تا پاریس. به طور خلاصه اکثر کشورهای جهان با پدیده فرسودگی شهری دست‌وپنجه نرم کرده‌اند و دچار نارسایی در خدمات شهری و زیرساخت‌ها بوده‌اند، اما با برنامه‌ریزی دقیق و طولانی مدت نه تنها توانسته‌اند بر این مشکلات فائق آیند، بلکه این مکان‌ها را تبدیل به مقصد گردشگری برای جذب گردشگر نموده‌اند.

بر اساس نقشه بافت فرسوده که توسط سازمان عمران تبریز منتشر شده است، این شهر نیز مستثنی از مشکلات وجود بافت فرسوده در فضای شهری نیست و از طرف دیگر، بافت فرسوده قسمت قابل توجهی از مساحت شهر را به خود اختصاص داده است.

اکنون مناطقی که در آن فرسودگی شهری بیداد می‌کند مشکلات عدیده‌ای دارند؛ سکونت و کار در این بافت‌ها مقرون به صرفه نیست. پیامد مساحت کم قطعات در محلات و محدوده بافت‌های فرسوده شهری که در برخی موارد به زیر ۳۰ متر مربع نیز می‌رسد و هم‌چنین تراکم بالای جمعیت ساکن در این قطعات موجب نابسامانی‌هایی در همجواری‌ها و روابط اجتماعی این محدوده‌ها شده است. ناکافی بودن خدمات شهری - محله‌ای از قبیل پارک، زمین بازی، کتابخانه، درمانگاه، مسجد و خانه محله امکان تعاملات اجتماعی ساکنان را کاهش داده و سطح کیفی سکونت را نیز تقلیل می‌دهد. علت عدم رضایت ساکنان از محیط و محل سکونت علاوه بر ناپایداری و ناکارآمدی قلمرو خصوصی، ضعف کارکردی عرصه عمومی محله نیز می‌باشد. کمبود خدمات بهداشتی، فقر امکانات شهری، نارسایی شبکه‌های تاسیساتی موجود، عدم وجود فضاهای سبز، آلودگی‌های صوتی و سایر نارسایی‌های زیست‌محیطی این عرصه‌های شهری را به محیطی غیربهداشتی با پایین‌ترین سطح سلامت برای ساکنان آن مبدل ساخته است. نارسایی شبکه تاسیسات شهری، کمبود امکانات لازم در محیط شهری و ناکارآمدی زیرساخت‌ها باعث ضعف کارکرد و بروز مسایل عدیده‌ای برای ساکنان این محلات و نواحی شده است. با توجه به گسترده‌ی پدیده فقر شهری در مناطق فرسوده شهر، این محدوده‌ها مناسب‌ترین عرصه برای بروز انواع بزه‌های اجتماعی بوده که خود امنیت محله را کاهش و افول و رضایت‌مندی ساکنان از محیط و محله خود را به دنبال دارد. اگر چه ساکنان این مناطق در زمره شریف‌ترین





نظر قرار گیرد تا مناطق کم‌برخوردارتر دچار پژمردگی و زوال نشوند.

اما آنچه که بیشتر از همه نیاز است تا متولیان اداره شهر به آن توجه کنند این است که رویکردهای احیای بافت فرسوده عمدتاً دارای نگاه فیزیکی و کالبدی هستند و جنبه‌های دیگر حیات شهری را نادیده گرفته‌اند. این واقعیت وجود دارد که در دهه‌های اخیر احیای بافت فرسوده شهری از فرم ساده بازسازی، نوسازی، بهسازی و توان‌بخشی به زیرساخت‌ها و بافت‌های فرسوده شهری به سمت مرمت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دگرگون شده است؛ یعنی در سیر تکاملی خود از توجه به کالبد به توجه به معنا رسیده است. رویکردهای اخیر در جست‌وجوی تعامل اجتماعی و مشارکت بازیگران محلی، نوسازی فرهنگی اجتماعی، توجه و تأکید بر شخصیت محلی و فرهنگی و بومی می‌باشد. هم‌چنین مرمت شهری یک فرآیند کوتاه‌مدت و زودبازده نمی‌باشد، بلکه یک نوع برنامه‌ریزی راهبردی بلندمدت، پستی و پیچیده است که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان، تعهد و التزام درازمدت و مشارکت همه بازیگران اعم از بخش خصوصی، عمومی و مردم در این عرصه است. برقراری حس اعتماد بین مردم ساکن در بافت‌های فرسوده و متولیان امور شهری، حلقه مفقوده در نظام برنامه‌ریزی و احیای این بافت‌ها است که مستلزم داشتن ارتباط مناسب با مردم و بهره‌گیری از راهبرد برنامه‌ریزی ارتباطی و مشارکتی است، به این مفهوم که شورای شهر و شهردار باید مجری مطالبات مردم در امور شهری باشند نه تصویب‌کننده خواسته‌های خود و یا شهرداری.

بنابراین علاوه بر توجهات کالبدی- فیزیکی به این بافت حساس، بایستی رویکردهای اجتماعی و اقتصادی نیز لحاظ گردد تا حیات اجتماعی و اقتصادی این بخش کهنه و عقب‌مانده از فرآیند رشد و توسعه شهری به عنوان بخشی از پیکره شهر به آن بازگردانده شود.

بافت فرسوده به عنوان پیکره‌ای از شهر بیان‌گر پیشینه و حیات اجتماعی ساکنان آن است. این بافت به علت تقدم شهرنشینی بر شهرسازی نتوانسته است خود را با ضوابط و معیارهای نوین شهرسازی مطابقت دهد. در طول سال‌های اخیر توجه کالبدی به احیای بافت فرسوده و اجرای برنامه‌های زودبازده در آن چندان موفق عمل نکرده است. بنابراین، نیاز است تا مسئولان علاوه بر نگاه کالبدی، جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حیات شهری را مدنظر قرار دهند و با اجرای برنامه‌های راهبردی درازمدت و با بهره‌گیری از برنامه‌ریزی مشارکتی و ارتباطی نسبت به احیای آن بکوشند.

تاریخی موید این نکته است که تبریز پتانسیل بالایی جهت لرزه‌خیزی دارد. نفوذناپذیری و نارسایی‌های موجود در شبکه ارتباطات و دسترسی‌ها، عرض کم معابر، طولانی بودن امکان دسترسی به خدمات و وسایل نقلیه اضطراری از قبیل ماشین‌های آتش‌نشانی و آمبولانس برناکارآمدی و نابسامانی این مناطق افزوده است که نفوذناپذیری در محلات امکان دسترسی به خدمات را کاهش داده و ساکنان را با مخاطرات جدی روبه‌رو خواهد کرد.

ملاحظات در احیای بافت فرسوده

رویکردهای مختلفی جهت احیای بافت‌های فرسوده شهری مطرح شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت هستند از: بهسازی، نوسازی، بازسازی، مقاوم‌سازی.

آنچه را که می‌توان به عنوان راه کارهای عملی بر خاسته از راهبردهای فوق جهت احیای بافت فرسوده تبریز مدنظر قرار داد، در ابتدا شناسایی دقیق بافت فرسوده و طبقه‌بندی آن است. این اقدام سبب می‌شود تا مناطق پرخطر در اولویت برنامه‌های قرار بگیرند. از راه کارهای دیگر، تجمیع مسکن و اعطای تسهیلات کم‌بهره به ساکنان این بافت‌ها می‌باشد. مقاوم‌سازی بافت فرسوده روش دیگر مداخله می‌باشد که نیاز به آن در کلان‌شهر تبریز به شدت احساس می‌گردد. برقراری عدالت فضایی در دسترسی به کاربری‌های شهری و پخشایش درست آن‌ها، مکان‌یابی کاربری‌های موردنیاز و برقراری سازگاری بین کاربری‌ها نیز باید در اجرای طرح‌های شهری مد

طبقات اجتماعی هستند، اما مشکلات اجتماعی فراوانی دامن‌گیر عرصه‌های سکونتی آنان است. اکثر ساکنان بافت‌های فرسوده از سطح درآمدی بسیار پایین برخوردارند و گروه‌های عمده‌ای از این ساکنان نیز صرفاً به دلیل پایین بودن قیمت اجاره بهاء در این مناطق زندگی می‌کنند و این عوامل موجب پایین آمدن سطح مشارکت در نوسازی بافت شده و مانع جدی برای نوسازی و نگهداری از بافت به‌شمار می‌رود. ساخت‌وسازهای بی‌رویه و خارج از برنامه و نظام کنترل ساخت‌وساز در نواحی فرسوده موجب پدیداری اغتشاش فضایی-بصری در منظر شهری شده و ضمن نابسامانی‌های فضایی بحران هویت را نیز دربردارد. ناپایداری کالبدی، غیرمقاوم بودن ساختمان‌ها و فرسودگی ساختاری از اصلی‌ترین مولفه‌های این حوزه هستند که ناپایداری ابنیه و ساختمان‌ها، تهدیدی بزرگ برای جان ساکنان این مناطق است. فرسودگی کالبدی، این مناطق را به آسیب‌پذیرترین عرصه در مواجهه با بلایای طبیعی تبدیل کرده که خود خسارات غیرقابل جبرانی را به دنبال دارد. شاید مهم‌ترین ضرورت توجه به بافت فرسوده در شهر تبریز خطرات احتمالی ناشی از زمین‌لرزه باشد. تبریز به فاصله اندکی از گسل معروف شمال تبریز استقرار یافته است و در برخی قسمت‌ها کاملاً بر روی گسل گسترش یافته است و قسمت اعظمی از بافت فرسوده نیز با این گسل هم‌جوار است. با توجه به اطلاعات موجود، تبریز تنها شهر کشور است که از نظر خطر زلزله در موقعیتی قرار دارد که در تقسیم‌بندی پهنه‌های خطر، جزء مناطق با خطر نسبی بالا است. زلزله‌های





تاملی در باب مفهوم شورا و مدیریت شهری



عارف نریمانی

دانشجوی دکتری تاریخ

شورا بر مبنای موارد مذکور و سپس در هر دو مورد سنجش و مقایسه تعریف مفهومی شورا و محدوده‌های عمل و اهداف پیش‌بینی شده برای آن - که به عنوان فلسفه و ضرورت وجودی آن است و جایگاه آن را در ساختار اداری و حکومتی کشور و به ویژه شهر توجیه و تبیین می‌کند - با شرایط بالفعل و واقعی موجود، می‌تواند روشن‌گر بسیاری از مسائل و مشکلات جاری باشد. بدیهی است که فاصله این دو مساله (مفهوم و اهداف با وضعیت بالفعل) بیان‌گر میزان موفقیت شورا خواهد بود. بنابراین در اینجا ما نیازمند بررسی و بازبینی مفهوم‌شناختی مقوله شورا و انتخابات شورایی هستیم. چنین بررسی به واسطه روشن کردن جایگاه نهاد شورا در سیستم مدیریت نوین شهری می‌باشد. بر اساس چنین نگرشی ما خواهیم توانست محدوده‌های مفهوم شورا را مشخص کنیم که نشان‌گر این است از سویی شورا و نهاد شورایی دارای محدودیت‌ها و قلمرویی مشخص و معین در سیستم مدیریتی و کشورداری می‌باشد، اما هنگامی که آن را در رابطه با ارتباط قابل توجه

گونه گسست امتداد یافته و نوعی این‌همانی با غایت آن امر را نیز دربردارد. بنابراین و بر مبنای آنچه در باب مفهوم نقد گفته شد، باید گفت آن نگره‌ای که ما بر آن هستیم، اعتقاد به این مساله می‌باشد که در شرایط کنونی که شورا و نهاد شورا دچار مشکلات چندی بوده و در شرایطی که به سختی می‌توان از موفقیت نهاد شورا و تجربه آن در سال‌های اخیر در سیستم مدیریت شهری سخن گفت، بخش بزرگی از این عدم موفقیت به عدم آگاهی از مفهوم شورا و جایگاه و حوزه عمل آن مربوط می‌باشد. بر این اساس می‌توان گفت، تعریف محدوده عمل شورا و جایگاه آن، بر مبنای معنای مفهومی شورا و نهاد شورا و جایگاه آن در ساختار سیاسی و اجتماعی جدید، با بهره‌گیری از نگره‌ای تاریخی - اجتماعی و مهم‌تر از همه رجوع به قانون اساسی و دیگر قوانین موجود و بررسی جایگاه شورا در سیستم مدیریت نوین شهری امروز از اهمیتی اساسی برخوردار است. از این رو تلاش در راستای تعریف و تحدید مفهوم و اهداف و ضرورت‌های وجودی

ما در اینجا در پی مروری کوتاه بر معنا و مفهوم مقوله شورا و نهاد شورا و جایگاه آن در سیستم مدیریت نوین شهری هستیم؛ که چنین مروری، می‌تواند در درون خود به نحو تلمیحی در بردارنده نقدی از عملکرد شورا و انتخابات شورا در شرایط بالفعل آن باشد. چنین مروری می‌تواند بر مبنای نگاهی مفهومی به نهاد شورا و با مراجعه به اسناد و قوانین مرتبط با شورا و به ویژه قانون اساسی انجام گیرد. بر این مبنای گذری به مفهوم و جایگاه نهاد شورا می‌تواند نقدی از شرایط حاضر نیز باشد. آنچه در اینجا از نقد مدنظر می‌باشد یکی نقد در آن معنایی است که قصد روشن کردن محدوده‌های عمل یک چیز را دارد و دیگری نقد در آن معنا که در پی بررسی آن هدفی است که وجود یک چیز را تبیین می‌کند و سپس سنجش آن با وضعیت بالفعل که در شرایط کنونی متحقق گردیده است. البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که در اینجا قصد بر این نیست تا از هدفی یکه و درونی در آغاز یک چیز و یا یک امر و یا حتی یک مفهوم سخن بگوییم که در حالتی طولی و خطی و فارغ از هر



آن با شهروندان و هم‌چنین جایگاه نهاد شورا در مدیریت شهری لحاظ کنیم، حوزه‌ای بس گسترده و مهم را به خود اختصاص خواهد داد. آشنایی با این محدوده‌ها که مستلزم آشنایی با مفهوم، تعریف و جایگاه مدیریتی و قانون‌گذاری شورا در شهر و مدیریت شهری می‌باشد، نقشی اصلی در موفقیت اعضای شورا و مجموعه نهاد شورا خواهد داشت. البته این آشنایی و آگاهی باید در هر دو گروه کاندیداها و منتخبان شورا و همچنین شهروندان و انتخاب‌گران شورا وجود داشته باشد. بی‌شک در این میان نقش شهروندان بس مهم‌تر از خود کاندیداها و منتخبان می‌باشد. شهروندان و آگاهی و سطح انتظارات آن‌ها - که برآمده از میزان آگاهی آن‌ها است - می‌باشد که به مثابه صافی و گذرگاه عمل کرده و کیفیت کاندیداها و منتخبان عرصه شورایی را تعیین خواهد کرد. البته در کنار امر آگاهی آنچه از اهمیت بس قابل توجه برخوردار است، احساس مسئولیت عمیق کاندیداها می‌باشد و انتخاب‌گران یا همان شهروندان نسبت به مصالح شهر و جمع می‌باشد. متأسفانه تمام موارد مذکور و به خصوص سطح آشنایی با مفهوم و محدوده‌های مقوله شورا، دچار آفاتی اساسی هم از سوی کاندیداها و منتخبان و هم از سوی انتخاب‌گران است. این آفات به گونه‌ای است که می‌توان از سطح پایین آشنایی به مفهوم شورا، جایگاه، وظایف، حوزه اختیارات و مسئولیت‌های آن سخن گفت. پرواضح است که بدون آگاهی به این مسائل نمی‌توان چندان امیدی در باب موفقیت شوراها و نهاد شورا داشت.

وجود شوراها و انتخابات شورایی که به معنای حکومت غیرمستقیم خود مردم بر مردم بوده، با هدف ایجاد و زمینه‌سازی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر - که همان امور مربوط به خود شهروندان می‌باشد - پیش‌بینی گردیده است. آنچه در اینجا به عنوان ضرورتی اساسی مطرح می‌گردد، لزوم حضور و انتخاب آگاهانه شهروندان در مسائل مربوط به شوراها و به خصوص انتخابات شورا می‌باشد. در اینجا ما با یک طرحی رویارو هستیم که موفقیت این طرح که همان شورا و مجموعه شورای شهر می‌باشد، مستلزم حضور آگاهانه شهروندان انتخاب‌گر است. آن مساله مهمی که در اینجا باید مد نظر قرار داد، توجه به مفهوم شهروند و نوع عملکرد مورد انتظار از فرد شهروند در تفکر اجتماعی و سیاسی نوین است. نگاهی به مفهوم و تعریف شهروند که در سیستم نوین اجتماعی، به عنوان مصداق فرد اجتماعی کنشگر در معنای نوین آن و جامعه جدید است، نشان‌گر فاصله عملکرد افراد اجتماع ما (شهرهای ایران) با شهروند و نوع عمل برآمده از شهروند می‌باشد. تنها ذکر یک مثال می‌تواند روشن‌گر این بحث باشد و آن غلبه نامیوم تصمیمات مبتنی بر تعصبات قومی و طایفه‌ای در بخش قابل‌توجهی از افراد انتخاب‌گر فعال در انتخابات شوراها است (که این مساله در شهرهای کوچک‌تر با شدت بیشتری مطرح است). حال آنکه شهروند در معنای نوین آن، فردی است اجتماعی که عمل او به عنوان یک کنش در راستای خیر جمعی به حساب می‌آید. البته از سوی دیگر، باید اشاره داشت که خود نهاد شورا به عنوان بخشی مهم از سیستم مدیریت شهری و همچنین سیستم محلی حکومت، وظایف‌های اساسی در راستای آگاه‌سازی

درست، موجب اداره مطلوب حوزه شهری خود گردند؛ بنابراین آنچه حوزه عمل شوراها است، امور مربوط به شهر با مصالح خاص خود و البته با در نظر گرفتن مصالح و سیاست‌گذاری‌های کلان کشوری می‌باشد. از این جهت هرگونه دخالت شورا و دادن شعارهایی خارج از این محدوده، ناشی از عدم آشنایی و یا عدم توجه به این حوزه عمل می‌باشد. نگاهی به شعارهای داده شده از سوی کاندیداها می‌باشد و حتی منتخبان شورا، نشان‌گر نقض مکرر این مساله می‌باشد. به گونه‌ای که در موارد فراوانی می‌توان از فاصله شعارهای مطرح توسط شوراها در زمان تبلیغات با محدوده پیش‌بینی شده برای عملکرد شوراها سخن گفت. شناخت چنین محدوده‌ای هم برای انتخاب‌گران و هم برای کسانی که نامزد انتخاب و انتخابات هستند، امری ضروری است. در چنین شرایطی است که می‌توان به شکل‌گیری سیستمی از مدیریت شهری امید داشت که بتواند ضمن سامان‌دهی به منابع، به پاسخگویی مناسب به نیاز شهروندان و حقوق مختلف آنان پاسخ بگوید.

بنابراین با گذری هر چند کوتاه به جایگاه شورا (البته موارد ناگفته در این زمینه بسیار بیشتر از موارد گفته‌شده است) می‌توان چند سوال عمده را مطرح کرد: آیا در جامعه امروزی ما می‌توان از شهروند در معنای کنشگر آگاه و فرد اجتماعی مسئول به منافع جمع سخن گفت؟ آیا در آن تفاوت‌گذاری جامعه و اجتماع تونیسسی - فارغ از آن نگره طولی و تک‌خطی موجود در پس آن - امروزه می‌توان از جامعه نوین شهری با استلزامات و شاخص‌های خاص خود، در جامعه شهری ما سخن گفت؟ میزان آگاهی از جایگاه شورا و مفهوم آن در بین منتخبان، کاندیداها و انتخاب‌گران فعال در این حوزه تا چه اندازه است؟ آیا آن نگره‌ای از فرد اجتماعی مسئول به خیر اجتماع در جامعه ما شکل گرفته است؟ بدیهی است تأمل در هر کدام از سوال‌های مطرح‌شده می‌تواند روشن‌گر بسیاری از مسائل و مشکلات موجود باشد.

افراد از بابت حقوق آنان و بسترسازی برای تحقق شهروند در معنای واقعی آن است. از این بابت در اینجا شاهد رابطه‌ای دوسویه هستیم. بنابراین شورا به عنوان یک نهاد مردمی مهم، یکی از ارکان اصلی مردم‌سالاری می‌باشد که می‌تواند موجب مشارکت شهروندان در راستای اداره امور شهر گردد. در شرایطی که به دلیل گستردگی جمعیت کشورها و هم‌چنین گستردگی شهرها امکان اعمال دموکراسی‌های مستقیم (که شکلی تقریباً ناقص از آن در یونان باستان به اجرا می‌رسید) وجود ندارد، وجود نهادهایی چون شورا، می‌تواند امکان تحقق دموکراسی غیرمستقیم که دارای بیشترین امکان از برای مشارکت شهروندان در امور مدیریتی و اداری باشد را متحقق سازد. وجود نهادی به نام شورا مرتبط با سیاست‌تمرکززدایی از امور است. در برابر چنین شرایطی، سیستم تمرکزگرا قرار دارد که در آن دولت و سیستم اجرایی دولت از مرکز کشور همه امور بزرگ و کوچک را تمشیت می‌کند. در حالی که در سیستم تمرکززدایی‌شده شورایی، امور محلی به خود سیستم محلی که شورا نمود بارز آن است واگذار می‌گردد. این مساله در ارتباط با مدیریت نوین شهری است که در آن بر توانمندسازی اجتماعات محلی تأکید می‌شود. همچنین به واسطه ایجاد و بسط جایگاه شورا، گامی اساسی در راستای آن چیزی برداشته می‌شود که تحت عنوان شهروندسازی عنوان می‌گردد که بر مبنای آن شرایط برای مشارکت شهروندان و استفاده از حقوق شهروندی خویش فراهم می‌شود. شورا را در معنایی می‌توان به عنوان قوه مقننه شهری لحاظ کرد که اصلی‌ترین قوه اجرایی آن شهرداری می‌باشد و البته سایر ارگان‌ها همچون فرمانداری‌ها نیز در مواردی ملزم به همکاری و اجرایی‌کردن قوانین مصوب شوراها می‌باشد؛ بنابراین مصالح اجرایی شهر که تعیین‌کننده مدیریت بهینه شهری می‌باشد، از صافی شوراها و مصلحت‌بینی آن‌ها گذر خواهد کرد. شوراها هستند که می‌توانند با سیاست‌گذاری‌های



پازل فروپاشیده صادرات در ایران



▲ جواد رنجبر درخشی لر

مشاور صادرات

مفروض اصلی این نوشتار این است: صادرات مهم‌ترین و بهترین راه توسعه صنعتی کشور در شرایط کنونی است. این مفروض بر اساس مشاهده و بررسی این مولفه‌ها شکل گرفته است:

۱- در داخل کشور رکود شدیدی حاکم است.
۲- راه توسعه صنعتی پیوند اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی است.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است: مراحل روشمند توسعه صادرات کدام هستند؟ به عبارت دیگر، توسعه صادرات را باید از کجا شروع کرد و چگونه پیش رفت؟

برای پاسخ به این پرسش، نخست باید تعریف جامعی از صادرات ارائه شود. صادرات چیست؟ این پرسش بسیار مهم است. هر نوع تعریف از صادرات و سطح درک از این مقوله اقدامات بعدی را روشن و مشخص می‌کند. با صرف نظر از تعاریف غلط و فرصت طلبانه و غیرعلمی صادرات که آن راه چاره موقت و ناگهانی برای حل مشکلات کشور یا کارخانه‌ها تلقی می‌کند، می‌توان صادرات را چنین تعریف کرد: صادرات، فروش هدفمند و روشمند و پایدار کالاهای ایرانی در بازارهای جهانی است.

در این تعریف منظور از روشمند، توالی منطقی فرآیند صادرات است. گام‌هایی روشن و دقیق که یکی پس از دیگری برداشته می‌شود. هر گام مقتضیاتی دارد که در گام پیشین به آن توجه شده است. پس از هر گام، بازخوردها وجود دارد. چون برنامه‌ریزی مدون و دقیقی از پیش وجود داشته، بازخوردها به کار اصلاح فرآیند می‌آید و در درازمدت تجربه انباشته‌ای از صادرات خواهیم داشت.

هدفمندی در صادرات به انتخاب درست کالا و بازار، به صورت هم‌زمان، مربوط می‌شود. توجه به مزیت‌های اقتصادی و بحران‌های کشور و هماهنگ کردن گام‌های صادرات با این مسائل اهمیت بسیاری دارد. هدف عقلانی صادرات این است که پیوندهای محکمی با استعدادهای طبیعی و صنعتی و کشاورزی کشور داشته

باشد. به عنوان مثال کاشت محصولاتی که آب فراوان مصرف می‌کند و صادرات آن (در شرایط کم‌آبی) و یا صادرات بدون ارزش افزوده منابع معدنی، صادرات با هدفمندی عقلانی نیست.

پایداری به برنامه‌های درازمدت، نه مقطعی و فصلی، اشاره می‌کند. طبیعی است که برنامه‌های درازمدت صادرات، الزاماتی چون حفظ مستمر کیفیت و ثبات قیمت و ارائه خدمات فروش و پس از فروش خوب را دارد.

با این تعاریف باید دوباره به پرسش اول بازگشت. توسعه صادرات را باید از کجا شروع کرد و چگونه پیش رفت؟

برای توسعه صادرات ده گام بزرگ باید برداشته شود. پنج گام اول را دولت و پنج گام دوم را کارخانه‌ها و شرکت‌ها باید بردارند.

گام‌های دولت:

۱- سیاست خارجی در خدمت اقتصاد: در جهان رقابتی کنونی دولت‌ها باید پشتیبان کارخانه‌ها و تجار خود باشند. با وجود گام‌های بلندی که در جهانی شدن اقتصاد و تجارت برداشته شده و با وجود شرکت‌های بین‌المللی، باز نقطه ثقل تجارت در دولت‌هاست. دولت متولی اصلی امنیت و رفاه اتباع خود است. توسعه تجارت خارجی به عنوان یکی از مهم‌ترین پایه‌های توسعه اقتصادی و به تبع آن رفاه مردم از ضروری‌ترین وظایف دولت‌هاست. در ایران دولت می‌تواند سازمان‌های چابک و مدرنی برای توسعه تجارت خارجی ایجاد کند و آن‌ها را به پیشرفته‌های توسعه صادرات مبدل کند. البته اصلاح سیاست خارجی با حفظ ارزش‌های ملی گام بنیادین است؛ اما سازمان‌های دولتی پیشرو بستر ساز توسعه صادرات است. هم‌چنین دولت می‌تواند با تغییر رویکرد مناطق آزاد، از واردات به صادرات، فرصت بسیار خوبی برای توسعه صادرات از طریق داد و ستدهای اقتصادی این مناطق فراهم آورد.

۲- جوایز صادراتی: بر اساس تجربه‌های عملی و بررسی‌هایی که انجام شده، مشخص شده است که اگر صادرکننده از جایزه صادراتی قابل توجهی برخوردار باشد و این جایزه را نهایتاً یک تا دو ماه بعد از انجام صادرات به صورت نقدی دریافت کند صادرات با یک جهش روبرو خواهد شد. دولت باید سازوکاری اساسی برای جوایز صادراتی فراهم کند. به نظر می‌رسد کاستن از برخی هزینه‌های دولتی و اختصاص بودجه به جوایز صادراتی در میان‌مدت منافع بسیاری برای کشور

خواهد داشت.

۳- کاهش قیمت تمام‌شده محصولات: ممکن است تصور شود کاهش قیمت تمام‌شده امری است مربوط به کارخانه؛ اما در ایران با وجود تفوق دولت در اقتصاد و فقدان زیرساخت‌های اقتصادی و علمی، بخش بزرگی از فرآیند کاهش قیمت تمام‌شده از راه دولت می‌گذرد. آسان‌ترین راه برای کاهش قیمت تمام‌شده محصولات ایرانی کاهش مالیات و تغییر روند بیمه‌های تامین اجتماعی است. این مشوق‌ها باید ضمانت‌هایی هم داشته باشند؛ مثلاً می‌توان مالیات کارخانه را در برابر تضمین صادرات مقدار مشخصی از کالا کاهش داد. هم‌چنین در این راستا دولت می‌تواند آموزش مدیران و کارگران کارخانه‌ها را در مراکز آموزشی پیشرفته جهان به عهده بگیرد. بالا بردن سطح توانایی و دانش مدیران و کارگران در کاهش قیمت تمام‌شده موثر خواهد بود.

۴- فعال کردن راینزان بازرگانی: یک اقدام عملی و آسان دولت در توسعه صادرات فعال‌تر کردن راینزان بازرگانی است. راینزان بازرگانی می‌توانند اقدامات بسیار موثری در شناسایی فرصت‌ها و ایجاد فرصت‌های بازرگانی انجام دهند. انتخاب راینزان از میان تجار و صنعت‌گران و کارشناسان اقتصادی گام اول و مهم این فعال‌سازی است. حتی ایجاد انتفاع برای راینزانی که خود تاجران تولیدکننده هستند می‌تواند موثر باشد.

۵- بازکردن زنجیره‌های داخلی اقتصاد: مهم‌ترین موانع صادرات در ایران چیست؟ با بررسی‌های دقیق و به دور از سیاست‌زدگی، معلوم می‌شود که مهم‌ترین موانع صادرات در سیاست‌های دولتی است؛ اما راه‌های آسان و کم‌هزینه و سریع برداشتن موانع توسعه صادرات کدام است؟ گاه موانع چنان سبتر است که امید و رمقی برای صادرکننده باقی نمی‌گذارد؛ اما در بیشتر مواقع می‌توان موانع صادرات را به راحتی از میان برداشت. کاهش قوانین صادراتی، شفافیت قوانین گمرکی، اقدامات بندهای بالا به علاوه کاستن از بار مقررات کسب و کار (ارتقاء رتبه کسب و کار) راه‌های مطمئنی است که دولت می‌تواند برای توسعه صادرات انجام دهد.

گام‌های تجارت و صنعت:

۱- اصلاح نگرش درباره صادرات: اولین و ضروری‌ترین کار برای توسعه صادرات اصلاح نگرش تولیدکنندگان و تجار است. صادرات یک مُسکن یا راه حل فوری برای مشکلات کارخانه نیست و باید براساس روش‌های دقیق علمی منطبق با قوانین تجارت بین‌الملل پیش رود. صادرات همواره باید در دستور کار کارخانه قرار

گام پیش گفته با این دو شرط نیازمند یک عامل روانی قوی است و آن آمادگی ذهنی و عینی برای تحول و تغییر است. صادرات در ذات خود یک تحول به سوی بهبودی است. بهبودی به تلاش مستمر و دانش افزایی و استقامت نیاز دارد. کارخانه‌هایی که این ویژگی‌ها را ندارند صادرکنندگان موفق در جهان پرشتاب و رقابتی کنونی نخواهند شد.

در کنار تولیدکننده‌ای با شرایط بالا، یک مشاور باید قرار گیرد. مشاور صادرات بخش بزرگی از اقدامات صادرکننده را بر عهده می‌گیرد. طبیعی است که اقدامات صادراتی نیاز به تخصص و اطلاعات بسیاری دارد که جمع‌آوری آن برای کارخانه‌های کوچک و متوسط نه‌مفید است و نه ممکن.

اولین اقدام مشاور، تهیه سند وضعیت موجود صادراتی شرکت صادرکننده است. گام نخست این است که دانسته شود شرکت صادرکننده از نظر شاخص‌های صادرات در چه وضعیتی است. گام دوم، تنظیم قرارداد است. وجود یک قرارداد دقیق کمک بسیاری به پیشبرد فرآیند درست کار می‌کند. گام سوم، تهیه برنامه آموزشی صادرات برای مدیران و کارکنان شرکت صادرکننده است. صادرات نیاز به آموزش دارد و تا دانش صادراتی در کارخانه‌ها نباشد کار صادرات به درستی پیش نخواهد رفت. ممکن است بسیاری از کارخانه‌ها آموزش را در فرآیند صادرات زاید یا هزینه‌بر بدانند اما پیشرفت صادرات موفق به آموزش بستگی دارد. گام‌های چهارم تا هفتم عبارت است از: تهیه برنامه تغییرات لازم در خط تولید، تهیه برنامه ارتقاء کیفیت، تهیه برنامه تحول در بسته‌بندی و تهیه برنامه الزامات برندسازی. این چهار مرحله مهم در صادرات باید طی شود. فقدان هر یک از این چهار عامل به هر حال شرکت را در جایی دچار مشکل خواهد کرد. البته هر شرکتی بخشی از راه را در این موارد پیموده است. وظیفه شرکت صادراتی، تداوم راه و تشخیص راه‌های درست از نادرست است. گام هشتم تهیه هدف‌های صادراتی است. این گام به دلیل این که موفقیت یا شکست کل طرح به واقع‌بینی یا غیرواقع‌بینی در این گام بستگی دارد اهمیت بسیار زیادی دارد. کار درخشان یک مشاور صادراتی تعیین هدف‌های صادراتی درست برای یک کالا است. گام‌های نهم و دهم تعیین میزان صادرات اولیه و تعیین میزان رشد صادرات در پنج سال آینده (افق پنج ساله) است. مشاور باید بر اساس شاخص‌های دقیق میزان صادرات اولیه (که شش ماه پس از امضای قرارداد شروع می‌شود) و میزان رشد آن را در پنج سال آینده تعیین کند. گام یازدهم و دوازدهم، یک تعهد کاری مهم است: حضور مستمر مشاور در شرکت تولیدکننده (هر هفته یا دو هفته یک بار) برای کنترل پیشرفت برنامه‌ها. برنامه‌های نوشته شده باید با سخت‌گیری کنترل شود و در صورت نیاز بازخوانی و بازنویسی شوند. طبیعی است که شرایط و نیازهای جدید ممکن است طرح‌های پیشین را بی‌اعتبار کند. گام سیزدهم یک گام طلایی است و می‌توان گفت با همه گام‌های دوازده گانه پیشین برابر است: بازاریابی عملیاتی در کشورهای هدف (بر اساس برنامه بند هشت). مشاور هم‌زمان با پیمودن راه دوازده مرحله‌ای بالا، باید بازاریابی عملیاتی در کشورهای هدف را انجام دهد و به دقت روند پیشرفت و چالش‌ها و موانع آن را بررسی کند.

مجموعه گام‌هایی که تولیدکنندگان و دولت و شرکت‌های مشاور باید بردارند نتیجه تمام تلاش‌هایی که برای صادرات می‌شود این است که صادرات به تغییرات دائمی و عمیق در کارخانه تبدیل شود.

بازار هدف اولیه و یا دروازه صادراتی به سایر کشورها و مراجعه مستمر و منظم به آن‌ها گام مهمی در بازاریابی صادراتی است. نکته بسیار مهم‌تر این است: ممکن است محصول ما در بازار صادراتی مصرف چندانی نداشته باشد. یا اساساً مصرف آن شناخته نشده باشد. با نوآوری می‌توان بازار مصرف جدیدی خلق کرد. پیشنهادهای خلاقانه به بازار در قالب بازاریابی پنهان انجام می‌شود. این خلاقیت می‌تواند بسیاری از کالاهای ایرانی را در جهان به کالاهای شناخته‌شده و پر مصرف تبدیل کند. می‌توان نام آن را «ارتقاء کیفیت تولید و خدمات ایرانی با نیازهای بازارهای جهانی» گذاشت؛ بنابراین آنچه ما تولید می‌کنیم یا می‌توانیم تولید کنیم مبنای صادرات موفق نیست. نیاز بازار، مناسبت و تولید باید دقیقاً منطبق بر نیاز بازار باشد. اصلاح فرآیند تولید، تنوع بخشی به آن و بهبود بسته‌بندی جزء الزامات این تطابق است. صادرات موفق و مستمر را انتخاب مشتری خارجی روبروی قفسه‌های فروشگاه‌ها تعیین می‌کند. پس اصل مهم شناسایی نیاز اوست.

۳- ارتقاء کیفیت: ارتقاء کیفیت محصول با هدف افزایش رقابت‌پذیری انجام می‌شود. ارتقاء کیفیت به دانش روز نیاز دارد. کیفیت معیاری جز دانش روز جهانی ندارد.

۴- کاهش قیمت تمام‌شده محصولات: کاهش قیمت تمام‌شده همان‌طور که برای دولت گامی مهم و ضروری است، برای کارخانه‌ها نیز اهمیت فراوانی دارد. کاهش قیمت تمام‌شده به افزایش رقابت‌پذیری کالا کمک می‌کند. کاهش قیمت در کارخانه اصول متفاوتی با کاهش قیمت توسط دولت دارد. در این راه افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های سربرابر، مدیریت خرید مواد اولیه، مدیریت انبار و مدیریت فروش روش‌های کاهش قیمت است. گامی می‌توان با چند روش ساده و تغییرات کوچک هزینه‌ها را تا حد قابل توجهی کاهش داد.

۵- پایداری تولید و ارتقاء مستمر: تولید موقت و منقطع که متأسفانه در ایران به دلیل مشکلات عدیده رایج است، یکی از سدهای ستر صادرات است؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایباری‌سنجش‌توانایی صادراتی یک کارخانه این است: آیا تولید مستمر است؟ بقیه پرسش‌ها را می‌توان پس از پاسخ مثبت به این پرسش مطرح کرد. پایداری و استمرار تولید بستگی تامی به نوع کالا دارد. در تولید کنسانتره میوه‌ها فصلی بودن تولید، عیب و مشکل نیست. بخشی از فرآیند طبیعی تولید است؛ اما برای یک کارخانه خودروسازی تولید موقتی عیب بزرگی است. تولید صد تن کشمش، تولید چندان پربراری به حساب نمی‌آید؛ اما تولید مقدار کم‌تری زعفران تولید موفق و خوبی است.

این ده گام مهم صادراتی با یک روش اجرایی به نام «هم‌گرایی و تغییرات بنیادین» به نحو بهتری اجرا می‌شود. در این روش، مثلی از صاحب کالا و مشاور صادرات و مشتری خارجی تشکیل می‌شود؛ یعنی در یک سو کالایی تولید شده یا در مرحله‌ای از تجارت می‌خواهد صادر شود، در سوی دیگر، یک مشاور وجود دارد که برنامه‌ریزی و اقدام می‌کند و در سوی دیگر، یک مشتری خارجی. این سه عامل مهم با قرارداد به هم پیوندمی‌خورند.

گام‌های لازم صاحب کالا (تولیدکننده یا تاجر) در بالا گفته شد. در این پنج گام تولیدکننده باید انگیزه کافی برای صادرات داشته باشد و با اولین شکست یا تعلل پا پس نکشد. شرط دیگر تولیدکننده انسجام مدیریتی است. کارخانه‌هایی که با مشکلات شراکت یا مدیریت روبرو هستند و اقدام به صادرات می‌کنند، فقط آبروی خود و در نهایت کالای ایرانی را می‌برند. پنج

داشته باشد. هر سال بودجه لازم برای آن در نظر گرفته شده و اقدامات جزئی در قالب برنامه کلی پیش‌بینی و اجرا شود. جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات به صورت دقیق درباره محصول بر اساس شاخص‌های حجم بازار، قیمت‌ها، پیش‌بینی روند سعودی یا افول حجم بازار، سهم بازار رقبا، پیش‌بینی سهم بازار در دوره ۵ ساله‌آتی، مشتریان بالقوه و بالفعل، قوانین حاکم بر عرضه کالا و استانداردهای مربوط، قوانین صادرات ایران، قوانین و قیمت‌های حمل‌ونقل کالا از محل تولید در ایران تا بازار هدف و قوانین گمرکی ایران و بازار هدف درباره کالا مهم‌ترین بخش این طبقه‌بندی است. پس از اطلاعات اولیه، صادرکننده باید بررسی عینی بازار در محل را در دستور کار خود قرار دهد. شاخص‌های این اقدام عبارت‌هستند از: انطباق تئوری نیازهای مصرف‌کننده با واقعیات بازار مصرف در کشور هدف، سنجش قیمت فروش در بازار نهایی و تطابق آن با تئوری‌ها در کشور هدف، بررسی زمینه‌های نوآوری در ارائه محصول با توجه به چگونگی عرضه و نوع مصرف. سپس مذاکره با طرف‌های تجاری انتخاب‌شده در کشور هدف آغاز می‌شود. در مذاکره شاخص‌های قیمت، بسته‌بندی، کیفیت، زمان تحویل، نوع قراردادها و ضمانت‌های قانونی بین‌المللی، نحوه پرداخت، تعهدات طرفین، توسعه کار و تعیین افق‌های پیش‌رو باید در نظر گرفته شود. گام چهارم مذاکره در ایران است. شاخص‌های این بخش عبارت‌هستند از: امکان بازدید طرف خارجی از فرآیند تولید، اطمینان بخشی درباره کیفیت و پرداخت‌های احتمالی. گام پنجم و مهم شروع فرآیند صادرات بر اساس مذاکره‌ها و قرارداد منعقد شده است. بازخوردها و اصلاح فرآیندها گام ششم است. در این بخش شاخص‌هایی چون باز خورد مفاد قرارداد، قوانین و مقررات (حقوقی)، قیمت، کیفیت، بسته‌بندی و فروش باید بررسی شود. گام هفتم، تدوین اطلاعات جدید و اقدام‌های جدید پیش‌برنده است. طبیعی است که عدم اجرای حتی یکی از این بندها و یا اجرای ناقص آن می‌تواند ضربه بزرگی به موفقیت صادرات بزند. نکته طلایی در اجرای این بندها محور قراردادن شناخت دقیق از روابط بین‌المللی است. روابط بین‌الملل یک علم پیچیده و عمیق است. در ایران کم‌ترین شناخت از روابط بین‌الملل وجود دارد و متأسفانه همان شناخت کم به خرافه‌ها و توهم‌های توطنه آمیخته است. زیرمجموعه این شناخت کلان، شناخت علم تجارت بین‌الملل است. تجارت بین‌الملل یک علم است. این گزاره را همه تکرار می‌کنیم اما در زمان کار عملی همه چیز فراموش می‌شود. صادرکننده نه تنها باید اصطلاحات و کلمات تجارت بین‌الملل را دقیق و درست بداند و بار حقوقی آن‌ها را بشناسد، بلکه ظرایف کار تجاری بین‌المللی را هم فراگیرد. شناخت علم تجارت بین‌الملل در کاهش هزینه‌های صادرات نیز تاثیر بسیاری دارد.

۲- بازاریابی: بازاریابی جزء روش‌های دقیق صادرات در بالا بود؛ اما به دلیل اهمیت جداگانه نیز بررسی می‌شود. بازاریابی یک روند علمی و عملی دقیق است که اجرای کامل آن کالا را جهانی می‌کند. روش‌های بسیار مختلفی برای بازاریابی وجود دارد. امروزه راه‌اندازی واحد بازاریابی اینترنتی با یک سایت حداقل سه زیانه کم‌هزینه‌ترین راه است؛ اما همیشه راه‌های کم‌هزینه‌بهترین راه‌ها نیستند. با ارسال ایمیل و معرفی کالا در اینترنت نمی‌توان تجارت جهانی را مدیریت کرد. فضای مجازی فقط یار و مددکار در صادرات است. اصل کار در مراجعه و مذاکره‌های حضوری انجام می‌شود؛ بنابراین تعیین کشورهای هدف به عنوان

پنج راه برون رفت از وضعیت فعلی اقتصاد

شفافیت سیاست‌ها، تعیین دقیق حوزه دولت، احترام به حقوق مالکیت، رقابتی کردن اقتصاد و تعامل با جهان



پرویز کلینی

کارآفرین برتر استان و عضو هیئت نمایندگان اتاق تیریز

در این نوشته قصد داریم از منظر یک کارآفرین و تولیدکننده به مسائل پیرامون تولید و اقتصاد کشور بپردازیم. همچنین با طرح مسائل موجود در نهایت ببینیم آیا اقتصاد کشور می‌تواند تولید را به سر منزل خود راهنما باشد یا خیر. تولیدکننده نسبت به این مسائل چه تفکری دارد. نگاه تولیدکننده با وجود این مسائل نسبت به آینده اقتصادی چگونه خواهد بود.

ما از بعد از انقلاب شاهد برنامه‌های مختلفی در زمینه اقتصاد بودیم اما متأسفانه نتیجه قابل توجهی حاصل نشده است. عدم رشد و توسعه اقتصادی، جامعه را نه تنها به فقر مادی بلکه فقر در تمام حوزه‌ها از جمله فقر اجتماعی و سیاسی مبتلا خواهد کرد. ما از توسعه به کجا رسیده‌ایم جز اینکه رشد ماشینی، ترافیک، مساله آلودگی هوا و مشکلاتی از این جنس هر روز عرصه را برای ادامه زندگی ما تنگ می‌کند. قطعاً این رشد اقتصادی نیست.

وزیر اقتصاد برنامه‌های خود را مطرح می‌کند اما بعد از چهار سال متأسفانه تغییر مثبتی حاصل نمی‌شود؛ چرا که شعارگونه برنامه می‌دهیم. مسائل مربوط به اقتصاد بسیار به هم پیوسته هستند. به طور مثال دولت قبلی در مهار تورم موفق بود. ولی این مهار تورم یک رکود بسیار سنگینی را بر فضای اقتصادی کشور و فضای تولید حاکم کرد. محصولی که تولید شود اما به فروش نرسد، نابودی تولید و در نتیجه نابودی اشتغال را در پی خواهد داشت. در سال گذشته رشد اقتصادی دو رقمی شد و به ۱۱٫۶ درصد رسید؛ اما این رشد اقتصادی از طریق تولید حاصل نشد. به عبارتی، سهم تولید در این رشد تنها رقم ۱٫۹ درصد بوده است. بخش قابل توجهی از رشد اقتصادی ایران متکی به فرآوری نفت و فعالیت نفتی کشور است. در نتیجه رکود همچنان بر فضای تولید کشور حاکم است. این آمار و ارقام نشانگر این است که در سال گذشته غالب بنگاه‌های اقتصادی بخصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط، دچار یک رکود فلج‌کننده بودند. ۸۰ درصد بنگاه‌ها با ۳۰ درصد ظرفیت تولید یا کمتر از آن فعالیت می‌کردند و یا برخی از این بنگاه‌ها فعالیت خود را به طور کلی تعطیل کردند.

اخیراً اقتصاد کشور مورد بررسی قرار گرفته و مهم‌ترین مسائل پیرامون آن شناسایی شده است. به طور کلی، به منظور ارائه تصویر روشن از وضعیت کشور ۱۰۰ مساله در هفت حوزه سیاست، اقتصاد، جامعه، فرهنگ، علم و فناوری، سلامت و محیط زیست مطرح شده است که از این بین، ۱۹ درصد این مسائل به حوزه اقتصاد مربوط می‌شوند. شایسته است دولت مردان، برنامه‌ریزان و نمایندگان مجلس در تدوین برنامه‌ها و تصویب قوانین این مسائل را مد نظر قرار دهند و با توجه به پیچیدگی موضوع اقتصاد کشور، مناسب‌ترین اقدامات را در دستور کار قرار دهند. تمام این

۱۰۰ مساله حائز اهمیت هستند، لیکن حوزه اقتصاد، مهم‌ترین و اصلی‌ترین مسائل را در خود جای داده است. در ادامه به برخی از این مسائل اشاره می‌شود.

ضرورت اصلاحات ساختاری نفتی، واقعیت این است در دولت‌های گذشته و همچنین دولت حسن روحانی هیچ اراده جدی برای کم کردن تصدی نفت و دولت در اقتصاد انجام نگرفته است. متأسفانه سخنان بیشتر جنس شعاری دارند و در واقعیت جامعه نمی‌پوشند. دولت‌ها به واسطه درآمد‌های نفتی فربه‌تر شده‌اند و تمایل چندانی به واگذاری به بخش خصوصی ندارند.

بیکاری، مساله عدم اشتغال در هر جامعه‌ای جزء عمیق‌ترین مسائل به شمار می‌رود. چرا که بالا بودن میزان بیکاری در جامعه، از یک سو امنیت اجتماعی آن جامعه را به خطر می‌اندازد و از سوی دیگر، تهیه لوازم و ضروریات زندگی مردم آن جامعه را به صورت جدی با مشکل مواجه می‌سازد. بر تعداد دانشگاه‌ها افزوده شده و در نتیجه تعداد جوانانی که قصد ورود به بازار کار را خواهند داشت نیز زیاد شده است؛ اما متأسفانه توازن بین متقاضیان کار و واردشدگان به بازار کار و اشتغال وجود ندارد. افراد تحصیلکرده جویای کار در شرایط سنی نامناسبی قرار دارند و عدم اشتغال این گروه قطعاً آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی عمیقی را نیز منجر خواهد شد.

رکود اقتصادی، زمانی که تولیدی انجام می‌شود اما قدرت خرید آن فراهم نیست، در واقع ادامه راه برای نگاه تولیدی با مشکل جدی مواجه می‌شود. در حال حاضر بیشتر کارخانجات ما، به عبارتی بیش از ۸۰ درصد کارخانجات با ظرفیت ۳۰ درصد کار می‌کنند؛ و بازار آنقدر ساکن است که شرایط بسیار غیرممکنی را برای تولید به وجود آورده است. از آنجا که تولید یک چرخه است، اگر محصول تولیدی به بازار منتقل نشود و به فروش نرسد، در واقع آن چرخه معیوب می‌شود و از حرکت باز می‌ماند. در این صورت قطعاً مساله عدم اشتغال و پیامدهای ناگوار آن ظاهر خواهد شد. لذا خروج از رکود و در ادامه آن رونق بازار، موضوع بسیار مهمی در اقتصاد است. علی‌رغم اینکه تیم اقتصادی دولت قبلی در مهار تورم موفق بوده ولی به علت رکود حاکم بر فضای تولید کشور، هیچ‌وقت نتوانستند منجر به حرکت قابل توجهی در اقتصاد کشور شوند.

سرمایه‌گذاری، زمانی سرمایه‌گذاران خارجی را استعمارگران خطاب می‌کردند اما امروز دیگر اینگونه نیست و اوضاع فرق کرده است. طوری که میزان رشد و توسعه در جامعه با میزان سرمایه‌گذاری خارجی سنجیده می‌شود. در اوایل انقلاب یکی از شعارها این بود که خارجی نباید در ایران به استثمار و استعمار مشغول باشد. ولی امروز ما متوجه می‌شویم که رونق یافتن اقتصاد و رسیدن به دروازه‌های توسعه، نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی است. متأسفانه در ایران سرمایه‌گذاری داخلی نیز یکی از مشکلات اساسی است. اگر از ۱۰۰ سرمایه‌گذار داخلی سوال کنید، ۹۹ سرمایه‌گذار و به عبارتی ۱۰۰ درصد سرمایه‌گذاران داخلی از کرده خود پشیمان هستند. من قویا این را اعلام می‌کنم، چرا که عین واقعیت است. سرمایه‌گذاری در ایران مساوی با گرفتاری است. سرمایه‌گذاران داخلی دیگر تمایلی به توسعه کار خود ندارند. زمانی که در جمع کارخانه‌داران، تولیدکنندگان، حتی کسانی که کار خدماتی انجام داده‌اند،

صحبت می‌کنیم اینقدر مسائل و گیرودار سرمایه‌گذاری و تعلل در حرکت و توسعه سرمایه مطرح می‌شود که همه خود را گرفتار این کار می‌دانند. بر این اصل تا وقتی که سرمایه‌گذاری انجام نگیرد، ما با مشکلات اقتصادی دست‌وپنجه نرم خواهیم کرد و هیچ وقت به توسعه نخواهیم رسید.

متأسفانه وحدت رویه و وحدت نظر نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی در داخل کشور حاکم نیست. وقتی گروهی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند، شرایط طوری پیش می‌رود و چنان شعارهای تند و تیزی مطرح می‌شود که سرمایه‌گذار از اقدام خود کاملاً پشیمان می‌شود. به نوعی می‌توان گفت شرایطی که برای سرمایه‌گذاری‌های داخلی وجود دارد، الگویی برای سرمایه‌گذاری خارجی است. به عنوان مثال همین مساله توتال و ۵ میلیاردی که در شرکت نفت سرمایه‌گذاری شد؛ سخنان وزیر نفت کاملاً منطقی بود. در شرایطی که هیچ کس حاضر نیست در ایران سرمایه‌گذاری کند، نباید شرایط را برای همکاری با گروهی هم که اقدام به سرمایه‌گذاری کرده‌اند نامساعد کرد. ما با مساله تحریم و خودسانسوری سرمایه‌گذاران مواجه هستیم. تمام کشورها بر سر جذب سرمایه به کشور خود با هم رقابت دارند. در برخی موارد باید امتیازاتی داده شود. حتی اگر قرارداد توتال جذابیت آنچنانی هم نداشته باشد، می‌تواند به عنوان کلید قفل سرمایه‌گذاری خارجی در کشور باشد؛ اما ما در کشور خود مسائل و گرفتاری‌هایی ایجاد کردیم که قطعاً از دید سرمایه‌گذاران خارجی دور نخواهد ماند.

یک مثال ساده ما را کاملاً متوجه این اثرگذاری خواهد کرد. زمانی که با مبلغ مشخصی قصد خرید یک لباس را داشته باشیم، مطمئناً این خرید با چشم بسته انجام نمی‌شود و بعد از جست‌وجو، پرو کردن لباس و پسند آن احتمال خرید وجود دارد. در رابطه با سرمایه‌گذاری هم قطعاً این فرایند و البته با دقت بیشتر برقرار است. زمانی که شرکتی اقدام به سرمایه‌گذاری در کشور دیگری می‌کند، صد در صد دقت عمل بالایی خواهد داشت. علاوه بر آن، قوانین کشور مقصد نیز مورد توجه سرمایه‌گذاری خارجی خواهد بود. با قانون کار موجود در کشور، جذب سرمایه‌گذاری خارجی قابل تصور نخواهد بود. به عنوان مثال، زمانی که نیروی کار در محیط کار مرتکب زدی می‌شود، کارفرما حق اخراج او را ندارد. کارفرما حق ندارد او را سوال جواب کند. بی‌نظمی مفرط کارگری حاکم است و کارگر میلی به کار ندارد؛ کارگری که راندمان کار او یک ساعت در روز است، جذابیتی برای سرمایه‌گذار خارجی ندارد؛ بنابراین این قانون، قانون الکنی است. مساله قوانین کار در یک کشور می‌تواند مانعی بر سر راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی باشد. بر این اساس، در شرایط فعلی فضای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در کشور به شدت مخدوش است. به اضافه اینکه در سرمایه‌گذاری، فضای کسب‌وکار مهم است و فضای کسب‌وکار مناسبی برای ادامه حیات در کشور حاکم نیست. به نظر می‌رسد هیچ‌امیدی برای تغییر و دگرگونی این شرایط متصور نیست.

بحران بانکی، مساله دیگری که اقتصاد کشور بسیار گرفتار آن شده و همه به وجود این مساله واقف هستیم، بحران بانک‌ها است. به طور قطع می‌توان ادعان داشت اکثریت بانک‌های کشور ورشکسته هستند. حیات فعلی بانک‌ها

ناشی از سپرده‌های مردمی با نرخ‌های مشخصی می‌شود؛ اما این روش حفظ حیات برای مدت زمانی محدود جواب‌گو خواهد بود. باید دید چرا بانک‌های ما دچار چنین مشکلی شده‌اند و راه کار حل این مشکل چیست، زمانی که بانک‌ها در حرکت بودند، نقش مهم و موثری در سرمایه‌گذاری ایفاء می‌کردند. طوری که ۹۰ درصد سرمایه‌گذاری ما با کمک و مساعدت بانک انجام گرفته است.

عدم شفافیت. اقتصاد ایران زیر لحاف پنهان است. برای ایجاد تغییر و رفع و رجوع این مسائل، قطعاً شفافیت لازم است. انتقال مبالغ نجومی و فساد اقتصادی موجود بدین معنی است که تحقیق و بررسی جامعی در این موضوع انجام نگرفته است. بی‌شک یکی از مواردی که می‌تواند کمک‌حال رشد اقتصادی باشد، روشن بودن عواید اقتصادی آن است. وقتی همه چیز در برده ابهام باشد همین وضعیت موجود خواهد بود. ما الان ۳۰ سال است که برنامه می‌نویسیم؛ اما وضعیت هر سال بدتر از سال قبل می‌شود. به یقین با این شرایط، چشم‌اندازی از منظر تولیدکننده برای آینده متصور نخواهد بود.

بحران عظیم بانکی نیز بی‌ربط به این عدم شفافیت نیست. مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌ها از افراد، مطالبات قابل توجه آن‌ها از دولت و به اضافه اینکه با توجه به اینکه فعال منابع آن‌ها محدود شده است و از سپرده‌ها استفاده می‌کنند. رقابت بین بانک‌ها برای جذب سپرده‌ها با بهره‌های آنچنانی نیز مطرح است؛ در نتیجه منابع بانک تحلیل‌رفته است. اعلام‌شده احتمال ورشکستگی چند بانک بزرگ کشور وجود دارد؛ اگر این اتفاق بیفتد تکلیف پول‌هایی که مردم به بانک‌ها سپرده‌اند و با آن ارتزاق می‌کنند و زندگی خود را می‌گذرانند چه می‌شود. پس ببینید فضا چقدر آلوده و ر و هم‌انگیز است. در این فضا قطعاً چشم‌انداز اقتصادی کشور تاریک خواهد بود. وقتی ۹۰ درصد تأمین سرمایه از طرف بانک‌ها بود و بانک به عنوان یک رکن اقتصادی قابل اعتماد در هر کشوری است، دچار چنین اضمحلالی شود، این اضمحلال به تمام بخش‌های اقتصادی تسری پیدا می‌کند؛ و همه مسائل را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

قاچاق و فریگی اقتصاد زیرزمینی. یکی از آفت‌های اقتصادی است. این قاچاق و این فریه شدن اقتصاد زیرزمینی به چه معنی است؟ یعنی بخش اعظم اقتصاد ما زیرزمینی است که برای آن مالیات پرداخت نمی‌شود؛ و دولت نمی‌تواند هیچ کنترل نظارتی بر این امر داشته باشد. این یکی از مسائل بسیار بسیار حساس و مهم اقتصاد کشور ما است و تا امروز هم هیچ کس جرات نکرده که در این باب حرکتی کند. این مساله آنقدر سازمان‌یافته و قوی شده که به این زودی هانمی‌توان آن را از بین برد. وقتی مالیات پرداخت نمی‌شود؛ در یک حجم بسیار بسیار سنگین، در واقع دولت مجبور است آن مالیات را از بخش خصوصی، از بخش‌هایی که توان پرداخت آن را دارند و زور دولت به آن‌ها می‌چربد، جبران کند. یکی از مسائل مهم ما در اقتصاد زیرزمینی این است که خیلی از واحدها اصلاً مالیات پرداخت نمی‌کنند و طبیعی است وقتی یک بنگاهی مالیات نمی‌دهد، با آن بنگاهی که تولید یکسان دارند ولی مالیات پرداخت می‌کند، قیمت تمام‌شده کاملاً متفاوتی خواهد داشت. در واقع این دو بنگاه با تولید یکسان از توان رقابتی یکسانی برخوردار نخواهند بود. هر سال که گذشته، وضع ما بدتر، بدتر و بدتر شده است. الان دیگر به پوست و استخوان رسیده است؛ و این اقتصاد زیرزمینی عارضه مزمن اقتصاد ما است. مهم‌ترین مشکل اقتصاد ما است.

انرژی. مساله خیلی مهم‌تر در اقتصاد ما، مساله انرژی است. می‌دانید که ما تا خرخره آلوده نفت هستیم. این نفت است که کشور را می‌گرداند؛ و دولت به واسطه همین نفت‌فروشی خود فریه شده است؛ و متأسفانه اینقدر این وابستگی به نفت در اقتصاد ما عمیق است که با یک بحران جهانی و با نزول قیمت نفت، تمام ابعاد اقتصادی ما

دچار بحران می‌شود. اقتصاد ما اقتصاد سالمی نیست. مادر اقتصاد کمک‌فکر نداریم که بالانس کند.

خصوصی‌سازی. دولت ما بعد از انقلاب، سیاست تقریباً نیمه سوسیالیستی را اتخاذ کرد. بدبینی مفرطی به سرمایه وجود داشت، به عبارتی سرمایه‌گذار را زالوصفت می‌دانستند؛ اما بعداً سرمایه‌گذاری را به عنوان اهرم توسعه کشور شناختند. در واقع جامعه متوجه شد که سرمایه، مولد توسعه اقتصادی کشور است. کارخانجات و فعالان صنعتی از جمله ماشین‌سازی و تمام واحدهای سنگینی که در منطقه قرامک وجود دارد با مشکل مواجه هستند. مسائل پیش روی خصوصی‌سازی باید به طور دقیق بررسی شود. اقتصاد ما بدون عارضه‌یابی، بدون آنالیز واقعا جانانه و غیرمترعارف راه به جایی نمی‌برد.

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، اقتصاد در تمام دنیا شفاف است. تا زمانی که اقتصاد زیر لحاف باشد نباید به تغییری امیدوار بود. بنده اعتقادی به عملی شدن وعده‌های وزیر اقتصاد ندارم؛ نه به خاطر اینکه ایشان حسن نیت نداشته باشند، بلکه به این دلیل که مشکلات عمیق هستند و از پیش رو برداشتن آن کاری است دشوار. تنها با شفافیت است که تغییر قابل حصول خواهد بود.

به عنوان مثال پرداخت پاره‌نقدی به مردم کاملاً مخالف حمایت از تولید است. این پول دردی از مردم دوا نمی‌کند؛ امامی‌تواند به حرکت چرخ‌های تولید کشور کمک کند. اصل ۴۴ مربوط به خصوصی‌سازی اجرای موفقیت نداشت. در واقع شبه‌دولتی‌ها اقتصاد را تصاحب کردند. نام آن را گذاشتند خصولتی. این‌ها همه هزینه است که مردم ما متحمل می‌شوند. به هیچ عنوان این خصوصی‌سازی نیست. همین اجرای ضعیف اصل ۴۴ باعث شده تا خصوصی‌سازی به عنوان یک چالش بسیار عظیم در اقتصاد مطرح شود.

تورم. خوشبختانه تلاش دولت قبلی موثر بود و تورم ۴۰ درصدی تک‌رقمی شده؛ اما باز هم افزایش قیمت‌ها را شاهد بوده‌ایم و پیش‌بینی می‌شود تورم دوباره اوج خواهد گرفت و این مردم هستند که باید تاوان آن را پرداخت کنند. چرا که راه حل اساسی و ریشه‌ای اعمال نمی‌شود.

مسائل دیگری هم از جمله مساله بودجه دولت و مساله حجم بالای بدهی‌های دولت مطرح است. دولت به بانک‌ها و هم‌چنین به پیمانکاران بخش خصوصی بدهکار است. این بدهکاری دولت به پیمانکاران بخش خصوصی، توان این بخش را از بین برده است. منابع آن‌ها دست دولت است و دیگر برای کار جدید توانایی ندارند. دولت قصد پرداخت بدهی به صورت اوراق قرضه دارد؛ در حالی که اوراق قرضه دردی از پیمانکاران بخش خصوصی دوا نمی‌کند؛ چرا که اکثر آنها مصالح فروش، کارگر و ماشین‌آلات بدهکار هستند. در نتیجه پیمانکاری که توان کاری قابل توجهی داشت، به واسطه عدم حصول طلب خود، تاحدی گرفتار شده که به از دست دادن منابع او منجر شده است. یا اینکه دولت به بانک مرکزی بدهکار است و این موضوع برای اقتصاد یک کشور بسیار خطرناک است.

بحران صندوق‌های بازنشستگی. اکنون اکثر صندوق‌های بازنشستگی که امید و آینده بازنشستگانی است که یک عمر با شرافت کار کرده‌اند، ورشکسته هستند. سوءمدیریت باعث از بین رفتن منابع شده است؛ و متأسفانه معلوم نیست این مسائل به دست چه کسی یا نهاد و سازمانی حل خواهد شد.

موارد مطرح شده تنها بخشی از شرایط و وضعیتی است که امروز بر فضای اقتصادی ما حاکم است. هر چقدر هم بخواهیم خوش‌بینانه نگاه کنیم، نمی‌توانیم واقعیت‌ها را نادیده بگیریم. در حال حاضر همه تحلیل‌گر خوبی هستیم، حتی وزیران کشور هم نقدهای قوی‌تری و سنگین‌تری از مسائل ارائه می‌کنند؛ اما آیا برای برون‌رفت از این مسائل راهی وجود دارد؟ متأسفانه اکنون همه در مقام نقادی و تحلیل مسائل هستیم.

تولید با توسعه آمیخته است. باید به روزرسانی صورت گیرد. اگر در همان تکنولوژی ۵ سال گذشته بماند، مرگ آن تولید حتمی است؛ اما این حرکت و توسعه در تولید، نیازمند منابع و امکانات است. از همین رو است که دولت قصد دارد از رقمی را از صندوق توسعه ملی برای جایگزینی ماشین‌آلات فرسوده با تکنولوژی جدید تخصیص دهد. متأسفانه اکثر ظرفیت تولید کشور از گردونه خارج می‌شود.

در ادامه برای برون‌رفت از مسائل بیان شده به چند توصیه اشاره می‌شود:

اول؛ سیاست‌گذاری صریح و شفاف برای رفع تعارض منابع، مبارزه گسترده با فساد تکلیف اول است. باید واقع‌بینانه، صریح و شفاف عمل کنیم. شهرداری که ادعا می‌کند در یک فرصت شش ماهه می‌تواند بر مساله آلودگی هوا و ترافیک تهران چیره شود، ادعای او در سطح شعار است و به‌بدر شدن وضع منجر خواهد شد.

دوم؛ بدون تعامل با جهان در پله خود اسیر خواهیم بود. امروز در دنیا تمام ملت‌ها در پی تعامل با دوستان خود هستند. تعامل با دوستان به عنوان یک اصل مطرح است. همانطور که همه دوست دارند به فروشگاه‌های مراجعه کنند که با او دوست و آشنا هستند. این اصل به مساله تولیدکننده تبدیل شده است. ما به عنوان صادرکننده ارج و قربی که چند سال گذشته داشتیم، اکنون از دست داده‌ایم. این امر عدم همکاری کشورهای مختلف را باعث شده است. دنیا دوست دارد با دوستان خود معامله کند. تفسیر تعامل با جهان در کشور ما دچار مشکل شده است. باید به دنبال حل تضادهای موجود در جامعه باشیم.

سوم؛ دولت یک بار برای همیشه باید تصمیم درست را در رابطه با حوزه‌های مورد دخالت خود مشخص کند. باید به طور شفاف اعلام کند که در چه موضوعاتی قصد و توان ورود دارد. اقتصاد ما آنقدر غیرشفاف است که حتی افراد اقتصادی هم نامحرم هستند. اگر داین چند سال بعد از انقلاب هم به جایی نرسیده‌ایم، دلیل آن چیزی جز عدم شفافیت اقتصادی نیست.

چهارم؛ فعالان اقتصادی باید اطمینان پیدا کنند که به حقوق مالکیت آن‌ها احترام گذاشته خواهد شد و آن‌ها حق تولید ثروت قانونی را برای همیشه خواهند داشت. این موضوع را کسی منکر نیست و در قانون اساسی هم آمده است؛ اما در عمل آیا این چنین است. میزان اختیارات کارگر و کارفرما در عمل به هیچ عنوان حمایت‌گر تولید نیست. در عمل به بسیاری از تعارض‌ها می‌رسیم. بنده در حال حاضر در سه واحد تولیدی فعالیت دارم، حتی یک ریال هم بدهی بانکی ندارم اما عاجز شده‌ام و هر لحظه به اتمام کار فکر می‌کنم. با شرایط حاکم ادامه کار سخت و غیرممکن است. یک نمونه خیلی کوچک اینکه طبق قانون، قبل از قطع برق واحد باید تا سه مرتبه اطلاع داده شود؛ اما بدون اطلاع، اقدام به قطع برق واحد تولیدی می‌کنند. مراجعه به هر کدام از مسئولین از جمله استاندار و فرماندار برای حل مسائل نیز تأثیری ندارد. آیا این حمایت از تولید است؟ متأسفانه همه شعار می‌دهند و کسی اهل عمل نیست. این اقتصاد، الکن است.

پنجم؛ رقابتی کردن اقتصاد کشور از جمله راه کارهای نجات اقتصاد است. باید انحصار را برچینیم و رقابت را جایگزین کنیم. این‌ها فرمول‌هایی هستند که همه می‌دانند. با برداشتن انحصار، رقابت رایج خواهد شد.

ما تولیدکننده‌ها اکنون با چشم‌انداز بدبینی به مسائل نگاه می‌کنیم؛ و به نظر من در واقع ما در ست‌بین هستیم. علت آن این است که زمانی اسم آن را می‌توان بدبینی گذاشت که چشم‌انداز قابل توجهی پیش روی باشد، بگویند چرا اینقدر بدبین هستید. چرا این همه مظاهر خوب اقتصاد کشور را نمی‌بینید. اگر کسی خلاف‌مسائلی که مطرح شد را سراغ دارد، توضیح دهد تا مانیز بدانیم. البته در این نوشته فقط به بخشی از مسائل تولید و اقتصاد کشور اشاره شد.



نمای داناو در حاشیه دریاچه ارومیه در عصر قاجار

کشتی‌های یک دریاچه

نگاهی کوتاه به کشتیرانی بر روی دریاچه ارومیه در عصر قاجار

محمدسعید کرمزاده

اقتصادی خود را داشتند، تابعیت دولت روس را پذیرفته بود. از این روی در ابتدا فعالیت او در کشتیرانی دریاچه ارومیه مورد حمایت دولت روسیه قرار گرفت اما پس از آنکه عزم دولت روسیه برای در اختیار گرفتن امتیاز راه تبریز-جلفا و نیز کشتیرانی بر روی دریاچه ارومیه جدی شد، عملاً او را مانعی بر سر راه خود می‌دید. با مخالفت‌های دولت‌های روسیه و البته ایران با این قرارداد، امامقلی میرزا برای حفظ امتیاز خود و بوداغبانسان برای حفظ سرمایه‌گذاری خود در میان کشمکش‌های ایجاد شده، تلاش بسیاری کردند.

در جریان جنگ جهانی اول کشتی‌های موجود در دریاچه در اختیار ارتش روسیه قرار گرفت و آن‌ها نیز با افزایش تعداد کشتی‌ها به حمل‌ونقل در اختیار خود رونق بیشتری دادند. کشتی‌های امامقلی میرزا و بوداغبانسان عملاً توقیف شد. پس از جنگ نیز عملاً بخش قابل‌توجهی از شناورهای دریاچه ارومیه در اختیار کمپانی راه‌آهن قرار گرفت. با کاسته شدن از نفوذ امامقلی میرزا بوداغبانسان در تلاش برای حفظ باقیمانده سرمایه‌گذاری خود در کشتیرانی دریاچه ارومیه با کمپانی انگلیسی استونس مشارکت نمود تا شاید بتواند راه نجاتی برای فعالیت‌های تجاری او در دریاچه باشد؛ اما دولت ایران که سال‌ها بود به دنبال بهره‌برداری رسمی از دریاچه ارومیه بود به جد به دنبال استیفای حقوق خود بود.

در نهایت قانون اجازه خریداری مایملک بوداغبانسان و استونس در دریاچه ارومیه در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۰۳ متن خورشیدی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. متن این ماده واحد به شرح زیر است:

ماده واحد - مجلس شورای ملی به وزارت مالیه اجازه می‌دهد کشتی‌ها و کاروانسرا و مایملک دیگر بوداغبانسان و استونس را در دریاچه ارومیه به مبلغ سیصد و بیست هزار تومان خریداری نماید.

تبصره - دعای موجوده بین ورثه امامقلی میرزا و بوداغبانسان را دولت در ضمن این معامله خاتمه می‌دهد.

این پایانی بود بر تلاش‌های خصوصی در کشتیرانی دریاچه ارومیه و پس از آن این پهنه آبی به‌طور رسمی در اختیار دولت ایران قرار گرفت.

امتیاز راه تهران-تبریز-جلفا و تبریز-بایزید (در مرز عثمانی) شامل انحصار کشتیرانی دریاچه ارومیه نیز می‌شد. این امتیاز با وجود ویژگی‌های جذاب اقتصادی و علیرغم پیشنهاد‌های متعددی که برای اجرای آن مطرح می‌شد تا سال‌ها به کسی واگذار نشد و این پروژه به اجرا در نیامد تا باعث شود حق کشتیرانی به‌طور مجزا از امتیاز راه، همچنان مورد توجه باشد. دولت روسیه توجه ویژه‌ای به دریاچه ارومیه پیدا کرده بود و درصدد دستیابی به آن امتیاز بود. به همین جهت در سال ۱۲۸۴ خورشیدی انتقال نخستین کشتی بخار امامقلی میرزا که از اروپا خریداری شده بود و باید از راه روسیه به دریاچه ارومیه مارسید، با ممانعت روس‌ها به‌سختی افتاد تا با وساطت دولت ایران موفق به ورود آن به دریاچه شود. پس از آن بود که با این کشتی بخار و ۸ کشتی بادبانی دیگر، کشتیرانی و حمل‌ونقل بر روی دریاچه ارومیه رونق گرفت.

در سال‌های انقلاب مشروطه و پس از آن تا وقوع جنگ جهانی اول، با نزدیک شدن و نفوذ دولت‌های بیگانه به مرزهای کشور، دریاچه ارومیه و کشتیرانی بر روی آن بیش از آنکه جنبه تجاری و بازرگانی داشته باشد، جنبه سیاسی و نظامی یافت. حملات مکرر ارتش‌های روسیه و عثمانی به خاک آذربایجان و اشغال طولانی مدت بخش‌های عمده این ایالت توسط روسیه از یک سو؛ و نزدیک شدن دولت آلمان که امتیاز راه‌آهن بغداد را در دست داشت تا نزدیکی مرزهای آذربایجان و رقابت و حضور همیشگی بریتانیا در این منطقه از سوی دیگر باعث شد تا مدت‌ها مناقشه بر سر کشتیرانی دریاچه ارومیه درگیرد.

در سال ۱۲۹۰ خورشیدی امام قلی میرزا در حالی که آذربایجان در اشغال ارتش روس بود، حق کشتیرانی بر روی دریاچه ارومیه را به مدت ۱۰ سال به جبرائیل بوداغبانسان از تجار صاحب نفوذ آذربایجان به اجاره داد و کشتی‌های خود را در اختیار او گذاشت. بوداغبانسان که از ارمنه سلماس بود در تبریز علاوه بر فعالیت‌های بازرگانی خود اقدام به تأسیس بانک بوداغبانسان به‌عنوان نخستین بانک خصوصی ایرانی نموده بود. او همچون بسیاری دیگر از تجار منطقه که در شرایط آشفته ناشی از اشغال نظامی روس قصد حفظ فعالیت

دریاچه ارومیه با گستره‌ای بیش از پنج هزار کیلومتر مربع در میانه ایالت آذربایجان همیشه موقعیتی ویژه در ارتباطات محلی داشته است. قرار گرفتن این دریاچه در بین شهرهای مهم ارومیه، مراغه، تبریز و اردبیل از دیرباز بر مناسبات بازرگانی این شهرها تأثیر گزار بوده است. همچنین موقعیت آن در نزدیکی مرزهای ایران با روسیه و عثمانی، در دوره قاجار از لحاظ نظامی نیز موقعیتی استراتژیک به آن بخشیده بود. با این وجود رفت‌وآمد بر این پهنه آبی هیچ‌گاه آرام و بی‌دردسر نبوده و مورد مناقشه‌های بسیاری بوده است.

تا پیش از آنکه نخستین شناورهای ابتدایی را فرزند فتحعلی‌شاه در این دریاچه به آب اندازد تنها زورق‌های محلی روستائیان حاشیه آن بود که رفت‌وآمد بر روی آن را تسهیل می‌کرد. ملک قاسم میرزا که از شاهزادگان تحصیل کرده قاجار به شمار می‌رفت به‌عنوان حاکم ارومیه گماشته شد، در دهه ۱۲۱۰ خورشیدی انحصار کشتیرانی در دریاچه ارومیه را به‌عنوان تیول خود از محمدشاه دریافت کرد. با استخدام صنعتگران روس نخستین کشتی‌ها را در روستای شیشوان ساخت و برای حمل مال‌التجاره شهرهای مجاور دریاچه ارومیه به آب انداخت. از آنجا که این کشتی‌های بادبانی برای جابجایی همواره نیازمند وزیدن بادهای موافق بودند، رفت‌وآمد آن‌ها به‌طور منظم صورت نمی‌گرفت. آرزوی به آب انداختن یک کشتی بخار از سوی ملک قاسم میرزا در زمان حیات او عملی نشد.

پس از مرگ او فرزندش امامقلی میرزا که همچون پدر بخش‌های بزرگی از آذربایجان را در اختیار داشت و حاکم مراغه به شمار می‌رفت، از حق کشتیرانی بر روی دریاچه ارومیه بهره برد اما به‌عنوان مستاجر دولت ایران مبالغی را سالانه به دولت پرداخت می‌کرد. تا سال‌های ۱۲۷۰ خورشیدی اوبا استفاده از همین حق انحصاری خود مانع از فعالیت دیگران در کشتیرانی بر روی این دریاچه شد اما دریاچه ارومیه در بین امتیازات انحصاری متعددی که در آن عصر اعطا می‌شد مورد توجه بسیاری بود.

نگرشی دیگر به خلاقیت و توسعه اقتصادی

گزارش سخنرانی دکتر محمود متوسلی، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران برگزار شده در تاریخ ۲۹ شهریور ماه در تالار خاقانی خانه فرهنگ تبریز



تنظیم گزارش: اکرم اکبری

ارائه شد. هر دوی این مقاله‌ها به یک نتیجه واحدی رسیدند و آن هم فرمول $G=S/C$ می‌باشد. به عبارتی با چه نرخ پس اندازی و با چه ضریب سرمایه‌ای، رشد ۵ درصدی قابل حصول است. به عنوان مثال، با ضریب سرمایه ۳ یا ضریب سرمایه ۴. اصلاً فرض کنیم نرخ پس انداز هم مشخص بود و میزان بودجه مورد نیاز برای رسیدن به رشد معین مورد سوال بود. این کاملاً برای همه معلوم است و به عبارتی همان قواعدی است که در جامعه حاکم است. فرضاً به سازمان برنامه در تبریز اعلام می‌شود برنامه‌های مشخصی را طبق توضیحات این سازمان انجام دهند. نکته اصلی من این است که چرا اینگونه باید مطرح کنیم. آدام اسمیت، پدر علم اقتصاد و بنیان‌گذار مکتب اقتصادی کلاسیک، ذهنیت او عینی‌گرایی است و آنچه که در مورد انسان و رفتار انسانی و سرمایه‌گذاری دیده می‌شود، همگی نشان‌دهنده رابطه انسان با طبیعت است. دقت کنید عینیت‌گرایی به عنوان اصل مطلب و در معنی حاکمیت قوانین طبیعی مطرح است.

حاکمیت قوانین طبیعی به جمادات، حیوان و گیاهان مربوط می‌شود و قواعد در چارچوب عینیت‌گرایی ارائه می‌شوند. اما آیا هم سطح قلمداد کردن انسان با سطوح پایین همچون جماد و حیوان و گیاه درست است؛ انگونه که انسان اراده‌ای از خود نداشته باشد. به عبارتی اگر تنها نیروهای طبیعی مورد توجه هستند، پس جای اراده انسانی کجاست. این اولین سوالی است که بنیان‌گذاران مکتب اتریش مطرح کردند. البته این بدین معنی نیست که قبل از این مکتب این موضوع مطرح نشده باشد. اتفاقاً تمام این مباحث در مکاتب و فلاسفه پیشین وجود داشته اما در مکتب اتریش در قالب تئوری و به صورت اقتصادی مطرح شد. منکر بنیان مکتب اتریش را بر اساس فلسفه بنا نهاد و سیستم ارگانیکی در این مکتب پدید آورد. به قول خودشان، یک انقلاب

هم‌چنین علوم عصبی‌شناسی مطرح می‌شوند (کتابی نیز در این زمینه تحت عنوان اقتصاد عصب‌شناختی دکتر محمود متوسلی در دست انتشار است). اندکی نیز به فلسفه خود کانت می‌پردازیم که به چیستی مغز اشاره می‌کند. نحوه دریافت مطلب، فرآیند فهم آن و مراحل بعدی رایت می‌کند. اینکه هر کدام از مادر مغز خود چه داریم. به اعتقاد کانت هر فرد در ذهن خود جهانی دارد که مولانا نیز به جام جهان‌نمای وجود اشاره داشته است. این موارد را امروز علوم شناختی به ما نشان می‌دهند. از نظر کانت ما موجودات مقید و محدود هستیم. مقید بدین معنا که به عنوان مثال قدرت احساسات ما از برخی از جانوان و حیوانات کم‌تر است. چشم ما قدرت دید خاصی دارد، گوش ما فقط قادر به شنیدن فرکانس‌های است. به عبارتی ما محدود به احساسات خود هستیم و عقل نیز به همین شکل دارای محدودیت است؛ بحث آن در مجال این جلسه نیست.

در ادامه برای شروع بحث توسعه باید به موضوع آزادی بپردازیم. بنیان آزادی را می‌توان در رنسانس مشاهده کرد؛ زمانی که عقل آزاد می‌شود و زمانی که اذهان فراغت پیدا می‌کنند. می‌توان ادعا کرد که کانت بنیانی‌ترین اصول در ارتباط با آزادی را بیان نموده و در واقع یک جامعیت کاملی از آزادی ارائه کرده است. در این رابطه خوب است به اقدامات سازمان برنامه و بودجه یا سایر سازمان‌ها توجه کنیم. به موقعیت کنونی دقت کنیم. به عبارتی، شاید این یک هشدار یا تلنگر برای شخص خود ما باشد که بدانیم که هستیم؟ چه وظیفه‌ای داریم؟ وظیفه حرفه‌ای ما چیست؟ پیشنهاد می‌کنم برای دانستن هر مطلبی به اصل آن مطلب مراجعه کنید. بنده دو مقاله ابتدایی کتاب اقتصاد کلان پیشرفته را در مورد تئوری رشد بودند مطالعه کردم که در ادامه آن‌ها فرمول هارود-دومار

برای شروع بحث در مورد توسعه، ابتدا لازم است به صورت اجمالی مروری بر تاریخ داشته باشیم. تئوری‌های مربوط به توسعه کدام‌ها بودند و چه انگاره‌ها یا به عبارتی، چه اصول مسلمی در پس این تئوری‌ها نهفته است. چرا که همین انگاره‌ها و اصول مسلم هستند که منجر به ایجاد مکاتب می‌شوند. به عبارت دیگر، با پیش‌فرض‌ها، پیش‌انگاره‌ها و با فلسفه و ارزش‌های ذهنی آن اندیشمندان است که مکتب پایه‌گذاری می‌شود. و در ادامه مکاتب، تئوری‌ها خلق می‌شوند و از تئوری‌ها نیز سیاست‌ها به دست می‌آیند و از سیاست، عملکرد اقتصادی پدید می‌آید. متأسفانه اغلب ما قالب زده شده‌ایم. به عنوان مثال؛ زمانی که در مورد تورم بحث می‌شود، دانشجویان می‌گویند عملکرد اقتصاد بد است و بلافاصله شروع به ارائه توضیح در ارتباط با پول و یا تئوری کمی پول می‌کنند. این توصیه‌ها از همان تئوری‌ها سرچشمه می‌گیرند. و منشاء تئوری‌ها مکاتب هستند و نوکلاسیک نیز مکتب مرسوم است. باید نسبت به بنیان فلسفی مکتب شناخت پیدا کرد. بنابراین، باید به انگاره‌ها توجه کرد و اینکه تغییر انگاره‌ها منجر به چه تغییراتی می‌شوند. سپس با مثالی از داگلاس نورث برنده جایزه نوبل، به نظر ایشان نسبت به عملکرد اقتصادی یا توسعه اقتصادی می‌پردازیم. اینکه اساس توسعه چیست. او در آخرین مقالات خود به ذهن اشاره می‌کند. اینکه هر چه داریم مربوط به ذهن ما است و جهان ما در جهان ذهن خلاصه می‌شود. بحث اساسی داگلاس نورث این است که جهان ذهن را چگونه باید ساخت تا به دید متفاوت نسبت به جامعه منجر شود. در ادامه همین بحث است که بحث‌های عمیق علوم شناختی و

کوپرنیکی صورت گرفت. فرضا برای تعیین قیمت یک کالا آیا بر اساس قیمت عوامل تولید باید عمل شود یا بالعکس. عکس آنچه که رایج است، در واقع تولیدکننده از ذهن خریدار به نتیجه می‌رسد؛ اینکه محصول نهایی برای مصرف‌کننده چقدر ارزش دارد و بر اساس همین ارزش نیز اقدام به تهیه عوامل تولید می‌کند. ممکن است کالایی برای فردی ارزشی معادل ۱۰۰ دلار داشته باشد اما برای فردی دیگر نهایتاً ۵ دلار ارزش داشته باشد. در واقع ارزش کالا را ذهن است که انتخاب می‌کند نه عوامل تولید. به عبارتی تولیدکننده با آگاهی از ارزش ذهنی مصرف‌کننده، اقدام به تامین عوامل تولید می‌کند. بنابراین این ارزش ذهنی است که به عینیت می‌رسد. ما دارای ارجحیت‌های ذهنی هستیم و این ارجحیت‌های ذهنی هستند که منجر به انتخاب می‌شوند نه عکس آن.

علم در حال تکامل است و کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها پایه‌های اصلی را بنا نهادند. در پی زحماتی که داشتند توانستند دستاوردهای فوق‌العاده‌ای به جا بگذارند. اما باید پیش‌رفت‌ولی باید جلو برویم. زمانی بحث ذهنیت‌گرایی پیش می‌آید، در مباحث و تئوری‌های مختلف تغییرات اساسی ایجاد می‌شود و توصیه‌های سیاستی هم ارائه می‌شود. اگر کسی به دنبال ایجاد مکتب و در نتیجه تئوری جدید برای کشور خود باشد، ضرورتاً می‌بایست از مرز مکاتب بگذرد. لازمه تئوری جدید، گذر از مرز دانش است. در این راه باید مکاتب را با تمام بنیان‌های آن‌ها بخواند و تسلط داشته باشد. و یک قدم پیش‌رفته و قادر باشد چیزی به آن اضافه کند. اقتصاد اسلامی نیز در این حالت است که می‌تواند ادعا داشته باشد حرفی برای گفتن دارد. به عبارتی مکاتب را کامل پیش‌روند و فرضا بر اساس بنیان فلسفی حرکت جوهری ملاصدرا، در بنیان‌های تئوریک تغییر ایجاد کنند. یا شرایط و اقتضانات کشور را به عنوان فروض در مدل‌ها قرار دهند تا منجر به تغییراتی از جمله توسعه عدالت و رفاه شوند. یا به این نتیجه برسند که مطلوبیت صرفاً در رفاه خلاصه نمی‌شود. به عنوان مثال ببینید کانت در رابطه با همین رضایت و مطلوبیت چگونه اعلام نظر می‌کند. کانت می‌گوید حتی شما گاهی اوقات برای به دست آوردن کالایی رنج می‌برید، اما به رضایت می‌رسید و این کالای شما دارای مطلوبیت است.

از نظر داگلاس نورث عملکرد اقتصادی از باورهای شخصی نشات می‌گیرد و سپس این باور شخصی به صورت یک باور جمعی یا همان خرد متعارف (باوری که اشتراک پیدا می‌کند) نمایان می‌شود. به عبارتی، هر کس دارای مدل ذهنی مختص به خود است و اگر آن را به اشتراک بگذارد منجر به یک مدل ذهنی مشترک می‌شود. مطابق نظر داگلاس نورث، اگر قصد ایجاد تغییر در عملکرد اقتصادی داشته باشید، یا در واقع اگر به فکر رشد و توسعه هستید، ابتدا باید به تغییر باورها اندیشه کنید. اگر موفق به ایجاد تغییر در باورها شدید و این تغییر، منجر به یک باور جمعی شد، هر سیاستی که مد نظر داشته باشید اجرا خواهد شد. چرا که دیگر جریان از بالا به پایین نیست و این حس خود مردم است که وارد عمل شده است.

یادگیری منجر به تغییر باورها می‌شود. هر چه این جعبه ذهن را با فایل‌های بیشتر انباشت کنیم و آن را تنوع ببخشیم، جهان را بهتر، عمیق‌تر و واقعی‌تر می‌بینیم. اینکه فکر کنیم در ذهن چه می‌تواند باشد، تازه در ابتدای علوم شناختی قرار گرفته‌ایم. انسان درون خود بذرهایی مختلفی دارد. در این میان بذرهایی هستند که تحت عنوان بذرهایی اصلح

شناخته می‌شوند. اصلح به چه معنا؟ فرضا کودکی را می‌بینید که از همان سن پایین بازیهای ویژه در خودش دارد. یا شما نمی‌توانید هر کسی را شاعر بسازید. می‌توانید تکنیک میوزیسین شدن را به افراد یاد دهید، اما این طور نیست که تمام این افراد حتماً میوزیسین شوند. بلکه این «شدن» در بطن وجود فرد است. معمولاً گاهی این نوع هنرها زایل می‌شوند و شاید تمام حرفه‌ها این ویژگی را داشته باشند. لذا افراد باید با توجه به بذرهایی که دارند در نظر گرفته شوند. اینکه هر بذری در شرایط خاص خود امکان کشت و رشد خواهد داشت. باید زمین مناسبی در نظر گرفته شود و به طور کلی باید به ماهیت و طبیعت کشت بذر توجه شود. گندم و کاکتوس هر کدام زمین و شرایط آب و هوایی ویژه‌ای را می‌طلبند. حال در نظر بگیرید بذر میلیاردها نوعی که در ذهن نهفته است. جای تامل دارد که برای رشد این بذرها، بخصوص برای رشد بذر اصلح چه باید کرد.

به عنوان مثال روش برخورد با بذرها، به ویژه بذرهایی اصلح در ژاپن به این صورت است که سیستم آموزشی این کشور معلم جداگانه برای حوزه‌های مختلف موسیقی، هنر و سایر حوزه‌ها در نظر گرفته است. یا برای آموزش یک رشته خاص ورزشی، معلم متخصص وجود دارد. در واقع ژاپنی‌ها به صورت کاربردی عمل می‌کنند. فرضا در رشته ورزش، معلم استعداد دانش‌آموزان را شناسایی و از بین آن‌ها گزینش می‌کند. سپس این دانش‌آموزان منتخب برای بازی‌های جدید آماده می‌شوند و مجدداً از بین آن‌ها، گزینش صورت می‌گیرد. در واقع، بذر اصلح در ورزش را از طبیعت و ماهیت وجود خود دانش‌آموز گرفته و قصد تربیت آن را دارد. این روش ژاپنی‌ها با نحوه برخورد ما با کودکان بسیار متفاوت است. اینکه پدری دوست دارد فرزند او پزشک شود. شاید هم بذر آن در نهاد فرزند وجود داشته باشد اما غافل از اینکه امکان دارد اصلح نباشد. ممکن است به جای پزشک شدن، نقاش خوبی شود. مسئولیت شناسایی استعداد هم با والدین، معلمان و خود فرد است.

لازمه کشت و رشد بذر اصلح، فرهنگ است. قبل از انقلاب صنعتی، کسی را که یک هنر بلد بود، می‌گفتند فرهنگی است؛ دارای فرهنگ است. پس برای بذر اصلح، برای آنچه که در وجود و ماهیت است، بایستی محیط پرورشی خلق شود تا این بذر طبیعی موجود در

وجود، تقویت گردد. با در نظر گرفتن این اصول، دقت کنیم ببینیم آموزش و پرورش ما به کجا می‌رود. ۴۰ دانش‌آموز را از همان ابتدای آموزش کنار هم جمع و اقدام به آموزش می‌کنیم. مغز و ذهن باهم تفاوت دارند. آنچه که امروز بیشتر در علوم اعصاب انجام می‌گیرند، عصب‌شناسی یا زیست‌شناسی اعصاب است. بدین معنی که هر فعالیتی شما انجام می‌دهید، چه تأثیری در کجای مغز می‌گذارد. اندرین در کتاب خود بیان می‌کند زمان دانشجویی سوالی کردم که توسط اطرافیان مورد تمسخر قرار گرفتیم. پرسیدم مغز چگونه عمل فکر کردن را انجام می‌دهد؟ اندرین بعدها با مطالعاتی که انجام داد به این نتیجه رسید که در مغز ما بخش خاکستری رنگی وجود دارد که حداقل ۱۰ الی ۱۶ سیناپس قرار دارد. منظور از سیناپس چیست. تعداد کلماتی که می‌توان با ۳۲ حرف به وجود آورد را در نظر بگیرید. حال فرض کنید تعداد ۱۰۱۶ حرف در اختیار دارید. این همان ظرفیت مغز انسان است. انصاف نیست از وجود چنین ظرفیتی آگاه نبود و از آن بهره‌مند نشد. با این تفاسیر، عدم شناخت درست از خود، ظلم بزرگی به خود است. ما تاکنون نه تنها از وجود ظرفیت‌های خود و نحوه استفاده از آن غافل بوده‌ایم بلکه در حق فرزندان خود نیز ظلم می‌کنیم.

بر اساس گفته‌های کانت، این گونه تصور می‌کنیم که قوه‌ای به نام قوه فاهمه مفهوم را دریافت و اقدام به پردازش آن می‌کند و تنها بخشی از آن را که تجربه ذهنی می‌شود، ذخیره می‌کند. بعد از ذخیره‌سازی قوه‌های ذوق و قریحه، قضاوت و داوری وجود دارند. در این میان قوه‌ای هم وجود دارد که همیشه کار می‌کند و برای برخی از افراد بیش از بقیه فعال است، قوه تخیل یا خیال‌پردازی نام دارد. این قوه اگر بیش از اندازه کار کند، تبدیل به توهم می‌شود و حتی شب موقع خواب هم فعال است. نظر علم نیز در این خصوص تا حدودی یکسان است. علم هم می‌گوید مطلبی توسط مغز دریافت و در قوه فاهمه پردازش می‌گردد. بخشی از این مطلب تجربه می‌شود و در ادامه ذخیره شخصیتی یا به عبارت بهتر، شخصیت وجودی می‌شود. منظور از ذخیره شخصیتی همانی است که در ذهن شما به صورت علم‌تشنشین و ماندگار شده است. این همان علمی است که غالباً در انجام کارهای روزمره به کار می‌آید؛ چرا که اراده در انجام این کارها دخالت ندارد.

دنیل کانمن، برنده جایزه نوبل در مطالعه خود مغز را در قالب دو سیستم معرفی می‌کند که برای سیستم یک، واژه خودکار (حسی؛ درک یا انتقال مستقیم) را به کار می‌برد. دقت کنید در این قسمت ما متوجه خواهیم شد که چه مطالبی را باید مورد مطالعه قرار داد. کانمن می‌گوید تا مطلبی به قوه ذوق و قریحه نرسد و تبدیل به خمیر شخصیتی یا به عبارتی ذخیره وجودی نشود، در عمل، کنش و رفتار تجلی پیدا نخواهد کرد. بدین معنی که اگر من یک انسان اصولی شدم، این امر در رفتار من نمایان می‌شود و اصول را رعایت می‌کنم. اگر یک انسان اصولی به عنوان مسافر سوار ماشینی بشود و راننده آن ماشین قصد اقدام خلاف مقررات داشته باشد همین انسان اصولی مانع خواهد شد. لذا پایش این انسان اصولی، وجود اوست. فرض کنید شخصی را که قصد دارد ورزش باله انجام دهد، هنگام انجام این کار به اراده خود رجوع نمی‌کند، چرا که به محض دخالت اراده دچار اشتباه خواهد شد و تعادل خود را از دست خواهد داد. باید با تمرین به صورت خودکار ظاهر شود. به عبارتی، برای فهم مطالب یا انجام هر کاری بارها و بارها باید مطالعه شود و تمرین و تکرار تا به فهم منجر شود و به قوه ذوق و قریحه برسد. تا علمی

تا زمانی که یک کشور، یک جامعه، یا یک خانواده به یک تربیتی دست نیابد، به یک نظم و نظام نرسد. هیچ کاری پیش نخواهد رفت. هیچ‌گاه بستن قرارداد بین کارگر و کارفرما بیان‌گر قدرت برابر این دو نیست. اما با ایجاد یک اتحادیه کارگری، قدرت کارگر و کارفرما در این توافق، برابر می‌شود.

آزاد باشد. این آزادی ذهن چه زمانی حاصل می‌شود؟ فرض کنید زمانی را که فردی زندگی معیشتی دارد (معلم است و بعد از معلمی نیز مسافرکشی می‌کند) تا زمانی که زندگی معیشتی شکسته نشود، این فرد در زندان خواهد بود. تا زمانی که انسان از نگرانی معیشتی خود خلاص نشود، اصلانمی‌تواند بالاتر رود، نمی‌تواند فکر کند. لذا برای توسعه اقتصادی بایستی فهم توسعه را در مردم ایجاد کرد.

یک اندیشمند چه زمانی آزاد می‌شود؟ زمانی که از یک مکتب بیرون بیاید و وارد مکتب دوم، سوم ... شود. چه ایرادی دارد ما نیز برای این کار ۱۰ سال وقت بگذارید. خلاصه از یک نقطه‌ای باید شروع کرد.

کامونز، مشاور دادگاه عالی آمریکا بود و کنوانسیون‌های مختلف کارگری، صنفی و غیره راه‌همراه قوانین آن شکل داد. بزرگ‌ترین فردی بود که به آمریکا و سرمایه‌داری

خدمت کرد. کامونز تمام معایب سرمایه‌داری را می‌گوید، اما اعلام می‌کند من برای ساختن آمده‌ام. انسان‌ها در تعامل خود ابتدا دارای تضاد هستند. سپس به تقابل می‌رسند و در نهایت این تضاد و تقابل به یک مسیر منتهی می‌شود. تا زمانی که یک کشور، یک جامعه، یا یک خانواده به یک ترتیبی دست نیابد، به یک نظم و نظام نرسد، هیچ کاری پیش نخواهد رفت. هیچ‌گاه بستن قرارداد بین کارگر و کارفرما بیان‌گر قدرت برابر این دو نیست. اما با ایجاد یک اتحادیه کارگری، قدرت کارگر و کارفرما در این توافق، برابر می‌شود. آمریکا دارای سه کانون قدرت است. اتحادیه کارگری، اتحادیه‌های صنفی و احزاب سیاسی قدرت. فرض کنید در کشورهایی همچون آمریکا و ژاپن تولیدکننده قدرت برابری با دولت دارد. در حالی که در ایران به این شکل نیست. چراکه رانت و وابستگی به درآمدهای نفتی باعث شده تا خلاقیت از بین رود. در نتیجه اتحادیه وجود ندارد و صنف به دولت وابسته است. مثالی در این موضوع این می‌تواند باشد که اگر پدری تصمیمی را به فرزند خود تحمیل کند، در واقع حق او را از بین برده و منجر به از بین رفتن خلاقیت فرزند شده است. درست که فرزند را کمک کند و راهنمای او باشد، اما در نهایت اتخاذ تصمیم و مسئولیت آن را به عهده خودش بگذارد.

همان‌طور که عنوان شد برای توسعه باید آزادی باشد. اشاره شد که شروع تمام نهضت‌ها با آزادی بوده است. تا ذهن آزاد نشود، نه تنها هنر بلکه اصلا خلقی وجود نخواهد داشت. ۷۰ سال از عمر اقتصاد در ایران گذشته است، اما هیچ تئوری در اقتصاد نداریم و تاکنون نظریه‌پردازی در اقتصاد صورت نگرفته است. این بدین معنی است که ایران هیچ سهمی در علم اقتصاد نداشته است. برای خلق نظریه، باید به بنیان‌های فلسفی مسلط بود.

تعداد سازمان‌هایی که برای فقرزدایی هستند را در نظر بگیرید. ببینید چند درصد از اقدامات فقرزدایی، در جهت رشد فکری و بذریه‌های اصلاح این افراد صورت می‌گیرد. از یکی از سازمان‌های حمایت از ایتم سوال کردم چند سال است که مسئول این سازمان هستید؟ گفتند ۱۵ سال. گفتیم اولین فردی که این سازمان مورد حمایت قرار داد، در حال حاضر کجاست؟ متأسفانه این نهادها و سازمان‌ها تنها کاری که می‌کنند این است که پول جمع می‌کنند و به تهیه غذا و لباس اختصاص می‌دهند. این عمل، عمل پسندیده‌ای است اما پایین‌ترین سطحی است که باید انجام شود. در واقع این فقط یک دوره گذر باید باشد. به عبارت بهتر، وظیفه اصلی این سازمان‌ها ایجاد تغییر است و باید به فکر پرورش بذریه‌های اصلاح باشند.



که انسان‌ها به این شعور اجتماعی رسیدند که قیام نمی‌خواهند؛ مدرنیسم همان است که می‌گوید کلیساها و پادشاهان هیچ برتری بر افراد عادی ندارند؛ اشراف و شاهزادگان ویا کاردینال‌ها همانند افراد عادی هستند. بنابراین انسان آزادی می‌شود. باید توجه داشت که بدون نهضت‌های آزادی، بدون رنسانس، بدون خلق انقلاب فکری فرهنگی، از توسعه خبری نبود.

ذهنیت‌گرایی می‌گوید انسان به دلیل انسان بودنش، دارای ماهیت ذهنی متفاوت است. وگرنه غرایز بین انسان‌ها و حیوانات مشترک است. پس تفاوت در چیست؟ تفاوت در این است که حیوانات کنترلی ندارد. در حالی که انسان دارای نیروی کنترل است. انسان کارها را بر اساس عقل انجام می‌دهد. کار شروع می‌شود، سپس تکرار و در نهایت تبدیل به روتین وجودی می‌شود. بنابراین، هر رفتار انسانی با یک ماهیت خاص شروع می‌شود. برای بررسی علمی این فرآیند باید ابزار مناسب آن را به کار گرفت. جایی که عینیت باشد، پیداست که تجربه هم وجود دارد؛ جایی که ذهن است و عقل، پیداست که منطق خالص وجود دارد.

جهش‌های ذهنی حالت‌های خاص خود را می‌طلبد. در یک حالت عادی که شما دارید فکر می‌کنید و عقل دخالت دارد، از جهش ذهنی خبری نیست. توصیه سیاستی این است که هر روز بخشی از وقت خود را برای آزادسازی ذهن بگذاریم. هر کسی ممکن است با یک روش خاصی این کار را انجام دهد؛ یکی با مدیتیشن، یکی با نماز خواندن، یکی با پیاده‌روی کردن، یکی با ماهیگیری و یا هر روش دیگری. با این فعالیت‌ها ذهن آرام می‌گیرد و البته این کار باید با استمرار همراه باشد. شیخ اشراق می‌گوید آنچه را از طریق عقل دریافتم با آنچه که از مکاشفات به دست آوردم، اصلا قابل مقایسه نیست. به نظر بنده نقطه آغاز توسعه اقتصادی از همین جاست؛ توسعه اقتصادی از همین خلق‌های ناب شروع می‌شود.

خلق‌های نابی که با الهام‌ها مرتبط هستند. الهام خاص پیامبر نیست. همه ما الهام می‌شویم. همان خواب‌های صادقه که در قرآن نیز اشاره شده است. چیزی که در خواب دیده می‌شود در واقعیت نیز حادث می‌شود. این بدین معنی است که ذهن جایی قرار می‌گیرد که در بند مکان و زمان نباشد، در واقع جنس ذهن همین است. ذهن پرواز می‌کند، می‌رود و آینده را می‌بیند. جنس ذهن علت نیست؛ بلکه علتی است که علت ندارد. علت‌العلل!

کانت می‌گوید ما برای آزادی خلق شده‌ایم. ایشان دو نوع آزادی اشاره می‌کنند: آزادی درونی یا آزادی ایجابی و آزادی سلبی. آزادی درونی یعنی ذهن باید

که یاد گرفته می‌شود، ذخیره خودکار وجودی ما شود. منظور از ذخیره وجودی این است که بدون اراده ظاهر شده و تجلی پیدا کند. برای مثال کانت که توانست دنیا را تغییر دهد و نهضت‌ها را پایه‌گذاری کند مگر بیش از یک انسان بود. تفاوت او با بقیه این بود که او فقط راه خود را فهمید و بعد هم طبیعت وجودی او با محیط بیرونی او سازگار شد.

و بر می‌گوید ما فقط آن چیزی را می‌بینیم که در ذهن خود تبدیل به ارزش کرده‌ایم و ذخیره شده است. به عنوان مثال، کسی که مارکسیست باشد همه چیز را با نگاه مارکسیستی می‌بیند. این از نظر و بر یک قاعده است. انسان با این وسعت و قدرت ذهنی خود قالب زده می‌شود. نباید اجازه داد تا دچار این قالب‌ها شد. سعی شما باید بر این باشد هنگام ورود به هر کاری، بذر خروج از آن را هم بکارید، به عبارت بهتر، باید ضمن تسلط بر آن کار مشخص باید مراقب قالب‌ها بود و سپس با خروج از آن کار، سراغ کارها و مطالعات و مکاتب دیگر رفت. بنده اذعان دارم رعایت این اصل قطعا به خلق ذهنی منجر خواهد شد. چراکه دیگر ذهن با یک فریم یا چارچوب مشخص با مسائل روبرو نمی‌شود.

حال به تعریف توسعه از شومپیتر می‌پردازیم. توسعه عبارت است از گذر از یک بردار هنجاری به بردار هنجاری دیگر. برای مثال، در رابطه با حرمت به قانون، زمانی تنبیه تنها دلیل احترام به قانون است. دموکراسی را مشارکت در رای دادن معنا می‌کنند. اما برای بدین تمام ابعاد دموکراسی، باید آن را به عنوان یک مکتب آزادی بخش و یک حرکت در نظر گرفت. این به معنای تجلی آرای مردم در تصمیمات سرنوشت‌ساز است. آیاتجلی آراء، اندیشه‌ها، خواسته‌های مردمی در تصمیمات سرنوشت‌ساز آن‌ها نمایان است. به عنوان مثال، چه زمانی دموکراسی در رابطه با اصناف رعایت شده است؟ زمانی که آن‌ها بتوانند آراء، اندیشه‌ها، تفکرات و خلاقیت‌های خود را در تصمیماتی که سرنوشت آن‌ها را می‌سازد، تأثیر دهند. در این صورت است می‌توان گفت دموکراسی اجرا شده و موفقیت حاصل شده است. زمانی که در فرانسه ماشین تراکتورها را در خیابان‌ها بردند، دولت نمایندگان مشخص کرد تا قوانین و مقرراتی را هماهنگ و سازگار با اصول ملی مصوب کردند. این یعنی دموکراسی.

اگر کمی عقب‌تر برگردیم ملاحظه می‌کنیم همه این اتفاقات دارای روند تاریخی هستند. کانت به مفهوم روشنگری و مدرنیسم می‌پردازد و مدرنیسم را در یک جمله خلاصه می‌کند. به اعتقاد کانت مدرنیسم یعنی اینکه انسان‌ها یاد گرفتند که می‌توانند سرنوشت خود را خودشان تعیین کنند. مدرنیسم همان است



کارآفرینی اجتماعی هدف یا مسیر؟

▲ **فائزه درخشانی**

مدیر موسسه کارآفرینی اجتماعی دستاوست

این روزها خیلی بیشتر از همیشه درباره «کارآفرینی اجتماعی» و «کسب و کار اجتماعی» می‌خوانیم. چند سال قبل، وقتی ما تازه می‌خواستیم کارمان را شروع کنیم این مفاهیم بین مردم و فعالین بسیار ناآشنا بودند. این اتفاق، اتفاق فرخنده‌ای است برای هر کسی که در این سرزمین زندگی می‌کند و دغدغه زندگی خوب برای مردمانش دارد.

اما عمومیت پیدا کردن هر مفهومی معمولاً با عارضه‌هایی همراه است. مفاهیم ناقص منتقل می‌شوند، به گونه‌ای که ظاهر و پوسته کار را همه می‌فهمند، اما ایده و فکری که باید پشت کار باشد فراموش می‌شود.

به همین خاطر فکر می‌کنم خوب باشد تمام کسانی که در این عرصه مشغول فعالیت هستند و دغدغه‌های اجتماعی، آن‌ها را به این راه کشانده است بیشتر و بیشتر در این باره بنویسند، شاید بتوان با انتشار این مطالب، اندکی از بروز و ظهور عوارض بعدی درک اشتباه مفاهیم جلوگیری کرد.

اول: چرا کارآفرینی اجتماعی؟

دنیای ما در قرن بیست و یکم سرشار از مشکلات متنوع و عظیمی است. نابرابری اجتماعی، اقتصادی، جنسیتی و غیره در همه جای جهان وجود دارد و در بسیاری از نقاط زمین نه تنها رو به کاهش نیست که رو به افزایش هم دارد. بحران جهانی آب، گرم شدن زمین، در دسترس نبودن امکانات بهداشت و سلامت برای همه مردم، گرسنگی و سوءتغذیه، فقر، ایدز، اعتیاد، حاشیه‌نشینی، بیابان‌زایی، از میان رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری، آلودگی هوا و آب و خاک و امثالهم؛ آن قدر این بحران‌ها بزرگ و همه‌گیر هستند که حتی صرفاً با نام بردن عناوین و تیتراژ این بحران‌ها سرمان گیج می‌رود.

دولت‌ها قادر نیستند این مشکلات را به تنهایی حل کنند و ای بسا که بسیاری از این مشکلات ریشه در تصمیمات اشتباه دولت‌ها در گذشته دارد.

از سوی دیگر، خیریه‌ها هم قادر به حل بسیاری از این مشکلات نیستند. از یک طرف به خاطر اینکه سر و کله زدن با بخش اعظم این مشکلات نیاز به رویکرد تخصصی دارد و از طرف دیگر، به این دلیل که مساله پایداری در خیریه‌ها عمدتاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

منظور از پایداری چیست؟ پایداری را در دو ساحت باید مورد توجه قرار دهیم، یکی پایداری فعالیت‌های خیریه که به شدت وابسته به میزان کمک‌های دریافتی است، در نتیجه در زمان‌های بحران میزان کمک‌ها به جای افزایش کاهش می‌یابد؛ و دیگری که بسیار مهم‌تر است پایداری اثرات فعالیت‌ها و برنامه‌های اجرا شده در زندگی گروه هدف است. به عنوان مثال، فعالیت‌هایی مثل توزیع غذا و پوشاک و ارزاق و امثالهم فعالیت‌هایی غیرپایدار محسوب می‌شوند. چون تغییر محسوسی در زندگی افراد به وجود نمی‌آورد و اگر از فردا پخش این اقلام متوقف شود، گروه هدف به همان جایی بازمی‌گردند که در شروع کار بوده‌اند. با این تفاوت که احتمالاً متحمل آسیب‌های روحی بیشتری هم خواهند شد.

به همین دلیل گروهی این ایده را مطرح کردند که با استفاده از روش‌های کارآفرینی که پایدارترند به دنبال ایجاد تغییرات پایدار برویم و به این ترتیب ایده کارآفرینی اجتماعی خلق شد.

دوم: کارآفرینی اجتماعی و خصوصیات آن

کارآفرینی اجتماعی به فعالیتی گفته می‌شود که در آن از مفاهیم کارآفرینی برای حل مشکلات اجتماعی استفاده می‌شود. کارآفرین اجتماعی به حل مشکلی می‌پردازد که واقعا مشکل جامعه است و برای حل آن تقاضایی وجود دارد.

خصوصیات یک کارآفرینی اجتماعی را می‌توان به این شکل خلاصه کرد:

- یک کارآفرینی اجتماعی از روش‌های کارآفرینی به عنوان ابزار تغییر استفاده می‌کند؛
- مأموریت اجتماعی مشخص و ارزش‌های اخلاقی معینی دارد؛
- هم‌زمان به حل مشکل اجتماعی و کسب

درآمد می‌پردازد و

- هدف اجتماعی آن در اولویت قرار دارد و فعالیت‌های اقتصادی تنها وسیله‌ای برای رسیدن به آن هدف اجتماعی است.

کارآفرینی‌های اجتماعی می‌توانند انتفاعی باشند یا غیرانتفاعی، به نوع غیرانتفاعی آن‌ها «کسب‌وکار اجتماعی» هم گفته می‌شود.

سوم: رویکرد مهم هستند

کارآفرینی اجتماعی کار دشواری است، چراکه با اولویت دادن به اهداف اجتماعی، خودمان دست‌وپای خودمان را می‌بندیم؛ مثلاً اگر استفاده از یک تکنولوژی ارزان به محیط زیست آسیب می‌رساند، برای جلوگیری از این امر و به منظور محافظت از محیط زیست هزینه بیشتری را متحمل می‌شویم. در کارآفرینی اجتماعی اگر در طی مسیر کسب‌وکار مشکلی بروز کند، نمی‌توان از راه‌حل‌های روتین و رایج در بازار بهره‌مند شد. به عنوان مثال شاید افزایش قیمت محصول یا خدمت ارائه شده یکی از ساده‌ترین راه‌حل بسیاری از مسائل کسب‌وکار در بازار ایران باشد، اما کارآفرین اجتماعی مجبور است این راه‌حل ساده موجود را نادیده بگیرد و به دنبال راه‌های نو، خلاقانه و نوآورانه برای از پیش‌رو برداشتن مسائل خود باشد. کلمه «اجبار» در این گفته می‌تواند کاملاً بیان‌گر تفاوت بین کسب‌وکار اجتماعی و سایر کسب‌وکارها باشد.

اگر قرار باشد در کارآفرینی اجتماعی هر بار و هر جا که مشکلی پیش می‌آید، اولویت‌های اجتماعی فراموش شوند و روش‌های کار بدون توجه به اهداف اجتماعی انتخاب شوند، بهتر است از همان گام اول و لحظه اول به این عرصه ورود نشود. چرا که آسیبی که از این طریق متوجه گروه‌های هدف می‌شود، می‌تواند بسیار ناگوار باشد و امکان ورود و فعالیت گروه‌های بعدی را نیز در این حوزه سخت می‌کند. در واقع کارآفرینی اجتماعی مسیری است که قرار است ما را به هدفی برساند. اگر هدف را فراموش کنیم، دیگر فرقی با صدها کارآفرینی و کسب‌وکار دیگر نداریم؛ و این شاید مهم‌ترین مساله‌ای است که هرگز نباید فراموش شود.

گفت‌وگوی کارایی با عباس ولی استاد علوم سیاسی

مسلمان بودن اکثریت جمعیت ترکیه، در جهت گیری اتحادیه اروپا نسبت به این کشور تاثیرگذار است



در چه از تفاوت فرهنگی و مذهبی و سنتی برای اروپائیان بسیار مشکل است.

البته هم‌چنان چه گفتم وقوع مسائلی، این گرایش ضد اسلامی و ضد ترکیه را تشدید کرده است. عمده‌ترین این مسائل را می‌توان رفتار سیاسی حکومت ترکیه به خصوص رهبر ترکیه و گرایش وی به راست و اقدامات و سیاست‌های شدیداً غیردموکراتیک وی برشمرد. تمرکز قدرت به شیوه غیردموکراتیک در کشوری که هم اکنون بیش از یک سال است که «حالت اضطراری» برقرار است که قانون را به تعلیق در آورده و فرمان حکومت و دولت جای قانون را گرفته بسیار خطرناک است. در این شرایط حکومت و دولت تمام کارهایی را که شاید در عرض بیست یا سی سال هم نمی‌توانست انجام دهد را انجام داد و قوانینی را به تصویب رساند که شاید برای دهه‌ها هم نمی‌توانست نصف این قوانین را بدون هیچ ابا و کنترلی تصویب و اجرا کند. در عرض یک سال نزدیک به دویست هزار نفر کنار گذاشته شده و بدون دریافت حقوق از کار اخراج شده‌اند.

آیا ترکیه هم اکنون احیای شوکت عثمانی را در سر می‌پروراند؟

نه، برای این که هم اکنون مبانی برای آن قدرت و شوکت عثمانی نمی‌بینیم. برای این که محدودیت‌های قدرت ترکیه در سوریه، در عراق و

حتی باعث شده تا گرایش‌های ضداسلامی و نژادپرستانه به نوعی مورد تایید قرار بگیرند. وقتی اردوغان بدون توجه به شرایط اروپا اظهاراتی می‌کند که در چارچوب دیپلماتیک قابل قبول و قابل هضم نیست، این مسائل تشدید می‌شود اما برگردیم به سوال شما که آیا یک گرایش ایدئولوژیک روی رد درخواست ترکیه برای پیوستن به اروپا تاثیر می‌گذارد یا نه؟ بایستی بگویم بله صد در صد و در این امر هیچ تردیدی وجود ندارد؛ اما نبایستی فراموش کرد که که اتحادیه اروپا مجموعه‌ای یک‌دست نیست و بعضی از دولت‌های اروپایی مشکل چندانی با پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا نداشته‌اند. کشورهایی همچون انگلیس قبل از برگزیت یا ایرلند.

در مقابل آلمان و هلند و فرانسه به خصوص در دوره‌ای که حکومت‌های دست راستی در آن‌ها بر سر کار بودند، مساله عدم تمایل خود به پیوستن ترکیه به عنوان یک کشور اسلامی به اتحادیه اروپا را به وضوح تبیین کرده‌اند. در این جا البته مسائل دیگری هم مطرح هست. از جمله مساله جمعیت؛ اگر ترکیه به عنوان یک کشور اسلامی، دارای جمعیتی معادل نصف جمعیت فعلی بود، شاید اتحادیه اروپا می‌توانست با مساله پیوستن آن به اتحادیه اروپا بهتر کنار بیاید؛ اما پذیرفتن یک جمعیت هشتاد و پنج میلیونی با این

در ماه‌های اخیر تقابل میان اتحادیه اروپا و ترکیه، نمود عینی‌تری یافته است. شما تا چه میزان این تقابل را ایدئولوژیک ارزیابی می‌کنید و آن را به تعارضات میان دو گفتمان اسلامی و مسیحی اروپایی مرتبط می‌دانید؟ بدون تردید این مساله که اسلام دین اکثریت جمعیت ترکیه است، در جهت‌گیری اروپا نسبت به خواست ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا بسیار تاثیرگذار می‌باشد. در این امر تردیدی نیست. اهمیت این مساله تا بدان جاست که بعضی از سیاستمداران اروپایی زمانی که در قدرت بودند، این مساله را آشکارا به زبان می‌آوردند و بدان اذعان داشتند. همچنین با صراحت عنوان می‌کردند که تمایلی ندارند ترکیه وارد اتحادیه اروپا شود. از این روی است که برخی منتقدین اتحادیه اروپا را یک کلوپ مسیحی می‌نامند که اجازه ورود ترکیه را نمی‌دهد. بدون تردید چنین گرایشی در میان بخش قابل توجه اروپائیان وجود دارد و مبانی نژادپرستانه و اسلام‌ستیزانه نیز در آن بسیار قوی است.

این رویکرد اخیراً قوی‌تر و پررنگ‌تر هم شده است. دلیل آن رفتار سیاسی حکومت ترکیه به ویژه رهبر ترکیه است. اردوغان در دو سه سال اخیر سخنانی به زبان آورده و سیاست‌هایی پی گرفته که نه تنها این مساله را تشدید کرده، بلکه



وقوع یک سری مسائل، به ویژه در سال‌های اخیر، گرایش ضد اسلامی و ضد ترکیه را در اروپا تشدید کرده است. عمده‌ترین این مسائل را می‌توان رفتار سیاسی حکومت ترکیه به خصوص رهبر ترکیه و گرایش وی به راست و اقدامات و سیاست‌های شدیداً غیردموکراتیک وی برشمرد. تمرکز قدرت به شیوه غیردموکراتیک در کشوری که هم‌اکنون بیش از یک سال است که «حالت اضطراری» برقرار است که قانون را به تعلیق در آورده و فرمان حکومت و دولت جای قانون را گرفته بسیار خطرناک است.

در مصر و لیبی در عمل عیان شد.

منظور شما این است که سیاست خارجی اردوغان شکست خورده است؟
بله، به طرز بسیار مفتضحانه‌ای شکست خورده است.

به نظر شما اسلام به مثابه یک عامل فرهنگی، چقدر برای مردم ترکیه در تقابل با اتحادیه اروپا هویت‌بخش است؟

این مساله هم‌اکنون در ترکیه بسیار مشهود است. بینید مذهب و اسلام سنی در ترکیه با سرعت بسیار زیادی در حال جایگزین شدن به جای اثنیسیته ترکی در ساختار گفتمانی و سیاسی مرتبط با هویت ترکی است. این جایگزینی به دست حکومت ترکیه در حال صورت گرفتن است. هم‌اکنون برعکس هفتاد یا هشتاد سال قبل، در شهرهای ترکیه به مجسمه‌های آتاتورک که سمبل اثنیسیته ترکی است، حمله می‌کنند و روی آن‌ها رنگ می‌پاشند و با چکش به تخریب آن‌ها می‌پردازند با این توجیه که در اسلام شیبه‌سازی و مجسمه‌سازی قابل قبول نیست و به خصوص اینکه که آتاتورک سمبل مدرنیسم و جمهوری در ترکیه بوده است. هم‌اکنون نه تنها انتقادات تندی به آتاتورک صورت می‌گیرد بلکه به شدت هم‌مورد حمله است. این ساختار گفتمانی، هم‌اکنون در حال نفوذ در میان حداقل پنجاه درصد از جمعیت ترکیه است و حکومت نیز در حال تشدید آن است.

هم‌اکنون دولت در حال احداث پلی است به نام سلطان سلیمان و جالب است بدانید سلطان سلیمان، جمعیت بسیار زیادی از علوی‌های ترکیه را از دم تیغ گذرانند. در ترکیه امروز فقط کردها نیستند که از اردوغان در هراسند و علوی‌ها وضع مشابهی دارند. در بازسازی هویت ترکیه، اسلام سنی، بدون تردید جزء مهم‌ترین عوامل است. مبانی سیاسی حکومت فعلی ائتلافی است میان اسلام سنی از جنس اسلام سنی اخوان المسلمین و ناسیونالیسم افراطی ترکیه به نمایندگی آن را «حزب حرکت ملی»

می‌نامند. البته اردوغان موفق شد این دارایی را به تدریج از دست حزب حرکت ملی بگیرد.

آیا ناسیونالیسم ترکی واجد عناصر مشترکی با خویشاخوانی از اسلام سنی است؟

طی ماه اخیر، دو یادبود به طور هم‌زمان در حال برگزاری بود. رئیس حزب جمهوری خواه خلق در چاناک قلعه در حال برگزاری مراسم جشن «روز جمهوریت» بود و اردوغان در ملازگرد در حال جشن گرفتن برای روزی بود که عثمانی‌ها، رومی‌ها را شکست دادند و حکومت خود را بر ترکیه آغاز نمودند. این امر به معنای دو تأکید متفاوت روی هویت ملی در ترکیه است. برای اردوغان روزی اهمیت دارد که ارتش روم در ملازگرد از عثمانی‌ها شکست می‌خوردند؛ در مقابل برای رهبر حزب جمهوری خواه خلق، روزی اهمیت دارد که جمهوریت بر نیروهای خارجی فایق می‌شود. این دقیقاً نشان می‌دهد که سوگیری‌ها در ترکیه چگونه است.

تنها کافیست اشاره کنم که اردوغان برای اولین بار قرآن را وارد مبارزات انتخاباتی کرد. این سمبل‌سازی‌ها و سمبولیسم مذهبی شکل بسیار پررنگی در عرصه حیات اجتماعی و سیاسی ترکیه یافته است.

در مورد سوال شما باید بگویم که بله، عناصر دینی در هر حال با عناصر ملی و ناسیونالیسم آشتی‌پذیر هستند و نمونه‌های تاریخی هم در این موارد وجود دارد. به عنوان مثال، در مورد ناسیونالیسم عرب، ناپستی فراموش کرد که میشل عفلق، بنیان‌گذار بعثیسم از یک خانواده مسیحی بود که بعداً به اسلام گروید. دلیل این امر نه اعتقاد عفلق به مبانی نظری اسلام، بلکه این بود که به گفته خود وی، تصویری که از اعراب در بعثیسم وجود دارد، این است که اعراب مسلمان هستند و لازم است تصویر ناسیونالیسم عربی با مسلمان بودن ممزوج گردد.

البته مبانی اقتصادی اجتماعی و نوع حکومت و سمبل‌ها که بخشی از گفتار سیاسی هستند، خود ارتباط مستقیمی با ماهیت قدرت و میزان و دامنه فعالیت اپوزیسیون دارد.

حضرتعالی آینده رابطه اروپا و ترکیه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ اگر اتحادیه اروپا این احتمال را می‌دهد که با قبول ترکیه در اروپا و مستحیل کردن آن در یک قالب گفتمانی وسیع‌تر، امکان کاستن از قدرت گفتمانی بدیل وجود دارد، پس چرا اروپایی از چنین اقدامی سر باز می‌زنند؟

برای اینکه اولاً جذب و تحلیل این قدرت در اروپا در این بازه زمانی بسیار مشکل است. ترکیه یک مملکت هشتاد و پنج میلیونی است که واجد تنوعات پرشمار قومی و فرهنگی است. احتمال پیوستن ترکیه در شرایط کنونی همان‌طور که زیگمار گابریل، وزیر خارجه آلمان عنوان کرد تا زمانی که اردوغان بر سر کار است، بسیار اندک و تقریباً نامحتمل است. بدین دلیل که دولت فعلی ترکیه نه تنها به سرعت در مسیر آنتی‌دموکراتیسم گام برمی‌دارد، بلکه از لائسیسم و سکولاریسم نیز فاصله می‌گیرد. هم‌اکنون سرفصل دروس در دبستان و دبیرستان در حال تغییر است؛ به طوری که اصل جهاد وارد کتاب‌ها شده و اصل تکامل داروینی از کتاب‌ها خارج شده است. این‌ها مسائلی هستند که اروپا نمی‌تواند بپذیرد. با این تفاسیر، دید نژادپرستانه و اسلام‌هراسانه‌ای که در اروپا در قبال ترکیه وجود دارد، در خلال دوره اخیر هم تشدید شده و هم تأیید گرفته است.

مساله دموکراسی و حقوق دموکراتیک و فرآیندهای دموکراتیک برای دولت ترکیه و حزب عدالت و توسعه به خصوص پس از سال ۲۰۱۴ که این حزب قدرت خود را به طور کامل تثبیت کرده است، حالت ابزاری به خود گرفته است. به هر حال امکان پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا در کوتاه‌مدت متصور نیست؛ اما در بلندمدت اگر هم امکان پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا را دور از تصور قلمداد نماییم، به نظر من مساله دموکراسی و لائسیسم و فرآیندهای دموکراتیک، لزوم استقلال قوه قضائیه و عدم دخالت در کار نهادهای مدنی در کشوری که بیشترین تعداد روزنامه‌نگاران و افراد آکادمیک را در زندان دارد، به طور حتم و یقین در تصمیم‌گیری‌های طرفین تعیین‌کننده خواهد بود.



نقش رسانه‌ها در تبلیغ رویداد گردشگری تبریز ۲۰۱۸

مرتیضی کرمی

کارشناس ارشد گردشگری

به اعتقاد کارشناسان، رسانه‌ها می‌توانند منجر به تغییر و تحولات گسترده‌ای شوند و زمینه‌ساز اتفاقاتی مهم و باورنکردنی در عرصه‌های مختلف حتی هزاران کیلومتر دورتر از خود باشند. از این رو، هرچه به عمق نفوذ رسانه‌های مختلف به خصوص رسانه‌های تصویری در زندگی امروزی خود فکر کنیم شاید به نتایج غیرقابل تصویری دست پیدا کنیم که اهمیت توجه به آن‌ها را برآیدمان دو برابر می‌کند. از نظر «اولیور هنری» به عنوان یکی از مدیران فعال در حوزه گردشگری؛ «ساخت یک فیلم در محوطه‌ای تاریخی خیلی بیشتر از روش‌های سنتی تبلیغ و بازاریابی برای جلب نظر گردشگران به آن محل تاثیر خواهد داشت». بنابراین بهتر است مدیران شهری برای توسعه صنعت گردشگری و موفقیت در عرصه رقابت‌های جهانی، رابطه مناسبی با رسانه‌های تصویری و صنعت سینما برقرار کنند. این ارتباط در بسیاری از کشورهای مطرح در جذب گردشگران بین‌المللی به خوبی شناخته شده است. این موضوع حتی باعث شده که علاوه بر تلویزیون، آن‌ها صنعت سینما را به خدمت رشد و توسعه گردشگری کشورشان بگیرند و البته نتایج پرثمری نیز به دست آورده‌اند. طبق آمار و تحقیقات تخصصی از سوی آژانس TCI که درباره صنعت گردشگری و رقابت بین کشورهای به صورت تخصصی فعالیت می‌کند، حدود ۴۰ میلیون گردشگر، مقصد سفرهای خود را بر اساس فیلم‌ها

یا سریال‌هایی که دیده‌اند انتخاب کرده‌اند. عمده کشورهای اسلامی نظیر مصر، ترکیه، ایران، لبنان، مالزی، تونس، اندونزی و مراکش در ردیف سرزمین‌های پر جاذبه در ابعاد و گونه‌های مختلف هستند و جاذبه‌های مورد توجه گردشگران در نوع هنری را نیز دارا می‌باشند. این صنعت تا اندازه‌ای پرسود و درآمدزا شده است که برخی از کشورهای به اندازه درآمد نفتی کشوری مثل ایران توانسته‌اند از این صنعت مهم و پرسود و کم‌هزینه، درآمدزایی کنند. این صنعت در بخش‌های مختلف تفریحی و سیاحتی و تخصصی گسترش یافته است و بایستی به آن در ابعاد وسیع‌تری نگریست. یکی از بخش‌هایی که در این صنعت در بعضی کشورهای در حال توسعه از جمله کشورمان شاید کمتر به آن پرداخته شده است، استفاده از پتانسیل‌های مهم وسایل نوین ارتباط جمعی برای توسعه صنعت گردشگری و توریسم در بعد محلی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بوده است. از قدیم‌الایام بوده‌اند کسانی که به سرزمین‌های مختلف سفر کرده و آنچه را دیده و شنیده‌اند، پس از سفر به نگارش در آورده‌اند و خاطرات و برداشت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، تاریخی، هنری سرزمین‌هایی را که در آن به گشت‌وگذار پرداخته‌اند، در قالب سفرنامه به رشته تحریر درآورده‌اند و همین اثر باعث رونق هر چه بیشتر گردشگری در آن مکان‌های یادشده گردیده است و هر چه سفرنامه جذاب‌تر و عمیق‌تر بوده، رونق‌افزایی آن نیز در کمیت و کیفیت گردشگران موثرتر بوده است، ولی متأسفانه سال‌هاست که چنین سفرنامه‌هایی نوشته نشده و یا این کار

بسیار محدود انجام شده است. دست‌اندرکاران گردشگری کشور اگر چه برای مکان‌های مختلف، ویژه‌نامه‌هایی تهیه نموده و در دسترس گردشگران قرار داده‌اند ولی آن هم کافی نیست و از آنجا که جنبه تبلیغی و دولتی دارد، تاثیرگذاری بسیار اندکی داشته است. گردشگری و نگرش علمی و همه‌جانبه به آن در ایران، از اولویت‌هایی است که توسعه پایدار گردشگری را به همراه خواهد داشت. امروزه ارتباطات در شکل دادن به زندگی و خواسته‌های افراد نقش اساسی بازی می‌کند. طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های منسجم اطلاع‌رسانی همگانی از سوی رسانه‌ها، مشارکت عموم مردم و افزایش درک و برداشت آن‌ها از گردشگری را به دنبال دارد. جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی خاص کشورمان این استعداد را دارد تا با رویکردی جامع‌تر و همه‌جانبه‌تر به آن نگریست و از تمامی امکانات و توانمندی‌های موجود در این راستا بهره برد؛ یکی از این فرصت‌ها قوانین و مقرراتی است که در این راستا تنظیم شده است. بخشی از این مقررات به صورت کلان بوده و بخشی دیگر به طور خاص به توسعه گردشگری از طریق رسانه‌ها تاکید دارد. همچنین با توجه به اینکه در اهداف کمی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله گردشگری، جذب ۲۰ میلیون نفر گردشگر، به صورت کلی عنوان شده و دسترسی به آن نیازمند پرداختن به راهبردهای اجرایی و تدوین برنامه‌ها و استراتژی‌هایی است که هدف فوق را محقق سازد. در همین رابطه، راهبردها و استراتژی‌های رسانه‌ای نیز باید معین و مشخص شوند، بنابراین ارائه چنین الگوها و



حوزه فعالیت رسانه‌ها در رابطه با توسعه و تبلیغ گردشگری به دو جامعه مقصد و جامعه مبدا گردشگران قابل تقسیم‌بندی است. فعالیت در جامعه مبدا اغلب فعالیتی تبلیغی و زمینه‌سازی برای تشویق و تحریک گردشگران برای سفر به مقصدی خاص است. اما فعالیت رسانه‌ها در جامعه مقصد و میزبان بیشتر روی مردم محلی و میزبان صورت می‌گیرد که به نوعی جامعه میزبان را برای پذیرش گردشگران آماده می‌کند.

بگیرند و البته نتایج پرتزری نیز به دست آورده‌اند. البته بهره‌گیری از فیلم‌ها، سریال‌ها، تیزرهای تبلیغاتی و سایر پروژه‌های رسانه‌ای دیداری در صورتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که:

الف) با نگاه به فرهنگ کشوری که قرار است از آنجا مخاطب جذب شود، تهیه گردد؛

ب) از تصاویر کلیشه‌ای، دستوری، محدودکننده و امثالهم پرهیز شود و

ج) حتی‌المقدور با دعوت از فیلم‌سازان و مجریان آشنا به کشور اعزام‌کننده گردشگر برای تهیه فیلم و سریال دعوت شود.

در نهایت می‌توان گفت که حوزه فعالیت رسانه‌ها در رابطه با توسعه و تبلیغ گردشگری به دو جامعه مقصد و جامعه مبدا گردشگران قابل تقسیم‌بندی است. فعالیت در جامعه مبدا اغلب فعالیتی تبلیغی و زمینه‌سازی برای تشویق و تحریک گردشگران برای سفر به مقصدی خاص است. اما فعالیت رسانه‌ها در جامعه مقصد و میزبان بیشتر روی مردم محلی و میزبان صورت می‌گیرد که به نوعی جامعه میزبان را برای پذیرش گردشگران آماده می‌کند. در جامعه میزبان یک سری فرهنگ‌ها و رفتارهایی وجود دارد که به نوعی دافع گردشگر هستند تا جذب گردشگر که اغلب فعالیت و تلاش رسانه‌ها برای بسترسازی و مناسب‌سازی جامعه میزبان است. رفتارهایی مانند نوع برخورد و نحوه میزبانی، فرهنگ ترافیکی، خرید و فروش، آدرس‌دهی و از این قبیل موارد. بر اساس نتایج حاصل از تحقیقات بر گردشگران شهر تبریز اغلب آن‌ها از نحوه رانندگی و نوع آدرس‌دهی و همچنین دو اسمه بودن مکان‌ها و امثالهم شکایت می‌کنند. تمامی این نقص‌ها می‌تواند با فعالیت و تبلیغات و آموزش رسانه‌ای برطرف شود. که البته نیاز به کمک و فعالیت صدا و سیما استان و همچنین فعالین حوزه‌های مختلف رسانه‌ای بیشتر احساس می‌شود. فعالیتی که منجر به این شد که گردشگران برای عبور از خطوط عابر پیاده و یا رانندگی در سطح شهر مشکل آن چنانی نداشته باشند.

مختلف گردشگری، همکاری‌های استراتژیک منطقه‌ای برای استفاده مشترک از منابع موجود و نیز استراتژی توسعه زیرساخت‌های عمومی فناوری اطلاعات، عناصر، قوانین گردشگری در حوزه الکترونیکی، کانال‌های توزیع جهانی خدمات گردشگری، برون‌سپاری فعالیت‌های خدمات گردشگری، امنیت الکترونیکی کاربران گردشگری، تبادلات مالی الکترونیکی در بخش گردشگری و نام‌های تجاری در بخش گردشگری بیشتر تحت تاثیر رسانه‌های نوین قرار دارند اما استراتژی توسعه سیستم‌های اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی نیز نشان می‌دهد رسانه‌های نوین در بخش‌های نظارت بر عملکرد برنامه‌های گردشگری، هماهنگی طرح‌های گردشگری، جمع‌آوری و طبقه‌بندی آمار گردشگری، تورهای مجازی مقاصد گردشگری و اشتراک‌گذاری تجربیات سفر در فضای مجازی دارای نقش مؤثرتری هستند.

در همین حال نتایج کارکردهای رسانه‌های نوین در رابطه با گردشگری شهر تبریز نشانگر آن است که این رسانه‌ها نتوانسته‌اند کارکردهای خود را به خوبی ایفاء کنند و در این بین، کارکرد اطلاع‌رسانی رسانه‌های نوین که شامل اطلاع‌رسانی منسجم، تخصصی بودن، نوآورانه بودن، تعامل و اعتماد است در پایین‌ترین حالت قرار داشته و بسیار ضعیف عمل کرده است. اما از سوی دیگر، مثبت بودن کارکرد فراهم‌کنندگی تفریح و سرگرمی رسانه‌ها شامل ایجاد شوق و علاقه به تفریح و سرگرمی، کاهش‌دهنده تنش‌های اجتماعی، افزایش بهره‌مندی از جاذبه‌های گردشگری و غنی‌سازی اوقات فراغت نشان‌گر آن است که رسانه‌های نوین توانسته‌اند شوق و علاقه به تفریح و سرگرمی ایجاد کنند و باعث افزایش بهره‌مندی از جاذبه‌های گردشگری شوند. این وابستگی در بسیاری از کشورهای صدرنشین در جذب گردشگران بین‌المللی به خوبی شناخته شده است. این موضوع حتی باعث شده که علاوه بر تلویزیون، صنعت سینما را به خدمت رشد و توسعه گردشگری کشور خود

تحقیقاتی از جانب سیستم علمی کشور مورد انتظار بوده و دسترسی به اهداف را عملی‌تر می‌سازد. ضمن اینکه به لحاظ جدید بودن، زمینه‌هایی را برای تحقیقات بیشتر، عمیق‌تر و گسترده‌تر فراهم می‌سازد.

از طرفی مطابق نظریه رسانه‌های قدرتمند، رسانه‌ها باید از مرزهای سازمانی عبور کرده و با حرفه‌ای‌گری و تخصص مدیران و کارکنان، سازمان‌های گردشگری را از فواید حضور گردشگر در جامعه آگاه سازند و شیوه‌های برخورد با آنان را بیاموزند؛ چیزی که در رابطه با گردشگری ایران و به ویژه گردشگری شهر تبریز بیشتر به چشم می‌خورد. چراکه رسانه‌ها در تمامی مراحل از زمان شروع سفر و بعد از آن همراه گردشگر بوده و جامعه میزبان نیز تحت‌تاثیر رسانه‌ها، پذیرای ایده‌آل گردشگران است. در این میان، فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان نیروی بسیار قوی عمل می‌کند و به صنعت گردشگری شکل جدیدی می‌بخشد و می‌تواند شرکت‌ها را در صحنه رقابت نگه دارد. طبق نتایج یک تحقیق داخلی، رسانه‌های نوین بر توسعه استراتژی‌های گردشگری اثر مثبت داشته و براساس اینکه رسانه‌های نوین کارکردهای خود را به درستی ایفاء کنند، می‌توانند از نقش واسط بودن گامی فراتر نهاده و در تمامی فرآیندهای توسعه استراتژی‌های گردشگری نقش داشته باشند. در این صورت، رسانه‌ها تنها به عنوان ابزار به کار نمی‌روند، بلکه به لحاظ اهمیت جزء یکی از ارکان مهم توسعه استراتژی‌های گردشگری به حساب می‌آیند.

این تحقیق همچنین نشان می‌دهد از میان کارکردهای رسانه‌ها، کارکرد بسیج‌کنندگی و پس از آن کارکرد همبستگی رسانه‌های نوین بیشترین تاثیر را از بین کارکردهای رسانه‌های نوین در توسعه استراتژی‌های گردشگری مبتنی بر فناوری اطلاعات داشته است. از سوی دیگر، نتایج تخمین استاندارد توسعه استراتژی‌های گردشگری مبتنی بر فناوری اطلاعات نشان می‌دهد استراتژی توسعه محصولات و خدمات گردشگری و عناصر هماهنگی بین صنعتی در سطوح



تحصیل زنان

روزی به سمت خانه نشینی یا پنجره ای رو به «مشارکت اجتماعی»؟

▲ مهدیه محمدپور
دانش آموخته مدیریت

است که نیازمند بذل توجه بیشتر از جانب کارشناسان است. سیستم ارائه مشاوره تحصیلی و انتخاب رشته در آموزش و پرورش و سیستم آزمون و پذیرش و انتخاب رشته دانشگاهی دو نظامی هستند که به رغم اهمیت وافر، از ایفای نقش در تحصیل هدفمندانه افراد به ویژه زنان غافل مانده اند.

مسئله صرفاً اشتغال یا عدم اشتغال زنان تحصیل کرده نیست، بلکه مساله تحصیل پرهزینه ایشان در رشته های دانشگاهی است که دقیقاً رزور از مومن پایان ترم آخرین واحد درسی آن رشته و کسب آخرین نمره و فراغت از تحصیل، ربط دانشجویی به آن رشته تحصیلی تمام می شود و دیگر نه در زمینه تحصیلی مشغول به کار می شود و نه تجربیات علمی دوره دانشجویی وی در زندگی شخصی وی یا اداره امور خانواده به کار خواهد آمد. این مساله به ویژه در رشته های دانشگاهی علوم پایه و فنی مهندسی نمود پیدایمی کند.

حال با توجه به بحران نظام آموزشی در کشور، انتظار می رود حداقل موضوع پرکردن صندلی های خالی موجود به صورت هدفمندانه ساماندهی شوند. به خصوص برای رشته های تحصیلی علوم پایه و فنی مهندسی، پذیرش می بایست با توجه به نیاز کشور صورت پذیرد و بیشتر به آموزش مهارت خوداشتغالی و اقدامات کارآفرینانه پرداخت تا به تولید منجر شود.

طبق گزارش مرکز آمار ایران، بیش از ۴۶ درصد از دانشجویان دوره های مختلف تحصیلی موسسات آموزش عالی را در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ زنان تشکیل می دهند. با توجه به اینکه هزینه مستقیم دولت برای تحصیل هر دانشجوی کارشناسی دوره روزانه حدود ۶ میلیون تومان است و با احتساب تعداد دانشجویانی که در کلیه دوره ها اعم از روزانه، شبانه، غیرانتفاعی و پیام نور مشغول به تحصیل هستند، می توان به برآوردی تقریبی از هزینه مستقیم و غیرمستقیم دوره های تحصیلی دانشگاهی دست یافت. البته در احتساب هزینه های غیرمستقیم می بایست هزینه فرصت که مشتمل بر هزینه مصروف شدن بهترین سال های عمر دانش آموختگان کشور است، را نیز مورد محاسبه قرار داد. به هر روی لازم است نگاهی دقیق تر به این چرخه ورود و خروج سرمایه های انسانی و مادی انداخت و دید هم اکنون در کجای این چرخه قرار داریم.

زنان تشکیل می دهند. اما آیا اساساً افزایش تحصیلات آکادمیک زنان در ایران به مشارکت در تولید می انجامد؟ بالطبع افزایش بهره وری موضوع ثانویه ای است و موضوع اول «افزایش مشارکت در تولید» است.

به نظر می رسد دستاوردهای تحصیلی زنان، برتری و تفاوت معناداری در شیوه زندگی و افزایش سطح رفاه و استقلال مالی زنان در پی نمی آورد. قطعاً افزایش سطح سواد زنان باعث افزایش مشارکت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنان می شود و مصداق توانمندسازی سرمایه انسانی یک جامعه است. اما باید دید تا چه میزان این دستاوردها حاصل شده است و تاثير واقعی و عملی آن چقدر بوده است. اینکه همچنان به راه خود بدون توجه به آنچه هزینه شده و محصول آن چه بوده است و قرار است به کجا برسیم بسیار با اهمیت است. می بایست با تکیه بر ترفندهایی مانع بروز آثار نامطلوب افزایش سطح سواد بانوان در کشور اعم از افزایش سن ازدواج، کوچک تر شدن خانواده ها و زیاده پاشی شدن بیکاران تحصیل کرده شد. هم اکنون بیش از نیمی از شرکت کنندگان پذیرفته شدگان آزمون های ورودی دانشگاه ها در ایران را زنان تشکیل می دهند. اما بایستی دید هدف از ورود به دانشگاه چیست و زنان چه انتظاراتی از دانش آموختگی دارند؟

به نظر می رسد زنان تحصیل کرده دانشگاهی که با بهترین رتبه ها به دانشگاه ورود پیدا می کنند و با کسب امتیازات بالا در شاخص های دانشگاهی دانش آموخته می گردند، به خوبی و به طور شایسته ای در چرخه تولید به کار گرفته نمی شوند. «برابری» و «شایسته سالاری» در رابطه با نظام آموزش عالی نیز مورد طلب قرار می گیرد. اینکه برای حل مشکل بیکاری مردان از ورود بانوان در برخی رشته های دانشگاهی جلوگیری شود قطعاً راه حل خوبی نخواهد بود. چرا که اگر بازار رقابتی می خواهیم، اگر معتقدیم که رشد و توسعه در رقابت نهفته است تا بهینه ترین رخ دهد، بنابراین به جای ایجاد این محدودیت ها در پذیرش بایستی به دنبال راه چاره اصلی باشیم. تعداد پذیرش را بر اساس نیاز جامعه تعیین کنیم، اما لزومی ندارد محدودیت جنسیتی اعمال شود.

به جای اعمال محدودیت جنسیتی، نحوه انتخاب رشته دوره متوسطه دختران و روش و هدف ورود به رشته های خاص دانشگاهی از سوی ایشان، موضوعی

سواد در عام، خواندن و نوشتن معنا می شود و امروزه در قالب علم زبان و علم رایانه تعریف می شود. مطابق آمار قطعاً بالای ۸۰ درصد مردم ایران باسواد هستند، البته از جنس خواندن و نوشتن. شاید سواد دوم هم به نحوی قابل سنجش باشد؛ اما اینکه چند درصد فارغ التحصیلان دانشگاهی باسواد هستند سوال دشواری است که در حال حاضر پاسخ شفاف به آن ممکن نیست. اینکه آیا یک دانش آموخته رشته مکانیک تسلط کافی در این رشته دارد و می توان او را کارشناس خطاب کرد یا خیر، کار دشواری است و از هدف و امکان این مطلب خارج است. مطابق آمار، به طور کلی نرخ مشارکت اقتصادی مردان در کشور حدود ۶۵ درصد است و زنان نیز حدود ۱۷ درصد در مشارکت اقتصادی سهیم هستند. نسبت اشتغال نیز در مردان نزدیک ۵۸ درصد و در زنان ۱۳ درصد اعلام شده است. این آمار به شکل دیگری نیز در قالب بیکاری جوانان نمایان است؛ به طوری که ۲۱ مردان جوان و ۴۵ درصد زنان جوان در ایران بیکار هستند.

گفته می شود بی سوادی تاثیر منفی در اقتصاد دارد و کشورهای که نرخ بی سوادی پایینی دارند، جوامع توسعه یافته تری هستند. اگر نرخ سواد بالای ۸۰ درصد را در ایران لحاظ کنیم با روند توسعه همخوانی نخواهد داشت، بنابراین سواد خواندن و نوشتن در این رابطه اقتصادی مطرح نیست. مطمئناً تاثیرگذار خواهد بود اما حرف اصلی سواد دیگری است. دانش است؛ مهارت است؛ تخصص است؛ که باعث توسعه یافتگی جامعه می شود.

به طور کلی افزایش دانش آموختگان دانشگاهی در کشور و همچنین نرخ اشتغال پایین این دانش آموختگان به عنوان معضل بزرگی در کشور تبدیل شده است، اما فارغ از وضعیت نامناسب مردان در این موضوع، در ادامه این مقاله بیشتر به وضعیت تحصیل و اشتغال زنان پرداخته می شود.

مطابق آمارهای سازمان های جهانی از جمله بانک جهانی و مجمع جهانی اقتصاد، زنان آموزش دیده از بهره وری بیشتری در زمینه تولید برخوردارند. از طرفی بیش از ۴۶ درصد ورودی های دانشگاه در ایران را نیز



مدیریت سبز پسماند نذورات ماه محرم و صفر



پهناسادات واعظ مدنی

کارشناس ارشد محیط زیست

دلایل عمده مشکلات ناشی از استفاده این آلاینده‌های زیست‌محیطی که به «قاتلان خاموش» مشهور هستند عبارت هستند از: ۱- سلامتی: همان‌گونه که ذکر شد، هم‌زمان با آغاز ایام محرم و توزیع نذورات در مراسم‌های مختلف، استفاده از ظروف یکبار مصرف در کشور افزایش می‌یابد. با عنایت به اینکه ظروف یکبار مصرف از جنس پلاستیک می‌باشد و مواد پلاستیکی در دمای بالای ۶۵ درجه سانتیگراد، با آزاد کردن مونومرها (مواد شیمیایی) در داخل مواد غذایی، از نظر بهداشتی، سلامت انسان‌ها را به مخاطره انداخته و سرطان‌زا هستند. در این میان حتی توصیه کارشناسان برای چگونگی استفاده از این ظروف و این که از چه ظرف‌هایی برای غذاهای گرم و از چه ظرف‌هایی برای غذاهای سرد استفاده شود، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در واقع ظروف یکبار مصرف با رنگ شفاف، روشن و شیشه‌ای رنگ باید برای مواد غذایی سرد استفاده شوند و تحت هیچ شرایطی نباید برای توزیع مواد غذایی داغ از آن‌ها استفاده کرد، به این ترتیب که این نوع از ظروف، فقط برای مایعات و مواد غذایی خنک مثل شربت، شیر سرد، آب و سبزیجات استفاده گردد. مصرف غذاهای داغ در چنین ظرفی از عوامل بروز مشکلات قلبی، عروقی و انواع سرطان به ویژه سرطان‌های گوارشی و ریوی است.

۲- زیست‌محیطی: طولانی بودن عمر ظروف یکبار مصرف و تجزیه‌ناپذیری از عمده‌ترین مشکلات زیست‌محیطی می‌باشند، به طوری که

مصرف پلاستیکی می‌گردد. باید توجه داشت که مصرف بیش از اندازه این ظروف و بخصوص عدم جمع‌آوری آن‌ها و رها کردن در سطح شهر، نه تنها به زیبایی شهر لطمه زده و نیروهای عزیز شهرداری را به زحمت می‌اندازد، بلکه منجر به بروز معضلات زیست‌محیطی می‌گردد. به موضوعی که متأسفانه معمولاً رعایت نمی‌گردد؛ به عنوان مثال در حین پخش شربت نذری به دلیل عدم وجود سطل آشغال یا کیسه زباله، بیشتر لیوان‌ها روی زمین انداخته می‌شوند. بارها شاهد این صحنه بودیم که برخی از سینه‌زنان عزیز پس از استفاده از نذوراتی که همشهریان محترم به دسته‌جات عزاداری می‌دهند یا نذوراتی که از ایستگاه‌های صلواتی دریافت می‌کنند، ظرف مربوطه را دقیقاً در دست نگه داشته و ده‌ها متر با خود حمل می‌کنند و از آنجا که مکان مشخصی برای گذاشتن آن نمی‌یابند، نهایتاً آن را در گوشه‌ای مانند کنار خیابان و پیاده‌رو و جوی آب رها می‌کنند.

در کل می‌توان اظهار داشت، استفاده از ظروف یکبار مصرف از جنس پلاستیک، به عنوان متداول‌ترین روش برای دادن نذورات در ایام عزاداری ماه‌های محرم و صفر، در کنار ضرر و زیانی که از ترکیب با مواد غذایی، عاید ما می‌کنند، پس از جمع‌آوری و الحاق به پسماندهای شهری، خساراتی به مراتب بزرگ‌تر و غم‌بارتر به خاک، آب و فضای سبز اطراف ما وارد می‌کنند. بدین ترتیب تخریب محیط زیست، به عنوان بزرگ‌ترین تهدید سلامتی زمین، زیست سالم را از هر چه موجود زنده است، می‌گیرد.

این روزها در شهر که قدم می‌زنی، از هر کوچه و خیابان که گذر می‌کنی، گویی شهر چهره عوض کرده و رنگ ماتم به خویش گرفته است. آرام آرام نوای یا حسین و یا ابوالفضل از گوشه و کنار شهر به گوش می‌رسد. بی‌شک حضور عاشقانه مردم در برپایی مراسمات عزاداری قابل احترام و ستودنی است. هر کسی ارادت خویش به سرور و سالار شهیدان را به گونه‌ای نشان می‌دهد. از حضور در هیئت‌ها و مجالس عزاداری گرفته تا اهدای خون و قربانی کردن و ...

یکی از سنت‌های پسندیده مذهبی نیز در این ایام، اطعام نیازمندان و پذیرایی از عزاداران حسینی است. به ویژه کسانی که نذری دارند، ارادت خویش به امام حسین (ع) و یاران آن امام را با پذیرایی از عزاداران با شربت، شیر، آب‌میوه، غذا و ... نشان می‌دهند و نذر خویش را این گونه ادا می‌کنند.

اما نکته قابل توجه در این بین این است که رعایت شرایط بهداشتی و هم‌چنین حجم وسیع توزیع اقلام خوراکی و نوشیدنی‌ها در این ایام، منجر به استفاده بیش از حد مردم از ظروف یکبار

مزایای استفاده از پلیمرهای گیاهی



پایدار اتخاذ نمایند.

- فرهنگ سازی در جامعه با آموزش های تفکیک در مبدا به صورت چهره به چهره، طراحی و نصب پوستر، بنر و بروشورهای تبلیغاتی توسط سازمان ها و ارگان های مربوطه چون شهرداری ها، سازمان مدیریت پسماند و صدا و سیما. در این راستا فراهم سازی امکانات جمع آوری و حمل پسماند ظروف یکبار مصرف از مساجد و هیئت ها به کارخانه های بازیافت توصیه می گردد. بدین ترتیب که ساعات مشخصی در طی شبانه روز برای جمع آوری توسط مسئولان ذی ربط اعلام شود و کیسه زباله های مخصوص در اختیار این اماکن قرار گیرد.
- توجه خاص به امر آموزش نیروی انسانی**

 - آموزش فردی توسط افراد داوطلب؛
 - ایجاد مراکز آموزشی با کیفیت بهتر برای پرسنل شهرداری؛
 - انتشار کتاب و مجلات آموزشی جهت استفاده عموم به صورت رایگان؛
 - ایجاد فرهنگ تفکیک از مبدا و بازیافت و در میان مردم از طریق تبلیغات و رسانه های گروهی مثل رادیو، تلویزیون، روزنامه، پوستر و ...؛
 - آموزش و ساماندهی فعالان غیررسمی (اعم از دورگردان، پیمانکاران و دلان بزرگ زباله)؛
 - ایجاد فرهنگ کاهش در تولید زباله و استفاده از ظروف قابل شستشو برای صاحبان نذور و
 - تبلیغات و فرهنگ سازی بیشتر در راستای احساس مسئولیت درباره آینده و نسل های آتی و رسیدن به توسعه پایدار.

- بیابیم امسال راه آغازی برای تثبیت موضوع حفاظت از محیط شهری، حفظ سلامت نسل فعلی و آیندگان و از همه با اهمیت تر، احترام به حقوقی که از همشهریان خود و از نسل های بعدی، به عنوان دین بر ذمه ماست، قرار دهیم؛ در امور روزانه خود، رعایت حق بر خورداری از زندگی و محیط سالم را برای دیگران پاس بداریم؛ مگر نه این که احیای امر به معروف و نهی از منکر، زیربنای قیام ابا عبدالله الحسین (ع) است و مانیز، پیرو آن امام و عزادار مظلومیت وی هستیم؟! محرم و صفر تمرین خوب نگرستن است؛ بیابید با درخشش اندیشه سالم در حفظ محیط زیست سالم خود بکوشیم.

و عفونت ها جمع آوری می گردد، بنابراین تهدید جدی برای سلامتی انسان بوده و ممکن است ناقل بسیاری از بیماری های خطرناک هم باشد.

مدیریت سبز قاتلان خاموش محیط زیست

شاید در نگاه اول بروز این مشکل اجتناب ناپذیر بنماید، اما با اندکی تامل متوجه می گردیم که با یک برنامه ریزی ساده می توان به راحتی و تا حدود زیادی از بروز چنین معضلاتی جلوگیری نمود و در راستای مدیریت سبز قاتلان خاموش محیط زیست گام موثر برداشت.

- استفاده از ظروف یکبار مصرف گیاهی کارشناسان امر غذا و دارو، استفاده از ظروف یکبار مصرف گیاهی را به دلیل برخورداری از مزایای خوب سلامت، به تمامی خانواده ها و صنوف توصیه می کنند. این ظروف با فرهنگ سازی باید جایگزین ظرف یکبار مصرف پلاستیکی گردند.
- در این راستا از مردم و فعالین محیط زیست تقاضا می گردد با کار فرهنگی جهت حذف این ظروف در میان خانواده ها و عزاداران و جایگزین آن با ظروف یکبار مصرف با پایه گیاهی و یا پرداخت هزینه نداری به افراد نیازمندی که می شناسیم (و کم هم نیستند...) و یا هزینه آن را در اختیار موسسات خیریه قرار دهیم.
- از دولت، متخصصین و صاحبان صنایع تولید ظروف یکبار مصرف پلاستیکی درخواست می گردد تا با فراهم آوردن امکانات جهت تغییر خط تولید صنایع ظروف یکبار مصرف پلاستیکی به تولید ظروف گیاهی در راستای سلامت، بهداشت و حفظ محیط زیست قدم بردارند. با عنایت به این مساله که تعداد زیادی از افراد جامعه با اشتغال در این صنایع، امرار معاش می نمایند، تغییر خطوط تولید در این راستا امنیت شغلی کارکنان را با خطر مواجه نمی سازد.
- مرور قوانین و مقررات مدیریت پسماند، متضمن این واقعیت است که قانون، ماده و حتی تصره ای در مورد مدیریت پسماند ظروف یکبار مصرف پلاستیکی، در قانون اساسی ایران وجود ندارد. از این رو از مسئولان ذی ربط خواهشمندیم تا تدبیری در این خصوص بیاندیشند و در این خصوص قوانینی بر پایه مدیریت سبز و توسعه

در راستای دفع این زائدهات می توان بیان کرد که تجزیه آن ها شاید ۳۰۰ الی ۵۰۰ سال به طول بیانجامد. هم چنین این ظروف، پس از استفاده بارها شدن در سطح شهر، موجب ایجاد آلودگی در شهر شده و به دنبال آن با ورود این زباله ها در جوی آب و نهرهای داخل شهر و هدایت به فضلاب های شهری و نهایتا حرکت به سمت پایین شهر، موجب گرفتگی و جمع شدن آب جوی ها و طغیان جریان آب آلوده به خیابان ها و سطح شهر گشته و موجب راه بندان و مختل شدن حرکت مردم در بعضی از نواحی شهر می گردد. با انتقال و نفوذ آب های آلوده به زمین های کشاورزی، خاک کشاورزی، آلوده و حاصلخیزی خاک این زمین ها کمتر می شود. حتی این آلودگی می تواند با ورود به چرخه غذایی انسان باعث کاهش مصونیت بدن در مقابل بعضی از بیماری ها گردد. به طوری که در بعضی مواقع باعث افزایش، نشر و شیوع بیماری های همه گیر شده و موجب بالا رفتن هزینه درمان در جامعه شود.

۳- اقتصادی: ثروت های خدادادی چون مواد نفتی، به جای اینکه در کشور در ساخت قطعات و تجهیزات صنعتی با کاربری بالا مورد بهره برداری قرار گیرد، در ساخت ظروف یکبار مصرف پلاستیکی مورد استفاده قرار گرفته و بدین وسیله «طلای سیاه» به چیز کم بها تبدیل می گردد؛ که استفاده از آن برای چند دقیقه و دفع زباله آن به علت داشتن طول عمر زیاد و تجزیه ناپذیری، سال ها طول به طول انجامد و بسیار پرهزینه باشد. در ضمن با کمبود کارخانه های بازیافت بسیاری از این پسماندها به چرخه بازیافت باز نگشته که علاوه بر خطرات زیست محیطی هزینه های مصرفی نیز جبران نمی گردد.

۴- بهداشتی: به تازگی مشکل بزرگ تری در تولید ظروف یکبار مصرف پلاستیکی پیش آمده است و این مشکل همان بازیافت یا ساخت ظروف یکبار مصرف از زباله پلاستیکی غیر بهداشتی است. تولید این ظروف بیشتر در کارگاه هایی انجام می شود که هیچ مجوزی از نهاد یا ارگان رسمی ندارند و به دور از چشم مأمورین بهداشت، اقدام به تولید ظروف یکبار مصرف از ضایعات آلوده می شود. از آنجا که ظروف یکبار مصرف بازیافتی معمولاً از میان زباله های آلوده به انواع میکروبها



بانک:

مناطق آزاد به فکر جذب منابع از فاینانس ۲۵ میلیارد دلاری باشند

حوزه تامین زیرساخت‌های انرژی و مخابرات برای توسعه سرمایه‌گذاری انجام شده است. وی در بخش دیگر سخنان خود ضمن ابراز تعجب از انتقادات شدید به مناطق آزاد و تاکید بر شفاف‌سازی و تبیین بیشتر عملکرد و اهداف مناطق آزاد، گفت: هیچ عملکرد خلاف قانون در این مناطق وجود ندارد و جای تعجب دارد که چرا در حق مناطق آزاد جفا شده است.

مرتضی بانک اظهار داشت: حجم قابل قبولی از فعالیت‌های صنعتی در بخش‌های مختلف با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و اشتغال نزدیک به ۱۳ هزار نفری انجام شده و این عملکرد بسیار مهم و ارزشمند است.

بانک با بیان اینکه در حال حاضر بخش صنایع منطقه نیاز به توسعه فیزیکی بیشتر و ایجاد شهرک جدید دارند، گفت: سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در این منطقه قابل قبول است اما می‌بایست مشارکت‌های خارجی بیشتری در بخش‌های تولیدی، صنعتی و گردشگری جلب شود.

مشاور رئیس جمهور خدمات چهار ساله آقای ترکان و همکارانشان در دبیرخانه شورایی مناطق آزاد و مدیران عامل مناطق در دولت یازدهم را بسیار ارزشمند توصیف کرد و گفت: آقای ترکان و همکارانشان در طول چهار سال با پیگیری‌ها و حرکت‌های نو، موثر و مفید برنامه‌های بسیاری را در مناطق آزاد پیاده‌سازی کردند که آمارها و عملکرد این مناطق از سال ۹۲ تاکنون با قبل از آن قابل مقایسه نیست. وی با اشاره به شائبه‌ای که در خصوص

مرتضی بانک در جمع مدیران و معاونین ارس ضمن ابراز رضایت از فعالیت‌های این منطقه بر مطالعه و طراحی پروژه‌های ضروری زیربنایی و تامین مالی از طریق فاینانس تاکید کرد.

دبیر شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ارس را منطقه‌ای بسیار مهم و استراتژیک خواند و گفت: نشاط، بالندگی و سرزندگی در منطقه آزاد ارس حس شد.

او افزود: می‌توان احساس تحرک و فعالیت و اجرای برنامه‌های مختلف و متنوع در چارچوب برنامه‌های پیش‌بینی شده را در این منطقه مشاهده کرد.

وی اقدامات ارس در حوزه گردشگری را خوب ارزیابی کرد و گفت: فعالیت‌های منطقه آزاد ارس در بخش احداث پارک‌ها، فضاهای مناسب، احیاء و مرمت آثار تاریخی و تامین زیرساخت‌های مورد نیاز موجب افزایش جذب گردشگر در منطقه شده است.

وی افزود: با توجه به همسایگی و نزدیکی به چند کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه، می‌توان بیشتر از خدمات پشتیبانی کننده توسط سرمایه‌گذاران و برندهای هتلداری و هتل‌سازی در منطقه استفاده کرد.

خیز صنعتی در ارس برداشته شده است جفا در حق مناطق آزاد

مرتضی بانک در جمع مدیران سازمان منطقه آزاد ارس با بیان اینکه خیز صنعتی در ارس برداشته شده است، گفت: فعالیت‌های بسیار خوبی در صنایع مختلف تولیدی، کشاورزی، گردشگری، فرهنگی و آموزشی و همچنین در

مشاور عالی رئیس جمهور و دبیر شورایی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ایران در سفر یک روزه خود به منطقه آزاد ارس از پروژه‌های صنعتی، تجاری، عمرانی و فرهنگی ارس دیدن کرد.

مشاور عالی رئیس جمهور در ابتدای این سفر، از کلیسای ثبت جهانی شده سنت استپانوس، پارک ۱۰ هکتاری درنا و کاروانسرای خواجه نظر دیدن به عمل آورد.

وی در ادامه از واحدهای تجاری، صنعتی و کشاورزی منطقه آزاد ارس نیز بازدید کرد. بازدید از مجتمع گلخانه‌ای تارلا امین به عنوان بزرگ‌ترین مجتمع گلخانه‌ای خاورمیانه و کارخانه آذرتجه‌ی طب، تنها تولیدکننده کیسه خون و دستکش‌های جراحی در ایران از جمله برنامه‌های بازدید پیش از ظهر بانک بود. مشاور عالی رئیس جمهور، همچنین از کارخانه پانچوب (تولید کننده MDF)، دنیلی (تولید کننده انواع کفش)، پارا پلاستیک (تولید کننده محصولات نایلونی) نیز دیدن کرد.

در ادامه بازدید از پروژه‌های عمرانی و زیربنایی ارس، مرتضی بانک ضمن اظهار رضایت از اجرای پروژه کمربندی شرق جلفا در جریان آخرین وضعیت عملیات اجرایی این پروژه قرار گرفت.

مشاور رئیس جمهور در بازدید از منطقه آزاد ارس گفت: فاینانس ۲۵ میلیارد دلاری تامین شده و مناطق آزاد به فکر برنامه‌ریزی و تدوین پروژه‌های ضروری برای استفاده از این فرصت باشند.



آغاز کرده است. این منطقه در مجاورت دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان و جمهوری خودمختار نخجوان قرار گرفته است. شهر جلفا به عنوان مرکز این ناحیه صنعتی-تجاری، در زمینه تجاری و گمرکی دارای پیشینه‌ای ۱۰۰ ساله بوده و مرز مشترک ایران و جمهوری خودمختار نخجوان در جلفا به عنوان پرتودترین مرز مسافری ایران پس از فرودگاه‌های تهران مطرح است.

دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد ایران، منطقه آزاد ارس پس از منطقه آزاد کیش، دومین منطقه آزاد توسعه‌یافته و در حال رشد کشور است.

گفتنی است، مرتضی بانک که به عنوان مشاور عالی رئیس جمهوری در امور مناطق آزاد و رئیس دبیرخانه این مناطق از سوی رئیس جمهوری منصوب شده است، به منظور آشنایی با پیشرفت‌های مناطق آزاد در چهار سال اخیر، سفر دوره‌ای خود به این مناطق را

قاچاق کالا از مناطق آزاد وجود دارد، اظهار کرد: ورود کالا تحت کلید گمرک است و هیچ اتفاقی بدون نظارت گمرک و هماهنگی وزارت صنعت، معدن و تجارت نمی‌افتد.

دبیر شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، فعالیت منطقه آزاد ارس از جهت ورود و خروج کالا را پاک عنوان کرد و گفت: تجهیزات نظارتی گمرک منطقه هم در سطح مطلوبی است. بنا بر ارزیابی‌های انجام شده از سوی





لاریجانی تاکید کرد:

توسعه و رشد مطلوب فعالیت‌های اقتصادی ارس

تاکید قرار گرفته و در این راستا بازدید از مناطق مرزی از آذربایجان غربی آغاز شده و امروز بازدیدی از شهر مرزی جلفا داشتیم. وی افزود: برنامه بازدید از مناطق مرزی برای ارزیابی وضعیت فعالیت‌های انجام شده در زمینه امنیتی و اقتصادی است. علی لاریجانی با همراهی سعید شبستری سرپرست استانداری آذربایجان شرقی و استقبال مدیرعامل سازمان منطقه آزاد ارس، فرماندهان نظامی و انتظامی استان و اعضای شورای تامین شهرستان جلفا وارد این شهر مرزی شد. وی در این سفر در جریان فعالیت‌های منطقه آزاد ارس قرار گرفت. بازدید میدانی از سایت‌های صنعتی و بزرگ‌ترین مجتمع گلخانه‌ای خاورمیانه از برنامه‌های وی در ارس بود. رئیس مجلس شورای اسلامی روز گذشته نیز برای بررسی آخرین وضعیت احیای دریاچه ارومیه و دیدار با مسئولین استان آذربایجان غربی به ارومیه سفر کرد.

علی لاریجانی هدف از سفر به ارس را توسعه منطقه آزاد ارس و کمک به رشد مطلوب فعالیت‌های اقتصادی این منطقه عنوان کرد. وی در این سفر در جریان فعالیت‌های منطقه آزاد ارس قرار گرفت. بازدید میدانی از سایت‌های صنعتی و بزرگ‌ترین مجتمع گلخانه‌ای خاورمیانه از برنامه‌های وی در ارس بود. رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه بازدیدهای خود از مناطق مرزی از سایت‌های گلخانه‌ای و صنعتی منطقه آزاد ارس بازدید کرد. به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان منطقه آزاد ارس، علی لاریجانی بعد از استقبال مدیرعامل سازمان منطقه آزاد ارس و اعضای شورای تامین شهرستان جلفا، در گفتگو با خبرنگاران هدف از سفر به ارس را توسعه منطقه آزاد ارس و کمک به رشد مطلوب فعالیت‌های اقتصادی این منطقه عنوان کرد. وی گفت: ساماندهی مناطق مرزی در برنامه ششم توسعه مورد





در نشست مشترک شورای بازرگانی ایران و ترکیه مطرح شد:

افزایش همکاری‌های منطقه آزاد ارس و بندر ترابزون ترکیه

توسعه‌ای صورت گرفته قرار داد و اهمیت بندر ترابزون را در گسترش روابط تجاری و اقتصادی ایران و ترکیه تبیین کرد. بر اساس نتایج این دیدار و با تاکید مدیرعامل سازمان منطقه آزاد ارس، مقرر شد کارشناسان دو طرف ظرف مدت یک ماه، موانع موجود را بررسی و روش‌هایی برای اتخاذ تصمیمات قانونی به مراجع ذی‌ربط دو طرف ارائه کنند.

گفتنی است، نشست مشترک هیئت اعزامی اقتصادی آذربایجان شرقی و منطقه آزاد ارس با شورای مشترک بازرگانی ایران و ترکیه در محل سازمان همکاری‌های خارجی اقتصادی ترکیه روز گذشته برگزار شد و این بازدید در راستای این نشست به عمل آمد. علاوه بر رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد ارس، ایرج حاتمی و سونیا اندیش، از اعضای هیئت مدیره سازمان منطقه آزاد ارس نیز در این نشست حضور داشتند.

ترابزون یکی از کلان‌شهرهای ترکیه محسوب می‌شود و این بندر از دیرباز ارتباط تجاری و اقتصادی خوبی با ایران و تبریز داشته است. ترابزون در مسیر راه تجاری تاریخی جاده ابریشم میان استانبول و تبریز قرار دارد و سال‌ها مرکز تجاری بین‌المللی مهم این منطقه بوده است. این بندر می‌تواند یکی از راه‌های دسترسی منطقه آزاد ارس به کشورهای اروپایی باشد.

در نشست مشترک هیئت اقتصادی استان آذربایجان شرقی و منطقه آزاد ارس با شورای مشترک بازرگانی ایران و ترکیه بر افزایش همکاری‌های منطقه آزاد ارس و بندر ترابزون ترکیه تاکید شد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان منطقه آزاد ارس، در نشست مشترک شورای بازرگانی ایران و ترکیه، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد ارس ضمن تشریح موقعیت و مزیت‌های قانونی و اقتصادی منطقه آزاد ارس از تجار و سرمایه‌گذاران کشور ترکیه برای حضور و سرمایه‌گذاری در ارس دعوت کرد.

تبیین مزیت‌های سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد ارس و آذربایجان شرقی و بررسی راه کارهای همکاری بین دو کشور در زمینه سرمایه‌گذاری‌های مشترک و تجارت از اهداف مهم نشست مشترک بازرگانی ایران و ترکیه بود. رئیس هیئت مدیره سازمان منطقه آزاد ارس در ادامه این نشست، به همراه هیئت همراه از بندر ترابزون نیز بازدید کرد.

محسن خادم عرب‌باغی، ضمن تاکید بر لزوم همکاری طرفین، بر اهمیت ارتباط بندر ترابزون و منطقه آزاد ارس تاکید کرد. وی هم‌چنین با اشاره به لزوم تسریع در این همکاری، برای رفع موانع این ارتباط اقتصادی، قبول مساعد همکاری داد.

هم‌چنین در این بازدید، مدیر اجرایی این بندر، اعضای هیئت آذربایجان شرقی و منطقه آزاد ارس را در جریان اقدامات بهسازی و



رئیس جمهور در دیدار نخست وزیر ارمنستان:

باید از ظرفیت و توانمندی‌های مناطق آزاد تجاری در مرزهای دو کشور در جهت توسعه همکاری‌ها و تحرک در مناسبات تجاری و اقتصادی استفاده حداکثری داشته باشیم.



اسحاق جهانگیری در نشست مطبوعاتی خود به همراه نخست وزیر ارمنستان:

سقفی برای همکاری با ارمنستان قائل نیستیم. منطقه آزاد ارس فرصت خوبی برای مشارکت بخش خصوصی دو کشور است.



بازگشت به کار نیروهای مجتمع فولاد صنعت بناب در سال اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال

مناسب و سرحال در محیط کار حاضر می‌شوند. آرامش و انگیزه برای موفقیت هر چه بیشتر در مجتمع فولاد صنعت بناب در حال حاضر به وجود آمده است که متأسفانه در گذشته این آرامش به‌هم‌خورده بود و خانواده‌ها دچار نگرانی و بلا تکلیفی و عدم اطمینان از وضعیت اشتغال بودند که به لطف خدا و با حمایت‌های دکتر جهانگیری رئیس محترم گروه مالی گردشگری، هیات مدیره، مقامات استانی و فرماندار شهرستان و پیگیری و برنامه‌ریزی دقیق مدیریت حاضر آرامش به کارخانه باز گشته است.

خوشبختانه با همت و غیرت پرسنل تلاش‌گر و همراهی آنها با مدیریت مجتمع این آرامش حاصل شده است و در حال حاضر شرایطی به وجود آمده که ما این قول را به مقامات و خانواده‌ها می‌دهیم که نیروهایی که از کارخانه تعدیل شده‌اند به‌تدریج به سر کار خود باز گردند که تعداد ۲۰۰ نفر از این عزیزان به محل کار خود باز گشته‌اند و این روند به‌تدریج ادامه خواهد داشت.

فرزندان و جوانان امروز بدانند که آینده مملکت ما به آنها وابسته است و همت و اراده شما دانش‌آموزان در آینده راهگشا و همچنین هدایت‌کننده بخش‌های مختلف از جمله همین مجتمع خواهد بود و تحصیل و کسب علم و تخصص شما موفقیت این مجموعه‌ها را رقم خواهد زد. برگزاری جشن بزرگ غدیر و گردهمایی خانواده‌های پرسنل این مجتمع از بدو تأسیس برای اولین بار اتفاق می‌افتد و جای خوشحالی است که تشکیل این اجتماع صمیمی به سبب آرامش ایجاد شده شکل گرفته است.

محمدرضا ادریسی در پایان مراسم به تجلیل از دانش‌آموزان ممتاز به میمنت این ایام و عید بزرگ غدیر و برپایی این مراسم دستور جذب ۶۰ نفر از نیروهای تعدیل شده را نیز صادر کرد.



محمدرضا ادریسی مدیرعامل مجتمع فولاد صنعت بناب:
۲۰۰ نفر از نیروهای تعدیل شده این مجتمع به سر کار خود باز گشته‌اند و به‌تدریج نیروهای تعدیل شده دیگر نیز مشغول به کار خواهند شد

محمدرضا ادریسی مدیرعامل مجتمع فولاد صنعت بناب که در جمع ۳۰۰ نفری خانواده‌ها و در آئین تجلیل از دانش‌آموزان ممتاز پرسنل حضور یافته بود گفت:

رمز موفقیت آقایان همراهی و حمایت همسران آنهاست و این خانواده‌ها هستند که آرامش و امنیت را در خانه برقرار می‌کنند و آقایان با روحیه‌ای



دارد که محصولات تولیدی در فولاد شاهین بناب در بازارهای خارجی هم با استقبال روبرو شده و صادرات بیشتری داشته باشد.

توزیع پکیج آموزشی در آستانه ماه مهر بین فرزندان دانش آموز پرسنل مجتمع فولاد صنعت بناب

همزمان با جشن بزرگ غدیر و تجلیل از دانش آموزان ممتاز پرسنل مجتمع فولاد صنعت بناب، پکیج‌های آموزشی برای کلیه مقاطع تحصیلی توزیع شد.

به گزارش روابط عمومی مجتمع فولاد صنعت بناب، نورالله خیری مدیر روابط عمومی این مجتمع گفت: روز پنجشنبه مورخه ۱۶ شهریور جشن بزرگ غدیر با حضور مدیرعامل، قائم‌مقام مدیرعامل، معاون مالی و اداری و همچنین مسئولین شهرستان در حضور خانواده‌های پرسنل مجتمع فولاد صنعت بناب، آئین تجلیل از دانش آموزان ممتاز پرسنل این مجتمع برگزار شد و همزمان با این مراسم پکیج‌های آموزشی (لوازم التحریر) بین کلیه دانش آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی توزیع شد.

مدیر روابط عمومی این مجتمع هدف از برگزاری این مراسم را ایجاد نشاط و همدلی بین کارکنان عنوان کرد و گفت: مجموعه مدیریتی مجتمع فولاد صنعت بناب در کنار توجه و تأکید بر مسائل تولیدی به مسائل رفاهی و معیشتی پرسنل این مجتمع نیز توجه ویژه دارند و در این راستا جشن بزرگی با حضور بیش از ۳۰۰۰ نفر از اعضای خانواده کارکنان با اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری برگزار شد و در این مراسم از دانش آموزان ممتاز تجلیل به عمل آمد.

خیری ادامه داد: با توجه به سیاست‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی شده در حوزه رفاهی و منابع انسانی در موارد مختلف اقداماتی انجام شده بود فلذا با توجه به اینکه در آستانه ماه مهر و آغاز سال تحصیلی جدید هستیم به منظور بالا بردن روحیه دانش آموزان و ایجاد نشاط و انگیزه تحصیل آنها، پکیج‌های آموزشی در بسته‌های مناسب و با طراحی خوب، بین کلیه دانش آموزان در مقاطع مختلف توزیع شد.

فرماندار شهرستان بناب: تفکر موجود در مدیریت مجتمع فولاد صنعت بناب تفکر رشد، ارتقاء و پیشرفت است

ولی اله فرج الهی فرماندار شهرستان بناب که در جمع ۳۰۰۰ نفری خانواده‌های پرسنل این مجتمع در جشن بزرگ غدیر و آئین تجلیل از دانش آموزان ممتاز پرسنل حضور یافته بود با تقدیر از برگزاری این مراسم گفت: از مدیران ارشد فولاد شاهین بناب به سبب توجه به مسائل رفاهی پرسنل و فرزندان آنها که در کنار افزایش تولید به مسائل معیشتی و رفاهی هم پرداخته‌اند قدردانی می‌کنم.

در سایه حمایت‌های همه‌جانبه و سعصدا و توجه جناب آقای جهانگیری رئیس محترم گروه مالی گردشگری و مدیران و کارگران این مجتمع به جهت تلاش شبانه‌روزی برای احیاء و درخشش مجدد فولاد صنعت بناب که سرمایه بزرگی برای شمال غرب کشور است تشکر و قدردانی می‌کنم که با گذر از بحران گذشته ظرفیت تولید این مجتمع در حال حاضر از ۱۰ درصد به ۴۰ درصد افزایش یافته است و این مایه افتخار است.

مجتمع فولاد صنعت بناب در سال اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال عملاً ثابت کرد که در راستای فرمایش مقام معظم رهبری حرکت کرده است و امروز افزایش تولید این مجتمع افزایش اشتغال را نیز به دنبال داشته است و هر درصدی از افزایش تولید زنجیروار در زمینه‌های دیگر نیز اشتغال‌زا بوده است.

تفکر مدیریت موجود تفکر افزایش تولید، تفکر افزایش کیفیت و تفکر ارتقاء جایگاه مجامع فولاد صنعت بناب است و به همین جهت ما هم قول می‌دهیم که با تمام قوا مثل گذشته در کنار بخش خصوصی و این مجتمع باشیم چراکه تفکر مدیریت فعلی این مجتمع ثابت کرد که احیا و موفقیت این مجتمع، افزایش تولید و پایداری و افزایش اشتغال در این مجتمع قابل دستیابی است و افراد تعدیل شده به تدریج به محل کار خود باز خواهند گشت. در حال حاضر مشتریان زیادی علاقه‌مندند که محصولات این مجتمع را به سبب کیفیت بالا خریداری کنند و این پتانسیل و توان وجود





ماهنامه اقتصادی

کارایی

با بیش از ۵۰ هزار مشترک الکترونیکی

فرم اشتراک ماهنامه کارایی

حق اشتراک ۱۲ شماره در سال ۹۶ با پست سفارشی ۶۶۰.۰۰۰ ریال

حق اشتراک ۶ شماره در سال ۹۶ با پست سفارشی ۳۳۰.۰۰۰ ریال

لطفا مبلغ اشتراک را به حساب جاری ۹۷۱۷۰۷ بانک سپه، شعبه ۲۹ بهمن تبریز به نام سازمان مدیریت صنعتی تام آذربایجان واریز نموده فیش بانکی یا فیش تایید را به همراه فرم تکمیل شده به آدرس نشریه یا به شماره ۳۳۲۹۷۳۷۷-۰۴۱ فکس نمایید.

به پیوست فیش بانکی به شماره به مبلغ بابت حق اشتراک ماهنامه کارایی ارسال می شود

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

نام

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

نام خانوادگی:

آدرس پست الکترونیک:

نشانی:

کد پستی: تلفن:

آدرس دفتر نشریه : تبریز، کوی پرواز، خیابان شهید بابایی، کوچه ششم ششم، پلاک ۳۲



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده‌گی آذربایجان شرقی

www.imiazar.ir

Mini MBA

بازاریابی (Marketing)

مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک بازاریابی

تحقیقات بازاریابی

رفتار مصرف کننده

تقسیم بازار و تعیین بازارهای هدف

استراتژی محصول با رویکرد مدیریت در بازار

بازاریابی خدمات

۴,۵۰۰,۰۰۰ ریال

۴۰ ساعت

مدیریت استراتژیک

رهبری استراتژیک کسب و کار

تفکر استراتژیک

فرایند مدیریت استراتژیک

تحلیل های محیطی

انتخاب استراتژیک

تحلیل و انتخاب و اجرای استراتژی

۵,۵۰۰,۰۰۰ ریال

۴۸ ساعت

زنجان

۰۲۴-۳۳۳۴۴۰۹۸۷

اردبیل

۰۴۵-۳۳۷۴۹۳۱۴

ارومیه

۰۴۴-۳۳۴۶۶۱۵۰

تبریز

۰۴۱-۳۳۳۷۹۹۵۵-۸





سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گمی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

چهارمین سمینار حوزه مسکن:

چشم انداز بازار مسکن رونق یا رکود؟

محورهای سخنرانی:

- فرآیند شکل گیری و شناسایی دوره های رونق و رکود مسکن
- ارزیابی جذابیت مسکن در سالهای آینده
- تحلیل عوامل اثر گذار بر بازار مسکن: نرخ سود بانکی، رشد اقتصادی، نقدینگی، وام مسکن، قیمت نفت، بورس، دلار، طلا، برنامه های دولت دوازدهم و...
- وضعیت عرضه و تقاضا در بازار مسکن طی سالهای اخیر و پیش بینی سالهای آتی
- علل طولانی شدن خروج بازار مسکن از رکود
- پیش بینی بازار مسکن سالهای ۹۶ و ۹۷
- استراتژی های مناسب بازار مسکن: بخریم، بفروشیم، بسازیم یا...
- پرسش و پاسخ



دکتر بهروز ملکی

(تحلیلگر ارشد بازار مسکن)

سخنران :

- دکتری اقتصاد از دانشگاه تربیت مدرس
- مولف کتاب تحلیل بازار مسکن ایران (انتشارات سازمان مدیریت صنعتی)
- برگزار کننده ۲۵۰ سمینار «استراتژی سرمایه گذاری و تحلیل بازار مسکن» در مراکز مختلف
- انجام ۱۲۰ مصاحبه با رسانه های مختلف با موضوع اقتصاد مسکن
- مشاوره اقتصادی و سرمایه گذاری شرکت ها، هلدینگ های سرمایه گذاری و ساختمانی

مخاطبان سمینار:

۱. اعضا، نظام مهندسی ساختمان، انجمن پیمانکاران عمرانی و انجمن انبوه سازان مسکن
۲. سرمایه گذاران و سازندگان مسکن
۳. خریداران و فروشندگان مسکن
۴. مشاورین املاک
۵. شرکتهای سرمایه گذاری، ساختمانی و تولید کنندگان مصالح ساختمانی
۶. دانشجویان اقتصاد، مدیریت، عمران، صنایع، MBA و DBA

زمان برگزاری: متعاقبا اعلام خواهد شد.

هزینه ثبت نام: ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال (شامل گواهینامه دوزبانه، اسلاید های آموزشی، پذیرایی میان وعده و...)

شماره حساب: جاری ۹۷۱۷/۱۴ بانک سپه شعب ۲۹ بهمن تبریز بنام مدیریت صنعتی تام آذربایجان شماره کارت: ۵۶۹۰-۴۵۶۳-۱۰۱۱-۵۸۹۲ نزد بانک سپه بنام شرکت مدیریت صنعتی تام آذربایجان



تلفاکس: ۰۴۱-۳۳۲۹۷۶۴۶



سازمان مدیریت صنعتی

نمایندگی های شمالغرب



دوره مدیریت حرفه ای کسب و کار

(Doctorate of Business Administration)

مخاطبین دوره

مدیران ارشد و میانی بنگاه های اقتصادی - مشاوران ارشد کسب و کار - کارشناسان ارشد بنگاه های تولیدی و خدماتی

هدف دوره

هدف اصلی این دوره تربیت مدیران حرفه ای و آینده نگر است تا با دانش و مهارت های مدیریت کسب و کار آشنا شوند و بتوانند در تدوین جهت گیری های راهبردی و همچنین حل مسائل واقعی محیط کار موثر باشند. این دوره همچنین برای پاسخ دهی به نیاز تصمیم گیرندگان در صنایع مختلف طراحی شده است، تا ضمن آشنا کردن آن ها با دانش نوین در زمینه مدیریت کسب و کار در عرصه های رقابتی، آنان را برای ایفای موثر و کارآمد نقش معمار سازمانی تجهیز نماید.

✓ مدارک دوره های MBA و DBA سازمان مدیریت صنعتی توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت، به منظور جذب و بکارگیری در بنگاه های صنعتی، معدنی و تجاری کشور ارزیابی می گردد.

✓ مطابق آیین نامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، هر سال دوره آموزشی بلند مدت سازمان مدیریت صنعتی در طرح طبقه بندی مشاغل معادل یک و نیم سال تجربه محسوب می شود.

ارومیه ۰۴۴-۳۳۴۶۶۱۵۰

خیابان عمار-خیابان حج- سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان غربی

تبریز ۰۴۱-۳۳۳۳۳۶۰۰

کوی ولیعصر- انتهای خیابان شهریار شمالی-۲۰ متری صفا-سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی

زنجان ۰۲۴-۳۳۴۴۰۹۸۷

شهرک کارمندان- فاز ۳- خیابان اول- سازمان مدیریت صنعتی زنجان

اردبیل ۰۴۵-۳۳۷۴۹۳۱۴

کارشناسان- بالاتراز میدان وصال- سازمان مدیریت صنعتی اردبیل

راهکارهای نرم افزاری ERP برای شرکتهای متوسط و کوچک

نرم افزار مدیریت منابع سازمانی (ERP) راهکاری برای برنامه ریزی و کنترل فعالیت های اصلی سازمان به شمار می رود. مفهوم ERP از آغاز پیدایش آن از سال ۱۹۹۰ تاکنون تغییرات زیادی داشته و مسیر رو به بهبودی را طی می کند. با این حال این تصور وجود دارد که راهکارهای ERP برای سازمان های کوچک و متوسط مناسب نیستند و تنها سازمان های بزرگ می توانند از منافع آن بهره مند شوند. این تصور بر این پیش فرض استوار است که استفاده از ERP نیازمند صرف هزینه های بالای زیرساختی و سخت افزاری است و برای نگهداری آن به نیروهای متخصص مستقر در سازمان نیاز است. افزون بر این موارد، تصور می شود با توجه به پویایی و رشد بالای سازمان های متوسط و کوچک، سیستم های ERP، نمی توانند پاسخ گوی نیازهای این سازمان ها باشند.

امروزه، با ظهور فناوری های نوین در صنعت فناوری اطلاعات، بسیاری از این محدودیت ها بر طرف شده و شرایط استفاده از مزیت های راهکارهای ERP برای بهبود فرایند تصمیم گیری مدیران در زمینه های مهمی منابع در سازمان های کوچک و متوسط فراهم شده است. یکی از این فناوری ها که در رفع این محدودیت ها نقش اساسی ایفا می کند، فناوری رایانش ابری (Cloud Computing) است. از زمان ارائه راهکارهای ابری، این فناوری با استقبال خوب کسب و کارهای کوچک و متوسط روبرو شده و این شرکت ها، تمایل بیشتری به به کارگیری راهکارهای ابری نسبت به خرید نرم افزار و استقرار آن روی سرورهای داخلی خود دارند. در ادامه مهم ترین دلایل استقبال از راهکارهای ERP بر بستر ابر در شرکت های کوچک و متوسط را مرور می کنیم:

کاهش هزینه ها

راهکارهای ERP که با فناوری رایانش ابری (Cloud) ارائه می شوند، از مدل SaaS استفاده می کنند. در این مدل، نیازی به تهیه سخت افزار و زیرساخت نیست. همچنین این راهکارها برای نگهداشت، نیاز به نیروهای متخصص در سازمان ندارند. با این فناوری، راهکارهای ERP روی سرورهای شرکت ارائه دهنده این راهکارها نصب می شود و وظیفه نگهداشت سیستم ها نیز به عهده ارائه کننده خدمت است؛ شرکت هایی هم که می خواهند از این راهکارها استفاده کنند، بدون نیاز به خرید نرم افزار، متناسب با نیاز خود هزینه اشتراک پرداخت می کنند و از طریق اینترنت می توانند بدون محدودیت جغرافیایی از هر مکانی به راحتی از این راهکارها بهره ببرند.

امنیت

در مدل های رایج ERP، اطلاعات روی سرورهای شرکت ذخیره می شوند و مسئولیت حفاظت از آن ها به عهده خود شرکت است. این کار به دلیل هزینه های بالا و ریسک هک شدن توسط هکرها که دقیقاً می دانند اطلاعات کجا ثبت و نگهداری می شود، بسیار دشوار است.

اما در راهکارهای مبتنی بر رایانش ابری (Cloud)، اطلاعات روی سرورهای ارائه دهنده سرویس ذخیره می شوند. این سرورها با بالاترین استانداردهای امنیتی حفاظت می شوند و امکان هک شدن آن ها بسیار پایین است. همچنین از این اطلاعات به صورت دوره ای نسخه پشتیبان تهیه می شود و به دلیل نگهداری در نقاط مختلف، ریسک از دست دادن اطلاعات حتی بر اثر بلاهای طبیعی و حوادث غیرمترقبه از بین می رود.

این دلایل سبب می شود ریسک های امنیتی در راهکارهای ابری به حداقل برسد. برای درک بهتر تفاوت این دوروش، حفظ امنیت اطلاعات، امنیت نگهداری یک دارایی ارزشمند در صندوق امانات یکی از بانک های سوئیس را با امنیت یک گاوصندوق در منزل مقایسه کنید.

انعطاف پذیری

یکی از محدودیت های به کارگیری راهکارهای ERP در شرکت های کوچک و متوسط انعطاف پذیری پایین و هزینه های بالای توسعه آن است. دلیل این محدودیت این است که سازمان ها نیاز به تأمین زیرساخت و خرید حق امتیاز نرم افزار دارند و در صورت تغییر نیاز سیستمی، همه ی این هزینه ها باید دوباره انجام شوند. در راهکارهای ابری، به دلیل اینکه نیازی به تهیه زیرساخت و خرید حق امتیاز نرم افزار نیست، هزینه های راه اندازی در آن ها به شدت کاهش می یابد و در صورت نیاز به تغییر، به راحتی می توان تعداد کاربر را تغییر داد و بدون دغدغه در مورد هزینه های توسعه ی زیرساخت، با کمترین هزینه ی ممکن سیستم های جدید را به سیستم های موجود متصل کرد.

مجموعه ی این مزایا شرایطی را فراهم کرده که کسب و کارهای متوسط و کوچک، از این راهکارهای مبتنی بر رایانش ابری (Cloud) استقبال کنند و با خیال آسوده در خصوص مدیریت فرایندهای سازمانشان، روی اهداف توسعه کسب و کار خود تمرکز کنند.





Diba Naghsh
ENGINEERING GROUP

SINCE 2005



Best Place for Choosing The Best

Diba Naghsh
ENGINEERING GROUP

مهندسين مشاور ديبا نقش آريا
طراحی ساختمان های لوکس مسکونی، اداری، تجاری
(انتخاب برترین ها)

DIBA

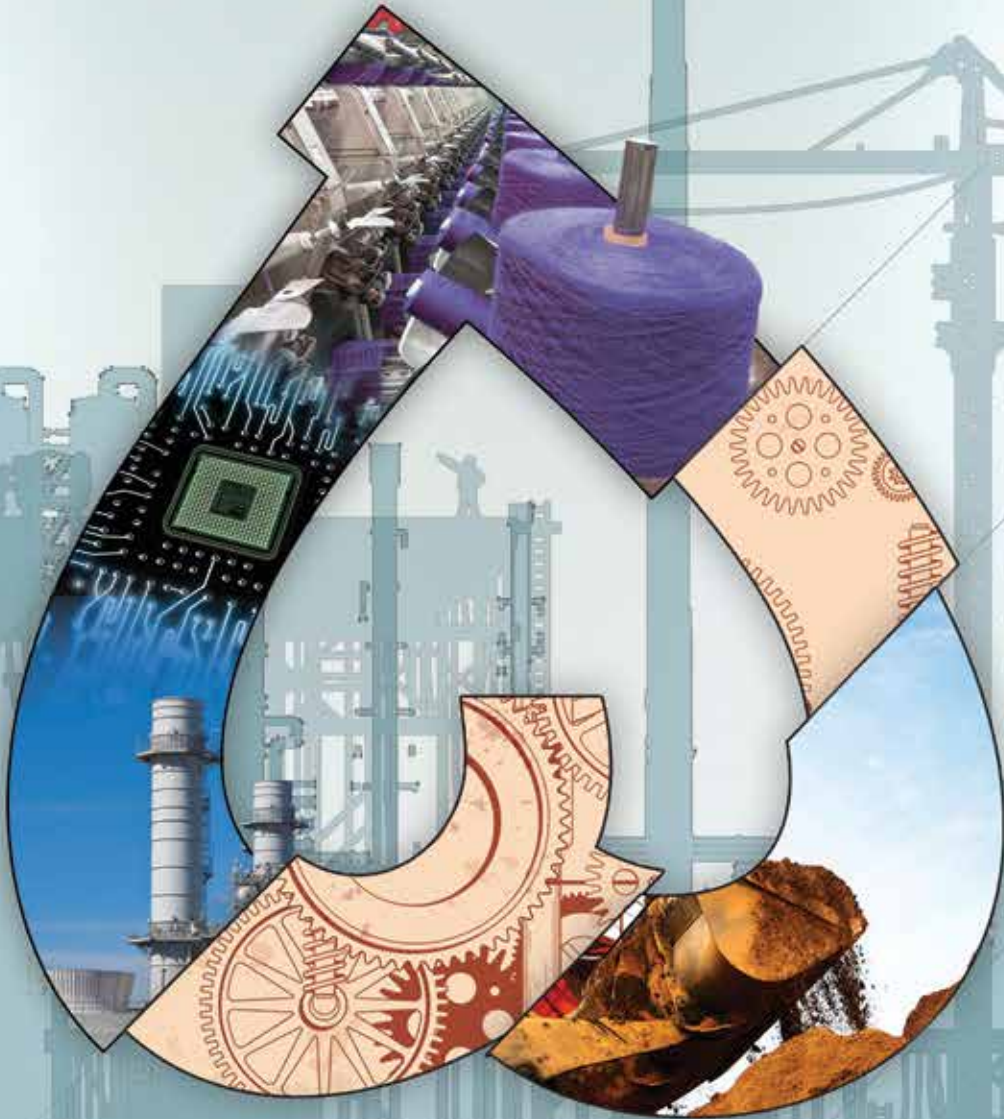
تلفن: ۰۴۱۳ ۳۳۳۳ ۸۸۴
(۱۰ خط)

آدرس: ولیعصر- خیابان فروغی- روبروی مسجد جوادالائمه- ۱۲ متری اورژانس
پلاک ۶- ساختمان ديبا نقش
email : www.nagsharia@yahoo.com



ایران تک

برترین شرکت های
منطقه غرب و شمال غرب



پنجمین دوره طرح معرفی برترین شرکت های غرب و شمال غرب

ایران تک

تبریز - آذر ۱۳۹۶

دبیرخانه دائمی: ۰۴۱-۳۳۲۹۷۶۴۶

www.iran-tac.ir

